

فاستقم كما أمرت
ومن تاب معك

سوره هود، آیه ۱۱۲

جرا باید مقاومت کرد؟

اگر تا آخر مقاومت کردید
قله را فتح خواهید کرد.



ایمان و اتکا به خدا



استقامت و صبر



هوشیاری در برابر دشمن



هزینه و دستاورد مقاومت



وعددهای الهی
و فتح قله‌ها



فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۲۱
ساختار مجموعه و شیوه مطالعه	۲۱
مقدمه.....	۲۳
درس اول: چرا باید مقاومت کرد؟.....	۲۵
سؤال محوری	۲۵
اهداف درس	۲۵
۱. مقاومت چیست؟	۲۵
از غریزه بقا تا انتخاب آگاهانه	۲۶
شاهد قرآنی	۲۶
مثال عینی	۲۶
۲. مقاومت در منطق قرآن؛ استقامت برای حق	۲۶
۳. ارکان مقاومت	۲۷
۴. مقاومت اسلامی چیست؟	۲۸
۵. چه زمانی مقاومت ارزشمند است؟	۲۸
اصل گفتمانی:	۲۹
۶. چرا انسان به مقاومت نیاز دارد؟	۲۹
۷. مقاومت، خشونت یا سازش؟	۲۹
فعالیت یادگیری.....	۳۰
خودارزیایی:.....	۳۰
جمع بندی درس:	۳۱
پیام های کلیدی	۳۱
درس دوم: جهان بر چه منطقی اداره می شود؟.....	۳۲
قدرت، سلطه و ضرورت قدرت سازی.....	۳۲
ارتباط با درس قبل و چگونگی ورود به این بحث	۳۲
سؤال محوری	۳۲
اهداف درس:.....	۳۲
۱. چرا برای فهم جهان باید از «قدرت» آغاز کرد؟	۳۳
ابعاد قدرت	۳۳

۲. نظام سلطه چیست؟ ۳۴
- ویژگی‌های نظام سلطه: ۳۴
۳. ملت بی‌قدرت؛ از وابستگی تا سلطه‌پذیری ۳۴
- زنجیره بی‌قدرتی ۳۵
۴. دو چهره نظام بین‌الملل ۳۵
۵. دولت مقاومت؛ راهبرد حفظ استقلال ۳۶
- دولت مقاومت $\neq$ انزواگرایی ۳۶
- فعالیت یادگیری ۳۷**
- فعالیت ۱ - حق و قدرت ۳۷
- فعالیت ۲ - ابزارهای سلطه ۳۷
- فعالیت ۳ - یک سؤال راهبردی ۳۷
- خودارزیایی: ۳۷**
- جمع‌بندی درس: ۳۸**
- پیام‌های کلیدی: ۳۸**
- درس سوم: سازش یا مقاومت؟ ۴۰**
- تحلیل عقلانی هزینه و فایده دو راهبرد ۴۰
- ارتباط با درس قبل و چگونگی ورود به این بحث ۴۰
- سؤال محوری ۴۰
- اهداف درس: ۴۰
۱. چرا باید با منطق هزینه و فایده تصمیم گرفت؟ ۴۱
- یک نکته مهم: ۴۱
- مثال ۴۱
- اصل گفتمانی: ۴۱
۲. سازش چیست و چه تفاوتی با تعامل دارد؟ ۴۲
۳. عاملیت؛ ملت مستقل یا بازیگر تابع؟ ۴۲
- مقایسه دو رویکرد ۴۲
- پیام کلیدی: ۴۳
۴. هویت؛ حفظ شخصیت یا استحاله تدریجی؟ ۴۳
- فرآیند احتمالی استحاله ۴۳
۵. امنیت؛ برون‌سپاری یا درون‌زایی؟ ۴۴

۴۴.....	مقایسه دو رویکرد:
۴۴.....	اصل گفتمانی:
۴۴.....	۶. هزینه‌های مقاومت؛ آیا مقاومت بی‌هزینه است؟
۴۵.....	۷. هزینه‌های پنهان سازش
۴۵.....	مثال ساده
۴۵.....	۸. مقایسه نهایی دو راهبرد
۴۶.....	۹. پس مقاومت همیشه برتر است؟
۴۶.....	فعالیت یادگیری
۴۷.....	فعالیت ۱ - دو نوع هزینه
۴۷.....	فعالیت ۲ - سه هزینه پنهان
۴۷.....	فعالیت ۳ - مقاومت یا تعامل؟
۴۷.....	خودارزیابی:
۴۸.....	جمع‌بندی درس:
۴۸.....	پیام‌های کلیدی:
۴۸.....	ارتباط با درس بعد
۵۰.....	درس چهارم: سنت‌های الهی مقاومت
۵۰.....	قوانین ثابت الهی در مسیر استقامت، نصرت و پیروزی حق
۵۰.....	ارتباط با درس قبل و چگونگی ورود به این بحث
۵۰.....	سؤال محوری:
۵۰.....	اهداف درس
۵۱.....	۱. سنت‌های الهی؛ قانون حاکم بر تاریخ
۵۱.....	۲. نقشه راه سنت‌های الهی
۵۲.....	محور اول: سنت تقابل حق و باطل
۵۲.....	۳. سنت تقابل؛ چرا مسیر حق بدون چالش نیست؟
۵۲.....	۴. سنت غربال و تمییز صفوف
۵۳.....	پیام کلیدی:
۵۳.....	۵. سنت مکر الهی؛ شکست نقشه‌های باطل
۵۳.....	محور دوم: سنت ابتلاء و صبر
۵۳.....	۶. سنت ابتلاء؛ دشواری، بخشی از مسیر
۵۴.....	۷. صبر؛ تحمل منفعلانه نیست

۵۴.....	۸. استدراج و امهال باطل؛ چرا باطل گاهی فرصت پیدا می کند؟
۵۵.....	محور سوم: سنت نصرت الهی.....
۵۵.....	۹. نصرت الهی؛ وعده‌ای همراه با شرط.....
۵۵.....	شرایط مهم نصرت.....
۵۵.....	۱۰. سنت معیت الهی با صابران.....
۵۵.....	محور چهارم: سنت تدریج و تأخیر در پیروزی.....
۵۶.....	۱۱. چرا پیروزی همیشه فوری نیست؟.....
۵۶.....	محور پنجم: سنت پیروزی نهایی حق.....
۵۶.....	۱۲. غلبه حق بر باطل.....
۵۶.....	۱۳. عاقبت حق و وراثت صالحان.....
۵۷.....	جدول جامع سنت‌های الهی:
۵۷.....	فعالیت یادگیری:
۵۷.....	فعالیت ۱ - ابتلاء یا شکست؟.....
۵۸.....	فعالیت ۲ - سنت تدریج.....
۵۸.....	فعالیت ۳ - نصرت الهی.....
۵۸.....	خودارزیابی:
۵۸.....	جمع‌بندی درس
۵۹.....	پیام‌های کلیدی:
۵۹.....	ارتباط با درس بعد
۶۱.....	درس پنجم: پیامبران چگونه مقاومت کردند؟
۶۱.....	الگوهای قرآنی مقاومت برای انسان امروز
۶۱.....	ارتباط با درس قبل و چگونگی ورود به این بحث
۶۱.....	سؤال محوری:
۶۱.....	اهداف درس
۶۲.....	۱. مقاومت؛ سنت مشترک مسیر پیامبران.....
۶۲.....	اصل گفتمانی:.....
۶۳.....	۲. الگوهای قرآنی مقاومت.....
۶۳.....	۳. حضرت نوح(ع)؛ الگوی استقامت بلندمدت.....
۶۴.....	درس امروز.....
۶۴.....	پیوند با درس چهارم.....

۴. حضرت ابراهیم(ع)؛ مقاومت توحیدی و شکستن بت‌های فکری	۶۴
درس امروز	۶۴
پیوند با درس چهارم	۶۵
۵. حضرت موسی(ع)؛ مقاومت رهایی‌بخش در برابر سلطه فرعونى	۶۵
درس امروز	۶۵
۶. حضرت شعیب(ع)؛ مقاومت در برابر فساد اقتصادی و اجتماعى	۶۵
درس امروز	۶۶
پیام تربیتی	۶۶
۷. حضرت یوسف(ع)؛ مقاومت اخلاقی در دل ساختار قدرت	۶۶
درس امروز	۶۷
۸. طالوت و داود(ع)؛ مقاومت جمعی و غربال نیروها	۶۷
درس امروز	۶۷
پیوند با درس چهارم	۶۷
۹. پیامبر اکرم(ص)؛ الگوی جامع مقاومت و جامعه‌سازی	۶۸
درس امروز	۶۸
اصل گفتمانی:	۶۸
۱۰. سیر تکاملی الگوهای مقاومت	۶۹
نکته مهم	۶۹
پیام کلیدی:	۶۹
۱۱. ارکان مشترک الگوهای مقاومتی	۷۰
۱۲. کارکرد تربیتی این درس	۷۰
پنج درس اساسی برای انسان امروز	۷۰
فعالیت یادگیری	۷۱
فعالیت ۱ - انتخاب الگو	۷۱
فعالیت ۲ - مقاومت اخلاقی	۷۱
فعالیت ۳ - مقاومت در محیط ناموافق	۷۱
فعالیت ۴ - پیوند دو درس	۷۱
خودارزیابی	۷۲
جمع‌بندی درس	۷۲
پیام‌های کلیدی	۷۲

ارتباط با درس بعد	۷۳
درس ششم) دشمن را بشناس	۷۴
شناخت ساختار، اهداف و راهبردهای سلطه	۷۴
ارتباط با درس قبل و چگونگی ورود به این بحث	۷۴
سؤال محوری:	۷۴
اهداف درس:	۷۴
۱. چرا دشمن شناسی ضرورت دارد؟	۷۵
یک تفکیک مهم	۷۵
اصل گفتمانی:	۷۶
۲. دشمنی را چگونه باید تحلیل کرد؟	۷۶
چارچوب تحلیل	۷۶
۳. ساختار قدرت و سلطه	۷۶
نکته کلیدی:	۷۷
۴. ماهیت تقابل؛ اختلاف مقطعی یا تعارض منافع؟	۷۷
اصل گفتمانی:	۷۸
۵. اهداف دشمن در سه سطح	۷۸
اهداف بلندمدت	۷۸
اهداف میان مدت	۷۸
اهداف کوتاه مدت	۷۸
زنجیره تحلیل	۷۹
۶. راهبردهای سلطه چگونه عمل می کنند؟	۷۹
۷. جنگ شناختی؛ چرا ادراک اهمیت دارد؟	۷۹
۸. عرصه های مختلف تقابل	۸۰
اصل مهم: هر تهدید، پاسخ متناسب با خود را می طلبد	۸۱
۹. از دشمن شناسی تا راهبرد مقاومت	۸۱
فعالیت یادگیری	۸۱
خودارزیایی:	۸۲
جمع بندی درس:	۸۲
پیام های کلیدی:	۸۳
درس هفتم) صهیونیسم چیست؟	۸۴

شناخت ماهیت، اهداف و چرایی تقابل با جمهوری اسلامی ایران	۸۴
ارتباط با درس قبل و چگونگی ورود به این بحث	۸۴
سؤال محوری	۸۴
اهداف درس:	۸۴
۱. پیش از هر چیز: یهودیت، صهیونیسم و رژیم صهیونیستی چه تفاوتی دارند؟	۸۵
پیام کلیدی:	۸۵
۲. صهیونیسم چگونه شکل گرفت؟	۸۵
اصل گفتمانی:	۸۶
۳. تشکیل رژیم صهیونیستی و مسئله فلسطین	۸۶
نکته مهم:	۸۶
۴. صهیونیسم؛ یک جریان سیاسی - ایدئولوژیک	۸۷
اصل گفتمانی:	۸۷
۵. رژیم صهیونیستی در منطقه چه جایگاهی دارد؟	۸۷
۶. اهداف راهبردی رژیم صهیونیستی	۸۸
۱. حفظ موجودیت و امنیت	۸۸
۲. حفظ برتری منطقه‌ای	۸۸
۳. گسترش نفوذ	۸۸
۴. مقابله با تهدیدهای منطقه‌ای	۸۸
۵. مدیریت مسئله فلسطین	۸۸
نکته تحلیلی:	۸۸
۷. جمهوری اسلامی ایران چرا با رژیم صهیونیستی در تقابل است؟	۸۸
۸. زنجیره منطقی تقابل	۸۹
۹. رابطه صهیونیسم با «نظام سلطه»؛ پیوند درس ششم و هفتم	۸۹
۱۰. چرا شناخت صهیونیسم برای مقاومت ضروری است؟	۹۰
فعالیت یادگیری	۹۱
خودارزیابی	۹۱
جمع‌بندی درس:	۹۱
پیام‌های کلیدی:	۹۲
ارتباط با درس بعد	۹۲
درس هشتم) چرا با ایران دشمنی می‌کنند؟	۹۳

تحلیل ریشه‌ها، زمینه‌ها و اهداف تقابل با جمهوری اسلامی ایران ۹۳

ارتباط با درس قبل و چگونگی ورود به این بحث ۹۳

سؤال محوری: ۹۳

اهداف درس: ۹۳

۱. نخست باید میان اختلاف، رقابت و تقابل تفاوت گذاشت ۹۴
۲. انقلاب اسلامی چه تغییری در موقعیت ایران ایجاد کرد؟ ۹۴
۳. مهم‌ترین ریشه‌های تقابل با جمهوری اسلامی ایران ۹۵
- الف) استقلال و نفی سلطه ۹۵
- ب) هویت دینی و سیاسی انقلاب اسلامی ۹۵
- ج) مسئله فلسطین و رژیم صهیونیستی ۹۶
- د) نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران ۹۶
- ه) ظرفیت‌های قدرت و موقعیت ژئوپلیتیکی ایران ۹۶
۴. ریشه‌های تقابل را چگونه می‌توان در یک منظومه دید؟ ۹۷
۵. اهداف فشار و تقابل چیست؟ ۹۷
۶. ابزارهای تقابل ۹۸
۷. آیا هر فشار خارجی نتیجه موفقیت ایران است؟ ۹۸
۸. دشمنی‌شناسی بدون خودانتقادی ممکن نیست ۹۹
۹. نسبت این درس با درس‌های ششم و هفتم ۱۰۰

فعالیت یادگیری ۱۰۰

خودارزیابی: ۱۰۱

جمع‌بندی درس: ۱۰۱

پیام‌های کلیدی: ۱۰۱

درس نهم) چرا ایران یک قدرت راهبردی است؟ ۱۰۳

جایگاه جمهوری اسلامی ایران در هندسه نظم در حال گذار جهان ۱۰۳

ارتباط با درس قبل و چگونگی ورود به این بحث ۱۰۳

سؤال محوری: ۱۰۳

اهداف درس: ۱۰۳

۱. ژئوپلیتیک؛ وقتی جغرافیا به قدرت تبدیل می‌شود ۱۰۴

۲. چرا غرب آسیا یک منطقه راهبردی است؟ ۱۰۴

۳. چرا ایران از موقعیت ژئوپلیتیکی ممتازی برخوردار است؟ ۱۰۵

۴. از «موقعیت» تا «قدرت»: نقش انقلاب اسلامی	۱۰۵
۵. مؤلفه‌های قدرت راهبردی ایران	۱۰۶
الف) موقعیت ژئوپلیتیکی	۱۰۶
ب) ظرفیت‌های ملی	۱۰۷
ج) هویت تاریخی و تمدنی	۱۰۷
د) گفتمان انقلاب اسلامی	۱۰۷
هـ) کنشگری منطقه‌ای	۱۰۷
و) ظرفیت شبکه‌سازی و همکاری منطقه‌ای	۱۰۷
۶. ژئوپلیتیک مقاومت چیست؟	۱۰۷
تفاوت ژئوپلیتیک سنتی و ژئوپلیتیک مقاومت	۱۰۸
۷. ایران و هندسه نظم در حال گذار جهان	۱۰۸
۸. چرا قدرت راهبردی ایران با درس هشتم ارتباط دارد؟	۱۰۸
۹. چرا ایران یک قدرت راهبردی است؟ جمع‌بندی مؤلفه‌ها	۱۰۹
فرمول نهایی درس:	۱۱۰
فعالیت یادگیری	۱۱۰
خودارزیابی	۱۱۰
جمع‌بندی درس	۱۱۱
پیام‌های کلیدی	۱۱۱
ارتباط با درس بعد	۱۱۱
برای امروز	۱۱۲
درس دهم) دشمن چگونه با ایران مقابله می‌کند؟	۱۱۳
راهبردها و ابزارهای تقابل با جمهوری اسلامی ایران	۱۱۳
ارتباط با درس قبل	۱۱۳
سؤال محوری:	۱۱۳
اهداف درس:	۱۱۳
۱. از «چرا» به «چگونه»؛ منطق تقابل	۱۱۴
اصل تحلیلی	۱۱۴
۲. اهداف تقابل با جمهوری اسلامی ایران	۱۱۴
نکته تحلیلی:	۱۱۵
۳. تحول روش‌های تقابل	۱۱۵
۱۰	

نکته مهم	۱۱۵
۴. ابزارهای اصلی تقابل	۱۱۶
یک تفکیک ضروری:	۱۱۶
۵. جنگ ترکیبی چیست؟	۱۱۷
مثال تحلیلی	۱۱۷
۶. چرا جنگ شناختی اهمیت یافته است؟	۱۱۷
زنجیره ساده جنگ شناختی	۱۱۸
۷. داده و فناوری؛ میدان جدید اثرگذاری	۱۱۹
فرصت	۱۱۹
تهدید	۱۱۹
۸. نفوذ؛ اثرگذاری از درون	۱۱۹
اصل تحلیلی	۱۲۰
۹. رابطه قدرت راهبردی ایران و ابزارهای تقابل	۱۲۰
نتیجه:	۱۲۱
۱۰. پاسخ جامعه چیست؟	۱۲۱
نکته مهم:	۱۲۱
۱۱. الگوی ساده تحلیل یک عملیات رسانه‌ای یا شناختی	۱۲۱
۱. منبع چیست؟	۱۲۲
۲. ادعا چیست؟	۱۲۲
۳. شواهد چیست؟	۱۲۲
۴. احساس غالب چیست؟	۱۲۲
۵. چه چیزی حذف شده است؟	۱۲۲
۶. هدف احتمالی چیست؟	۱۲۲
قاعده طلایی:	۱۲۲
فعالیت یادگیری	۱۲۲
خودارزیابی	۱۲۳
جمع‌بندی درس	۱۲۳
پیام‌های کلیدی	۱۲۳
ارتباط با درس بعد	۱۲۴
برای امروز	۱۲۴

درس یازدهم) جنگ شناختی چگونه عمل می کند؟..... ۱۲۵

از تغییر باور تا تغییر ادراک، تصمیم و رفتار ۱۲۵

ارتباط با درس قبل ۱۲۵

سؤال محوری: ۱۲۵

اهداف درس:..... ۱۲۵

۱. جنگ شناختی چیست؟ ۱۲۶

اصل گفتمانی: ۱۲۶

مثال ساده ۱۲۶

۲. تفاوت جنگ سخت، جنگ نرم، عملیات روانی و جنگ شناختی ۱۲۶

یک نکته مهم: ۱۲۷

۳. چرا ذهن و ادراک به میدان مهمی تبدیل شده است؟ ۱۲۷

۴. مبانی اثرگذاری شناختی ۱۲۸

۵. جنگ شناختی چگونه عمل می کند؟ ۱۲۸

مرحله اول: اطلاعات و روایت ۱۲۹

مرحله دوم: ادراک ۱۲۹

مرحله سوم: احساس ۱۲۹

مرحله چهارم: محاسبه و ارزیابی ۱۳۰

مرحله پنجم: تصمیم ۱۳۰

مرحله ششم: رفتار ۱۳۰

نکته کلیدی: ۱۳۰

۶. تکنیک های رایج اثرگذاری شناختی ۱۳۱

۱. قاب بندی ۱۳۱

۲. برجسته سازی ۱۳۱

۳. حذف زمینه ۱۳۱

۴. تکرار ۱۳۱

۵. تحریک عاطفی ۱۳۱

۶. دوگانه سازی کاذب ۱۳۱

۷. استفاده از منبع یا چهره ظاهراً معتبر ۱۳۱

۸. انتشار اطلاعات نادرست یا همراه کننده ۱۳۱

۷. هدف نهایی اثرگذاری شناختی چیست؟ ۱۳۲

۸. چرا جنگ شناختی می‌تواند اثرگذار باشد؟..... ۱۳۲
- معیار مهم: ۱۳۳
۹. مصونیت شناختی چگونه ایجاد می‌شود؟..... ۱۳۳
- اصل اول: مکث کن ۱۳۳
- اصل دوم: منبع را بررسی کن ۱۳۳
- اصل سوم: تیتز را با متن مقایسه کن ۱۳۳
- اصل چهارم: منبع دوم پیدا کن ۱۳۳
- اصل پنجم: تاریخ و زمینه را بررسی کن ۱۳۳
- اصل ششم: احساس خود را بشناس ۱۳۳
- اصل هفتم: میان واقعیت و تفسیر تفاوت بگذار ۱۳۴
- اصل هشتم: احتمال خطای خود را بپذیر ۱۳۴
۱۰. یک الگوی عملی برای راستی‌آزمایی ۱۳۴
- فرمول ساده ۱۳۴
۱۱. یک مثال آموزشی ۱۳۵
۱۲. نقشه مفهومی درس ۱۳۵
- مسیر احتمالی اثرگذاری ۱۳۵
- مسیر مصونیت شناختی ۱۳۶
- فعالیت‌های یادگیری ۱۳۶
- فعالیت ۱: تحلیل یک محتوای رسانه‌ای ۱۳۶
- فعالیت ۲: مقایسه دو روایت ۱۳۶
- فعالیت ۳: تشخیص خطای رسانه‌ای ۱۳۷
- فعالیت ۴: تمرین «مکث شناختی» ۱۳۷
- خودارزیابی ۱۳۷
- جمع‌بندی درس: ۱۳۸
- پیام‌های کلیدی: ۱۳۸
- برای امروز ۱۳۸
- ارتباط با درس بعد ۱۳۹
- درس دوازدهم) عملیات روانی و مدیریت ادراک**..... ۱۴۰
- مهندسی افکار عمومی در میدان جنگ شناختی ۱۴۰
- ارتباط با درس قبل ۱۴۰

سؤال محوری:	۱۴۰
اهداف درس:	۱۴۰
۱. افکار عمومی چیست؟	۱۴۰
اصل کلیدی:	۱۴۱
۲. عملیات روانی و مدیریت ادراک چیست؟	۱۴۱
یک تمایز مهم:	۱۴۱
مثال ساده	۱۴۲
۳. افکار عمومی چگونه شکل می‌گیرد؟	۱۴۲
نکته کلیدی:	۱۴۲
۴. روش‌های عملیات روانی و مدیریت ادراک	۱۴۳
نکته مهم:	۱۴۳
۵. برجسته‌سازی با دروغ‌پردازی چه تفاوتی دارد؟	۱۴۳
۶. هدف‌های اصلی مهندسی افکار عمومی	۱۴۴
زنجیره اثرگذاری	۱۴۵
۷. چرا هیجان در عملیات روانی اهمیت دارد؟	۱۴۵
۸. چگونه در برابر عملیات روانی مصون بمانیم؟	۱۴۶
قاعده کاربردی سه‌مرحله‌ای:	۱۴۶
۹. یک الگوی ساده برای تحلیل پیام رسانه‌ای	۱۴۷
پنج پرسش طلایی	۱۴۷
۱۰. نقشه مفهومی درس	۱۴۷
نقطه مداخله آگاهانه	۱۴۸
فعالیت یادگیری	۱۴۸
فعالیت ۱: تحلیل یک پیام رسانه‌ای	۱۴۸
فعالیت ۲: برجسته‌سازی یا دروغ؟	۱۴۸
فعالیت ۳: دوگانه‌سازی کاذب	۱۴۸
فعالیت ۴: تمرین پنج پرسش	۱۴۸
خودارزیابی	۱۴۹
جمع‌بندی درس:	۱۴۹
پیام‌های کلیدی:	۱۴۹
برای امروز	۱۵۰

ارتباط با درس بعد	۱۵۰
درس سیزدهم: عرصه‌ها و سطوح مقاومت	۱۵۲
از شناخت میدان تا مسئولیت‌پذیری و کنش مؤثر	۱۵۲
جایگاه درس در زنجیره آموزشی	۱۵۲
سؤال محوری درس:	۱۵۲
اهداف یادگیری:	۱۵۲
۱. مقاومت چیست؟	۱۵۳
نکته کلیدی	۱۵۳
۲. سطوح مقاومت؛ مقاومت در چه مقیاسی رخ می‌دهد؟	۱۵۳
اصل مهم	۱۵۴
۳. سطح و عرصه مقاومت چه تفاوتی دارند؟	۱۵۴
۴. عرصه‌های مقاومت؛ مقاومت در چه حوزه‌هایی تحقق می‌یابد؟	۱۵۴
الگوی جامع عرصه‌های مقاومت	۱۵۵
۵. عرصه اعتقادی و هویتی	۱۵۶
۶. عرصه شناختی	۱۵۶
۷. عرصه فرهنگی و رسانه‌ای	۱۵۷
۸. عرصه اجتماعی	۱۵۷
نمونه‌های عملی	۱۵۸
۹. عرصه اقتصادی	۱۵۸
۱۰. عرصه سازمانی و مدیریتی	۱۵۸
۱۱. عرصه امنیتی و دفاعی	۱۵۹
عرصه امنیتی	۱۵۹
عرصه دفاعی و نظامی	۱۵۹
۱۲. از شناخت عرصه تا تشخیص مسئولیت	۱۶۰
۱۳. نقشه عملی مقاومت	۱۶۰
۱۴. نقش فرد در عرصه‌های مقاومت	۱۶۱
۱۵. موانع عمومی مقاومت	۱۶۲
۱۶. شاخص‌های مقاومت	۱۶۲
۱۷. فعالیت یادگیری	۱۶۳
فعالیت اول: شناسایی عرصه	۱۶۳

۱۶۳.....	فعالیت دوم: تحلیل یک موقعیت.....
۱۶۳.....	فعالیت سوم: اولویت‌بندی.....
۱۶۳.....	۱۸. خودارزیابی.....
۱۶۴.....	۱۹. برنامه اقدام فردی.....
۱۶۴.....	۲۰. نقشه مفهومی درس.....
۱۶۵.....	جمع‌بندی درس:.....
۱۶۶.....	پیام‌های کلیدی درس.....
۱۶۶.....	جمله پایانی درس:.....
۱۶۷.....	درس چهاردهم) الگوی جامع تحقق مقاومت
۱۶۷.....	از باور تا کنش، سازماندهی و قدرت‌سازی.....
۱۶۷.....	جایگاه درس در زنجیره آموزشی.....
۱۶۷.....	سؤال محوری:.....
۱۶۷.....	اهداف درس:.....
۱۶۷.....	۱. از «باور مقاومت» تا «تحقق مقاومت».....
۱۶۸.....	۲. اصل اول: ایمان؛ معنابخش مقاومت.....
۱۶۹.....	نکته کلیدی:.....
۱۶۹.....	۳. اصل دوم: بصیرت؛ جهت‌دهنده مقاومت.....
۱۶۹.....	نتیجه:.....
۱۶۹.....	۴. اصل سوم: خودسازی؛ تبدیل باور به ظرفیت.....
۱۷۰.....	اصل کاربردی:.....
۱۷۰.....	۵. اصل چهارم: کنشگری؛ تبدیل ظرفیت به عمل.....
۱۷۰.....	الگوی کنشگری مؤثر.....
۱۷۰.....	موانع رایج کنشگری.....
۱۷۱.....	۶. اصل پنجم: سازماندهی؛ تبدیل توان فردی به قدرت جمعی.....
۱۷۱.....	آسیب‌های سازماندهی ضعیف.....
۱۷۱.....	اصل مهم:.....
۱۷۲.....	۷. اصل ششم: قدرت‌سازی؛ خروجی نهایی فرایند مقاومت.....
۱۷۲.....	معیار اصلی:.....
۱۷۲.....	۸. پیوستگی شش اصل.....
۱۷۳.....	۹. موانع تحقق مقاومت.....

۱۰. نقش افراد در تحقق مقاومت.....	۱۷۳
اصل مشترک:.....	۱۷۴
۱۱. شاخص‌های قابل مشاهده تحقق مقاومت.....	۱۷۴
۱۲. از مقاومت فردی تا قدرت پایدار.....	۱۷۴
۱۳. نقشه مفهومی درس.....	۱۷۵
۱۴. فعالیت‌های یادگیری.....	۱۷۵
فعالیت اول: تشخیص نقطه ضعف.....	۱۷۵
فعالیت دوم: تبدیل باور به عمل.....	۱۷۶
فعالیت سوم: از فرد به جمع.....	۱۷۶
۱۵. خودارزیابی.....	۱۷۶
۱۶. برنامه اقدام فردی.....	۱۷۶
جمع‌بندی درس:.....	۱۷۷
پیام‌های کلیدی:.....	۱۷۷
پیوند با درس پانزدهم.....	۱۷۷
برای امروز.....	۱۷۸
درس پانزدهم) راهبری مقاومت	۱۷۹
از هدایت نیروها تا ساختن مسیر آینده.....	۱۷۹
جایگاه درس در زنجیره آموزشی.....	۱۷۹
عرصه‌ها و سطوح مقاومت.....	۱۷۹
سؤال محوری:.....	۱۷۹
اهداف درس:.....	۱۷۹
۱. راهبری مقاومت چیست؟.....	۱۸۰
۲. الگوی جامع راهبری مقاومت.....	۱۸۰
۳. ویژگی‌های راهبر مؤثر.....	۱۸۱
۴. راهبری؛ از «دستور دادن» تا «جهت دادن».....	۱۸۱
۵. تصمیم‌گیری در میدان مقاومت.....	۱۸۲
الگوی تصمیم‌گیری.....	۱۸۲
اصل کلیدی:.....	۱۸۲
۶. راهبری در شرایط بحران.....	۱۸۳
۷. سرمایه اجتماعی؛ پشتوانه راهبری مقاومت.....	۱۸۳

۱۸۳.....	۸. نقش ارتباطات و روایت در راهبری.....
۱۸۴.....	۹. تربیت نیرو و جانشین‌پروری.....
۱۸۴.....	۱۰. کار تیمی و هماهنگی؛ شرط تبدیل ظرفیت به قدرت.....
۱۸۵.....	۱۱. اخلاق راهبری.....
۱۸۵.....	۱۲. آسیب‌شناسی راهبری مقاومت.....
۱۸۶.....	۱۳. مدل پنج‌گانه راهبری.....
۱۸۶.....	۱۴. نقش‌های اصلی در راهبری مقاومت.....
۱۸۷.....	۱۵. شاخص‌های راهبری موفق.....
۱۸۷.....	۱۶. نقشه مفهومی درس.....
۱۸۸.....	فعالیت یادگیری.....
۱۸۸.....	فعالیت اول: تحلیل یک موقعیت.....
۱۸۸.....	فعالیت دوم: جانشین‌پروری.....
۱۸۹.....	فعالیت سوم: بحران.....
۱۸۹.....	خودارزیابی.....
۱۸۹.....	پرسش پایانی خودارزیابی:.....
۱۸۹.....	برنامه اقدام فردی.....
۱۹۰.....	جمع‌بندی درس:.....
۱۹۰.....	پیام‌های کلیدی.....
۱۹۰.....	ارتباط با درس شانزدهم.....
۱۹۱.....	برای امروز.....
۱۹۲.....	درس شانزدهم) افق آینده مقاومت.....
۱۹۲.....	ولایت‌مداری، زمینه‌سازی ظهور و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی.....
۱۹۲.....	جایگاه درس در زنجیره آموزشی.....
۱۹۲.....	سؤال محوری.....
۱۹۲.....	اهداف درس.....
۱۹۲.....	۱. افق آینده مقاومت؛ از حفظ وضع موجود تا ساختن آینده.....
۱۹۳.....	مسیر کلی حرکت.....
۱۹۳.....	۲. ولایت‌مداری؛ محور جهت و انسجام.....
۱۹۳.....	ابعاد ولایت‌مداری.....
۱۹۴.....	چرا ولایت‌مداری در این الگو اهمیت دارد؟.....
۱۸	

۱۹۴.....	۳. آرمان‌های انقلاب اسلامی؛ مقصدهای کلان حرکت
۱۹۴.....	نکته مهم
۱۹۵.....	۴. مسئولیت نسل امروز؛ آرمان‌گرایی همراه با کارآمدی
۱۹۵.....	مسئولیت‌های اصلی نسل امروز
۱۹۵.....	فرمول استمرار
۱۹۶.....	۵. مهدویت؛ افق امید و آینده‌نگری
۱۹۶.....	یک نکته اساسی
۱۹۶.....	۶. زمینه‌سازی ظهور؛ انتظار از حالت ذهنی تا عمل
۱۹۶.....	لایه‌های زمینه‌سازی
۱۹۷.....	۷. جامعه اسلامی؛ حلقه میان مقاومت و تمدن
۱۹۸.....	۸. تمدن نوین اسلامی؛ افق بلندمدت حرکت
۱۹۸.....	ویژگی‌های تمدن مطلوب
۱۹۸.....	بنابراین تمدن‌سازی یعنی:
۱۹۸.....	۹. نقش‌های مختلف در ساختن آینده
۱۹۹.....	۱۰. موانع تحقق افق آینده
۱۹۹.....	۱۱. امید؛ موتور حرکت به سوی آینده
۲۰۰.....	۱۲. از آرمان تا اقدام
۲۰۰.....	۱۳. نقشه جامع افق آینده مقاومت
۲۰۱.....	فعالیت‌های یادگیری
۲۰۱.....	فعالیت اول: سهم من در آینده
۲۰۱.....	فعالیت دوم: انتظار فعال
۲۰۱.....	فعالیت سوم: گفت‌وگوی نسلی
۲۰۱.....	خودارزیابی
۲۰۲.....	برنامه اقدام فردی
۲۰۲.....	جمع‌بندی درس
۲۰۳.....	پیام‌های کلیدی پایانی
۲۰۳.....	ارتباط با کل مجموعه
۲۰۴.....	سخن پایانی
۲۰۶.....	راهنمای رسمی مطالعه و پاسخ‌گویی به آزمون جامع کتاب «چرا باید مقاومت کرد؟»
۲۰۶.....	۱. مبنای طراحی آزمون

۲. چگونه کتاب الکترونیکی را مطالعه کنید؟ ۲۰۷
- الف) مسئله اصلی درس چیست؟ ۲۰۷
- ب) مفاهیم کلیدی درس کدام‌اند؟ ۲۰۷
- ج) ارتباط این درس با درس‌های دیگر چیست؟ ۲۰۷
- د) علت، پیامد و راه‌حل را از یکدیگر تفکیک کنید. ۲۰۷
- هـ) به قیدها و تفاوت‌های ظریف توجه کنید. ۲۰۸
۳. روش پیشنهادی مطالعه برای آزمون کتاب‌باز ۲۰۸
- مرحله اول: مطالعه کامل ۲۰۸
- مرحله دوم: مطالعه تحلیلی ۲۰۸
- مرحله سوم: مرور سریع پیش از آزمون ۲۰۸
۴. شیوه استفاده از کتاب در زمان آزمون ۲۰۹
۵. معیار دقیق نمره‌دهی ۲۰۹
۶. تفسیر پیشنهادی نمرات ۲۱۰
۷. نکته پایانی برای فراگیران ۲۱۰
- سوالات آزمون جامع «چرا باید مقاومت کرد؟» ۲۱۲**
- ۴۰ سؤال چهارگزینه‌ای استنباطی، تحلیلی و تلفیقی ۲۱۲
- بخش اول – مبانی، قدرت، هزینه و سنت‌های الهی ۲۱۲
- بخش دوم – دشمن‌شناسی، صهیونیسم، تقابل و قدرت راهبردی ایران ۲۱۴
- بخش سوم – جنگ ترکیبی، شناختی و عملیات روانی ۲۱۷
- بخش چهارم – از شناخت تا کنش، راهبری و افق تمدنی ۲۱۹



پیشگفتار

این مجموعه آموزشی با عنوان «چرا باید مقاومت کرد؟» برای استفاده در دوره‌های تربیت و تعالی فردی، به‌ویژه در قالب برنامه‌های غیرحضوری و مطالعاتی، تدوین شده است.

بخش اصلی و بنیادین محتوای این مجموعه، برگرفته از کتاب ارزشمند «چرا باید ایستاد»، تدوین پژوهشگاه امام صادق علیه‌السلام، است. در کنار این منبع اصلی، محتوای تکمیلی متناسب با نیازهای آموزشی مخاطبان این دوره‌ها با روش **مطالعه عمیق و فعالیت و آزمون کتاب** باز تدوین و افزوده شده است.

ساختار مجموعه و شیوه مطالعه

این مجموعه در شانزده درس سامان یافته است. مسیر آموزشی آن به‌صورت زنجیره‌ای طراحی شده و هر درس بر پایه درس پیشین استوار است؛ از این‌رو، مطالعه درس‌ها به ترتیب توصیه می‌شود.

مجموعه در سه بخش کلی پیش می‌رود:

✚ **بخش اول (درس‌های ۱ تا ۵):** مبانی دینی و مفهومی مقاومت، نسبت قدرت و حق، و سنت‌های الهی؛

✚ **بخش دوم (درس‌های ۶ تا ۱۲):** شناخت دشمن، تحلیل ساختار سلطه، قدرت راهبردی ایران و ابزارهای تقابل؛ از جمله جنگ شناختی و عملیات روانی؛

✚ **بخش سوم (درس‌های ۱۳ تا ۱۶):** عرصه‌ها و سطوح، الگوی تحقق مقاومت، راهبری و افق آرمانی مقاومت در مسیر ولایت‌مداری و تمدن نوین اسلامی.

هر درس شامل متن آموزشی، جداول تحلیلی، فعالیت یادگیری، خودارزیابی و برنامه اقدام فردی است. فراگیر می‌تواند پس از مطالعه هر درس و پیش از ورود به درس بعد، فعالیت‌ها و خودارزیابی مربوط را تکمیل کند.

توصیه‌هایی برای مطالعه مؤثر در نسخه الکترونیکی (کتاب باز)

این کتاب در قالب الکترونیکی تهیه شده است و معمولاً از طریق تلفن همراه یا رایانه مطالعه می‌شود. مطالعه از صفحه‌نمایش، در مقایسه با مطالعه نسخه چاپی، ممکن است تمرکز مخاطب را کاهش دهد؛ بنابراین برای بهره‌گیری بهتر از مطالب، توصیه می‌شود فراگیران به مطالعه‌ای فعال و تأملی توجه داشته باشند.

در این راستا پیشنهاد می‌شود:

✚ هر درس در زمان و محیطی آرام مطالعه شود؛

نکات اصلی، مفاهیم کلیدی و پرسش‌های مهم در دفترچه یا فایل یادداشت ثبت گردد؛

✚ از مطالعه هر بخش، زمانی برای تأمل در پیام‌ها و نسبت آن با وظایف فردی و اجتماعی اختصاص یابد؛
جداول تحلیلی و فعالیت‌های یادگیری با دقت تکمیل شود؛

✚ پیش از پاسخ‌گویی به سؤالات، از فهم ارتباط میان مفاهیم هر درس و پیوند آن با درس‌های پیشین اطمینان حاصل شود.

هدف از این مجموعه، صرفاً انتقال اطلاعات نیست؛ بلکه تلاش دارد زمینه فهم عمیق، تحلیل آگاهانه، تقویت انگیزه، رشد بصیرت و آمادگی برای نقش‌آفرینی مسئولانه در میدان مقاومت را فراهم آورد. از این رو، یادداشت‌برداری، تفکر، گفت‌وگو و تبدیل آموخته‌ها به برنامه عمل، بخشی اساسی از فرایند یادگیری این مجموعه به‌شمار می‌آید.

این مجموعه برای پاسداران، بسیجیان، رزمندگان، مربیان و کارکنان نیروهای مسلح طراحی شده و هدف آن تعمیق بصیرت، تقویت انگیزه و تجهیز فراگیران برای نقش‌آفرینی آگاهانه در میدان مقاومت است.

مقدمه

پرسش «چرا باید مقاومت کرد؟» از بنیادی‌ترین پرسش‌های روزگار ما است. جهانی که سلطه، تحمیل اراده قدرت‌ها، جنگ شناختی، فشار اقتصادی و تهدیدهای سیاسی به بخشی از واقعیت آن تبدیل شده است، بیش از هر زمان دیگری نیازمند تبیین منطقی است که بتواند کرامت انسان، استقلال ملت‌ها و عدالت را حفظ کند. این کتاب در پی آن است که پاسخ این پرسش را نه از منظر احساسات و واکنش‌های مقطعی، بلکه از درون منظومه فکری رهبر معظم انقلاب اسلامی استخراج و تبیین کند.

در بیانات مجاهد شهید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (رضوان الله تعالی علیه)، مقاومت یک تاکتیک سیاسی یا راهبردی موقت نیست، بلکه یک «منطق» و یک «سنت الهی» است. ایشان مقاومت را چنین تعریف می‌کنند که «انسان یک راهی را انتخاب کند که آن را راه حق می‌داند و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این راه منصرف کند.» از همین رو، مقاومت پیش از آنکه یک رفتار بیرونی باشد، یک باور، یک محاسبه عقلانی و یک شیوه زیستن است.

در منظومه معرفتی ایشان، نقطه آغاز مقاومت، ایمان به خدا و اعتماد به وعده‌های الهی است. از نگاه معظم‌له، «مقاومت هم جز در سایه ایمان بالله و اتکاء بالله و اعتماد به وعده الهی ممکن نیست.» به همین دلیل، مقاومت هرگز بر احساسات زودگذر یا هیجان‌های مقطعی استوار نیست، بلکه بر یقین، امید و حسن‌ظن به سنت‌های تغییرناپذیر الهی تکیه دارد.

بر این مبنا، استقامت ستون اصلی مقاومت است. آیه شریفه «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» در بیانات رهبر انقلاب بارها به عنوان نقشه راه حرکت فردی و اجتماعی تکرار شده است. ایشان تأکید می‌کنند که «صبر یعنی ایستادگی کردن، مقاومت کردن، محاسبات درست خود را با خدعه‌گری دشمن تغییر ندادن، پیگیری اهداف و ادامه دادن راه.» بنابراین مقاومت، ایستایی و انفعال نیست؛ بلکه حرکتی فعال، هوشمندانه، امیدوارانه و مستمر در مسیر حق است.

در این منظومه، دشمن همواره می‌کوشد محاسبات جبهه حق را بر هم بزند؛ گاه با تهدید، گاه با تطمیع، گاه با تحریم و گاه با جنگ رسانه‌ای و روانی. از این رو، رهبر انقلاب بارها هشدار داده‌اند که بزرگ‌ترین خطر، تغییر دستگاه محاسباتی انسان و جامعه است. مقاومت یعنی حفظ قدرت تشخیص، گرفتار نشدن در وسوسه‌ها و ایستادن بر اصول، حتی هنگامی که هزینه‌هایی در پیش باشد.

از سوی دیگر، مقاومت در اندیشه ایشان هرگز به معنای نفی هزینه نیست؛ بلکه به معنای انتخاب هزینه‌ای است که عزت و آینده را تضمین می‌کند. ایشان تصریح می‌کنند که «هزینه‌ی تسلیم شدن به مراتب بیشتر از هزینه‌ی مقاومت کردن و ایستادگی کردن است» و در مقابل، مقاومت اگرچه با سختی همراه است، اما «دستاوردهای بسیار بزرگی» برای ملت‌ها به همراه دارد.

غایت این مسیر نیز صرفاً غلبه بر یک دشمن یا عبور از یک بحران نیست. در نگاه امام شهید، مقاومت زمینه‌ساز تحقق وعده‌های الهی، شکل‌گیری جامعه عادلانه و رسیدن به قله‌های پیشرفت و کمال انسانی است؛ چنان‌که می‌فرمایند: «اگر مقاومت کردید، آن وقت قله را فتح خواهید کرد؛ به قله‌ی حاکمیت دین خدا، حاکمیت حق و حاکمیت عدل خواهید رسید.»

از این منظر، مقاومت یک راهبرد مقطعی برای شرایط بحران نیست، بلکه هندسه‌ای کامل از اندیشه و عمل است؛ هندسه‌ای که از ایمان آغاز می‌شود، با استقامت و مجاهدت استمرار می‌یابد، در برابر تهدید و تطمیع تسلیم نمی‌شود، امید خود را از وعده‌های الهی می‌گیرد و در نهایت، عزت، استقلال، عدالت و پیشرفت را برای فرد و جامعه به ارمغان می‌آورد.

کتاب حاضر تلاشی است برای بازخوانی این هندسه معرفتی و عملی؛ تا نشان دهد که «چرا باید مقاومت کرد؟» و چگونه مقاومت، در منطق قرآن و منظومه ایشان، نه یک انتخاب احساسی، بلکه ضرورتی عقلانی، ایمانی و تمدنی است.

درس اول: چرا باید مقاومت کرد؟

این درس، سنگ بنای مفهومی کل مجموعه است. در این درس مفهوم مقاومت، چرایی آن، معیار مقاومت ارزشمند و ارکان آن تبیین می‌شود و همین مبانی، پایه درس‌های بعدی درباره مبانی قرآنی، الگوهای پیامبران، دشمن‌شناسی، راهبری و تحقق مقاومت خواهد بود.

سؤال محوری

چرا مقاومت یک ضرورت عقلانی، فطری و اسلامی است و چگونه می‌توان مقاومت اصیل را از مقاومت نادرست و جعلی بازشناخت؟

اهداف درس

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. مفهوم مقاومت را با زبان خود تبیین کند.
۲. شش رکن مقاومت را نام ببرد و برای هر کدام یک مصداق بیاورد.
۳. تفاوت مقاومت اسلامی را با سایر گونه‌های مقاومت توضیح دهد.
۴. مقاومت اصیل را از مقاومت جعلی با ذکر معیار تشخیص دهد.
۵. چرایی مقاومت را در چهار سطح فردی، اجتماعی، ملی و فراملی تحلیل کند.
۶. مقاومت، خشونت و سازش را با مثال از یکدیگر تفکیک کند.
۷. نقش عقلانیت و تناسب را در تشخیص و انتخاب شیوه مقاومت توضیح دهد.

۱. مقاومت چیست؟

نقطه آغاز هر حرکت آگاهانه، شناخت درست مفهوم آن است.

مقاومت صرفاً ایستادگی در برابر فشار یا تحمل سختی نیست؛ بلکه انتخابی آگاهانه و هدفمند برای پاسداری از حق، کرامت، استقلال، امنیت و ارزش‌های الهی و انسانی در برابر تهدید آنهاست.

مقاومت، بنابراین، یک کنش فعال است، نه واکنشی منفعل. انسان یا جامعه ابتدا وضعیت و تهدید را می‌شناسد، ارزش مورد دفاع را تشخیص می‌دهد و سپس با اراده و اقدام متناسب، برای حفظ آن وارد عمل می‌شود.

از غریزه بقا تا انتخاب آگاهانه

مقاومت در ابتدایی‌ترین سطح، از میل به بقا آغاز می‌شود؛ اما در انسان، به دلیل برخورداری از ایمان، اراده، کرامت، هویت و آرمان، از غریزه بقا فراتر می‌رود و به انتخابی آگاهانه برای حفظ حق، کرامت و استقلال تبدیل می‌شود.

شاهد قرآنی

خداوند درباره مؤمنانی که در راه حق ایستادگی کردند می‌فرماید:

«وَكَايْنٍ مِّنْ نَّبِيٍّ قَاتِلٍ مَّعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»

«و چه بسیار پیامبرانی که همراه آنان مردان الهی فراوانی جنگیدند؛ پس در برابر آنچه در راه خدا به آنان رسید، سست نشدند و ناتوان نگردیدند و تسلیم نشدند؛ و خداوند شکیبایان را دوست دارد.» (آل عمران: ۱۴۶)

این آیه، سه ویژگی مهم مقاومت را برجسته می‌کند: **وهن نکردن**، **ضعف نشان ندادن** و **تسلیم نشدن**. بنابراین مقاومت در منطق قرآن، صرفاً تحمل فشار نیست؛ بلکه حفظ اراده و ادامه مسیر حق در برابر سختی‌هاست.

مثال عینی

وقتی یک ملت در برابر فشار و تحریم، به جای تسلیم، مسیر تقویت توان داخلی و خوداتکایی را انتخاب می‌کند، این صرفاً تحمل فشار نیست؛ بلکه **تصمیمی آگاهانه برای حفظ استقلال و کاهش وابستگی** است.

پیام کلیدی:

مقاومت یعنی شناخت + اراده + اقدام هدفمند و متناسب برای پاسداری از حق.

۲. مقاومت در منطق قرآن؛ استقامت برای حق

در ادبیات قرآنی، مفهوم مقاومت با **استقامت** پیوندی نزدیک دارد.

خداوند به پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید:

«فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا»

«پس همان گونه که فرمان یافته‌ای، استقامت کن و نیز کسانی که همراه تو به سوی خدا بازگشته‌اند؛ و طغیان نکنید.» (هود: ۱۱۲)

نکته مهم این آیه آن است که استقامت، ایستادگی بی ضابطه یا لجاجت نیست؛ بلکه «همان گونه که مأمور شده‌ای» است. بنابراین مقاومت قرآنی، حق‌مدار، مأمورانه، هدفمند و محدود به مرزهای الهی است و نباید به طغیان، تعصب یا افراط تبدیل شود.

اصل مهم:

استقامت در منطق قرآن، پافشاری بر حق است؛ نه اصرار بر هر موضعی به صرف اینکه موضع خود ماست.

۳. ارکان مقاومت

مقاومت اصیل یک واکنش مبهم و صرفاً احساسی نیست؛ بلکه بر مجموعه‌ای از ارکان به هم پیوسته استوار است.

شش رکن مقاومت:

رکن	توضیح	مصادیق
حق یا ارزش	چیزی که شایسته دفاع و پاسداری است	دین، استقلال، کرامت، عدالت
تهدید	عامل یا وضعیتی که آن حق یا ارزش را نشانه گرفته است	تجاوز، سلطه، تحمیل، فشار
آگاهی	شناخت درست حق، تهدید، شرایط و پیامدهای تصمیم	تحلیل صحیح وضعیت و شناخت دشمن
اراده	آمادگی برای ایستادگی و تحمل هزینه در مسیر حق	عزم فرد یا جامعه
عقلانیت و تناسب	انتخاب سنجیده و متناسب روش و میزان اقدام با شرایط	انتخاب روش متناسب با نوع تهدید
اقدام	تبدیل شناخت و اراده به عمل واقعی و هدفمند	اقدام عملی، سازمان یافته و مسئولانه

این ارکان از یکدیگر جدا نیستند:

حق، جهت مقاومت را مشخص می‌کند؛ تهدید، ضرورت آن را نشان می‌دهد؛ آگاهی، شناخت لازم را فراهم می‌کند؛ اراده، توان ایستادگی می‌دهد؛ عقلانیت و تناسب، شیوه و میزان اقدام را تنظیم می‌کند؛ و اقدام، مقاومت را از شعار به واقعیت تبدیل می‌کند.

نبود هر یک از این ارکان می‌تواند مقاومت را از مسیر صحیح خارج کند و آن را به انفعال، رفتار هیجانی، افراط یا خشونت تبدیل سازد.

پیام کلیدی: مقاومت اصیل، مجموعه‌ای به هم پیوسته از حق، شناخت تهدید، آگاهی، اراده، عقلانیت، تناسب و اقدام است.

۴. مقاومت اسلامی چیست؟

مقاومت اسلامی از مقاومت صرفاً قومی، نژادی، سیاسی یا احساسی متمایز است.

در مقاومت اسلامی:

- حق، معیار حرکت است؛
- عدالت، هدف مقاومت است؛
- هدایت الهی، مبنای جهت‌گیری است؛
- عقلانیت و تناسب، شیوه اقدام را تنظیم می‌کند؛
- اخلاق، رمز رفتار است؛
- ظلم‌ستیزی، رسالت آن است.

بنابراین مقاومت اسلامی برای توسعه‌طلبی، انتقام یا تحمیل اراده بر دیگران نیست؛ بلکه برای دفاع از حق، کرامت انسان، استقلال، عدالت و مقابله با ظلم و سلطه شکل می‌گیرد.

۵. چه زمانی مقاومت ارزشمند است؟

آیا هر ایستادگی و مقاومت، ارزشمند است؟ خیر.

صرف «ایستادگی کردن» به تنهایی ارزش اخلاقی و دینی ایجاد نمی‌کند. معیار، جهت، هدف، مبنا و شیوه مقاومت است.

مقاومت زمانی ارزشمند است که:

- در مسیر حق باشد؛

- هدف آن رفع ظلم و دفع سلطه باشد؛
- بر پایه عقلانیت و هدایت الهی شکل گیرد؛
- میان هدف و روش، تناسب وجود داشته باشد؛
- اخلاق و عدالت نقض نشود؛
- به حفظ کرامت انسان بینجامد.

اگر ایستادگی در خدمت ظلم، تعصب یا منافع نامشروع باشد، ولو ظاهر آن مقاومت به نظر برسد، از منظر اسلامی فاقد ارزش است.

اصل گفتمانی:

معیار ارزش مقاومت، صرف ایستادگی نیست؛ معیار، حق و شیوه مشروع و عقلانی دفاع از آن است.

۶. چرا انسان به مقاومت نیاز دارد؟

مقاومت یک رفتار مقطعی نیست؛ بلکه در سطوح مختلف زندگی فرد و جامعه، برای حفظ ارزش‌ها و امکان پیشرفت ضرورت پیدا می‌کند.

سطح	هدف مقاومت
فردی	حفظ ایمان، هویت، کرامت، آزادی و امنیت فرد
اجتماعی	حفظ هویت، عدالت، نظم، امید، انسجام و مسیر پیشرفت جامعه
ملی	حفظ استقلال، تمامیت ارضی، امنیت ملی و امکان تصمیم‌گیری مستقل
فراملی	دفاع از امت اسلامی، حمایت از حق و مقابله با نظام سلطه

بنابراین مقاومت می‌تواند از مبارزه انسان با ضعف و انحراف درونی آغاز شود، در سطح جامعه به حفظ هویت و عدالت برسد، در سطح ملی از استقلال و امنیت پاسداری کند و در سطح فراملی در برابر سلطه و ظلم معنا پیدا کند.

پیام کلیدی: مقاومت در هر سطح، متناسب با همان سطح، برای حفظ حق، کرامت، هویت و امکان پیشرفت معنا پیدا می‌کند.

۷. مقاومت، خشونت یا سازش؟

مقاومت نه با خشونت یکی است و نه با سازش.

مقاومت	خشونت	سازش
دفاع آگاهانه از حق	استفاده نامشروع و بی‌ضابطه از زور	چشم‌پوشی از حق در برابر فشار یا ظلم
هدف‌مند و مسئولانه	هیجان‌محور یا تجاوزگرانه	منفعت‌محور یا مبتنی بر تسلیم
متکی بر عقلانیت و تناسب	فاقد مرز روشن اخلاقی	پذیرش سلطه یا عقب‌نشینی از حق
اخلاق‌مدار و عدالت‌گرا	نقض‌کننده کرامت و عدالت	نادیده گرفتن حق و عدالت

بنابراین: مقاومت اسلامی نه خشونت است و نه سازش؛ دفاعی مسئولانه، عقلانی، اخلاقی و متناسب از حق است.

این تفکیک اهمیت زیادی دارد؛ زیرا ممکن است خشونت با مقاومت اشتباه گرفته شود یا هرگونه گفت‌وگو و تعامل با «سازش» یکی دانسته شود. معیار، هدف، مبنا، روش و نسبت آن با حق و عدالت است.

فعالیت یادگیری

فعالیت ۱. یک نمونه واقعی، تاریخی یا معاصر، از مقاومت اصیل و یک نمونه از مقاومت جعلی یا نادرست پیدا کنید و با استفاده از معیارهای این درس توضیح دهید چرا این دو از یکدیگر متفاوت‌اند.

فعالیت ۲. برای هر یک از شش رکن مقاومت، یک مصداق از زندگی شخصی، خانوادگی، اجتماعی یا ملی بنویسید.

فعالیت ۳. یک موقعیت فرضی انتخاب کنید که در آن میان «مقاومت»، «خشونت» و «سازش» امکان اشتباه وجود دارد. توضیح دهید با چه معیارهایی می‌توان انتخاب درست را تشخیص داد.

خودارزیابی:

- (۱) شش رکن مقاومت را نام ببرید.
- (۲) چرا «حق» معیار اصلی ارزش مقاومت است؟
- (۳) نقش عقلانیت و تناسب در مقاومت چیست؟
- (۴) آیه آل‌عمران ۱۴۶ چه ویژگی‌هایی از مقاومت را بیان می‌کند؟
- (۵) آیه هود ۱۱۲ چه تفاوتی میان استقامت و پافشاری بی‌ضابطه ایجاد می‌کند؟
- (۶) تفاوت مقاومت با خشونت در یک جمله چیست؟
- (۷) تفاوت مقاومت با سازش در یک جمله چیست؟

۸) مقاومت در کدام سطح - فردی، اجتماعی، ملی یا فراملی - برای شما در حال حاضر کاربرد بیشتری دارد؟ چرا؟

جمع‌بندی درس:

مقاومت، ستون فقرات حیات فردی و اجتماعی انسان مؤمن است؛ نه صرفاً واکنشی سیاسی یا نظامی، بلکه انتخابی آگاهانه، عقلانی و مسئولانه برای پاسداری از حق، کرامت، استقلال و عدالت.

در منطق قرآن، مقاومت با استقامت در مسیر حق پیوند دارد؛ استقامتی که نه به سستی و تسلیم می‌انجامد و نه به طغیان و افراط.

مقاومت اصیل زمانی شکل می‌گیرد که حق یا ارزش مورد دفاع، تهدید موجود، آگاهی، اراده، عقلانیت و تناسب، و اقدام هدفمند در کنار یکدیگر قرار گیرند.

از این رو، هر ایستادگی‌ای مقاومت ارزشمند نیست. مقاومت اسلامی، مقاومتی حق‌محور، عدالت‌گرا، اخلاق‌مدار، عقلانی و متناسب است که هدف آن دفاع از حق و مقابله با ظلم و سلطه است.

پیام‌های کلیدی

- ✚ مقاومت، انتخابی آگاهانه برای پاسداری از حق است.
- ✚ مقاومت اصیل بر حق، آگاهی، اراده، عقلانیت، تناسب و اقدام استوار است.
- ✚ استقامت قرآنی، ایستادگی در مسیر حق و در چارچوب فرمان الهی است.
- ✚ هر ایستادگی‌ای مقاومت ارزشمند نیست؛ معیار، حق و شیوه مشروع دفاع از آن است.
- ✚ مقاومت اسلامی نه خشونت است و نه سازش؛ دفاع مسئولانه، اخلاقی و عقلانی از حق است.
- ✚ مقاومت از فرد آغاز می‌شود، در جامعه و ملت امتداد می‌یابد و در برابر سلطه در سطح فراملی نیز معنا پیدا می‌کند.

درس دوم: جهان بر چه منطقی اداره می‌شود؟

قدرت، سلطه و ضرورت قدرت‌سازی

ارتباط با درس قبل و چگونگی ورود به این بحث

درس اول به این پرسش پاسخ داد که «چرا باید مقاومت کرد؟» و مقاومت را انتخابی آگاهانه برای پاسداری از حق، کرامت، استقلال و عدالت دانست.

اما یک پرسش مهم باقی می‌ماند:

اگر حق، معیار مقاومت است، چرا در جهان واقعی، ملت‌ها و دولت‌هایی که خود را محق می‌دانند، گاه با جنگ، تحریم، اشغال، فشار و مداخله روبه‌رو می‌شوند؟

پاسخ این پرسش ما را به مفهوم قدرت می‌رساند.

حق، جهت و مشروعیت مقاومت را مشخص می‌کند؛ اما قدرت، امکان دفاع از حق و تحقق آن را فراهم می‌سازد. از این‌رو، درس دوم حلقه پیوند میان «حق» در درس اول و «راهبرد مقاومت» در درس‌های بعدی است.

اصل پیوندی دو درس:

حق، جهت مقاومت است؛ قدرت، توان تحقق و دفاع از آن.

سؤال محوری

اگر جهان امروز بر پایه عدالت و حقوق اداره می‌شود، چرا ملت‌ها همچنان با جنگ، اشغال، تحریم، کودتا و سلطه روبه‌رو هستند؟ و اگر قدرت در مناسبات جهانی نقش تعیین‌کننده دارد، جایگاه مقاومت در این معادله چیست؟

اهداف درس:

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. مفهوم قدرت را در روابط میان دولت‌ها تبیین کند.
۲. ابعاد مختلف قدرت ملی را توضیح دهد.

۳. تفاوت میان نظم حقوقی و هنجاری و واقعیت قدرت محور نظام بین الملل را توضیح دهد.
۴. مفهوم نظام سلطه و مهم ترین سازوکارهای آن را بشناسد.
۵. پیامدهای بی قدرتی و وابستگی را تحلیل کند.
۶. ضرورت تقویت قدرت ملی و شکل گیری دولت مقاومت را بر اساس منطق کتاب توضیح دهد.
۷. رابطه حق و قدرت را در تحلیل رخدادهای بین المللی به کار گیرد.
۸. تفاوت دولت مقاومت با انزوگرایی و نفی تعامل را توضیح دهد.

۱. چرا برای فهم جهان باید از «قدرت» آغاز کرد؟

هر انسان برای تصمیم گیری صحیح باید قواعد محیطی را که در آن زندگی می کند بشناسد. روابط میان دولت ها نیز از این قاعده مستثنا نیست.

برای فهم سیاست جهانی، باید نقش قدرت را شناخت؛ زیرا بسیاری از رخدادهای بین المللی — از جنگ و صلح تا تحریم، ائتلاف، رقابت و مذاکره — بدون توجه به قدرت قابل تحلیل نیستند.

اما قدرت صرفاً به معنای توان نظامی نیست.

قدرت یعنی مجموعه ظرفیت هایی که یک دولت و یک ملت را قادر می سازد از منافع، امنیت، استقلال و هویت خود دفاع کند، بر محیط پیرامونی اثر بگذارد و در تصمیم های مهم، صرفاً تابع اراده دیگران نباشد. این نگاه با چارچوب نسخه اول همخوان است که قدرت را مجموعه توانایی های فراتر از قدرت نظامی می داند.

ابعاد قدرت

نمونه ها	بُعد قدرت
حکمرانی کارآمد، انسجام سیاسی، دیپلماسی و نفوذ	سیاسی
تولید، صنایع راهبردی، تجارت، منابع و توان مالی	اقتصادی
فناوری های راهبردی، دانش، زیرساخت و نوآوری	علمی و فناورانه
هویت، سرمایه اجتماعی، روایت سازی و قدرت اقناعی	فرهنگی و رسانه ای
بازدارندگی، توان دفاعی و اطلاعات راهبردی	دفاعی و امنیتی

قدرت زمانی اثر گذارتر است که این مؤلفه ها در کنار یکدیگر و در جهت یک هدف مشترک تقویت شوند.

یک مثال ساده: ممکن است کشوری از نظر حقوقی در یک مسئله محق باشد، اما اگر قدرت لازم برای دفاع از موضع خود را نداشته باشد، ممکن است نتواند آن حق را در میدان عمل محقق کند.

از همین جا یک قاعده مهم شکل می‌گیرد: **حق بدون قدرت، آسیب‌پذیر است؛ و قدرت بدون حق، می‌تواند به سلطه تبدیل شود.**

بنابراین، مقاومت اسلامی نه به قدرت بدون عدالت قائل است و نه به حق بدون توان دفاع؛ بلکه به پیوند **حق و قدرت** نیاز دارد.

۲. نظام سلطه چیست؟

قدرت به خودی خود مساوی سلطه نیست.

نظام سلطه زمانی شکل می‌گیرد که قدرت، به جای آنکه در خدمت دفاع از حق و منافع مشروع قرار گیرد، به ابزاری برای **تحمیل اراده، وابسته‌سازی و محدود کردن استقلال ملت‌ها** تبدیل شود.

در این نگاه، نظام سلطه صرفاً یک کشور قدرتمند نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از **قدرت‌ها، نهادها، ابزارها و سازوکارهای سیاسی، اقتصادی، امنیتی، رسانه‌ای و فرهنگی** است که می‌تواند بر تصمیم‌ها و مسیر حرکت دیگر ملت‌ها اثر بگذارد.

ویژگی‌های نظام سلطه:

ویژگی	توضیح
تمرکز قدرت	تلاش برای حفظ موقعیت برتر در تصمیم‌گیری‌های جهانی
جلوگیری از قدرت‌یابی مستقل	محدود کردن رشد قدرت‌های مستقل و رقیب
استفاده از ابزارهای متنوع	بهره‌گیری از ابزارهای سیاسی، اقتصادی، نظامی، رسانه‌ای و حقوقی
مشروعیت‌بخشی	استفاده از ادبیات و نهادهای حقوقی یا سیاسی برای توجیه اقدامات
رفتار دوگانه	برخورد متفاوت با مسائل مشابه بر اساس منافع و موقعیت بازیگران

بنابراین هدف سلطه فقط **اشغال سرزمین** نیست؛ بلکه می‌تواند به کنترل تصمیم‌گیری، وابسته‌سازی، محدود کردن قدرت ملی، اثرگذاری بر افکار عمومی و جلوگیری از شکل‌گیری قدرت‌های مستقل نیز مربوط باشد.

۳. ملت بی‌قدرت؛ از وابستگی تا سلطه‌پذیری

بی‌قدرتی فقط ضعف نظامی نیست.

وقتی یک ملت در تأمین نیازهای حیاتی، دفاع از امنیت، اقتصاد، دانش، فناوری یا تصمیم‌گیری سیاسی خود بیش از اندازه به دیگران وابسته باشد، استقلال تصمیم‌گیری آن نیز آسیب‌پذیر می‌شود.

زنجیره بی‌قدرتی

ضعف و آسیب‌پذیری



وابستگی



کاهش استقلال تصمیم‌گیری



افزایش امکان فشار و مداخله



فرسایش تدریجی قدرت و هویت



سلطه‌پذیری



بنابراین:

بی‌قدرتی، زمینه وابستگی را فراهم می‌کند و وابستگی می‌تواند راه سلطه را هموار سازد.

اما این به معنای آن نیست که هر ملت ضعیفی الزاماً تسلیم می‌شود؛ بلکه مقصود این است که هرچه ظرفیت‌های قدرت یک ملت کمتر باشد، هزینه دفاع از استقلال و حقوق آن بیشتر و آسیب‌پذیری آن بالاتر خواهد بود.

۴. دو چهره نظام بین‌الملل

برای فهم دقیق جهان، باید دو واقعیت را هم‌زمان دید:

چهره واقعی و قدرت‌محور	چهره حقوقی و هنجاری
موازنه قدرت و منافع بازیگران	منشورها و قواعد بین‌المللی
میزان واقعی توان اثرگذاری	حاکمیت دولت‌ها
اجرای گزینشی برخی قواعد	حقوق ملت‌ها
تفاوت در نحوه برخورد با دولت‌ها	منع تجاوز

این دو چهره را نباید به شکل صفر و یکی دید.

وجود قواعد حقوقی مهم است و نباید انکار شود؛ اما برای تحلیل رفتار واقعی دولت‌ها، شناخت مناسبات قدرت نیز ضروری است.

پس: نه حقوق را باید بی‌اهمیت دانست و نه قدرت را نادیده گرفت.

این همان نقطه‌ای است که درس دوم به درس اول بازمی‌گردد:

حق، معیار و مقصد است؛ قدرت، یکی از شروط مهم امکان دفاع و تحقق آن.

۵. دولت مقاومت؛ راهبرد حفظ استقلال

اگر جهان در کنار قواعد حقوقی، تحت تأثیر رقابت قدرت‌ها نیز قرار دارد، دولتی که خواهان استقلال، امنیت، عزت و حفظ حقوق ملت خود است، نمی‌تواند نسبت به قدرت بی‌اعتنا باشد.

از این‌رو، دولت مقاومت دولتی است که برای حفظ استقلال و دفاع از منافع مشروع ملت، قدرت ملی خود را در ابعاد مختلف تقویت می‌کند.

دولت مقاومت:

- استقلال سیاسی و قدرت تصمیم‌گیری خود را حفظ می‌کند؛
- قدرت ملی را در ابعاد مختلف تقویت می‌کند؛
- امنیت را تا حد امکان بر توانمندی درونی و مشارکت مردم استوار می‌سازد؛
- از منافع و حقوق ملت با عقلانیت، اقتدار و دیپلماسی فعال دفاع می‌کند؛
- در برابر فشار و تحمیل تسلیم نمی‌شود؛
- و در عین حال تعامل سازنده و عادلانه با جهان را نفی نمی‌کند.

دولت مقاومت $\neq$ انزواگرایی

مقاومت به معنای قطع ارتباط با جهان نیست.

مقاومت یعنی تعامل از موضع عزت، استقلال و اقتدار؛ نه تعامل از موضع وابستگی و پذیرش تحمیل.

بنابراین، دولت مقاومت می‌تواند مذاکره کند، همکاری کند و تعامل داشته باشد؛ اما اصل استقلال و حق تصمیم‌گیری خود را واگذار نمی‌کند.

این نکته در نسخه اول نیز به‌صراحت آمده و باید در نسخه نهایی حفظ شود.

فعالیت یادگیری

فعالیت ۱ – حق و قدرت

یک نمونه تاریخی یا معاصر پیدا کنید که در آن حق یا ادعای حقوقی وجود داشته، اما به دلیل ضعف قدرت یا نبود ضمانت اجرایی، تحقق آن با مشکل روبه‌رو شده باشد.

در سه جمله توضیح دهید:

۱. حق چه بود؟
۲. ضعف قدرت در کجا دیده می‌شد؟
۳. چه نتیجه‌ای به دنبال داشت؟

فعالیت ۲ – ابزارهای سلطه

یکی از ابزارهای زیر را انتخاب کنید: نظامی – اقتصادی – رسانه‌ای – حقوقی – فرهنگی

سپس یک نمونه واقعی برای آن پیدا کنید و توضیح دهید چگونه می‌تواند بر استقلال و تصمیم‌گیری یک ملت اثر بگذارد.

فعالیت ۳ – یک سؤال راهبردی

فرض کنید کشوری از نظر حقوقی محق است، اما در چند مؤلفه قدرت ضعف جدی دارد.

آیا صرفاً با تأکید بر حق می‌تواند از منافع خود دفاع کند؟ چرا؟

خودارزیابی:

- ۱) قدرت در این درس چه معنایی دارد؟
- ۲) پنج بُعد قدرت ملی را نام ببرید.
- ۳) چرا قدرت صرفاً به توان نظامی محدود نمی‌شود؟

- ۴) تفاوت «چهره حقوقی» و «چهره قدرت‌محور» نظام بین‌الملل چیست؟
- ۵) زنجیره بی‌قدرتی را به ترتیب توضیح دهید.
- ۶) نظام سلطه چه تفاوتی با صرف «وجود قدرت‌های بزرگ» دارد؟
- ۷) چرا حق بدون قدرت می‌تواند آسیب‌پذیر شود؟
- ۸) «دولت مقاومت» چه تفاوتی با انزوگرایی دارد؟
- ۹) رابطه «حق» درس اول با «قدرت» درس دوم چیست؟

جمع‌بندی درس:

جهان امروز تنها بر پایه آرمان‌های حقوقی اداره نمی‌شود؛ قدرت نیز یکی از عوامل مهم و تعیین‌کننده در رفتار دولت‌ها و شکل‌گیری نظم جهانی است.

از این رو، شناخت قدرت، نظام سلطه و پیامدهای بی‌قدرتی برای فهم واقعیت‌های جهان ضروری است.

اما نتیجه این بحث، تقدیس قدرت نیست.

قدرت اگر از حق و عدالت جدا شود، می‌تواند به سلطه تبدیل شود؛ و حق اگر از توان دفاع و تحقق بی‌بهره باشد، ممکن است در میدان عمل آسیب‌پذیر بماند.

پس مسئله اصلی، پیوند حق و قدرت است.

در چنین شرایطی، دولت مقاومت می‌کوشد با حفظ استقلال، تقویت قدرت ملی، مشارکت مردم، عقلانیت و دیپلماسی فعال، از حقوق و منافع مشروع ملت دفاع کند؛ بدون آنکه مقاومت را با انزوا یا نفی تعامل اشتباه بگیرد.

پیام‌های کلیدی:

- ✚ برای فهم جهان امروز، شناخت نقش قدرت ضروری است.
- ✚ قدرت فقط نظامی نیست؛ سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی، رسانه‌ای و دفاعی نیز هست.
- ✚ نظام سلطه، صرفاً وجود قدرت‌های بزرگ نیست؛ بلکه تبدیل قدرت به ابزار تحمیل اراده و وابسته‌سازی است.
- ✚ بی‌قدرتی می‌تواند آسیب‌پذیری، وابستگی و سلطه‌پذیری را افزایش دهد.
- ✚ نظام بین‌الملل هم چهره هنجاری و حقوقی دارد و هم چهره قدرت‌محور؛ تحلیل درست، هر دو را می‌بیند.

- ✚ حق، جهت و مشروعیت مقاومت است؛ قدرت، امکان دفاع و تحقق آن را افزایش می‌دهد.
- ✚ دولت مقاومت با انزوگرایی متفاوت است؛ مقاومت می‌تواند همراه با تعامل، مذاکره و دیپلماسی فعال باشد.
- ✚ قدرت مطلوب، قدرتی است که در خدمت حق، استقلال، عدالت و کرامت قرار گیرد.

درس سوم: سازش یا مقاومت؟

تحلیل عقلانی هزینه و فایده دو راهبرد

ارتباط با درس قبل و چگونگی ورود به این بحث

درس اول نشان داد که مقاومت، انتخابی آگاهانه برای پاسداری از حق، کرامت، استقلال و عدالت است.

درس دوم نیز روشن کرد که در جهان واقعی، حق به تنهایی برای تحقق و دفاع از خود کافی نیست و قدرت در مناسبات میان ملت‌ها و دولت‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. از همین‌جا یک پرسش عملی شکل می‌گیرد: یک ملت در برابر فشار و سلطه چه راهبردی باید انتخاب کند؟

آیا برای کاهش فشارهای کوتاه‌مدت باید امتیاز بدهد و به قدرتهای مسلط نزدیک شود، یا باید با تقویت قدرت خود و تحمل هزینه‌های لازم، از استقلال و حقوق خود دفاع کند؟

درس سوم می‌کوشد این انتخاب را نه با هیجان و شعار، بلکه با منطق عقلانی هزینه — فایده و بررسی پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت تحلیل کند.

نکته مهم: در این درس، «سازش» به معنای هرگونه مذاکره، تعامل یا توافق نیست؛ بلکه منظور، عقب‌نشینی از حقوق و منافع اساسی و پذیرش وابستگی یا تحمیل برای کاهش فشار است.

سؤال محوری

در جهانی که رقابت قدرت‌ها و نظام سلطه بر آن اثرگذار است، اگر یک ملت میان مقاومت و پذیرش فشار و وابستگی قرار گیرد، کدام راهبرد می‌تواند هزینه‌های پایدارتر و منافع بلندمدت بیشتری برای آن ایجاد کند؟

اهداف درس:

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. مفهوم تحلیل هزینه - فایده را در تصمیم‌های راهبردی توضیح دهد.
۲. تفاوت هزینه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت را در انتخاب‌های ملی تشخیص دهد.
۳. آثار دو رویکرد را بر عاملیت، هویت، امنیت و قدرت ملی تحلیل کند.
۴. تفاوت میان تعامل و مذاکره عقلانی با سازش منجر به وابستگی را توضیح دهد.

۵. منطق راهبردی مقاومت را بر اساس مجموعه پیامدهای آن تبیین کند.
۶. پیوند میان درس دوم، یعنی **قدرت و نظام سلطه**، و درس سوم، یعنی **انتخاب راهبرد**، را توضیح دهد.

۱. چرا باید با منطق هزینه و فایده تصمیم گرفت؟

هر تصمیم مهم، پیامدهایی دارد.

انسان عاقل پیش از انتخاب، تنها به این نمی‌اندیشد که کدام راه آسان‌تر است؛ بلکه می‌پرسد:

هر انتخاب چه هزینه‌ای دارد؟ چه منفعتی ایجاد می‌کند؟ و پیامد آن در کوتاه‌مدت و بلندمدت چیست؟

این منطق در تصمیم‌های فردی و اجتماعی، در سیاست‌گذاری و در روابط میان دولت‌ها نیز اهمیت دارد.

بنابراین مسئله اصلی این نیست که: «کدام راه بی‌هزینه است؟»

بلکه باید پرسید: «**هزینه و فایده هر راهبرد چیست و در نهایت کدام گزینه، منافع پایدارتر و هزینه‌های قابل تحمل‌تری ایجاد می‌کند؟**»

یک نکته مهم:

گاهی یک تصمیم ممکن است در کوتاه‌مدت فشار را کاهش دهد، اما در بلندمدت وابستگی و آسیب‌پذیری را افزایش دهد.

برعکس، ممکن است تصمیمی در کوتاه‌مدت هزینه داشته باشد، اما در بلندمدت قدرت، استقلال و امنیت بیشتری ایجاد کند.

مثال

کشوری برای کاهش فشار خارجی، بخشی از توانمندی‌های راهبردی خود را کنار می‌گذارد.

ممکن است در کوتاه‌مدت بخشی از فشار کاهش یابد؛ اما اگر این اقدام موجب کاهش قدرت چانه‌زنی و افزایش وابستگی شود، باید هزینه بلندمدت آن نیز در محاسبه وارد شود.

اصل گفتمانی:

انتخاب راهبرد صحیح، مقایسه «هزینه مقاومت» با «هزینه سازش» است؛ نه مقایسه «هزینه» با «بی هزینه بودن».

۲. سازش چیست و چه تفاوتی با تعامل دارد؟

پیش از مقایسه دو راهبرد، باید یک تفکیک مهم انجام داد.

مذاکره، گفت‌وگو، تعامل و توافق، به خودی خود سازش منفی نیستند.

یک کشور می‌تواند برای تأمین منافع خود مذاکره کند، توافق کند و حتی در برخی مسائل امتیاز متقابل بدهد؛ بدون آنکه استقلال و حقوق اساسی خود را واگذار کند.

مسئله زمانی به «سازش» تبدیل می‌شود که برای رهایی از فشار، حقوق اساسی، استقلال تصمیم‌گیری یا منافع بلندمدت ملت به شکلی نابرابر واگذار شود و نتیجه آن وابستگی یا کاهش عاملیت باشد.

پس: تعامل عزتمندانه $\neq$ سازش وابسته‌ساز

و: مقاومت $\neq$ قطع تعامل

این تفکیک، ادامه منطقی درس دوم است که «دولت مقاومت» را با انزواگرایی یکی نمی‌داند.

۳. عاملیت؛ ملت مستقل یا بازیگر تابع؟

یکی از مهم‌ترین معیارهای ارزیابی هر راهبرد، عاملیت است.

عاملیت یعنی توانایی یک ملت برای:

- تصمیم‌گیری مستقل؛
- تعیین اولویت‌های خود؛
- انتخاب مسیر آینده؛
- دفاع از منافع و ارزش‌های خود؛
- و اثرگذاری بر محیط پیرامونی.

مقایسه دو رویکرد

شاخص	سازش وابسته‌ساز	مقاومت
استقلال تصمیم	کاهش می‌یابد	حفظ و تقویت می‌شود

اراده ملی	بیشتر تحت تأثیر خواسته‌های بیرونی	متکی بر منافع و ارزش‌های ملی
قدرت چانه‌زنی	کاهش می‌یابد	تقویت می‌شود
اثرگذاری منطقه‌ای	محدودتر می‌شود	افزایش می‌یابد
آینده‌سازی	افزایش وابستگی به تصمیم دیگران	افزایش اختیار در تعیین مسیر آینده

پیام کلیدی:

ملت برخوردار از عاملیت، آینده خود را می‌سازد؛ ملت فاقد عاملیت، بیشتر در معرض پذیرفتن آینده‌ای قرار می‌گیرد که دیگران برای او ترسیم کرده‌اند.

۴. هویت؛ حفظ شخصیت یا استحاله تدریجی؟

هویت دینی، فرهنگی و ملی، یکی از سرمایه‌های اساسی هر جامعه است.

جامعه‌ای که هویت و اعتماد به نفس خود را از دست بدهد، حتی اگر در مقطعی از رفاه یا امنیت ظاهری برخوردار شود، ممکن است به تدریج بنیان‌های استقلال و انسجام خود را از دست بدهد.

فرآیند احتمالی استحاله

وابستگی فکری



تغییر تدریجی الگوهای رفتاری



جایگزینی معیارهای بیرونی



کاهش خودباوری و انسجام



تضعیف هویت مستقل



در مقابل، رویکرد مقاومت بر:

- تقویت باورهای دینی؛
- اعتماد به نفس ملی؛
- خودباوری؛

- حفظ سرمایه فرهنگی؛
- و صیانت از ارزش‌های جامعه تأکید می‌کند.

نکته مهم: مقاومت به معنای نفی هر تحول فرهنگی نیست؛ بلکه به معنای حفظ هویت و قدرت انتخاب جامعه در برابر تحمیل و استحاله است.

۵. امنیت؛ برون‌سپاری یا درون‌زایی؟

امنیت یکی دیگر از معیارهای مهم انتخاب راهبرد است.

مقایسه دو رویکرد:

معیار	امنیت وابسته	امنیت درون‌زا
پایه امنیت	اتکا به حمایت قدرت‌های خارجی	توانمندی‌های ملی و مشارکت مردم
پایداری	وابسته به اراده و منافع دیگران	متکی بر ظرفیت‌های درونی
آسیب‌پذیری	بیشتر در صورت تغییر منافع حامی	کمتر به دلیل افزایش استقلال
قدرت چانه‌زنی	محدودتر	بیشتر
هزینه بلندمدت	احتمال افزایش وابستگی	سرمایه‌گذاری برای قدرت ملی

اصل گفتمانی:

امنیت پایدار، تا حد زیادی محصول قدرت درونی و اراده ملی است؛ نه وابستگی دائمی به اراده قدرت‌های بیرونی.

۶. هزینه‌های مقاومت؛ آیا مقاومت بی‌هزینه است؟

خیر. مقاومت می‌تواند هزینه داشته باشد:

- هزینه اقتصادی؛
- فشار سیاسی؛
- هزینه امنیتی؛
- فشار روانی و اجتماعی؛
- نیاز به سرمایه‌گذاری و افزایش توان ملی.

بنابراین، دفاع عقلانی از مقاومت نباید بر این ادعا استوار باشد که مقاومت «هیچ هزینه‌ای ندارد.»

پرسش صحیح این است: آیا هزینه‌ای که برای حفظ استقلال و افزایش قدرت پرداخت می‌شود، در برابر هزینه‌های وابستگی و از دست دادن عاملیت، قابل توجیه است؟

در این نگاه، بخشی از هزینه‌های مقاومت را می‌توان هزینه سرمایه‌گذاری برای قدرت، استقلال و امنیت پایدار دانست.

۷. هزینه‌های پنهان سازش

در مقابل، کاهش فشار در کوتاه‌مدت الزاماً به معنای کاهش هزینه در بلندمدت نیست.

برخی هزینه‌ها ممکن است به تدریج و کمتر دیده شوند:

کاهش استقلال تصمیم‌گیری



کاهش قدرت چانه‌زنی



افزایش وابستگی



تضعیف قدرت ملی



آسیب‌پذیری بیشتر در برابر فشارهای آینده



بنابراین باید میان: هزینه آشکار و فوری و هزینه پنهان و تدریجی تفاوت گذاشت.

مثال ساده

اگر یک کشور برای رفع فشار فعلی، بخشی از توانمندی‌ای را کنار بگذارد که در آینده برای دفاع از منافعش به آن نیاز دارد، ممکن است امروز هزینه کمتری بپردازد، اما فردا با قدرت چانه‌زنی کمتر و وابستگی بیشتر روبه‌رو شود.

۸. مقایسه نهایی دو راهبرد

شاخص	سازش وابسته‌ساز	مقاومت
مبنای تصمیم	کاهش فشارهای فوری	حفظ منافع و استقلال بلندمدت

هزینه کوتاه مدت	ممکن است کمتر باشد	ممکن است بیشتر باشد
عاملیت	در معرض کاهش	تقویت می شود
هویت	خطر وابستگی و استحاله	صیانت از هویت مستقل
امنیت	اتکای بیشتر به بیرون	تقویت ظرفیت های درونی
قدرت ملی	احتمال کاهش اهرم های راهبردی	سرمایه گذاری برای افزایش قدرت
قدرت چانه زنی	ممکن است کاهش یابد	با افزایش قدرت، تقویت می شود
آینده	احتمال وابستگی بیشتر	امکان افزایش استقلال و تاب آوری
نتیجه راهبردی	کاهش احتمالی بخشی از فشار کوتاه مدت، با احتمال افزایش هزینه های بلندمدت	تحمل هزینه های هدفمند برای حفظ و افزایش قدرت و استقلال

۹. پس مقاومت همیشه برتر است؟

این پرسش برای یک تحلیل عقلانی ضروری است.

مقاومت به معنای پافشاری بدون محاسبه، تصمیم عقلانی نیست.

مقاومت زمانی راهبرد برتر محسوب می شود که:

- هدف آن مشروع و حق محور باشد؛
- هزینه ها و ظرفیت ها به درستی محاسبه شوند؛
- روش انتخاب شده متناسب با شرایط باشد؛
- امکان افزایش قدرت و کاهش آسیب پذیری وجود داشته باشد؛
- و دستاوردهای آن در افق بلندمدت، از هزینه های آن قابل دفاع تر باشد.

بنابراین: عقلانیت مقاومت، در «بی هزینه بودن» آن نیست؛ در محاسبه دقیق هزینه و فایده و انتخاب راهی است که استقلال، عاملیت، هویت و امنیت پایدارتر را حفظ کند.

این نکته، پیوند مستقیم این درس با درس اول است: مقاومت اصیل، خود نیز باید عقلانی، هدفمند و متناسب باشد.

فعالیت یادگیری

فعالیت ۱ – دو نوع هزینه

یک نمونه تاریخی یا معاصر انتخاب کنید که در آن یک تصمیم سیاسی یا راهبردی:

- در کوتاه‌مدت هزینه را کاهش داده،
- اما در بلندمدت هزینه دیگری ایجاد کرده است.

تحلیل کنید که آیا هزینه بلندمدت در ابتدا قابل پیش‌بینی بوده است یا خیر.

فعالیت ۲ – سه هزینه پنهان

برای هر یک از سه حوزه زیر، یک نمونه از «هزینه پنهان وابستگی» بنویسید:

- عاملیت؛
- هویت؛
- امنیت.

فعالیت ۳ – مقاومت یا تعامل؟

فرض کنید کشوری برای دفاع از منافع خود با یک قدرت بزرگ وارد مذاکره می‌شود.

چه زمانی این مذاکره را می‌توان «تعامل عزتمندانه» و چه زمانی آن را «سازش وابسته‌ساز» دانست؟

حداقل سه معیار بنویسید.

خودارزیابی:

- ✚ چرا مقایسه «هزینه مقاومت» با «بی‌هزینه بودن» نادرست است؟
- ✚ تفاوت هزینه کوتاه‌مدت و بلندمدت چیست؟
- ✚ «عاملیت» چه نقشی در استقلال یک ملت دارد؟
- ✚ استحاله تدریجی هویت چگونه رخ می‌دهد؟
- ✚ تفاوت امنیت وابسته و امنیت درون‌زا چیست؟
- ✚ آیا هر مذاکره یا توافقی سازش محسوب می‌شود؟ چرا؟
- ✚ چه زمانی مقاومت می‌تواند از نظر عقلانی راهبرد برتر باشد؟

جمع‌بندی درس:

انتخاب میان سازش و مقاومت، انتخاب میان «هزینه» و «بی‌هزینه بودن» نیست؛ بلکه انتخاب میان دو مجموعه هزینه، فایده و دو نوع آینده است.

ممکن است مقاومت در کوتاه‌مدت هزینه‌هایی داشته باشد؛ اما اگر این هزینه‌ها به افزایش قدرت، حفظ استقلال، تقویت عاملیت و ایجاد امنیت پایدار منجر شود، می‌توان آن را سرمایه‌گذاری راهبردی دانست.

از سوی دیگر، ممکن است پذیرش برخی امتیازها در کوتاه‌مدت فشار را کاهش دهد؛ اما اگر این مسیر به وابستگی، کاهش قدرت چانه‌زنی، تضعیف هویت یا برون‌سپاری امنیت منجر شود، هزینه‌های بلندمدت آن باید در محاسبه وارد شود.

بنابراین، مقاومت زمانی راهبرد عقلانی‌تری است که بر پایه حق، عقلانیت، محاسبه هزینه و فایده، تناسب و افزایش قدرت ملی شکل گیرد.

پیام‌های کلیدی:

- ✚ مسئله اصلی، وجود یا نبود هزینه نیست؛ مقایسه هزینه‌ها و پیامدهای دو راهبرد است.
- ✚ هزینه کوتاه‌مدت نباید ما را از هزینه‌های بلندمدت غافل کند.
- ✚ عاملیت، هویت، امنیت و قدرت ملی از معیارهای مهم ارزیابی هر راهبرد هستند.
- ✚ امنیت پایدار، تا حد زیادی به قدرت درونی و اراده ملی وابسته است.
- ✚ تعامل و مذاکره با سازش وابسته‌ساز یکسان نیست.
- ✚ مقاومت، اگر عقلانی، حق‌محور و هدفمند باشد، می‌تواند سرمایه‌گذاری راهبردی برای حفظ استقلال و افزایش قدرت باشد.
- ✚ انتخاب میان مقاومت و سازش، در نهایت انتخاب میان دو مسیر و دو نوع آینده برای یک ملت است.

ارتباط با درس بعد

اگر مقاومت یک راهبرد عقلانی برای حفظ حق، استقلال و امنیت است، پرسش بعدی این است:

این راهبرد بر چه مبانی و قوانینی استوار است و چه چیزی می‌تواند انسان و جامعه را در مسیر مقاومت پایدار نگه دارد؟

درس چهارم به مبانی قرآنی و سنت‌های الهی حاکم بر مسیر مقاومت و استقامت می‌پردازد.

درس چهارم: سنت‌های الهی مقاومت

قوانین ثابت الهی در مسیر استقامت، نصرت و پیروزی حق

ارتباط با درس قبل و چگونگی ورود به این بحث

درس سوم نشان داد که مقاومت، اگر بر پایه حق، عقلانیت، محاسبه هزینه و فایده و حفظ استقلال و امنیت شکل بگیرد، می‌تواند راهبردی عقلانی برای یک ملت باشد.

اما یک پرسش عمیق‌تر باقی می‌ماند:

آیا مقاومت فقط یک انتخاب عقلانی و راهبردی است، یا در منطق قرآن، با قوانین و سنت‌هایی نیز پیوند دارد که خداوند بر حیات انسان و جامعه حاکم کرده است؟

قرآن کریم تاریخ و زندگی انسان را عرصه‌ای بی‌قاعده و تصادفی نمی‌داند؛ بلکه از سنت‌های الهی سخن می‌گوید؛ یعنی قوانین و شیوه‌های ثابتی که در حیات انسان‌ها و جوامع جاری است.

از این منظر، مقاومت مؤمنانه نیز باید در چارچوب این سنت‌ها فهمیده شود: تقابل حق و باطل، ابتلاء، صبر، غربال صفوف، نصرت الهی، مهلت یافتن باطل، تدریج در تحقق نتایج و سرانجام غلبه حق.

بنابراین، سنت‌های الهی به ما نمی‌گویند که هر مقاومتی فوراً به پیروزی ظاهری می‌رسد؛ بلکه به ما می‌آموزند که مسیر حق، قانون‌مند است و دستیابی به نتایج آن، شرایط و سنت‌های خاص خود را دارد.

سؤال محوری:

آیا پیروزی و شکست ملت‌ها صرفاً حاصل تصادف و محاسبات ظاهری قدرت است، یا خداوند سنت‌ها و قوانین ثابتی بر تاریخ و جامعه حاکم کرده که مسیر مقاومت و تحقق وعده‌های الهی را نیز شکل می‌دهند؟

اهداف درس

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. مفهوم «سنت‌های الهی» را تبیین کند.
۲. رابطه سنت‌های الهی و مقاومت را توضیح دهد.

۳. تفاوت میان ابتلاء، تأخیر و شکست را تشخیص دهد.
۴. شرایط نصرت الهی را بر اساس قرآن توضیح دهد.
۵. نقش صبر و استقامت را در مسیر مقاومت تحلیل کند.
۶. سنت‌های الهی را در پنج محور اصلی دسته‌بندی کند.
۷. توضیح دهد که چرا تحقق نتایج حق ممکن است تدریجی و همراه با آزمون باشد.
۸. پیوند منطقی میان درس سوم، یعنی انتخاب راهبرد مقاومت، و درس چهارم، یعنی قوانین الهی حاکم بر مسیر مقاومت، را تبیین کند.

۱. سنت‌های الهی؛ قانون حاکم بر تاریخ

از منظر قرآن کریم، حوادث اجتماعی و تاریخی بی‌قاعده نیستند. خداوند در عالم، سنت‌هایی قرار داده است که در زندگی انسان و جوامع جاری می‌شوند.

قرآن می‌فرماید:

«فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا»

«هرگز برای سنت خدا تغییر و تبدیلی نخواهی یافت.» (فاطر: ۴۳)

همچنین می‌فرماید:

«قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»

«پیش از شما سنت‌هایی {در تاریخ} گذشته است؛ پس در زمین سیر کنید و بنگرید سرانجام

تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است.» (آل عمران: ۱۳۷)

از این نگاه، تاریخ صرفاً مجموعه‌ای از حوادث پراکنده نیست؛ بلکه می‌توان در آن قواعد و الگوهای تکرارشونده را شناخت.

بنابراین، پیروزی و شکست را نمی‌توان فقط با قدرت ظاهری، تعداد نیرو یا امکانات مادی توضیح داد. عوامل مادی مهم‌اند، اما در نگاه قرآنی، رفتار انسان‌ها و جوامع و نسبت آنان با حق و باطل نیز در سرنوشت آنان اثرگذار است.

اصل گفتمانی: سنت‌های الهی، قوانین ثابت حاکم بر حیات انسان و تاریخ‌اند؛ مقاومت مؤمنانه زمانی ثمربخش است که با این سنت‌ها هماهنگ شود.

۲. نقشه راه سنت‌های الهی

یازده سنت مورد بحث در کتاب را می‌توان برای فهم آسان‌تر در پنج محور اصلی دسته‌بندی کرد:

محور	سنت‌های مرتبط	پیام اصلی
۱. تقابل حق و باطل	تقابل، غربال صفوف، مکر الهی	مسیر حق با چالش و رویارویی همراه است
۲. ابتلاء و صبر	ابتلاء، استدراج و امهال باطل	دشواری، عرصه آزمون و رشد است
۳. نصرت الهی	نصرت مشروط، معیت با صابران	نصرت الهی با ایمان و عمل و استقامت پیوند دارد
۴. تدریج در تحقق نتیجه	تدریج و تأخیر	نتیجه الزاماً فوری نیست
۵. فرجام حق	غلبه حق، عاقبت‌مندی حق، استخلاف صالحان	باطل ماندگار نیست و وعده الهی درباره فرجام حق و صالحان تحقق می‌یابد

محور اول: سنت تقابل حق و باطل

۳. سنت تقابل؛ چرا مسیر حق بدون چالش نیست؟

نخستین نکته این است که در منطق قرآن، حق و باطل همواره در برابر یکدیگر قرار داشته‌اند.

قرآن می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ...»

«و این‌گونه برای هر پیامبری دشمنانی از شیطان‌های انس و جن قرار دادیم...» (انعام: ۱۱۲)

و در بیان کلی‌تر می‌فرماید: «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يَدْخُلُونَ فِي رَحْمَتِهِ...»

(هود: ۱۱۸-۱۱۹)

تقابل حق و باطل، بنابراین پدیده‌ای صرفاً متعلق به یک دوره تاریخی نیست.

اما نکته مهم آن است که وجود دشمنی و فشار، به‌تنهایی دلیل حقانیت یک جبهه نیست؛ بلکه باید حقانیت مسیر با معیارهای خود قرآن سنجیده شود.

۴. سنت غربال و تمییز صفوف

در شرایط عادی، ممکن است تفاوت میان ایمان، ادعا و انگیزه‌های واقعی افراد چندان آشکار نباشد؛ اما در شرایط دشوار، صفوف روشن‌تر می‌شود.

قرآن می‌فرماید:

«مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ...»
«خدا مؤمنان را بر آنچه شما بر آن هستید و نمی‌گذارد تا ناپاک را از پاک جدا کند...» (آل عمران: ۱۷۹)

از این منظر، فشار و ابتلاء می‌تواند موجب آشکار شدن صفوف، سنجش ادعاها و جدا شدن ایمان واقعی از ادعای ایمان شود.

پیام کلیدی:

فشار و ابتلاء می‌تواند صحنه‌ای برای آشکار شدن حقیقت انسان‌ها و پالایش جبهه حق باشد.

۵. سنت مکر الهی؛ شکست نقشه‌های باطل

جبهه باطل ممکن است برای مقابله با حق نقشه‌ریزی کند؛ اما در منطق قرآن، تدبیر نهایی در اختیار خداوند است.

قرآن می‌فرماید: «وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ»
«آنان تدبیر کردند و خدا نیز تدبیر کرد، و خدا بهترین تدبیرکنندگان است.» (آل عمران: ۵۴)

و نیز: «وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ» «نقشه بد جز دامان صاحبانش را نمی‌گیرد.» (فاطر: ۴۳)

این سنت به معنای آن نیست که هر نقشه باطل فوراً شکست می‌خورد؛ بلکه بیانگر این اصل است که باطل در نهایت نمی‌تواند اراده الهی را خنثی کند.

محور دوم: سنت ابتلاء و صبر

۶. سنت ابتلاء؛ دشواری، بخشی از مسیر

مقاومت مؤمنانه نباید انتظار داشته باشد که مسیر حق همیشه آسان و بدون هزینه باشد.

خداوند می‌فرماید: «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»
«آیا مردم پنداشته‌اند که رها می‌شوند که بگویند ایمان آوردیم و آزموده نمی‌شوند؟» (عنکبوت: ۲)

و در آیه‌ای دیگر: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۵)

ابتلاء، در منطق قرآن، لزوماً نشانه شکست یا رهاشدگی نیست؛ بلکه می‌تواند عرصه آزمون، رشد، پالایش و آشکار شدن میزان استقامت باشد.

۷. صبر؛ تحمل منفعلانه نیست

صبر در مسیر مقاومت، به معنای بی‌عملی یا تسلیم شدن نیست.

صبر یعنی:

- حفظ جهت؛
- استمرار در عمل؛
- کنترل هیجان؛
- ناامید نشدن؛
- تحمل هزینه‌های مشروع؛
- و ادامه حرکت در مسیر حق.

قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»
«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شکیبایی کنید و در شکیبایی پایداری ورزید و مرابطه کنید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که رستگار شوید.» (آل عمران: ۲۰۰)

پیام کلیدی: دشواری مسیر حق، به‌خودی‌خود نشانه شکست نیست؛ مهم آن است که جامعه در شرایط ابتلاء چگونه عمل می‌کند.

۸. استدراج و امهال باطل؛ چرا باطل گاهی فرصت پیدا می‌کند؟

گاهی جبهه باطل برای مدتی در رفاه، قدرت یا موفقیت ظاهری قرار می‌گیرد.

قرآن درباره این وضعیت هشدار می‌دهد: «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ وَأُمْلَى لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ» (اعراف: ۱۸۳-۱۸۲)

بنابراین، فرصت یافتن باطل یا موفقیت ظاهری آن را نباید به معنای رضایت الهی یا پیروزی نهایی آن دانست.

این نکته برای تحلیل حوادث بسیار مهم است: نتیجه کوتاه‌مدت، لزوماً نشان‌دهنده فرجام نهایی نیست.

محور سوم: سنت نصرت الهی

۹. نصرت الهی؛ وعده‌ای همراه با شرط

قرآن از نصرت الهی سخن می‌گوید، اما این نصرت در آیات قرآن با ایمان، عمل و استقامت پیوند خورده است.

خداوند می‌فرماید: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»
«اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌سازد.» (محمد: ۷)

مراد از «یاری خدا» نیاز خداوند به کمک نیست؛ بلکه به معنای یاری دین و تحقق مسیر حق است.

شرایط مهم نصرت

شرط	توضیح
ایمان	باور به حقانیت مسیر
عمل صالح و حرکت در مسیر حق	تبدیل ایمان به رفتار و اقدام
استقامت	پایداری در برابر فشار
انجام وظیفه	تلاش در حد توان و امکانات
تقوا و اصلاح رفتار	پرهیز از عواملی که جبهه حق را از درون تضعیف می‌کنند

بنابراین، نصرت الهی را نمی‌توان به معنای پیروزی بدون تلاش یا موفقیت فوری فهمید.

۱۰. سنت معیت الهی با صابران

یکی از مهم‌ترین پشتوانه‌های روحی مقاومت، باور به همراهی خداوند با اهل صبر است.

قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» «همانا خداوند با شکیبایان است.» (بقره: ۱۵۳)

این معیت، در منطق قرآن، منبع آرامش، امید، استقامت و توان ادامه مسیر است.

بنابراین مؤمن مقاوم، در دشواری‌ها خود را رها شده نمی‌بیند؛ بلکه می‌داند که صبر و استقامت او در چارچوب سنت الهی معنا دارد.

محور چهارم: سنت تدریج و تأخیر در پیروزی

۱۱. چرا پیروزی همیشه فوری نیست؟

یکی از خطاهای مهم در فهم مقاومت، انتظار نتیجه فوری است.

قرآن می‌فرماید: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْمُ الْبِأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَزُلُّوا...»

«آیا پنداشته‌اید وارد بهشت می‌شوید، در حالی که هنوز همانند آنچه بر پیشینیان شما گذشت به شما نرسیده است؟ آنان دچار سختی و زیان شدند و چنان متزلزل شدند...» (بقره: ۲۱۴)

تأخیر در نتیجه می‌تواند زمینه‌ای برای: تکامل نیروهای مؤمن ← افزایش آمادگی ← آشکار شدن حقیقت ← فرسایش ظرفیت‌های باطل ← فراهم شدن شرایط تحقق نتیجه باشد.

اما باید توجه داشت که این مراحل فرمول مکانیکی و زمان‌بندی قطعی برای حوادث تاریخی نیستند؛ بلکه الگویی برای فهم سنن الهی‌اند.

پیام کلیدی

تأخیر نتیجه، به‌خودی‌خود نشانه شکست یا خلف وعده الهی نیست.

محور پنجم: سنت پیروزی نهایی حق

۱۲. غلبه حق بر باطل

قرآن درباره سرانجام حق و باطل می‌فرماید: «بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ»
«بلکه حق را بر باطل می‌افکنیم تا آن را درهم شکند، پس ناگهان باطل نابودشده است.»
(انبیاء: ۱۸)

و می‌فرماید: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» «بگو حق آمد و باطل نابود شد؛ همانا باطل نابودشده است.»
(اسراء: ۸۱)

این آیات، اصل زوال‌پذیری باطل و ماندگاری حق را بیان می‌کنند.

۱۳. عاقبت حق و وراثت صالحان

قرآن می‌فرماید:

«وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» «فرجام نیک از آن تقواست.» (طه: ۱۳۲)

و نیز: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»
«و در زبور پس از ذکر نوشتیم که زمین را بندگان صالح من به میراث خواهند برد.» (انبیاء: ۱۰۵)

این سنت، آینده را صرفاً با قدرت مادی توضیح نمی‌دهد؛ بلکه صلاح، ایمان و تقوا را در فرجام تاریخ دخیل می‌داند.

از این‌رو، «پیروزی نهایی حق» نباید به معنای این تلقی شود که هر گروهی که خود را حق می‌داند، در هر مقطع تاریخی و با هر رفتاری الزاماً پیروز خواهد شد.

وعده الهی با حقانیت واقعی، صلاح، ایمان، تقوا و عمل صالح پیوند دارد.

جدول جامع سنت‌های الهی:

شماره	عنوان سنت	محور کلان
۱	سنت تقابل حق و باطل	محور اول
۲	سنت ابتلاء و امتحان	محور دوم
۳	سنت غربال و تمییز صفوف	محور اول
۴	سنت معیت الهی با صابران و مقاومان	محور سوم
۵	سنت نصرت الهی مشروط	محور سوم
۶	سنت تدریج و تأخیر در پیروزی	محور چهارم
۷	سنت مکر الهی و شکست نقشه‌های باطل	محور اول
۸	سنت استدراج و امهال باطل	محور دوم
۹	سنت غلبه حق بر باطل	محور پنجم
۱۰	سنت عاقبت‌مندی حق و زوال باطل	محور پنجم
۱۱	سنت استخلاف و وراثت صالحان	محور پنجم

فعالیت یادگیری:

فعالیت ۱ - ابتلاء یا شکست؟

یک نمونه تاریخی یا معاصر را بررسی کنید که در آن یک جریان حق‌طلب با دشواری و فشار مواجه شده است.

سه سؤال را پاسخ دهید:

۱. آیا صرف دشواری را می‌توان شکست دانست؟
۲. چه چیزی نشان می‌دهد که یک جامعه در حال ابتلاء است؟
۳. واکنش صحیح جامعه در چنین شرایطی چیست؟

فعالیت ۲ – سنت تدریج

یک نمونه تاریخی از یک تحول بزرگ پیدا کنید که تحقق آن در چند مرحله اتفاق افتاده است.

توضیح دهید چرا نتیجه فوری تنها معیار ارزیابی یک حرکت تاریخی نیست.

فعالیت ۳ – نصرت الهی

چهار عامل زیر را در یک موقعیت واقعی بررسی کنید:

ایمان – عمل – استقامت – انجام وظیفه

کدام عامل قوی‌تر و کدام عامل ضعیف‌تر بوده است؟

خودارزیابی:

- (۱) سنت الهی یعنی چه؟
- (۲) چرا قرآن تاریخ را قانونمند می‌داند؟
- (۳) تفاوت «ابتلاء» با «شکست» چیست؟
- (۴) چرا دشواری همیشه نشانه رهاشدگی جبهه حق نیست؟
- (۵) سنت استدراج و امهال باطل چه معنایی دارد؟
- (۶) نصرت الهی چه ارتباطی با ایمان، عمل و استقامت دارد؟
- (۷) چرا صبر در منطق قرآن با انفعال تفاوت دارد؟
- (۸) چرا نتیجه مقاومت ممکن است فوری نباشد؟
- (۹) آیا هر گروهی که خود را «جبهه حق» بنامد، مشمول وعده پیروزی است؟ چرا؟
- (۱۰) سنت استخلاف صالحان چه پیامی برای مقاومت دارد؟

جمع‌بندی درس

مقاومت در منطق قرآن، تنها یک تصمیم سیاسی یا واکنش به فشار نیست؛ بلکه حرکتی است که می‌تواند در چارچوب سنت‌های الهی حاکم بر حیات انسان و تاریخ فهمیده شود.

در این چارچوب، تقابل حق و باطل، غربال صفوف، ابتلاء، صبر، مهلت یافتن باطل، نصرت الهی، تدریج در تحقق نتایج و سرانجام غلبه حق و وراثت صالحان، اجزای به‌هم‌پیوسته‌ای از یک نگاه قانون‌مند به تاریخ‌اند.

اما این سنت‌ها نباید به شکل ساده‌انگارانه فهمیده شوند. ابتلاء با شکست یکی نیست؛ تأخیر با شکست نهایی یکی نیست؛ و وعده نصرت نیز به معنای پیروزی فوری و بدون شرط نیست.

قرآن از یک سو می‌گوید: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»

و از سوی دیگر، نصرت را با ایمان، عمل و استقامت پیوند می‌دهد: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»

پس منطق قرآنی مقاومت چنین است: ایمان ← عمل ← صبر و استقامت ← عبور از ابتلاء ← فراهم شدن شرایط نصرت ← تحقق تدریجی نتیجه ← فرجام حق و صالحان

این مسیر، انسان مقاوم را از ناامیدی در برابر سختی‌های فوری و نیز از توهم پیروزی بدون تلاش و شرط دور می‌کند.

پیام‌های کلیدی:

- ✚ تاریخ و زندگی اجتماعی انسان بر اساس سنت‌های ثابت الهی جریان دارد.
- ✚ تقابل حق و باطل، بخشی از واقعیت همیشگی مسیر حق است.
- ✚ ابتلاء، لزوماً نشانه شکست یا رهاشدگی نیست؛ می‌تواند میدان آزمون و رشد باشد.
- ✚ صبر قرآنی، استقامت فعال و استمرار در مسیر حق است، نه انفعال.
- ✚ نصرت الهی با ایمان، عمل، تقوا و استقامت پیوند دارد.
- ✚ تأخیر در نتیجه، لزوماً به معنای شکست نیست.
- ✚ موفقیت ظاهری باطل نیز لزوماً نشانه پیروزی نهایی یا رضایت الهی نیست.
- ✚ باطل ماندگار نیست و قرآن برای حق و صالحان فرجامی روشن ترسیم می‌کند.
- ✚ وعده‌های الهی نباید بهانه‌ای برای ترک عقلانیت، تلاش، برنامه‌ریزی و انجام وظیفه شود.

ارتباط با درس بعد

اکنون یک پرسش اساسی باقی می ماند:

اگر مقاومت باید هم با سنت های الهی هماهنگ باشد و هم در جهان واقعی با محاسبه قدرت و شرایط میدان انجام شود، جبهه مقاومت در عمل چگونه باید رفتار و تصمیم گیری کند؟

درس پنجم از همین جا وارد بحث اصول و قواعد عملی مقاومت می شود.

درس پنجم: پیامبران چگونه مقاومت کردند؟

الگوهای قرآنی مقاومت برای انسان امروز

ارتباط با درس قبل و چگونگی ورود به این بحث

درس چهارم نشان داد که مقاومت در منطق قرآن، حرکتی بی‌قاعده و صرفاً احساسی نیست؛ بلکه با سنت‌های الهی، ابتلاء، صبر، نصرت، غربال و فرجام حق پیوند دارد.

اما این پرسش باقی می‌ماند: این سنت‌ها در زندگی واقعی چگونه عمل کرده‌اند؟

قرآن برای پاسخ به این پرسش، ما را به زندگی پیامبران می‌برد. پیامبران فقط آموزگاران نظری مقاومت نبودند؛ بلکه خود در میدان دعوت، اصلاح، مبارزه با شرک و ظلم، تحمل فشار، تربیت انسان، مدیریت جامعه و ساختن یک جامعه توحیدی قرار داشتند.

از این منظر، سیره پیامبران یک مجموعه الگوهای متفاوت اما به هم پیوسته است. نوح(ع) الگوی استقامت طولانی، ابراهیم(ع) الگوی توحید و مبارزه با بت‌ها، موسی(ع) الگوی رهایی از سلطه، شعیب(ع) الگوی مبارزه با فساد اقتصادی و اجتماعی، یوسف(ع) الگوی مقاومت اخلاقی در ساختار قدرت، طالوت و داود(ع) الگوی مقاومت سازمان‌یافته و پیامبر اکرم(ص) الگوی جامع تربیت، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی‌اند.

بنابراین، این درس در ادامه درس چهارم، سنت‌های الهی را از سطح «قاعده» به سطح «الگوی عملی» می‌آورد.

سؤال محوری:

قرآن کریم چگونه سیره پیامبران الهی را به عنوان الگوهای ماندگار مقاومت معرفی می‌کند و هر یک چه درسی برای تربیت انسان مؤمن و کنشگر امروز دارند؟

اهداف درس

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. جایگاه پیامبران را به عنوان الگوهای استقامت و دعوت به حق تبیین کند.
۲. ویژگی‌های برجسته هر الگوی مقاومتی را بشناسد.

۳. میان سنت‌های الهی درس چهارم و تجربه پیامبران ارتباط برقرار کند.
۴. تفاوت میدان‌های مختلف مقاومت را در سیره پیامبران تشخیص دهد.
۵. از تجربه پیامبران برای زندگی فردی، اجتماعی و مدیریتی امروز درس بگیرد.
۶. نقش ایمان، صبر، بصیرت، اخلاق و سازمان‌دهی را در حرکت حق توضیح دهد.
۷. سیر حرکت از اصلاح انسان تا اصلاح جامعه و جامعه‌سازی را در مجموعه الگوهای قرآنی تحلیل کند.
۸. توضیح دهد که مقاومت در منطق قرآن، صرفاً به معنای مبارزه نظامی نیست.

۱. مقاومت؛ سنت مشترک مسیر پیامبران

مطالعه قرآن نشان می‌دهد که پیامبران در مسیر دعوت به توحید و حق، با انکار، فشار، تهدید، مخالفت و گاه آزار روبه‌رو بوده‌اند.

قرآن درباره پیامبران می‌فرماید: «وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»

«چه بسیار پیامبرانی که همراه آنان مردان الهی فراوانی جنگیدند؛ و در برابر آنچه در راه خدا به آنان رسید، سست نشدند و ناتوان نگردیدند و تسلیم نشدند؛ و خداوند صابران را دوست دارد.» (آل عمران: ۱۴۶)

و به پیامبر اکرم(ص) دستور می‌دهد: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أَوَّلُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ»
«پس همان‌گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند، صبر کن.» (احقاف: ۳۵)

بنابراین، یکی از پیام‌های اصلی قرآن این است که راه حق بدون استقامت، صبر و تحمل هزینه پیموده نمی‌شود.

البته مقاومت پیامبران را نباید به یک شکل واحد محدود کرد. گاهی مقاومت در برابر انحراف عقیدتی است، گاهی در برابر استبداد، گاهی در برابر فساد اقتصادی، گاهی مقاومت اخلاقی در شرایط قدرت و گاهی ساختن جامعه‌ای مبتنی بر ایمان و عدالت.

اصل گفتمانی:

سیره انبیاء نشان می‌دهد که مقاومت، یک رفتار تک‌بعدی نیست؛ بلکه متناسب با میدان، شکل و ابزار آن تغییر می‌کند، اما جهت آن یعنی حرکت در مسیر حق ثابت می‌ماند.

۲. الگوهای قرآنی مقاومت

پیامبر / الگو	میدان برجسته	ویژگی اصلی	درس تربیتی برای امروز
حضرت نوح(ع)	مقاومت بلندمدت در برابر انکار	صبر و استمرار	نتیجه‌نگرفتن فوری، مجوز ترک وظیفه نیست
حضرت ابراهیم(ع)	مقاومت توحیدی در برابر شرک و طاغوت	شجاعت فکری و توحید	مقاومت از اصلاح باور و شکستن بت‌های فکری آغاز می‌شود
حضرت موسی(ع)	مقاومت رهایی‌بخش در برابر فرعون	مبارزه با سلطه و رهبری جمعی	مقاومت باید با رهایی انسان و تحقق عدالت پیوند بخورد
حضرت شعیب(ع)	مقاومت در برابر فساد اقتصادی	عدالت اقتصادی و اجتماعی	مبارزه با فساد بخشی از مسئولیت دینی است
حضرت یوسف(ع)	مقاومت اخلاقی در ساختار قدرت	پاکدامنی، امانت و مدیریت	حضور در قدرت، اگر با اخلاق و صلاح همراه باشد، می‌تواند میدان خدمت باشد
طالبوت و داود(ع)	مقاومت جمعی در برابر جالوت	غربال نیروها، انضباط و کیفیت	تعداد، تنها عامل تعیین‌کننده نیست
پیامبر اکرم(ص)	مقاومت جامع و جامعه‌ساز	تربیت، صبر، رهبری و جامعه‌سازی	مقاومت از انسان‌سازی آغاز می‌شود و به ساخت جامعه صالح می‌رسد

۳. حضرت نوح(ع)؛ الگوی استقامت بلندمدت

حضرت نوح(ع) نمونه برجسته‌ای از استمرار در دعوت و تحمل طولانی‌مدت مخالفت است.

قرآن مدت دعوت او را چنین بیان می‌کند: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا...» «و به‌راستی نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس نهصد و پنجاه سال در میان آنان ماند...»

(عنکبوت: ۱۴)

این آیه یکی از روشن‌ترین نمونه‌های قرآنی برای فهم مقاومت بلندمدت است.

حضرت نوح(ع) با وجود طولانی شدن مسیر و مخالفت قوم، دعوت خود را رها نکرد.

درس امروز

در برخی محیط‌ها ممکن است فرد مؤمن با بی‌تفاوتی، تمسخر یا مخالفت روبه‌رو شود. الگوی نوح(ع) نشان می‌دهد که:

ارزش یک حرکت را نباید فقط با سرعت نتیجه‌دادن آن سنجید.

گاهی مهم‌ترین وظیفه، حفظ جهت، استمرار و انجام تکلیف است.

پیوند با درس چهارم

این الگو با سنت ابتلاء و صبر ارتباط مستقیم دارد.

۴. حضرت ابراهیم(ع)؛ مقاومت توحیدی و شکستن بت‌های فکری

حضرت ابراهیم(ع) الگوی مقاومت در برابر شرک، بت‌پرستی و نظام فکری حاکم است.

او از نزدیک‌ترین محیط یعنی خانواده و جامعه خود آغاز می‌کند:

«إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ»

«آن‌گاه که به پدرش و قومش گفت: این مجسمه‌هایی که شما ملازم آنها هستید چیست؟» (انبیاء: ۵۲)

و هنگامی که قوم او به پرستش بت‌ها اصرار می‌ورزند، حضرت ابراهیم(ع) با استدلال با آنان مواجه می‌شود.

قرآن سپس صحنه شکستن بت‌ها را بیان می‌کند و از مقاومت او در برابر نظام شرک سخن می‌گوید.

اما نکته مهم این است که مقاومت ابراهیم(ع) از اصلاح اندیشه آغاز می‌شود.

درس امروز

مقاومت فقط در برابر فشار بیرونی نیست؛ گاهی مهم‌ترین میدان مقاومت، فکر، باور و فرهنگ است.

انسان مقاوم باید بتواند:

- باورهای خود را بشناسد؛
- بت‌های فکری را تشخیص دهد؛

- در برابر فشار اجتماعی تسلیم نشود؛
- و برای دفاع از حق، هزینه عقلانی و اخلاقی بپردازد.

پیوند با درس چهارم

الگوی ابراهیم(ع) با تقابل حق و باطل و نیز غربال صفوف پیوند دارد.

۵. حضرت موسی(ع)؛ مقاومت رهایی‌بخش در برابر سلطه فرعون

در داستان حضرت موسی(ع)، مقاومت در برابر یک نظام استبدادی و سلطه‌گر آشکار می‌شود.

خداوند به موسی و هارون(ع) می‌فرماید:

«اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ»

«به سوی فرعون بروید که طغیان کرده است؛ و با او سخنی نرم بگویید، شاید متذکر شود یا بترسد.»
(طه: ۴۳-۴۴)

این آیات یک نکته مهم را روشن می‌کند: مقاومت قرآنی الزاماً به معنای ادبیات خشن نیست.

موسی(ع) در برابر فرعون ایستاد، اما مأمور شد در آغاز با قول نرم و منطق دعوت سخن بگوید.

در نهایت نیز قرآن یکی از اهداف اصلی این حرکت را چنین معرفی می‌کند:

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَىٰ الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»

«و می‌خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان قرار دهیم.»(قصص: ۵)

درس امروز

مقاومت در این الگو، فقط «اعتراض به ظلم» نیست؛ بلکه با رهایی انسان، نفی استکبار و ساختن وضعیت عادلانه‌تر پیوند دارد.

۶. حضرت شعیب(ع)؛ مقاومت در برابر فساد اقتصادی و اجتماعی

مقاومت در قرآن فقط در برابر اشغال یا استبداد سیاسی نیست.

حضرت شعیب(ع) با جامعه‌ای مواجه است که فساد اقتصادی، کم‌فروشی و تزییع حقوق مردم در آن رواج یافته است.

او می گوید: «أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ»

«پیمانہ را کامل کنید و از کم فروشان نباشید؛ و با ترازوی درست وزن کنید؛ و از ارزش اموال مردم نکاهید و در زمین به فساد نکوشید.» (شعراء: ۱۸۳-۱۸۱)

درس امروز

این الگو نشان می دهد که: مقاومت اسلامی با عدالت اقتصادی و سلامت اجتماعی بیگانه نیست.

اگر جامعه‌ای در برابر ظلم بیرونی ایستادگی کند اما در درون خود گرفتار فساد، تبعیض، تضییع حقوق مردم و بی عدالتی باشد، هنوز با معیار کامل قرآنی فاصله دارد.

پیام تربیتی

مقاومت باید هم دشمن بیرونی را ببیند و هم فساد درونی را.

۷. حضرت یوسف (ع)؛ مقاومت اخلاقی در دل ساختار قدرت

الگوی یوسف (ع) یکی از مهم ترین مواردی است که نشان می دهد مقاومت همیشه به معنای رویارویی مستقیم نیست.

یوسف (ع) در شرایطی قرار می گیرد که می تواند در برابر وسوسه و فساد اخلاقی تسلیم شود، اما مقاومت می کند:

«مَعَادَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ»

«پناه بر خدا! او پروردگار من است که جایگاه مرا نیکو داشته؛ بی تردید ستمگران رستگار نمی شوند.» (یوسف: ۲۳)

بعدها نیز هنگامی که امکان حضور مؤثر در ساختار مدیریتی برای او فراهم می شود، مسئولیت می پذیرد:

«قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» «گفت مرا بر خزانه های این سرزمین بگمار؛ زیرا من نگهبانی دانا هستم.» (یوسف: ۵۵)

اینجا دو مرحله مهم کنار هم قرار می گیرند:

مقاومت در برابر فساد ← حفظ پاکی ← ورود مسئولانه به عرصه مدیریت ← خدمت عمومی

درس امروز

مقاومت فقط بیرون از ساختار قدرت اتفاق نمی‌افتد.

گاهی پاکدامنی، امانت‌داری، شایسته‌سالاری و مدیریت صالح خود نوعی مقاومت در برابر فساد است.

۸. طالوت و داود(ع)؛ مقاومت جمعی و غربال نیروها

در داستان طالوت، قرآن نشان می‌دهد که کمیت به تنهایی معیار قدرت نیست.

هنگامی که طالوت سپاه خود را برای رویارویی آماده می‌کند، آنان مورد آزمایش قرار می‌گیرند:

«إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ...» «خداوند شما را به وسیله نهری می‌آزماید...» (بقره: ۲۴۹)

پس از آزمون، گروهی از میدان جدا می‌شوند.

قرآن سپس درباره گروه مؤمن باقی‌مانده می‌گوید:

«قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ»
«کسانی که یقین داشتند خدا را ملاقات خواهند کرد گفتند: چه بسیار گروه‌های اندکی که به اذن خدا بر
گروه‌های بسیاری پیروز شدند و خدا با صابران است.» (بقره: ۲۴۹)

و پس از آن: «فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ...» (بقره: ۲۵۱)

درس امروز

این داستان چند نکته را هم‌زمان آموزش می‌دهد:

- غربال نیروها مهم است؛
- کیفیت نیروها بر کمیت صرف مقدم است؛
- ایمان بدون انضباط کافی نیست؛
- مقاومت جمعی نیازمند سازمان‌دهی است؛
- وعده الهی جایگزین تلاش و عمل انسان نیست.

پیوند با درس چهارم

این الگو نمونه روشنی از ابتلاء، غربال صفوف، صبر و نصرت است.

۹. پیامبر اکرم(ص)؛ الگوی جامع مقاومت و جامعه‌سازی

اگر پیامبران هر یک جلوه‌ای از مقاومت را نشان دادند، سیره پیامبر اکرم(ص) مجموعه‌ای جامع از این الگوها را در خود گرد آورده است.

مقاومت پیامبر(ص) فقط در میدان نبرد خلاصه نمی‌شود؛ بلکه از:

تربیت انسان ← اصلاح باور ← صبر در برابر فشار ← تشکیل جماعت مؤمن ← ایجاد همبستگی اجتماعی ← دفاع از جامعه ← مدیریت و حکمرانی ← عدالت اجتماعی گسترده می‌شود.

قرآن پیامبر اکرم(ص) را الگوی مؤمنان معرفی می‌کند:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»
«قطعاً برای شما در رسول خدا الگویی نیکوست، برای کسی که به خدا و روز واپسین امید دارد و خدا را بسیار یاد می‌کند.» (احزاب: ۲۱)

در دوره مکه، مقاومت پیامبر(ص) بیش از هر چیز با تربیت، دعوت، توحید، صبر و استقامت پیوند داشت.

قرآن می‌فرماید: «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ»
«پس آنچه را مأموری آشکارا بیان کن و از مشرکان روی بگردان.» (حجر: ۹۴)

و درباره فشار دشمنان می‌فرماید: «وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا»
«بر آنچه می‌گویند شکیبا باش و به شیوه‌ای نیکو از آنان فاصله بگیر.» (مزمّل: ۱۰)

در مدینه، این حرکت وارد مرحله جامعه‌سازی، دفاع، مدیریت اجتماعی و شکل‌دهی به امت شد.

درس امروز

از سیره پیامبر(ص) می‌توان آموخت که مقاومت موفق، تنها با «مقابله» ساخته نمی‌شود؛ بلکه به انسان، فرهنگ، تربیت، انسجام اجتماعی، رهبری، اخلاق، قدرت و ساختن آینده نیاز دارد.

اصل گفتمانی:

مقاومت در سیره پیامبر اکرم(ص)، از خودسازی آغاز می‌شود، با جامعه‌سازی ادامه می‌یابد و در مسیر ساختن جامعه‌ای مبتنی بر توحید، عدالت و کرامت انسان امتداد پیدا می‌کند.

۱۰. سیر تکاملی الگوهای مقاومت

اگر این الگوها را کنار یکدیگر قرار دهیم، می‌توان مسیر کلی زیر را مشاهده کرد:

نوح(ع): استمرار در دعوت



ابراهیم(ع): اصلاح اندیشه و توحید



موسی(ع): رهایی از سلطه و مبارزه با استکبار



شعیب(ع): اصلاح اقتصادی و اجتماعی



یوسف(ع): حفظ اخلاق و مدیریت صالح در ساختار قدرت



طالوت و داود(ع): سازمان‌دهی و مقاومت جمعی



پیامبر اکرم(ص): تربیت انسان، تشکیل امت و جامعه‌سازی

نکته مهم

این ترتیب به معنای آن نیست که هر پیامبر فقط یک ویژگی داشته است؛ بلکه برای آموزش و فهم بهتر می‌توان در هر داستان یک ویژگی برجسته را محور قرار داد.

بنابراین، این سیر را باید یک نقشه آموزشی از ابعاد مقاومت دانست، نه یک تقسیم‌بندی تاریخی یا انحصاری.

پیام کلیدی:

مقاومت از انسان آغاز می‌شود، به اصلاح جامعه می‌رسد و در صورت فراهم شدن شرایط، به جامعه‌سازی و تمدن‌سازی امتداد می‌یابد.

۱۱. ارکان مشترک الگوهای مقاومتی

با وجود تفاوت میدان‌ها، در مجموعه این داستان‌ها می‌توان چند عنصر مشترک را مشاهده کرد:

رکن	جلوه در سیره پیامبران
ایمان	حرکت از توحید و اعتماد به خدا
صبر و استقامت	استمرار در شرایط فشار و دشواری
بصیرت	شناخت حق، باطل، شرایط و میدان
اخلاق	حفظ مرزهای الهی حتی در شرایط سخت
عمل و اقدام	تبدیل ایمان به رفتار و تصمیم
تربیت نیرو	ساختن انسان‌های مؤمن و مقاوم
سازمان‌دهی	حرکت از دعوت فردی به جامعه و امت
رهبری	هدایت جامعه در شرایط بحران و فشار

این جدول نشان می‌دهد که مقاومت قرآنی، صرفاً «شجاعت در برابر دشمن» نیست؛ بلکه یک منظومه تربیتی و اجتماعی است.

۱۲. کارکرد تربیتی این درس

هدف از مطالعه داستان پیامبران، دانستن مجموعه‌ای از حوادث تاریخی نیست.

قرآن می‌فرماید:

«لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ...» «قطعاً در سرگذشت آنان برای خردمندان عبرتی است.»
(یوسف: ۱۱۱)

پس این داستان‌ها باید به بینش و عمل تبدیل شوند.

پنج درس اساسی برای انسان امروز

۱. مقاومت، فقط مقابله نیست.

گاهی مقاومت، صبر است؛ گاهی اصلاح اندیشه؛ گاهی مبارزه با ظلم؛ گاهی مبارزه با فساد؛ و گاهی حفظ پاکی و امانت در جایگاه قدرت.

۲. هر میدان، الگوی مناسب خود را می‌طلبد.

نمی‌توان نسخه یکسانی برای همه شرایط پیچید.

۳. مقاومت بدون تربیت نیرو پایدار نیست.

داستان طالوت و نیز سیره پیامبر اکرم(ص) اهمیت تربیت و سازمان‌دهی را نشان می‌دهد.

۴. مقاومت بدون اخلاق، از مسیر قرآنی فاصله می‌گیرد.

یوسف(ع) نشان می‌دهد که حتی در شرایط قدرت نیز مرزهای اخلاقی نباید کنار گذاشته شوند.

۵. مقاومت باید افق سازندگی داشته باشد.

هدف فقط دفع دشمن نیست؛ بلکه ساختن انسان، جامعه و آینده‌ای بهتر نیز هست.

فعالیت یادگیری

فعالیت ۱ – انتخاب الگو

از میان الگوهای این درس، یک پیامبر را انتخاب کنید و توضیح دهید:

- مهم‌ترین میدان مقاومت او چه بود؟
- مهم‌ترین ویژگی او چه بود؟
- این ویژگی در زندگی امروز چه کاربردی دارد؟

فعالیت ۲ – مقاومت اخلاقی

مقاومت حضرت یوسف(ع) در برابر وسوسه و سپس حضور مسئولانه او در ساختار مدیریت را بررسی کنید.

این الگو چه درسی برای مدیران، کارکنان و مسئولان امروز دارد؟

فعالیت ۳ – مقاومت در محیط ناموافق

با الهام از حضرت نوح(ع)، توضیح دهید:

اگر فردی در محیطی قرار داشته باشد که نسبت به ارزش‌های او بی‌تفاوت یا حتی مخالف باشد، چگونه می‌تواند بدون انفعال و بدون رفتار هیجانی بر مسیر صحیح خود باقی بماند؟

فعالیت ۴ – پیوند دو درس

یک مثال پیدا کنید که در آن یکی از سنت‌های الهی درس چهارم در یکی از داستان‌های پیامبران این درس قابل مشاهده باشد.

خودارزیابی

- ۱) چرا قرآن سیره پیامبران را برای «عبرت» و الگوگیری مطرح می‌کند؟
- ۲) مقاومت حضرت نوح(ع) چه درسی درباره زمان و نتیجه به ما می‌دهد؟
- ۳) چرا مقاومت حضرت ابراهیم(ع) را می‌توان مقاومت فکری و توحیدی دانست؟
- ۴) چه تفاوتی میان میدان مقاومت موسی(ع) و یوسف(ع) وجود دارد؟
- ۵) چرا مبارزه با فساد اقتصادی در داستان شعیب(ع) بخشی از مقاومت محسوب می‌شود؟
- ۶) داستان طالوت و داود(ع) چه ارتباطی با «سنت غربال صفوف» در درس چهارم دارد؟
- ۷) چرا مقاومت پیامبر اکرم(ص) را می‌توان جامع‌ترین الگوی این درس دانست؟
- ۸) آیا مقاومت همیشه به معنای رویارویی مستقیم است؟ با مثال توضیح دهید.
- ۹) چه رابطه‌ای میان ایمان، صبر، اخلاق و سازمان‌دهی در مقاومت وجود دارد؟

جمع‌بندی درس

قرآن، پیامبران را صرفاً شخصیت‌های تاریخی معرفی نمی‌کند؛ بلکه زندگی آنان را به عنوان مدرسه تربیت انسان مؤمن و مقاوم عرضه می‌کند.

حضرت نوح(ع) به ما استمرار و صبر می‌آموزد؛ حضرت ابراهیم(ع)، توحید و شجاعت فکری؛ حضرت موسی(ع)، رهایی از سلطه و استادگی در برابر استکبار؛ حضرت شعیب(ع)، مبارزه با فساد و بی‌عدالتی اقتصادی؛ حضرت یوسف(ع)، پاکی و امانت در شرایط قدرت؛ داستان طالوت و داود(ع)، غربال نیروها، انضباط و مقاومت جمعی؛ و پیامبر اکرم(ص)، منظومه جامع تربیت، رهبری، جامعه‌سازی و دفاع از جامعه مؤمن را به نمایش می‌گذارد.

در نتیجه، مقاومت قرآنی را نمی‌توان به یک رفتار سیاسی یا نظامی تقلیل داد.

مقاومت، منظومه‌ای از ایمان، بصیرت، صبر، اخلاق، اقدام، تربیت نیرو، مبارزه با ظلم، اصلاح اجتماعی و ساختن آینده است.

پیام‌های کلیدی

- ✚ پیامبران در مسیر دعوت به حق، الگوهای استقامت و مقاومت‌اند.
- ✚ مقاومت در قرآن، شکل‌های متنوع دارد و به میدان نظامی محدود نیست.

- ✚ نوح(ع) نماد استقامت بلندمدت است.
- ✚ ابراهیم(ع) نماد مقاومت توحیدی و فکری است.
- ✚ موسی(ع) نماد مبارزه با سلطه و رهایی مستضعفان است.
- ✚ شعیب(ع) نشان می‌دهد که عدالت اقتصادی و مبارزه با فساد نیز بخشی از مسئولیت دینی است.
- ✚ یوسف(ع) الگوی مقاومت اخلاقی و مدیریت صالح در دل ساختار قدرت است.
- ✚ طالوت و داود(ع) اهمیت غربال، کیفیت نیرو، انضباط و سازمان‌دهی را نشان می‌دهند.
- ✚ پیامبر اکرم(ص) الگوی جامع تربیت انسان، جامعه‌سازی و حرکت تمدنی است.
- ✚ مقاومت از اصلاح انسان آغاز می‌شود، به اصلاح جامعه می‌رسد و می‌تواند به جامعه‌سازی و تمدن‌سازی امتداد یابد.
- ✚ ایمان، صبر، بصیرت، اخلاق، اقدام و سازمان‌دهی، عناصر مهم منظومه مقاومت‌اند.

ارتباط با درس بعد

اکنون یک پرسش اساسی مطرح می‌شود:

اگر پیامبران در میدان‌های مختلف با روش‌های متناسب با شرایط خود مقاومت کردند، مقاومت در دوره معاصر چگونه شکل گرفته است و چه ویژگی‌هایی دارد؟

درس ششم از همین جا وارد بررسی تجلی معاصر مقاومت اسلامی و تجربه‌های جدید آن می‌شود.

درس ششم) دشمن را بشناس

شناخت ساختار، اهداف و راهبردهای سلطه

ارتباط با درس قبل و چگونگی ورود به این بحث

درس پنجم نشان داد که مقاومت پیامبران تنها بر شجاعت و صبر استوار نبود؛ بلکه بصیرت، شناخت میدان، تشخیص حق از باطل و شناخت موانع مسیر نیز از عناصر اساسی حرکت آنان بود.

اکنون یک پرسش اساسی مطرح می‌شود: اگر مقاومت باید آگاهانه و هدفمند باشد، در برابر چه کسی و چه ساختاری مقاومت می‌کنیم؟ دشمن چگونه عمل می‌کند و از چه ابزارهایی بهره می‌گیرد؟

بنابراین، پس از شناخت چرایی مقاومت، منطق قدرت، مقایسه مقاومت و سازش، سنت‌های الهی و الگوهای پیامبران، نوبت به شناخت میدان واقعی تقابل می‌رسد.

دشمن شناسی به معنای بدبینی یا دشمن‌تراشی نیست؛ بلکه یعنی شناخت واقع‌بینانه بازیگران، اهداف، ساختارها، ابزارها و شیوه‌های اثرگذاری آنان، تا تصمیم و اقدام ما بر اساس شناخت باشد، نه هیجان و حدس.

سؤال محوری:

چرا شناخت دشمن یکی از پیش‌شرط‌های مقاومت مؤثر است و قدرت‌های سلطه‌گر برای حفظ نفوذ و تأمین منافع خود از چه ساختارها، اهداف و ابزارهایی استفاده می‌کنند؟

اهداف درس:

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. ضرورت دشمن‌شناسی را در یک مقاومت عقلانی و آگاهانه توضیح دهد.
۲. تفاوت دشمن‌شناسی، دشمن‌پنداری و دشمن‌تراشی را تشخیص دهد.
۳. ساختار چندلایه قدرت و سلطه را توضیح دهد.
۴. اهداف و منافع قدرت‌های سلطه‌گر را در سطوح مختلف تحلیل کند.
۵. راهبردها و ابزارهای اعمال فشار و نفوذ را بشناسد.
۶. عرصه‌های مختلف تقابل را از یکدیگر تفکیک کند.
۷. رابطه میان شناخت دشمن، شناخت تهدید و طراحی پاسخ مناسب را توضیح دهد.

۸. نشان دهد چرا مقاومت مؤثر فقط به عرصه نظامی محدود نمی‌شود.

۱. چرا دشمن‌شناسی ضرورت دارد؟

هیچ حرکت آگاهانه‌ای بدون شناخت محیط و موانع آن نمی‌تواند موفق باشد. انسان برای حل یک مسئله ابتدا باید مسئله را درست بشناسد؛ جامعه نیز برای حفظ استقلال و منافع خود باید تهدیدها و عوامل مؤثر بر تصمیم‌ها و سرنوشت خود را بشناسد.

در منطق مقاومت نیز همین اصل وجود دارد.

مقاومت بدون شناخت، ممکن است به واکنشی احساسی و کم‌اثر تبدیل شود.

دشمن‌شناسی یعنی شناخت:

- چه کسی یا چه ساختاری در برابر منافع و استقلال یک ملت قرار گرفته است؛
- چه اهدافی را دنبال می‌کند؛
- از چه ابزارهایی استفاده می‌کند؛
- در چه عرصه‌هایی اثر می‌گذارد؛
- و چگونه می‌توان متناسب با آن، پاسخ مؤثر طراحی کرد.

یک تفکیک مهم

مفهوم	معنا
دشمن‌شناسی	شناخت واقع‌بینانه اهداف، رفتار و ابزارهای طرف مقابل
دشمن‌پنداری	نسبت دادن دشمنی بدون دلیل و تحلیل کافی
دشمن‌تراشی	ایجاد یا بزرگ‌نمایی دشمن برای توجیه یک رفتار

پس دشمن‌شناسی مساوی با بدبینی نیست؛ بخشی از عقلانیت راهبردی است.

مثال

اگر یک کشور با تحریم اقتصادی مواجه باشد، صرف گفتن «دشمن وجود دارد» کافی نیست. باید مشخص شود:

تحریم چیست؟ چه هدفی دارد؟ چه بخش‌هایی را هدف قرار می‌دهد؟ چه آثار اقتصادی و اجتماعی ایجاد می‌کند؟ و پاسخ مؤثر به آن چیست؟

اصل گفتمانی:

مقاومت آگاهانه از شناخت دقیق میدان آغاز می‌شود؛ نه از شعار و هیجان.

۲. دشمنی را چگونه باید تحلیل کرد؟

برای اینکه دشمن‌شناسی از سطح شعار فراتر رود، باید میان چهار سطح تفاوت گذاشت:

بازیگر ← هدف ← راهبرد ← ابزار

برای مثال، ممکن است یک قدرت یا مجموعه‌ای از قدرت‌ها هدفی را دنبال کنند؛ برای رسیدن به آن هدف، راهبردی را انتخاب کنند و سپس از ابزارهای سیاسی، اقتصادی، رسانه‌ای یا امنیتی بهره بگیرند.

بنابراین نباید هر ابزار را به‌جای هدف و هر اقدام مقطعی را به‌جای راهبرد اصلی تلقی کرد.

چارچوب تحلیل

سطح	پرسش
بازیگر	چه کسی یا چه مجموعه‌ای اقدام می‌کند؟
هدف	چه چیزی را می‌خواهد تغییر دهد یا حفظ کند؟
راهبرد	برای رسیدن به هدف چه مسیری را انتخاب کرده است؟
ابزار	از چه امکاناتی برای اجرای راهبرد استفاده می‌کند؟
پیامد	نتیجه این اقدام برای جامعه هدف چیست؟

این چارچوب کمک می‌کند دشمن‌شناسی از یک ادعای کلی به یک تحلیل قابل بررسی تبدیل شود.

۳. ساختار قدرت و سلطه

قدرت در جهان معاصر صرفاً در توان نظامی خلاصه نمی‌شود. مجموعه‌ای از ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی، علمی، رسانه‌ای، فرهنگی و امنیتی می‌تواند در شکل‌دهی به تصمیم‌ها و رفتار دولت‌ها و ملت‌ها اثرگذار باشد.

از این رو، ساختار قدرت سلطه‌گر را می‌توان در چند لایه بررسی کرد:

لایه قدرت	بازیگران و ابزارها	کارکرد
-----------	--------------------	--------

سیاسی و دیپلماتیک	دولت‌ها، نهادهای سیاسی و بین‌المللی	فشار سیاسی، مذاکره، ائتلاف و مشروعیت‌بخشی
نظامی و امنیتی	ارتش، نهادهای اطلاعاتی و پیمان‌های نظامی	تهدید، بازدارندگی و فشار امنیتی
اقتصادی و مالی	دولت‌ها، شرکت‌ها و نهادهای مالی	تحریم، محدودسازی و ایجاد وابستگی
رسانه‌ای و فرهنگی	رسانه‌ها، پلتفرم‌ها و مراکز فکری	روایت‌سازی و اثرگذاری بر افکار عمومی
علمی و فناوریانه	دانشگاه‌ها، مراکز علمی و شرکت‌های فناوری	ایجاد یا کنترل ظرفیت‌های علمی و فناوریانه

نکته کلیدی:

قدرت سلطه‌گر الزاماً با یک ابزار عمل نمی‌کند؛ بلکه ترکیب ابزارها می‌تواند اثرگذاری بیشتری ایجاد کند.

برای مثال، فشار اقتصادی ممکن است با فشار سیاسی، عملیات رسانه‌ای و فشار امنیتی همراه شود.

بنابراین، شناخت یک ابزار به‌تنهایی کافی نیست؛ باید شبکه ارتباط میان ابزارها را نیز شناخت.

۴. ماهیت تقابل؛ اختلاف مقطعی یا تعارض منافع؟

در منطق کتاب، تقابل جمهوری اسلامی ایران با نظام سلطه در برخی مسائل اساسی ریشه دارد و صرفاً نمی‌توان آن را به یک اختلاف سیاسی مقطعی فروکاست.

مهم‌ترین محورهای مورد توجه عبارت‌اند از:

الف) استقلال

یکی از نقاط اصلی تعارض، مسئله استقلال در تصمیم‌گیری است.

کشوری که می‌خواهد درباره منافع و سرنوشت خود مستقل تصمیم بگیرد، طبیعی است که در مواردی با قدرت‌هایی که خواهان حفظ نفوذ خود هستند، با تعارض منافع مواجه شود.

ب) هویت

هویت دینی، فرهنگی و سیاسی یک جامعه می‌تواند بر نوع حکمرانی، ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های آن اثر بگذارد.

از این رو، حفظ هویت نیز بخشی از مسئله استقلال است.

ج) قدرت و نفوذ منطقه‌ای

افزایش توان و نفوذ یک کشور می‌تواند موازنه قدرت منطقه‌ای را تغییر دهد و در نتیجه با منافع برخی قدرت‌های رقیب تعارض پیدا کند.

د) الگوی الهام‌بخش

اگر یک ملت بتواند بدون وابستگی، مسیر مستقل خود را دنبال کند، این تجربه می‌تواند برای دیگر ملتها نیز الهام‌بخش باشد؛ بنابراین، مسئله فقط یک کشور نیست، بلکه گاهی الگوی رفتاری یک ملت نیز اهمیت پیدا می‌کند.

اصل گفتمانی:

برای فهم دشمنی باید به ریشه‌های تعارض منافع و اهداف توجه کرد، نه فقط به حوادث روزمره.

۵. اهداف دشمن در سه سطح

برای فهم بهتر اقدامات طرف مقابل، باید اهداف را در سطوح مختلف بررسی کرد.

اهداف بلندمدت

- حفظ موقعیت برتر در نظام بین‌الملل؛
- جلوگیری از شکل‌گیری قدرت‌های مستقل و رقیب؛
- حفظ نظم مطلوب قدرت‌های مسلط؛
- محدود کردن شکل‌گیری الگوهای مستقل و اثرگذار.

اهداف میان‌مدت

- مهار توانمندی‌های سیاسی، اقتصادی، علمی و دفاعی؛
- کاهش ظرفیت اثرگذاری منطقه‌ای و بین‌المللی؛
- محدود کردن توان تصمیم‌گیری مستقل؛
- افزایش وابستگی یا آسیب‌پذیری.

اهداف کوتاه‌مدت

- افزایش فشارهای سیاسی و اقتصادی؛
- اثرگذاری بر افکار عمومی؛

- ایجاد نگرانی، ناامیدی یا اختلاف؛
- تأثیرگذاری بر محاسبات تصمیم‌گیران؛
- کاهش انسجام و اعتماد اجتماعی.

زنجیره تحلیل

هدف بلندمدت ← هدف میان‌مدت ← اقدام کوتاه‌مدت ← ابزار مورد استفاده

این زنجیره کمک می‌کند یک رخداد روزمره را جدا از راهبرد کلی تحلیل نکنیم.

۶. راهبردهای سلطه چگونه عمل می‌کنند؟

قدرت‌های سلطه‌گر برای تحقق اهداف خود از راهبردهای مختلف استفاده می‌کنند:

راهبرد	هدف	نمونه ابزار
فشار سیاسی و دیپلماتیک	تغییر رفتار یا افزایش انزوا	فشار سیاسی، قطعنامه و ائتلاف‌سازی
تحریم اقتصادی	کاهش توان و افزایش هزینه	محدودیت نفت، بانک و فناوری
جنگ شناختی	تغییر ادراک و محاسبه	ترس، شایعه، ناامیدی و تحریف
عملیات رسانه‌ای	جهت‌دهی به افکار عمومی	روایت‌سازی و برجسته‌سازی گزینشی
نفوذ اطلاعاتی و امنیتی	اخلال و کسب اطلاعات	جاسوسی، خرابکاری و عملیات سایبری
ائتلاف‌سازی	افزایش فشار بر طرف مقابل	همراه کردن دولت‌ها و متحدان
فشار و تهدید نظامی	افزایش هزینه مقاومت	حضور و تهدید نظامی
نفوذ فرهنگی	تغییر تدریجی ارزش‌ها و الگوها	محصولات فرهنگی و شبکه‌های اجتماعی

نکته بسیار مهم: هدف نهایی بسیاری از این اقدامات فقط تحمیل هزینه نیست.

ممکن است هدف اصلی، تغییر: **ادراک** ← **محاسبه** ← **اراده** ← رفتار طرف مقابل باشد.

به همین دلیل، اگر جامعه‌ای فقط ابزار سخت را ببیند و از جنگ ادراکی و رسانه‌ای غفلت کند، ممکن است بخش مهمی از میدان تقابل را نبیند.

۷. جنگ شناختی؛ چرا ادراک اهمیت دارد؟

در بسیاری از تقابل‌های جدید، تلاش می‌شود پیش از آنکه رفتار یک جامعه تغییر کند، برداشت آن جامعه از واقعیت تغییر کند.

برای مثال، ممکن است یک جامعه به این نتیجه برسد که:

- مقاومت بی‌فایده است؛
- هیچ راهی برای پیشرفت وجود ندارد؛
- طرف مقابل شکست‌ناپذیر است؛
- مشکلات داخلی صرفاً ناشی از مقاومت است؛
- یا هرگونه ایستادگی الزاماً به شکست منتهی می‌شود.

این گزاره‌ها، چه درست باشند و چه نادرست، هنگامی که بدون بررسی پذیرفته شوند، می‌توانند بر محاسبات و اراده جامعه اثر بگذارند.

بنابراین، مقابله با جنگ شناختی فقط با شعار ممکن نیست؛ بلکه نیازمند:

- سواد رسانه‌ای؛
- شناخت واقعیت‌ها؛
- تحلیل داده‌ها؛
- قدرت روایت؛
- گفت‌وگوی اقناعی؛
- و افزایش اعتماد عمومی است.

پیام کلیدی: کسی که میدان ادراک را از دست بدهد، ممکن است پیش از شکست در میدان واقعی، اراده مقاومت را از دست داده باشد.

۸. عرصه‌های مختلف تقابل

تقابل فقط در میدان نظامی رخ نمی‌دهد. یک جامعه ممکن است هم‌زمان در چند عرصه با فشار یا تهدید مواجه باشد.

عرصه	نمونه فشار یا تهدید	پاسخ متناسب
سیاسی	فشار، انزوا و محدودسازی دیپلماتیک	دیپلماسی فعال و ائتلاف‌سازی
اقتصادی	تحریم و محدودیت اقتصادی	تقویت تولید، تاب‌آوری و کاهش وابستگی
علمی و فناوریانه	محدودیت دسترسی و وابستگی	توسعه علم و فناوری

فرهنگی	تضعیف هویت و تغییر الگوهای ارزشی	تقویت هویت و تولید فرهنگی
رسانه‌ای	روایت‌سازی و تحریف	رسانه توانمند و سواد رسانه‌ای
اجتماعی	ایجاد شکاف و بی‌اعتمادی	انسجام و تقویت سرمایه اجتماعی
امنیتی و دفاعی	تهدید و فشار امنیتی	توان دفاعی و هوشیاری

اصل مهم: هر تهدید، پاسخ متناسب با خود را می‌طلبد.

تحریم اقتصادی را نمی‌توان فقط با ابزار نظامی پاسخ داد؛ همان‌گونه که جنگ شناختی صرفاً با افزایش توان دفاعی حل نمی‌شود. پس مقاومت مؤثر باید چندبعدی باشد.

۹. از دشمن‌شناسی تا راهبرد مقاومت

شناخت دشمن به خودی خود هدف نیست.

اگر شناخت دشمن فقط باعث ترس، خشم یا احساس ناتوانی شود، نتیجه مطلوب حاصل نشده است.

هدف از دشمن‌شناسی آن است که جامعه بتواند:

۱. تهدید را درست تشخیص دهد؛
۲. نقاط ضعف و قوت خود را بشناسد؛
۳. ظرفیت‌های داخلی را تقویت کند؛
۴. پاسخ متناسب طراحی کند؛
۵. از غافلگیری جلوگیری کند؛
۶. و قدرت تصمیم‌گیری مستقل خود را حفظ کند.

بنابراین مسیر منطقی درس چنین است: **شناخت میدان ← شناخت دشمن ← شناخت هدف و ابزار**
← شناخت آسیب‌پذیری خود ← طراحی پاسخ ← تقویت قدرت ملی و این دقیقاً ما را به پرسش
درس بعد می‌رساند:

اگر مقاومت نیازمند قدرت است، قدرت ملی دقیقاً چیست و چگونه باید آن را ساخت؟

فعالیت یادگیری

فعالیت ۱. یک نمونه واقعی از فشار سیاسی، اقتصادی، رسانه‌ای یا فرهنگی را انتخاب کنید و آن را با این الگو تحلیل کنید: **بازیگر ← هدف ← راهبرد ← ابزار ← پیامد**

فعالیت ۲. یک نمونه از «دشمن‌شناسی» و یک نمونه از «دشمن‌پنداری» بیان کنید و تفاوت آنها را توضیح دهید.

فعالیت ۳. فرض کنید جامعه‌ای در برابر تحریم اقتصادی و هم‌زمان جنگ رسانه‌ای قرار گرفته است. چرا پاسخ آن جامعه نمی‌تواند صرفاً نظامی باشد؟ چه مجموعه‌ای از توانمندی‌ها مورد نیاز است؟

فعالیت ۴. یکی از عرصه‌های شش‌گانه تقابل را انتخاب کنید و توضیح دهید مهم‌ترین آسیب‌پذیری و راه تقویت آن چیست.

خودارزیابی:

- (۱) دشمن‌شناسی چه تفاوتی با دشمن‌پنداری دارد؟
- (۲) چرا برای تحلیل رفتار یک قدرت، باید میان «هدف»، «راهبرد» و «ابزار» تفاوت گذاشت؟
- (۳) چرا قدرت سلطه‌گر از ابزارهای متنوع استفاده می‌کند؟
- (۴) هدف جنگ شناختی فقط انتقال اطلاعات است یا تغییر ادراک و اراده نیز اهمیت دارد؟
- (۵) چرا مقاومت مؤثر باید در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، رسانه‌ای، اجتماعی و دفاعی شکل بگیرد؟
- (۶) رابطه میان دشمن‌شناسی و تقویت قدرت ملی چیست؟

جمع‌بندی درس:

مقاومت آگاهانه بدون شناخت میدان و عوامل اثرگذار بر آن ممکن نیست. دشمن‌شناسی به معنای دشمن‌تراشی یا بدبینی نیست؛ بلکه نوعی شناخت واقع‌بینانه از بازیگران، اهداف، راهبردها و ابزارهای اثرگذاری است.

قدرت‌های سلطه‌گر برای تحقق اهداف خود تنها به قدرت نظامی متکی نیستند؛ بلکه از ترکیبی از ابزارهای سیاسی، اقتصادی، امنیتی، رسانه‌ای، فرهنگی و فناوریانه استفاده می‌کنند.

از سوی دیگر، هدف فشار نیز همیشه تحمیل هزینه نیست؛ گاهی تلاش می‌شود ادراک، محاسبه، اراده و در نهایت رفتار طرف مقابل تغییر کند.

بنابراین مقاومت مؤثر نیز نمی‌تواند تک‌بعدی باشد. جامعه‌ای که می‌خواهد استقلال و منافع خود را حفظ کند، باید هم‌زمان قدرت سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی، رسانه‌ای، اجتماعی و دفاعی خود را تقویت کند.

در نتیجه:

دشمن‌شناسی برای ترساندن نیست؛ برای درست دیدن است.
درست دیدن برای درست تصمیم گرفتن است.
و درست تصمیم گرفتن مقدمه ساختن قدرتی است که مقاومت را ممکن و مؤثر می‌کند.

پیام‌های کلیدی:

- ✚ دشمن‌شناسی، بخشی از بصیرت و عقلانیت راهبردی است.
- ✚ دشمن‌شناسی با دشمن‌پنداری و دشمن‌تراشی تفاوت دارد.
- ✚ برای شناخت یک تهدید باید میان بازیگر، هدف، راهبرد و ابزار تفاوت گذاشت.
- ✚ سلطه می‌تواند از ابزارهای سیاسی، اقتصادی، امنیتی، فرهنگی، رسانه‌ای و فناوری استفاده کند.
- ✚ هدف برخی راهبردهای فشار، تغییر ادراک، محاسبه، اراده و رفتار طرف مقابل است.
- ✚ مقاومت مؤثر، فقط نظامی نیست؛ چندبعدی و متناسب با نوع تهدید است.
- ✚ شناخت دشمن باید به شناخت آسیب‌پذیری‌های خود و تقویت قدرت ملی منجر شود.

درس هفتم) صهیونیسم چیست؟

شناخت ماهیت، اهداف و چرایی تقابل با جمهوری اسلامی ایران

ارتباط با درس قبل و چگونگی ورود به این بحث

درس ششم نشان داد که مقاومت بدون شناخت میدان، بازیگران، اهداف و ابزارهای سلطه، نمی‌تواند مقاومتی آگاهانه و مؤثر باشد. اکنون باید یکی از مهم‌ترین بازیگران مؤثر در تحولات غرب آسیا و مسئله فلسطین را دقیق‌تر بشناسیم.

از اینجا پرسش اصلی درس هفتم شکل می‌گیرد: صهیونیسم چیست؟ رژیم صهیونیستی چگونه شکل گرفت؟ چه اهدافی را دنبال می‌کند و چرا جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه گذشته در برابر آن قرار گرفته است؟

برای پاسخ دقیق، ابتدا باید میان سه مفهوم تفکیک کنیم: یهودیت به‌عنوان یک دین، صهیونیسم به‌عنوان یک جریان سیاسی — ایدئولوژیک، و رژیم صهیونیستی به‌عنوان یک ساختار سیاسی مستقر در سرزمین فلسطین.

سؤال محوری

صهیونیسم چیست، چگونه به تشکیل رژیم صهیونیستی انجامید و چرا جمهوری اسلامی ایران در تقابل راهبردی با این رژیم قرار گرفته است؟

اهداف درس:

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. صهیونیسم را با زبان ساده و دقیق تعریف کند.
۲. میان یهودیت، صهیونیسم و رژیم صهیونیستی تفاوت بگذارد.
۳. زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری صهیونیسم و تشکیل رژیم صهیونیستی را به‌صورت اجمالی توضیح دهد.
۴. مهم‌ترین مؤلفه‌های راهبردی رژیم صهیونیستی در منطقه را بشناسد.
۵. مسئله فلسطین را در چارچوب اشغال، آوارگی و منازعه بر سر سرزمین و حاکمیت تحلیل کند.
۶. علل اصلی تقابل جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی را توضیح دهد.
۷. ارتباط این بحث را با «نظام سلطه» و «دشمن‌شناسی» در درس ششم درک کند.

۱. پیش از هر چیز: یهودیت، صهیونیسم و رژیم صهیونیستی چه تفاوتی دارند؟

یکی از خطاهای مهم در بحث فلسطین، یکی گرفتن دین یهود با صهیونیسم و سپس یکی گرفتن صهیونیسم با همه یهودیان است.

برای تحلیل درست باید میان این سه مفهوم تفاوت گذاشت:

مفهوم	تعریف	نکته اساسی
یهودیت	دین و سنت دینی یهودیان	یک دین تاریخی با پیروان متعدد در نقاط مختلف جهان است
صهیونیسم	جریان سیاسی - ایدئولوژیک	جنبشی است که برای ایجاد و حفظ یک کانون/دولت یهودی در سرزمین فلسطین شکل گرفت
رژیم صهیونیستی	ساختار سیاسی شکل گرفته در فلسطین	محصول فرایند سیاسی و تاریخی شکل گیری دولت اسرائیل از سال ۱۹۴۸ است

بنابراین: نقد صهیونیسم، به معنای نقد یک پروژه سیاسی و ایدئولوژیک است، نه نفی دین یهود یا دشمنی با یهودیان به دلیل دین و قومیت آنان.

این تفکیک هم از نظر علمی ضروری است و هم مانع از آن می شود که مسئله سیاسی فلسطین به یک تعارض دینی یا قومی تقلیل پیدا کند.

پیام کلیدی:

یهودی بودن مساوی صهیونیست بودن نیست و نقد صهیونیسم نیز نباید به دشمنی با یهودیان یا دین یهود تبدیل شود.

۲. صهیونیسم چگونه شکل گرفت؟

صهیونیسم در اواخر قرن نوزدهم در بستر تحولات سیاسی و اجتماعی اروپا شکل گرفت. این جریان در پی آن بود که مسئله یهودیان را از طریق ایجاد یک مرکز یا دولت سیاسی یهودی حل کند و در نهایت، فلسطین به مهم ترین کانون تحقق این پروژه تبدیل شد.

در این فرایند، عوامل مختلفی نقش داشتند؛ از جمله:

- تحولات سیاسی و ملی گرایی در اروپا؛
- یهودستیزی و فشارهای وارد شده بر جوامع یهودی در بخش هایی از اروپا؛

- شکل‌گیری جنبش‌های سیاسی صهیونیستی؛
- مهاجرت گروه‌هایی از یهودیان به فلسطین؛
- حمایت و مداخلات قدرت‌های بزرگ؛
- تحولات ناشی از جنگ جهانی اول و دوم؛
- و در نهایت تحولات پس از جنگ جهانی دوم.

بنابراین شکل‌گیری رژیم صهیونیستی را نمی‌توان صرفاً یک رویداد ناگهانی در سال ۱۹۴۸ دانست؛ بلکه باید آن را نتیجه یک فرایند سیاسی، مهاجرتی، نظامی و بین‌المللی چندمرحله‌ای دانست.

اصل گفتمانی:

برای فهم مسئله فلسطین، باید از نگاه تک‌حادثه‌ای عبور کرد و فرایند تاریخی شکل‌گیری صهیونیسم و رژیم صهیونیستی را شناخت.

۳. تشکیل رژیم صهیونیستی و مسئله فلسطین

در سال ۱۹۴۷، سازمان ملل متحد طرح تقسیم فلسطین را پیشنهاد کرد و در سال ۱۹۴۸، با پایان قیمومت بریتانیا بر فلسطین، تأسیس دولت اسرائیل اعلام شد.

جنگ سال ۱۹۴۸ پیامدهای گسترده‌ای برای مردم فلسطین داشت؛ از جمله آوارگی گسترده فلسطینیان و شکل‌گیری مسئله‌ای که در ادبیات فلسطینی از آن با عنوان «نکبت» یاد می‌شود.

از آن زمان تاکنون، مسئله فلسطین تنها یک اختلاف مرزی ساده باقی نمانده است؛ بلکه موضوعاتی مانند:

- سرزمین؛
- حاکمیت؛
- آوارگان؛
- شهرک‌سازی؛
- وضعیت قدس؛
- امنیت؛
- و حقوق فلسطینیان در مرکز این منازعه قرار داشته‌اند.

نکته مهم:

در تحلیل این موضوع باید میان واقعیت‌های تاریخی، ادعاهای طرفین و مواضع سیاسی تفکیک قائل شد. هدف این درس، آشنایی فراگیر با منطق کلی مسئله است، نه ارائه تمام جزئیات تاریخی مناقشه.

۴. صهیونیسم؛ یک جریان سیاسی - ایدئولوژیک

صهیونیسم را باید به عنوان یک جریان سیاسی — ایدئولوژیک مطالعه کرد؛ جریانی که در اشکال و شاخه‌های مختلف ظاهر شده و همه صهیونیست‌ها الزاماً در همه جزئیات فکری و سیاسی یکسان نیستند.

اما در چارچوب این درس، ویژگی اساسی آن عبارت است از:

تلاش برای ایجاد، حفظ و تقویت یک دولت یهودی در سرزمین تاریخی فلسطین و تأمین امنیت و برتری راهبردی آن.

در همین نقطه، یکی از مسائل اساسی مناقشه پدید می‌آید: **نسبت میان پروژه دولت یهودی و حقوق و سرنوشت جمعیت فلسطینی ساکن این سرزمین.**

از منظر منتقدان صهیونیسم، این پروژه در عمل با اشغال، جابه‌جایی جمعیت، تبعیض و سلب حقوق فلسطینیان پیوند خورده است. بنابراین، نقد صهیونیسم در گفتمان مقاومت اسلامی، عمدتاً ناظر به **اشغالگری، تبعیض، توسعه‌طلبی و سلب حقوق فلسطینیان** است.

اصل گفتمانی:

مسئله اصلی در نقد صهیونیسم، نقد یک پروژه سیاسی و آثار آن بر مردم فلسطین است، نه تعمیم یک منازعه سیاسی به همه پیروان یک دین.

۵. رژیم صهیونیستی در منطقه چه جایگاهی دارد؟

رژیم صهیونیستی را نمی‌توان صرفاً یک دولت عادی در جغرافیای غرب آسیا تحلیل کرد؛ زیرا شکل‌گیری و استمرار آن با تحولات بین‌المللی، حمایت برخی قدرت‌های بزرگ و مناسبات منطقه‌ای پیوند خورده است.

از منظر راهبردی، مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت آن عبارت‌اند از:

عرصه	کارکرد
نظامی و امنیتی	حفظ بازدارندگی و برتری نظامی
فناوری	برخورداری از ظرفیت‌های پیشرفته علمی و فناورانه
اطلاعاتی	جمع‌آوری اطلاعات و عملیات امنیتی
سیاسی و دیپلماتیک	استفاده از روابط و ائتلاف‌های بین‌المللی
اقتصادی	بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی و پیوندهای خارجی
رسانه‌ای	اثرگذاری بر روایت و افکار عمومی

از این منظر، رژیم صهیونیستی در معادلات منطقه‌ای، یک بازیگر نظامی، امنیتی، سیاسی و فناورانه مؤثر است.

۶. اهداف راهبردی رژیم صهیونیستی

برای تحلیل راهبردی، می‌توان اهداف این رژیم را در چند محور کلی دسته‌بندی کرد:

۱. حفظ موجودیت و امنیت

تأمین استمرار موجودیت سیاسی و امنیتی رژیم و جلوگیری از تهدیدهای علیه آن.

۲. حفظ برتری منطقه‌ای

جلوگیری از شکل‌گیری شرایطی که بتواند برتری راهبردی آن را در منطقه کاهش دهد.

۳. گسترش نفوذ

افزایش نفوذ سیاسی، امنیتی و اقتصادی در معادلات منطقه‌ای.

۴. مقابله با تهدیدهای منطقه‌ای

محدود کردن جریان‌ها و دولت‌هایی که از نگاه این رژیم تهدیدی برای امنیت و برتری آن محسوب می‌شوند.

۵. مدیریت مسئله فلسطین

حفظ شرایطی که بتواند کنترل و امنیت مورد نظر رژیم را در سرزمین‌های مورد مناقشه تأمین کند.

نکته تحلیلی:

در اینجا باید میان اهداف اعلام‌شده، اهداف راهبردی و برداشت منتقدان از سیاست‌های رژیم صهیونیستی تمایز گذاشت؛ زیرا همه گزاره‌های مربوط به «اهداف» یکسان و هم‌سطح نیستند.

۷. جمهوری اسلامی ایران چرا با رژیم صهیونیستی در تقابل است؟

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مسئله فلسطین و مخالفت با اشغالگری به یکی از مؤلفه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد.

این تقابل را می‌توان در چند محور اصلی توضیح داد:

محور	توضیح
فلسطین	حمایت سیاسی و گفتمانی از حقوق فلسطینیان
اشغالگری	مخالفت با اشغال سرزمین فلسطین
هویت سیاسی	مخالفت با سیاست‌های رژیم صهیونیستی در منطقه
مقاومت منطقه‌ای	حمایت ایران از جریان‌ها و گروه‌های مقاومت
معادلات منطقه‌ای	رقابت بر سر نظم و موازنه قدرت در غرب آسیا
امنیت	تقابل متقابل در حوزه‌های امنیتی و دفاعی

بنابراین تقابل ایران و رژیم صهیونیستی را نمی‌توان فقط به یک اختلاف سیاسی مقطعی فروکاست؛ بلکه این تقابل دارای ابعاد ایدئولوژیک، سیاسی، امنیتی، منطقه‌ای و راهبردی است.

۸. زنجیره منطقی تقابل

برای فهم ساده‌تر می‌توان این رابطه را چنین خلاصه کرد:

مخالفت جمهوری اسلامی با اشغال فلسطین

↓

حمایت از حقوق فلسطینیان

↓

حمایت سیاسی و عملی از جریان‌های مقاومت

↓

افزایش نقش ایران در معادلات منطقه‌ای

↓

تعارض با برخی اهداف و محاسبات رژیم صهیونیستی

↓

شکل‌گیری و استمرار تقابل راهبردی

بازگشت

این تقابل نیز تنها در حوزه نظامی خلاصه نشده و در عرصه‌های مختلفی مانند:

سیاسی ← امنیتی ← اطلاعاتی ← اقتصادی ← رسانه‌ای ← فناوریانه خود را نشان داده است.

۹. رابطه صهیونیسم با «نظام سلطه»: پیوند درس ششم و هفتم

درس ششم نشان داد که نظام سلطه را باید به صورت یک ساختار چندلایه از قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی، رسانه‌ای و امنیتی مطالعه کرد.

درس هفتم یک مصداق منطقه‌ای را بررسی می‌کند.

پس رابطه این دو درس را می‌توان چنین دید:

نظام سلطه



ساختارهای سیاسی، اقتصادی، امنیتی و رسانه‌ای



بازیگران و متحدان منطقه‌ای



رژیم صهیونیستی به عنوان یکی از بازیگران اصلی منطقه



تقابل با جریان‌های مستقل و مقاومت

البته این رابطه به معنای آن نیست که رژیم صهیونیستی صرفاً «ابزار» یا «تابع کامل» دیگر قدرت‌هاست؛ بلکه باید آن را بازیگری دارای منافع و محاسبات مستقل، اما برخوردار از پیوندهای گسترده بین‌المللی دانست.

این تفکیک، تحلیل را از ساده‌سازی و تک‌علتی شدن دور می‌کند.

۱۰. چرا شناخت صهیونیسم برای مقاومت ضروری است؟

اگر درس ششم گفت «دشمن را باید شناخت»، درس هفتم یک گام جلوتر می‌رود و می‌پرسد:

این دشمن در منطقه چه ماهیتی دارد؟

شناخت صهیونیسم و رژیم صهیونیستی برای جریان مقاومت از این جهت اهمیت دارد که بدون شناخت:

- اهداف طرف مقابل؛
- نقاط قوت و ضعف آن؛
- ابزارهای سیاسی و امنیتی؛
- متحدان و پیوندهای بین‌المللی؛
- روش‌های رسانه‌ای و شناختی؛

▪ و منطق رفتار منطقه‌ای آن

نمی‌توان راهبرد مناسبی برای مقابله طراحی کرد.

بنابراین دشمن‌شناسی مقدمه راهبردسازی است، نه مقدمه دشمن‌تراشی.

فعالیت یادگیری

فعالیت ۱. در یک پاراگراف توضیح دهید:

چرا «یهودیت»، «صهیونیسم» و «رژیم صهیونیستی» سه مفهوم یکسان نیستند؟

فعالیت ۲. یک خط زمانی ساده از شکل‌گیری صهیونیسم تا تشکیل رژیم صهیونیستی تهیه کنید و سه نقطه مهم آن را مشخص نمایید.

فعالیت ۳. زنجیره تقابل جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی را با زبان خودتان بازنویسی کنید.

فعالیت ۴. با استفاده از درس ششم توضیح دهید که چرا شناخت رژیم صهیونیستی بدون توجه به پیوندهای بین‌المللی و منطقه‌ای آن، تحلیل کاملی نخواهد بود.

خودارزیابی

- (۱) صهیونیسم چیست و چه تفاوتی با یهودیت دارد؟
- (۲) تفاوت صهیونیسم با رژیم صهیونیستی چیست؟
- (۳) چرا مسئله فلسطین را نمی‌توان صرفاً یک اختلاف مرزی دانست؟
- (۴) مهم‌ترین ابعاد قدرت رژیم صهیونیستی کدام‌اند؟
- (۵) چرا جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در تقابل راهبردی قرار گرفته‌اند؟
- (۶) چه رابطه‌ای میان «دشمن‌شناسی» در درس ششم و «شناخت صهیونیسم» در این درس وجود دارد؟

جمع‌بندی درس:

صهیونیسم را باید به‌عنوان یک جریان سیاسی — ایدئولوژیک شناخت که با هدف ایجاد و حفظ یک دولت یهودی در فلسطین شکل گرفت و در فرایند تاریخی منتهی به تشکیل رژیم صهیونیستی نقش اساسی داشت.

برای فهم مسئله فلسطین، باید میان یهودیت، صهیونیسم و رژیم صهیونیستی تفکیک کرد و مسئله را در چارچوب تاریخی، سیاسی و راهبردی آن مطالعه نمود.

رژیم صهیونیستی در غرب آسیا، علاوه بر برخورداری از قدرت نظامی و امنیتی، از پیوندهای سیاسی، اقتصادی، فناورانه و بین‌المللی گسترده‌ای برخوردار است و در معادلات منطقه‌ای نقشی مهم ایفا می‌کند.

تقابل جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی نیز حاصل مجموعه‌ای از عوامل ایدئولوژیک، سیاسی، امنیتی و منطقه‌ای است که مسئله فلسطین و مخالفت با اشغالگری در مرکز آن قرار دارد.

از این‌رو، شناخت صهیونیسم و رژیم صهیونیستی، ادامه منطقی بحث «دشمن‌شناسی» در درس ششم و مقدمه‌ای برای فهم چگونگی سازمان‌دهی، راهبری و راهبرد مقاومت در درس‌های بعدی است.

پیام‌های کلیدی:

- ✚ یهودیت، صهیونیسم و رژیم صهیونیستی سه مفهوم متفاوت‌اند.
- ✚ صهیونیسم را باید به‌عنوان یک جریان سیاسی - ایدئولوژیک تحلیل کرد.
- ✚ مسئله فلسطین ریشه در مجموعه‌ای از مسائل تاریخی، سرزمینی، سیاسی و امنیتی دارد.
- ✚ رژیم صهیونیستی یکی از بازیگران مهم و اثرگذار در معادلات غرب آسیاست.
- ✚ شناخت دشمن به معنای دشمن‌تراشی نیست؛ بلکه به معنای شناخت دقیق اهداف، توانمندی‌ها و راهبردهای اوست.
- ✚ تقابل جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی ابعاد ایدئولوژیک، سیاسی، امنیتی و منطقه‌ای دارد.
- ✚ شناخت صهیونیسم، ادامه منطقی «دشمن‌شناسی» و مقدمه «راهبردشناسی مقاومت» است.

ارتباط با درس بعد

اکنون که در درس ششم ساختار و ابزارهای سلطه و در این درس یکی از مهم‌ترین بازیگران منطقه‌ای آن و ماهیت تقابل با جمهوری اسلامی ایران را شناختیم، پرسش بعدی این است:

مقاومت چگونه باید سازمان‌دهی شود؟ چه کسی آن را راهبری می‌کند؟ و چگونه می‌توان میان نیروها، اهداف و میدان‌های مختلف مقاومت هماهنگی ایجاد کرد؟

این پرسش، ما را به موضوع درس هشتم، یعنی سازمان‌دهی و راهبری مقاومت، وارد می‌کند.

درس هشتم) چرا با ایران دشمنی می‌کنند؟

تحلیل ریشه‌ها، زمینه‌ها و اهداف تقابل با جمهوری اسلامی ایران

ارتباط با درس قبل و چگونگی ورود به این بحث

درس هفتم نشان داد که برای فهم تحولات منطقه، باید ماهیت و اهداف صهیونیسم و رژیم صهیونیستی را شناخت. اما یک پرسش اساسی همچنان باقی است: چرا جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به یکی از کانون‌های اصلی تقابل آمریکا و رژیم صهیونیستی تبدیل شده است؟

پاسخ این پرسش را نمی‌توان تنها در یک حادثه، یک دولت یا یک اختلاف سیاسی جست‌وجو کرد. برای فهم آن باید مجموعه‌ای از عوامل را در کنار یکدیگر دید: انقلاب اسلامی و شعار استقلال، نفی سلطه، نوع نگاه جمهوری اسلامی به نظم منطقه‌ای، حمایت از مسئله فلسطین، نقش آفرینی منطقه‌ای، ظرفیت‌های قدرت ملی و تلاش ایران برای حفظ استقلال تصمیم‌گیری.

بنابراین، درس حاضر به جای تکرار «دشمنی»، می‌کوشد منطق این تقابل را تحلیل کند و میان اختلافات مقطعی، رقابت‌های معمول بین‌المللی و تعارض‌های راهبردی تمایز بگذارد.

سؤال محوری:

چرا جمهوری اسلامی ایران از آغاز انقلاب اسلامی تاکنون در معرض فشار و تقابل برخی قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای قرار گرفته است و این تقابل چه ریشه‌ها و اهدافی دارد؟

اهداف درس:

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. تفاوت میان اختلاف سیاسی، رقابت راهبردی و تقابل ساختاری را توضیح دهد.
۲. مهم‌ترین عوامل مؤثر در شکل‌گیری تقابل با جمهوری اسلامی ایران را تحلیل کند.
۳. رابطه میان استقلال، هویت انقلاب اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی را توضیح دهد.
۴. نقش مسئله فلسطین و تحولات منطقه‌ای را در شکل‌گیری این تقابل تبیین کند.
۵. اهداف و ابزارهای فشار علیه جمهوری اسلامی ایران را از یکدیگر تفکیک کند.
۶. میان «ریشه‌های تقابل» و «اهداف اقدامات خصمانه» تمایز بگذارد.
۷. ارتباط منطقی میان درس‌های ششم، هفتم و هشتم را در یک چارچوب تحلیلی منسجم توضیح دهد.

۱. نخست باید میان اختلاف، رقابت و تقابل تفاوت گذاشت

هر اختلافی میان دولت‌ها به معنای دشمنی دائمی نیست. دولت‌ها ممکن است بر سر یک قرارداد، مرز، منافع اقتصادی یا یک تصمیم سیاسی اختلاف داشته باشند و با مذاکره آن را حل کنند.

اما برخی اختلاف‌ها به مسائل بنیادی‌تر مربوط می‌شوند؛ مانند:

- نوع نظم مطلوب منطقه‌ای؛
- میزان استقلال یک کشور در تصمیم‌گیری؛
- نحوه توزیع قدرت؛
- منافع امنیتی و راهبردی؛
- هویت و ارزش‌های سیاسی؛
- روابط با بازیگران منطقه‌ای.

از این رو می‌توان سه سطح را از یکدیگر تفکیک کرد:

سطح	ویژگی	امکان تغییر
اختلاف مقطعی	مربوط به موضوع یا تصمیم مشخص	معمولاً با مذاکره قابل کاهش است
رقابت راهبردی	رقابت بر سر نفوذ، منافع و قدرت	ممکن است با تغییر شرایط تعدیل شود
تقابل ساختاری	تعارض در منافع و رویکردهای بنیادی	با تغییر یک موضوع مقطعی از میان نمی‌رود

اصل گفتمانی: شناخت نوع رابطه، مقدمه انتخاب سیاست درست است. نباید هر اختلافی را «دشمنی» و هر مذاکره‌ای را «سازش» تلقی کرد.

۲. انقلاب اسلامی چه تغییری در موقعیت ایران ایجاد کرد؟

پیش از انقلاب اسلامی، ایران در چارچوب مناسبات قدرت جهانی آن دوره، روابط نزدیک‌تری با ایالات متحده و متحدان غربی آن داشت.

انقلاب اسلامی، در سطح گفتمانی و سیاسی، بر مفاهیمی همچون:

- استقلال؛
- نفی وابستگی؛
- حاکمیت ملی؛
- عدالت‌خواهی؛
- حمایت از ملت فلسطین؛

▪ نفی سلطه قدرت‌های خارجی تأکید کرد.

در نتیجه، تغییر در سیاست خارجی ایران تنها تغییر یک دولت نبود؛ بلکه تغییر در جهت‌گیری سیاسی و جایگاه ایران در معادلات منطقه‌ای بود.

از این منظر، یکی از کلیدهای فهم تقابل را باید در این پرسش جست‌وجو کرد:

وقتی کشوری می‌خواهد در تصمیم‌های اساسی خود مستقل باشد، چه تغییری در مناسبات آن با قدرت‌هایی ایجاد می‌شود که پیش‌تر از نفوذ بیشتری در آن کشور برخوردار بوده‌اند؟

این پرسش، زمینه ورود به بحث تقابل جمهوری اسلامی با برخی قدرت‌های خارجی است.

۳. مهم‌ترین ریشه‌های تقابل با جمهوری اسلامی ایران

تقابل موجود را نمی‌توان به یک علت فروکاست. مجموعه‌ای از عوامل در شکل‌گیری و استمرار آن نقش داشته‌اند.

الف) استقلال و نفی سلطه

یکی از اصول محوری انقلاب اسلامی، استقلال در تصمیم‌گیری و رد وابستگی سیاسی به قدرت‌های خارجی بود.

طبیعی است که هرچه یک کشور بر استقلال تصمیم‌گیری خود تأکید بیشتری کند، در مواردی که منافع آن با قدرت‌های بزرگ تعارض پیدا می‌کند، احتمال اصطکاک نیز افزایش می‌یابد.

بنابراین، استقلال سیاسی را باید یکی از ریشه‌های مهم این تقابل دانست.

ب) هویت دینی و سیاسی انقلاب اسلامی

جمهوری اسلامی الگویی از حکمرانی را بر پایه ترکیبی از جمهوریت و ارزش‌های اسلامی ارائه کرده است.

این الگو از یک سو بر مشارکت مردم و سازوکارهای سیاسی تأکید دارد و از سوی دیگر، خود را متعهد به ارزش‌های دینی می‌داند. از این منظر، جمهوری اسلامی صرفاً یک بازیگر جغرافیایی نیست؛ بلکه دارای یک هویت سیاسی — دینی متمایز است. همین ویژگی موجب شده است که ارزیابی جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی تنها بر اساس منافع مادی و اقتصادی انجام ن‌شود، بلکه ابعاد هویتی و گفتمانی نیز در آن دخیل باشد.

ج) مسئله فلسطین و رژیم صهیونیستی

پس از انقلاب اسلامی، حمایت از حقوق مردم فلسطین و مخالفت با اشغالگری، به یکی از محورهای ثابت سیاست خارجی جمهوری اسلامی تبدیل شد.

این سیاست با منافع و رویکردهای رژیم صهیونیستی در تعارض قرار گرفته است.

بنابراین می‌توان رابطه را چنین ترسیم کرد:

حمایت ایران از فلسطین و مخالفت با اشغالگری



تعارض با منافع رژیم صهیونیستی



افزایش حساسیت و تقابل سیاسی - امنیتی

در اینجا باید توجه داشت که مسئله فلسطین یکی از عوامل تقابل است، نه تنها عامل آن.

د) نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران

ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی، جمعیت، منابع، ظرفیت اقتصادی، توان نظامی و پیشینه تاریخی، یکی از بازیگران مهم غرب آسیاست.

پس از انقلاب نیز جمهوری اسلامی تلاش کرده است در تحولات منطقه‌ای نقش فعالی داشته باشد.

از نگاه ایران، این نقش می‌تواند در راستای امنیت ملی، عمق راهبردی و حمایت از متحدان منطقه‌ای تعریف شود؛ در مقابل، برخی رقبای منطقه‌ای و قدرت‌های خارجی آن را عاملی برای افزایش نفوذ ایران تلقی می‌کنند.

بنابراین، رقابت بر سر نظم و موازنه قدرت منطقه‌ای یکی دیگر از عوامل مهم تقابل است.

ه) ظرفیت‌های قدرت و موقعیت ژئوپلیتیکی ایران

ایران کشوری با:

- موقعیت جغرافیایی راهبردی؛
- جمعیت و بازار قابل توجه؛
- منابع انرژی؛

- ظرفیت علمی و فناورانه؛
- توان دفاعی؛
- عمق تاریخی و فرهنگی؛
- و جایگاه مهم در منطقه است.

هرگاه چنین کشوری بر استقلال راهبردی خود تأکید کند، وزن آن در معادلات منطقه‌ای افزایش می‌یابد. از این منظر، بخشی از رقابت با ایران را باید در رقابت بر سر توزیع قدرت در غرب آسیا تحلیل کرد.

۴. ریشه‌های تقابل را چگونه می‌توان در یک منظومه دید؟

عوامل یادشده جدا از یکدیگر نیستند؛ بلکه به هم پیوند دارند:

انقلاب اسلامی و استقلال خواهی



تغییر جهت‌گیری سیاست خارجی ایران



کاهش نفوذ برخی قدرت‌های خارجی در ایران



حمایت از فلسطین و مخالفت با رژیم صهیونیستی



نقش‌آفرینی فعال منطقه‌ای



افزایش وزن ژئوپلیتیکی و راهبردی ایران



تعارض با منافع برخی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای



رقابت، فشار و تقابل

بازگشت

این زنجیره، نسبت به توضیح ساده «آن‌ها با ایران دشمن‌اند چون ایران مقاومت می‌کند» تحلیل دقیق‌تری ارائه می‌کند.

۵. اهداف فشار و تقابل چیست؟

برای فهم رفتار طرف مقابل، باید میان ریشه‌های تقابل و اهداف اقدامات انجام‌شده تفاوت گذاشت.

مهم‌ترین اهدافی که در تحلیل سیاست فشار علیه جمهوری اسلامی مطرح می‌شوند عبارت‌اند از:

هدف	توضیح
مهار قدرت	جلوگیری از افزایش ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی، علمی و دفاعی
تغییر رفتار	واداشتن ایران به تغییر برخی سیاست‌های منطقه‌ای یا بین‌المللی
کاهش نفوذ منطقه‌ای	محدود کردن نقش ایران در معادلات غرب آسیا
محدودسازی توانمندی‌ها	ایجاد محدودیت در برخی حوزه‌های راهبردی
تضعیف شبکه متحدان	کاهش ظرفیت همکاری‌های منطقه‌ای ایران
افزایش فشار داخلی	ایجاد فشار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای تغییر محاسبات
تغییر ساختار سیاسی	هدفی که در برخی دوره‌ها و از سوی برخی بازیگران به‌صراحت یا ضمنی دنبال شده است

نکته تحلیلی: همه این اهداف در همه دوره‌ها با شدت یکسان دنبال نشده‌اند. اهداف، ابزارها و اولویت‌ها متناسب با شرایط داخلی ایران و تحولات منطقه‌ای تغییر کرده‌اند.

۶. ابزارهای تقابل

تقابل صرفاً نظامی نیست و در طول زمان شکل‌های متفاوتی داشته است.

عرصه	ابزارهای فشار
سیاسی	فشار دیپلماتیک، ائتلاف‌سازی و انزوای سیاسی
اقتصادی	تحریم، محدودیت مالی و تجاری
علمی و فناوری	محدودیت دسترسی به فناوری و تجهیزات
رسانه‌ای	روایت‌سازی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی
امنیتی	جاسوسی، عملیات اطلاعاتی و فشار امنیتی
نظامی	تهدید، حضور نظامی و ایجاد بازدارندگی
اجتماعی	تشدید شکاف‌ها و بهره‌گیری از نارضایتی‌های اجتماعی

این نکته با درس ششم پیوند مستقیم دارد: **نظام سلطه برای تحقق اهداف خود معمولاً از یک ابزار منفرد استفاده نمی‌کند، بلکه مجموعه‌ای از ابزارها را به شکل ترکیبی به کار می‌گیرد.**

۷. آیا هر فشار خارجی نتیجه موفقیت ایران است؟

اینجا باید از یک ساده‌سازی مهم پرهیز کرد.

افزایش فشار خارجی لزوماً به معنای موفقیت کامل یا شکست کامل یک طرف نیست.

یک کشور ممکن است همزمان:

- در یک عرصه موفق باشد؛
- در عرصه‌ای دیگر آسیب‌پذیر باشد؛
- در برابر فشاری مقاومت کند؛
- و در حوزه‌ای نیازمند اصلاح و افزایش قدرت باشد.

بنابراین، تحلیل علمی مقاومت نباید به این نتیجه برسد که: «هر فشاری نشانه موفقیت ماست.»

بلکه باید پرسید: چه عاملی باعث فشار شده؟ فشار چه هدفی دارد؟ چه میزان اثرگذاری داشته؟ و پاسخ مناسب چیست؟

این نوع نگاه، مقاومت را از شعار به تحلیل و راهبرد تبدیل می‌کند.

۸. دشمنی‌شناسی بدون خودانتقادی ممکن نیست

شناخت ریشه‌های تقابل نباید به معنای نادیده گرفتن ضعف‌های داخلی باشد.

یک کشور ممکن است همزمان با فشار خارجی و مشکلات داخلی مواجه باشد.

ازاین‌رو، مقاومت مؤثر نیازمند دو نگاه همزمان است:

شناخت فشار و تهدید خارجی

+

شناخت ضعف‌ها و آسیب‌پذیری‌های داخلی

برای مثال، اگر تحریم اقتصادی وجود دارد، پاسخ فقط اعتراض به تحریم نیست؛ بلکه باید پرسید:

- چرا اقتصاد در برابر تحریم آسیب‌پذیر شده است؟
- چه میزان از وابستگی را می‌توان کاهش داد؟
- چگونه می‌توان تولید و فناوری داخلی را تقویت کرد؟
- چگونه می‌توان هزینه فشار خارجی را کاهش داد؟

اصل گفتمانی: دشمن‌شناسی زمانی به مقاومت مؤثر می‌انجامد که با خودشناسی و آسیب‌شناسی داخلی همراه باشد.

۹. نسبت این درس با درس‌های ششم و هفتم

اکنون سه درس در کنار یکدیگر یک زنجیره تحلیلی می‌سازند:

درس ششم: دشمن را بشناس

شناخت ساختار، ابزار و منطق نظام سلطه



درس هفتم: صهیونیسم چیست؟

شناخت یکی از مهم‌ترین بازیگران و کانون‌های تقابل در منطقه



درس هشتم: چرا با ایران دشمنی می‌کنند؟

تحلیل اینکه چرا جمهوری اسلامی ایران در این معادله به یکی از طرف‌های اصلی تقابل تبدیل شده است.

بنابراین، درس هشتم از «شناخت دشمن» به تحلیل موقعیت ایران در میدان تقابل حرکت می‌کند.

فعالیت یادگیری

فعالیت ۱. سه نمونه از روابط ایران با یک قدرت خارجی را بررسی کنید و مشخص کنید کدام یک:

اختلاف مقطعی؛

رقابت راهبردی؛

یا تقابل ساختاری

است. دلیل خود را بیان کنید.

فعالیت ۲. از میان عوامل زیر، سه مورد را که در شکل‌گیری تقابل با جمهوری اسلامی مؤثرتر می‌دانید انتخاب کنید و رابطه میان آن‌ها را توضیح دهید:

استقلال - هویت انقلاب - فلسطین - نقش منطقه‌ای - قدرت ژئوپلیتیکی

فعالیت ۳. یک نمونه از فشار خارجی علیه ایران را انتخاب کنید و در چهار مرحله تحلیل کنید:

علت ← هدف ← ابزار ← پیامد

فعالیت ۴. یک ضعف داخلی را که می‌تواند اثر فشار خارجی را افزایش دهد شناسایی کنید و برای کاهش آن یک راهکار پیشنهاد دهید.

خودارزیابی:

- (۱) تفاوت اختلاف مقطعی، رقابت راهبردی و تقابل ساختاری چیست؟
- (۲) چرا استقلال‌خواهی ایران یکی از عوامل مهم در تغییر روابط آن با برخی قدرت‌های خارجی شد؟
- (۳) مسئله فلسطین چه نقشی در تقابل ایران و رژیم صهیونیستی دارد؟
- (۴) چرا نقش منطقه‌ای ایران می‌تواند هم از منظر ایران و هم از منظر رقبای آن به شکل متفاوتی تفسیر شود؟
- (۵) چرا شناخت ضعف‌های داخلی در کنار شناخت دشمن ضروری است؟
- (۶) تفاوت «ریشه تقابل» و «هدف فشار» چیست؟

جمع‌بندی درس:

تقابل جمهوری اسلامی ایران با برخی قدرت‌های خارجی را نمی‌توان صرفاً به یک اختلاف سیاسی یا یک حادثه تاریخی فروکاست. انقلاب اسلامی با تأکید بر استقلال، نفی سلطه و هویت دینی — سیاسی، جایگاه ایران را در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی تغییر داد. حمایت از فلسطین، نقش‌آفرینی منطقه‌ای و برخورداری ایران از ظرفیت‌های مهم ژئوپلیتیکی و قدرت ملی نیز بر اهمیت این تقابل افزوده است.

در نتیجه، برای فهم فشارها و اقدامات خصمانه علیه ایران باید هم ریشه‌های راهبردی تقابل و هم اهداف و ابزارهای آن را شناخت.

اما مقاومت مؤثر تنها با شناخت دشمن شکل نمی‌گیرد. خودشناسی، شناخت آسیب‌پذیری‌های داخلی، افزایش قدرت ملی و اصلاح ضعف‌ها نیز بخش جدایی‌ناپذیر آن است.

بنابراین، پرسش اصلی از اینجا به بعد دیگر فقط این نیست که «چرا با ایران دشمنی می‌کنند؟»؛ بلکه باید پرسید:

ایران برای حفظ استقلال و کاهش آسیب‌پذیری خود، چه نوع قدرتی باید بسازد؟

این پرسش، ما را به درس بعدی یعنی قدرت ملی و الزامات مقاومت مؤثر وارد می‌کند.

پیام‌های کلیدی:

🚩 هر اختلافی را نباید دشمنی و هر رقابتی را تقابل ساختاری دانست.

- ✚ انقلاب اسلامی با تأکید بر استقلال و نفی سلطه، جایگاه ایران را در مناسبات قدرت تغییر داد.
- ✚ مسئله فلسطین یکی از عوامل مهم تقابل ایران و رژیم صهیونیستی است، اما تنها عامل آن نیست.
- ✚ موقعیت ژئوپلیتیکی، ظرفیت‌های قدرت و نقش منطقه‌ای ایران در شکل‌گیری رقابت‌ها مؤثرند.
- ✚ ریشه‌های تقابل با اهداف و ابزارهای فشار یکسان نیستند و باید از یکدیگر تفکیک شوند.
- ✚ فشار خارجی می‌تواند هم‌زمان با ضعف‌های داخلی اثرگذاری بیشتری پیدا کند.
- ✚ مقاومت مؤثر، حاصل ترکیب دشمن‌شناسی، خودشناسی، قدرت‌سازی و اصلاح آسیب‌پذیری‌ها است.
- ✚ شناخت علت تقابل، مقدمه پاسخ راهبردی است؛ نه جایگزین آن.

درس نهم) چرا ایران یک قدرت راهبردی است؟

جایگاه جمهوری اسلامی ایران در هندسه نظم در حال گذار جهان

ارتباط با درس قبل و چگونگی ورود به این بحث

درس هشتم نشان داد که تقابل آمریکا و رژیم صهیونیستی با جمهوری اسلامی ایران، صرفاً ناشی از اختلافات مقطعی سیاسی نیست، بلکه ریشه در تعارضی راهبردی بر سر استقلال، هویت، نظم منطقه‌ای و میزان اثرگذاری ایران دارد.

اما این پرسش همچنان باقی است: چرا ایران توانسته است به بازیگری تبدیل شود که در معادلات منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای، چنین اهمیتی پیدا کند؟

پاسخ این پرسش را نمی‌توان تنها در قدرت نظامی یا اقتصادی جست‌وجو کرد. ایران مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها را در اختیار دارد که در کنار یکدیگر، موقعیتی راهبردی ایجاد می‌کنند: جغرافیا، منابع و ظرفیت‌های ملی، پیشینه تاریخی و تمدنی، هویت و گفتمان انقلاب اسلامی و توان کنشگری منطقه‌ای و بین‌المللی.

بنابراین، درس نهم از «علت تقابل» در درس هشتم، به «منشأ قدرت و اهمیت ایران» می‌رسد و زمینه را برای بحث بعدی درباره چگونگی تبدیل این ظرفیت‌ها به قدرت ملی مؤثر فراهم می‌کند.

سؤال محوری:

چه عواملی موجب شده است جمهوری اسلامی ایران به یکی از بازیگران اثرگذار در معادلات منطقه‌ای و جهانی تبدیل شود و در کانون توجه، رقابت و تقابل قدرت‌های بزرگ قرار گیرد؟

اهداف درس:

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. مفهوم ژئوپلیتیک را تعریف کند و نقش آن را در قدرت کشورها توضیح دهد.
۲. جایگاه راهبردی ایران را بر اساس مؤلفه‌های جغرافیایی، اقتصادی، انسانی، علمی، دفاعی و تمدنی تبیین کند.
۳. نقش انقلاب اسلامی را در تبدیل ظرفیت‌های جغرافیایی و ملی ایران به کنشگری راهبردی تحلیل کند.

۴. مفهوم «ژئوپلیتیک مقاومت» را توضیح دهد.
۵. رابطه میان قدرت راهبردی ایران و علل تقابل مطرح شده در درس هشتم را تحلیل کند.
۶. تفاوت میان «ظرفیت»، «قدرت» و «قدرت راهبردی» را توضیح دهد.

۱. ژئوپلیتیک؛ وقتی جغرافیا به قدرت تبدیل می شود

هر کشوری در یک موقعیت جغرافیایی مشخص قرار دارد، اما همه کشورها به یک اندازه از موقعیت جغرافیایی خود قدرت راهبردی تولید نمی کنند.

ژئوپلیتیک دانشی است که رابطه میان موقعیت جغرافیایی، منابع، جمعیت، راه های ارتباطی، محیط پیرامونی و قدرت و امنیت کشورها را بررسی می کند.

از این منظر، جغرافیا فقط یک ویژگی طبیعی نیست؛ بلکه می تواند بر امنیت، اقتصاد، تجارت، ارتباطات و نقش سیاسی یک کشور اثر بگذارد.

اما یک نکته مهم وجود دارد: جغرافیا به تنهایی قدرت نیست؛ جغرافیا یک ظرفیت است که می تواند با اراده، سیاست، توان ملی و کنشگری به قدرت راهبردی تبدیل شود.

برای مثال، کشورهای مانند ترکیه به دلیل موقعیت میان اروپا و آسیا، یا مصر به دلیل قرارگرفتن در مسیر کانال سوئز، از موقعیت ژئوپلیتیکی مهمی برخوردارند. اما بهره گیری از این موقعیت به میزان توانمندی و سیاست گذاری آنها نیز بستگی دارد.

اصل گفتمانی: جغرافیا زمینه قدرت است؛ اما قدرت راهبردی حاصل پیوند جغرافیا با ظرفیت ملی، اراده سیاسی، هویت و کنشگری است.

۲. چرا غرب آسیا یک منطقه راهبردی است؟

غرب آسیا صرفاً یک منطقه جغرافیایی نیست؛ بلکه محل تلاقی مجموعه ای از عوامل مهم اقتصادی، سیاسی، امنیتی و ارتباطی جهان است.

اهمیت	مؤلفه
قرارگرفتن در پیوند میان آسیا، اروپا و آفریقا	موقعیت اتصالی
برخورداری از بخش مهمی از منابع نفت و گاز جهان	منابع انرژی
وجود مسیرها و گلوگاه های مهم دریایی و تجاری	آبراه های راهبردی
اثرگذاری مستقیم تحولات منطقه بر امنیت بین المللی	اهمیت امنیتی
نقش منطقه در انرژی، تجارت و حمل و نقل جهانی	اهمیت اقتصادی

اهمیت سیاسی و فرهنگی	تأثیرگذاری تحولات منطقه بر معادلات جهان اسلام و نظام بین‌الملل
----------------------	--

از همین رو، رقابت قدرت‌های بزرگ در این منطقه صرفاً بر سر یک موضوع محلی نیست؛ بلکه با امنیت، انرژی، تجارت و ترتیبات سیاسی منطقه و جهان ارتباط دارد.

نتیجه: هر کشوری که در این منطقه از ظرفیت و قدرت بیشتری برخوردار باشد، بالقوه می‌تواند در معادلات فراتر از مرزهای خود نیز اثرگذار باشد.

۳. چرا ایران از موقعیت ژئوپلیتیکی ممتازی برخوردار است؟

ایران در میان مجموعه‌ای از عناصر جغرافیایی و انسانی قرار گرفته که ظرفیت قابل‌توجهی برای تولید قدرت ایجاد می‌کنند.

مؤلفه	ظرفیت راهبردی ایران
موقعیت جغرافیایی	قرارگرفتن در نقطه اتصال بخش‌هایی از شرق و غرب و شمال و جنوب منطقه
موقعیت دریایی	دسترسی به خلیج فارس و دریای عمان
تنگه هرمز	قرارگرفتن در مجاورت یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های انرژی و تجارت دریایی
وسعت سرزمینی	برخورداری از گستره سرزمینی قابل‌توجه و تنوع جغرافیایی
منابع طبیعی	برخورداری از منابع انرژی و ظرفیت‌های معدنی
جمعیت و سرمایه انسانی	برخورداری از جمعیت گسترده و ظرفیت‌های انسانی
ظرفیت علمی و فناورانه	شکل‌گیری توانمندی‌های علمی، صنعتی و فناورانه
ظرفیت دفاعی	برخورداری از توانمندی‌های دفاعی و بازدارندگی
پیشینه تاریخی و تمدنی	برخورداری از هویت تاریخی و فرهنگی ریشه‌دار

بنابراین، اهمیت ایران را نمی‌توان به یک مؤلفه محدود کرد. **هم‌افزایی چند ظرفیت** است که اهمیت راهبردی آن را شکل می‌دهد.

۴. از «موقعیت» تا «قدرت»: نقش انقلاب اسلامی

موقعیت جغرافیایی ایران پیش از انقلاب اسلامی نیز وجود داشت. منابع طبیعی، موقعیت منطقه‌ای و پیشینه تاریخی ایران نیز اموری نبودند که پس از انقلاب ایجاد شده باشند.

پس چه چیزی تغییر کرد؟

یکی از پاسخ‌های اصلی، **تغییر در جهت‌گیری و نحوه به‌کارگیری ظرفیت‌های ملی** است.

انقلاب اسلامی مجموعه‌ای از مفاهیم را در سیاست و هویت جمهوری اسلامی برجسته کرد:

استقلال و نفی سلطه



هویت اسلامی و مردم‌سالاری دینی



عدالت‌خواهی و حمایت از ملت‌های مظلوم



دفاع از آرمان فلسطین



حمایت از جبهه مقاومت



کنشگری فعال منطقه‌ای



تلاش برای ایفای نقش در تحولات منطقه و جهان

بازگشت

از این منظر، انقلاب اسلامی تلاش کرد ظرفیت جغرافیایی ایران را با هویت، اراده سیاسی و گفتمان مشخص پیوند دهد.

پس باید میان سه مفهوم تفاوت گذاشت:

- **ظرفیت:** آنچه یک کشور در اختیار دارد.
- **قدرت:** توان بالفعل کردن و به‌کارگیری آن ظرفیت‌ها.
- **قدرت راهبردی:** توان اثرگذاری پایدار بر محیط پیرامونی و معادلات مهم، به‌گونه‌ای که کشور بتواند از منافع و جهت‌گیری‌های اساسی خود دفاع کند.

اصل گفتمانی: قدرت راهبردی صرفاً به معنای برخورداری از امکانات نیست؛ بلکه به معنای توان تبدیل ظرفیت‌ها به اثرگذاری است.

۵. مؤلفه‌های قدرت راهبردی ایران

برای فهم قدرت راهبردی ایران باید مجموعه مؤلفه‌ها را در کنار یکدیگر دید:

الف) موقعیت ژئوپلیتیکی

ایران در منطقه‌ای قرار گرفته که از نظر انرژی، ارتباطات، امنیت و تجارت جهانی اهمیت ویژه دارد.

(ب) ظرفیت‌های ملی

جمعیت، منابع، توان علمی و فناورانه، ظرفیت صنعتی، اقتصادی و دفاعی، مجموعه‌ای از توانمندی‌های داخلی را ایجاد می‌کنند.

(ج) هویت تاریخی و تمدنی

ایران از یک پیشینه تاریخی و تمدنی ریشه‌دار برخوردار است که به هویت ملی و ظرفیت فرهنگی آن عمق می‌بخشد.

(د) گفتمان انقلاب اسلامی

مفاهیمی مانند استقلال، نفی سلطه، عدالت‌خواهی، حمایت از ملت‌های مظلوم و مقاومت، جهت‌گیری خاصی به سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی داده‌اند.

(هـ) کنشگری منطقه‌ای

ایران صرفاً ناظر تحولات منطقه نیست؛ بلکه تلاش کرده است در معادلات سیاسی و امنیتی غرب آسیا نقش فعال داشته باشد.

(و) ظرفیت شبکه‌سازی و همکاری منطقه‌ای

پیوندهای سیاسی، اجتماعی و گفتمانی ایران با برخی بازیگران منطقه‌ای، امکان اثرگذاری آن را فراتر از مرزهای جغرافیایی افزایش داده است.

۶. ژئوپلیتیک مقاومت چیست؟

در تحلیل سنتی، ژئوپلیتیک بیشتر بر سرزمین، مرز، منابع و موقعیت جغرافیایی دولت‌ها تمرکز دارد.

اما در تحولات جدید منطقه، تنها مرزهای رسمی کشورها تعیین‌کننده نیستند. ارتباطات فکری، سیاسی، اجتماعی و راهبردی میان ملت‌ها و جریان‌های همسو نیز می‌تواند بر معادلات منطقه‌ای اثر بگذارد.

از این منظر، می‌توان از مفهوم ژئوپلیتیک مقاومت برای توضیح نقش شبکه‌ای از ملت‌ها، دولت‌ها و جریان‌های همسو استفاده کرد که در موضوعاتی مانند استقلال، مقابله با سلطه و حمایت از ملت‌های مظلوم، دارای هم‌سوایی هستند.

تفاوت ژئوپلیتیک سنتی و ژئوپلیتیک مقاومت

ژئوپلیتیک	ژئوپلیتیک مقاومت
بیشتر بر سرزمین و موقعیت جغرافیایی تمرکز دارد	علاوه بر جغرافیا، بر شبکه‌های انسانی و گفتمانی نیز توجه دارد
مرزهای رسمی اهمیت محوری دارند	پیوندهای فرامرزی نیز اهمیت پیدا می‌کنند
قدرت دولت‌ها محور اصلی است	دولت‌ها، ملت‌ها و جریان‌های همسو نیز مؤثرند
منابع و موقعیت جغرافیایی اهمیت دارند	هویت، گفتمان و هم‌سویی راهبردی نیز به آنها افزوده می‌شود

بنابراین، ژئوپلیتیک مقاومت به این معنا نیست که جغرافیا بی‌اهمیت شده است؛ بلکه به این معناست که قدرت منطقه‌ای فقط در مرزهای رسمی خلاصه نمی‌شود.

۷. ایران و هندسه نظم در حال گذار جهان

نظام بین‌الملل در حال تحول است و مناسبات قدرت میان بازیگران بزرگ، قدرت‌های نوظهور و کشورهای منطقه‌ای در حال بازتعریف است.

در چنین شرایطی، ایران می‌تواند بر اساس مجموعه ظرفیت‌های خود در چند عرصه نقش‌آفرینی کند:

- تقویت همکاری‌های منطقه‌ای؛
- توسعه روابط با قدرت‌های نوظهور؛
- گسترش پیوندهای اقتصادی و تجاری؛
- ایفای نقش فعال در تحولات غرب آسیا؛
- مشارکت در ترتیبات جدید سیاسی و اقتصادی؛
- استفاده از ظرفیت‌های ترانزیتی و ژئوپلیتیکی؛
- تقویت همکاری‌های علمی و فناورانه؛
- حفظ و افزایش توان بازدارندگی و امنیت ملی.

البته قدرت راهبردی به معنای مصونیت از آسیب یا بی‌نیازی از اصلاح و تقویت نیست. برعکس، هرچه جایگاه یک کشور مهم‌تر باشد، ضرورت حفظ، تکمیل و مدیریت ظرفیت‌های آن نیز بیشتر می‌شود.

۸. چرا قدرت راهبردی ایران با درس هشتم ارتباط دارد؟

درس هشتم پرسید: چرا ایران در معرض تقابل راهبردی قرار گرفته است؟

درس نهم اکنون بخشی از پاسخ را روشن می‌کند:

چون ایران مجموعه‌ای از ظرفیت‌های جغرافیایی، ملی، تمدنی و گفتمانی را در اختیار دارد و در تلاش است این ظرفیت‌ها را به قدرت و اثرگذاری منطقه‌ای تبدیل کند.

رابطه دو درس را می‌توان چنین خلاصه کرد:

○ ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و ملی ایران

- هویت و گفتمان انقلاب اسلامی
- توانمندی‌های علمی، اقتصادی و دفاعی
- کنشگری منطقه‌ای
- شبکه همکاری‌ها و پیوندهای منطقه‌ای

↓

افزایش قدرت و اثرگذاری راهبردی ایران

↓

تأثیرگذاری بر موازنه‌های منطقه‌ای

↓

افزایش حساسیت و رقابت قدرت‌های رقیب

بنابراین، قدرت راهبردی ایران و تقابل با آن دو بحث جدا از یکدیگر نیستند؛ بلکه در یک زنجیره تحلیلی قرار می‌گیرند.

۹. چرا ایران یک قدرت راهبردی است؟ جمع‌بندی مؤلفه‌ها

مؤلفه	نقش در قدرت راهبردی ایران
جغرافیا	ایجاد موقعیت ممتاز ارتباطی، دریایی و منطقه‌ای
منابع و ظرفیت‌های ملی	فراهم کردن توان اقتصادی، علمی، صنعتی و دفاعی
سرمایه انسانی	ایجاد ظرفیت تولید، دانش و پیشرفت
هویت تاریخی و تمدنی	ایجاد عمق فرهنگی و هویتی
گفتمان انقلاب اسلامی	تعیین جهت‌گیری و هویت سیاسی
قدرت دفاعی و بازدارندگی	افزایش توان صیانت از امنیت و منافع
کنشگری منطقه‌ای	تبدیل ظرفیت‌های داخلی به اثرگذاری خارجی
شبکه همکاری‌ها	گسترش دامنه اثرگذاری فراتر از مرزهای رسمی
موقعیت در نظم در حال گذار	ایجاد امکان نقش‌آفرینی در ترتیبات جدید منطقه‌ای و جهانی

فرمول نهایی درس:

جغرافیا = زمینه

ظرفیت ملی = توان

هویت و تمدن = عمق

گفتمان = جهت

کنشگری = اثرگذاری

قدرت راهبردی = هم‌افزایی این مؤلفه‌ها

فعالیت یادگیری

فعالیت ۱. کشوری را انتخاب کنید که از موقعیت جغرافیایی مهمی برخوردار است. توضیح دهید چرا موقعیت جغرافیایی به‌تنهایی برای تبدیل شدن به یک قدرت راهبردی کافی نیست.

فعالیت ۲. رابطه میان «ژئوپلیتیک» و «ژئوپلیتیک مقاومت» را با یک نمونه توضیح دهید.

فعالیت ۳. با استفاده از جدول بخش ۹، سه مؤلفه‌ای را انتخاب کنید که به نظر شما بیشترین نقش را در قدرت راهبردی ایران دارند و دلیل انتخاب خود را توضیح دهید.

فعالیت ۴. نشان دهید چگونه مؤلفه‌های قدرت راهبردی ایران می‌توانند بخشی از علل تقابل مطرح شده در درس هشتم را توضیح دهند.

خودارزیابی

- (۱) ژئوپلیتیک چیست و چه تفاوتی با قدرت راهبردی دارد؟
- (۲) چرا جغرافیا به‌تنهایی نمی‌تواند یک کشور را به قدرت راهبردی تبدیل کند؟
- (۳) سه مؤلفه مهم قدرت راهبردی ایران را نام ببرید.
- (۴) انقلاب اسلامی چه تغییری در نحوه به‌کارگیری ظرفیت‌های ایران ایجاد کرد؟
- (۵) ژئوپلیتیک مقاومت چه تفاوتی با ژئوپلیتیک صرفاً سرزمینی دارد؟
- (۶) چه رابطه‌ای میان قدرت راهبردی ایران و تقابل مطرح شده در درس هشتم وجود دارد؟

جمع‌بندی درس

ایران به دلیل یک عامل منفرد، قدرتی راهبردی محسوب نمی‌شود. موقعیت ژئوپلیتیکی، منابع و ظرفیت‌های ملی، سرمایه انسانی، پیشینه تاریخی و تمدنی، توان علمی و دفاعی، گفتمان انقلاب اسلامی و کنشگری منطقه‌ای در کنار یکدیگر مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها را شکل داده‌اند که می‌تواند به قدرت راهبردی تبدیل شود.

انقلاب اسلامی با تأکید بر استقلال، نفی سلطه، عدالت‌خواهی، حمایت از ملت‌های مظلوم و مقاومت، جهت‌گیری خاصی به بخشی از این ظرفیت‌ها داده است. در نتیجه، اهمیت ایران فقط در موقعیت جغرافیایی آن خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در پیوند میان جغرافیا، ظرفیت ملی، هویت، گفتمان و کنشگری قرار دارد.

از این منظر، قدرت راهبردی ایران را باید یک «فرایند» دانست، نه یک وضعیت ثابت. این قدرت زمانی پایدار می‌ماند که ظرفیت‌های کشور به‌درستی شناخته، تقویت، سازمان‌دهی و مدیریت شوند.

پیام‌های کلیدی

- ✚ ژئوپلیتیک، زمینه و ظرفیت اولیه قدرت کشورها را فراهم می‌کند.
- ✚ جغرافیا به‌تنهایی قدرت راهبردی ایجاد نمی‌کند؛ توان ملی و کنشگری نیز ضروری است.
- ✚ ایران از موقعیت ژئوپلیتیکی، ظرفیت‌های ملی و پیشینه تاریخی و تمدنی مهمی برخوردار است.
- ✚ انقلاب اسلامی ظرفیت‌های ایران را با گفتمان استقلال، عدالت‌خواهی و مقاومت پیوند داده است.
- ✚ ژئوپلیتیک مقاومت، علاوه بر جغرافیا، نقش پیوندهای انسانی، سیاسی و گفتمانی را در معادلات منطقه‌ای مورد توجه قرار می‌دهد.
- ✚ قدرت راهبردی ایران حاصل هم‌افزایی جغرافیا، ظرفیت ملی، هویت، گفتمان و کنشگری است.
- ✚ قدرت راهبردی یک وضعیت ثابت نیست و برای حفظ آن، تقویت مستمر ظرفیت‌های ملی ضروری است.

ارتباط با درس بعد

اگر ایران از ظرفیت‌های قابل‌توجهی برخوردار است، پرسش مهم بعدی این است:

این ظرفیت‌ها چگونه باید به‌صورت منسجم، متوازن و پایدار سازمان‌دهی شوند تا به «قدرت ملی» تبدیل شوند و قدرت ملی چگونه می‌تواند در خدمت مقاومت و حفظ استقلال قرار گیرد؟

این پرسش، زمینه ورود به درس دهم را فراهم می‌کند.

برای امروز

شناخت جایگاه راهبردی ایران نباید به معنای نادیده گرفتن ضعف‌ها و چالش‌ها باشد. برعکس، شناخت درست قدرت یعنی هم ظرفیت‌ها را ببینیم و هم فاصله میان ظرفیت موجود و قدرت بالفعل را بشناسیم.

از این منظر، مسئله اصلی تنها این نیست که «ایران چه دارد»، بلکه این است که:

چه ظرفیت‌هایی دارد؟

کدام ظرفیت‌ها بالفعل شده‌اند؟

کدام ظرفیت‌ها هنوز فعال نشده‌اند؟

چه موانعی بر سر راه تبدیل ظرفیت به قدرت وجود دارد؟

و چگونه می‌توان قدرت ملی را متوازن، پایدار و مؤثر ساخت؟

این نگاه، درس نهم را از یک معرفی صرفِ مزیت‌های ایران فراتر می‌برد و آن را به مقدمه‌ای برای بحث قدرت‌سازی و راهبری مقاومت تبدیل می‌کند.

درس دهم) دشمن چگونه با ایران مقابله می کند؟

راهبردها و ابزارهای تقابل با جمهوری اسلامی ایران

ارتباط با درس قبل

درس نهم نشان داد که جمهوری اسلامی ایران، بر اساس چارچوب این مجموعه، به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی، ظرفیت‌های ملی، پیشینه تاریخی و تمدنی، گفتمان انقلاب اسلامی و نقش آفرینی منطقه‌ای، از ظرفیت یک قدرت راهبردی برخوردار است.

اکنون پرسش بعدی این است: قدرت‌های رقیب و مخالف برای مهار، محدودسازی یا تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران از چه روش‌هایی استفاده می‌کنند؟

درس دهم از «چرایی تقابل» که در درس هشتم بررسی شد، به «چگونگی تقابل» می‌رسد و ابزارها، روش‌ها و سطوح مختلف این تقابل را بررسی می‌کند.

سؤال محوری:

قدرت‌های رقیب و مخالف جمهوری اسلامی ایران برای مهار قدرت و اثرگذاری آن از چه راهبردها و ابزارهایی استفاده می‌کنند و چرا شیوه‌های تقابل در طول زمان از ابزارهای سخت به ترکیبی از ابزارهای اقتصادی، سیاسی، رسانه‌ای، فرهنگی و شناختی گسترش یافته است؟

اهداف درس:

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. اهداف اصلی و فرعی تقابل با جمهوری اسلامی ایران را توضیح دهد.
۲. تفاوت میان تهدید، تحریم، جنگ سخت، جنگ نیمه‌سخت، جنگ نرم، عملیات روانی و جنگ شناختی را تشخیص دهد.
۳. مفهوم جنگ ترکیبی را توضیح دهد و ارتباط میان ابزارهای مختلف آن را تحلیل کند.
۴. تحول شیوه‌های تقابل را از ابزارهای سخت به روش‌های چندلایه و ترکیبی بررسی کند.
۵. جایگاه رسانه، اطلاعات، داده و فضای مجازی را در تقابل‌های معاصر توضیح دهد.
۶. رابطه میان قدرت راهبردی ایران در درس نهم و تنوع ابزارهای تقابل در این درس را تحلیل کند.
۷. برای افزایش سواد رسانه‌ای، قدرت تشخیص و تاب‌آوری اجتماعی در برابر عملیات اثرگذاری، راهکارهای عملی ارائه دهد.

۱. از «چرا» به «چگونه»؛ منطق تقابل

در درس هشتم، علل و زمینه‌های تقابل با جمهوری اسلامی ایران بررسی شد. در آن درس، عواملی مانند استقلال‌خواهی، نفی سلطه، سیاست منطقه‌ای، حمایت از فلسطین و ظرفیت الگوسازی در چارچوب کتاب به‌عنوان زمینه‌های اصلی تقابل معرفی شدند.

در این درس، مسئله متفاوت است: اگر هدف یک بازیگر، مهار قدرت یا تغییر رفتار رقیب باشد، چگونه می‌تواند به این هدف نزدیک شود؟

پاسخ این است که تقابل الزاماً به معنای جنگ مستقیم نظامی نیست. در جهان معاصر، دولت‌ها و بازیگران سیاسی می‌توانند از مجموعه‌ای از ابزارهای:

- سیاسی و دیپلماتیک؛
- اقتصادی و مالی؛
- امنیتی و اطلاعاتی؛
- نظامی؛
- رسانه‌ای و ارتباطی؛
- فرهنگی؛
- روانی و شناختی استفاده کنند.

اصل تحلیلی

تقابل معاصر، چندسطحی و چندابزاری است و شناخت آن نیازمند تفکیک ابزارها و فهم ارتباط میان آن‌هاست.

۲. اهداف تقابل با جمهوری اسلامی ایران

در چارچوب این مجموعه، اهداف تقابل را می‌توان در چند سطح دسته‌بندی کرد:

هدف	توضیح
مهار قدرت ملی	محدودسازی رشد ظرفیت‌های اقتصادی، علمی، فناوری و دفاعی
تغییر رفتار	ایجاد فشار برای تغییر برخی سیاست‌ها و اولویت‌های جمهوری اسلامی
کاهش نقش منطقه‌ای	محدودسازی نقش ایران در معادلات غرب آسیا
تضعیف شبکه‌های همسو	کاهش ظرفیت همکاری و اثرگذاری جریان‌های همسو با ایران

افزایش فشار داخلی	افزایش مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با هدف کاهش تاب‌آوری
ایجاد بی‌ثباتی	تشدید شکاف‌ها و کاهش انسجام اجتماعی
تغییر ساختار سیاسی	فشار برای تغییر بنیادین در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی
جلوگیری از الگوسازی	جلوگیری از تبدیل تجربه استقلال و مقاومت به الگویی الهام‌بخش برای دیگران

نکته تحلیلی:

این اهداف الزاماً مستقل از یکدیگر نیستند. برای مثال، فشار اقتصادی می‌تواند به نارضایتی اجتماعی منجر شود؛ نارضایتی ممکن است از طریق عملیات رسانه‌ای تشدید شود و سپس به فشار سیاسی تبدیل گردد.

بنابراین، یکی از ویژگی‌های اصلی تقابل معاصر، زنجیره‌ای و مکمل بودن ابزارها است.

۳. تحول روش‌های تقابل

شیوه‌های تقابل در طول زمان ثابت نمانده‌اند. با تغییر شرایط سیاسی، فناوری و اجتماعی، ابزارهای جدیدی به ابزارهای پیشین افزوده شده‌اند.

می‌توان این تحول را به‌صورت ساده چنین نشان داد:

تقابل نظامی و جنگ سخت



اقدامات امنیتی و نیمه‌سخت



فشار سیاسی و اقتصادی



رسانه و جنگ نرم



عملیات روانی و اطلاعاتی



جنگ شناختی و بهره‌گیری از داده و فناوری

اما این مراحل به معنای کنار گذاشته شدن کامل ابزارهای قدیمی نیستند.

نکته مهم

در شرایط معاصر، ابزارهای مختلف می‌توانند هم‌زمان و در ارتباط با یکدیگر به کار گرفته شوند. به همین دلیل، مفهوم جنگ ترکیبی اهمیت پیدا می‌کند.

۴. ابزارهای اصلی تقابل

ابزار	تعریف	هدف یا کارکرد اصلی
جنگ سخت	استفاده مستقیم از نیروی نظامی	تحمیل خسارت، تهدید یا تضعیف توان دفاعی
جنگ نیمه‌سخت	اقدامات امنیتی، خرابکاری، ترور یا حمایت از اقدامات مسلحانه	فرسایش امنیت و افزایش هزینه‌های کشور
فشار سیاسی و دیپلماتیک	استفاده از روابط و نهادهای سیاسی برای اعمال فشار	انزوا یا تغییر رفتار
تحریم اقتصادی	محدودسازی تجارت، منابع مالی و دسترسی اقتصادی	افزایش فشار اقتصادی و کاهش ظرفیت ملی
عملیات رسانه‌ای	تولید و انتشار روایت‌های هدفمند	اثرگذاری بر افکار عمومی
جنگ نرم	اثرگذاری بلندمدت بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای فرهنگی	تغییر نگرش و رفتار اجتماعی
عملیات روانی	تلاش برای ایجاد ترس، یأس، خشم یا بی‌اعتمادی	تضعیف روحیه و اراده
نفوذ	اثرگذاری بر افراد، شبکه‌ها یا فرایندهای تصمیم‌سازی	تغییر جهت تصمیم‌ها از درون
جنگ شناختی	اثرگذاری بر ادراک، تفسیر واقعیت و فرایند تصمیم‌گیری	تغییر محاسبات و انتخاب‌ها

یک تفکیک ضروری:

این مفاهیم به یک معنا نیستند.

رسانه یک بستر و ابزار ارتباطی است؛

عملیات رسانه‌ای استفاده هدفمند از رسانه برای اثرگذاری است؛

جنگ نرم مفهومی گسترده‌تر برای اثرگذاری بر فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌هاست؛

عملیات روانی بیشتر بر وضعیت هیجانی و روحی مخاطب تمرکز دارد؛

و جنگ شناختی بر فرایندهای ادراک، تفسیر، ارزیابی و تصمیم‌گیری تمرکز می‌کند.

بنابراین، ممکن است یک عملیات رسانه‌ای هم‌زمان کارکرد روانی یا شناختی نیز داشته باشد.

۵. جنگ ترکیبی چیست؟

جنگ ترکیبی به استفاده هم‌زمان و هماهنگ از چند ابزار و روش برای اثرگذاری بر یک کشور یا جامعه گفته می‌شود.

در چنین شرایطی، فشار ممکن است از چند مسیر به‌صورت هم‌زمان وارد شود:

فشار اقتصادی

+

فشار سیاسی

+

عملیات رسانه‌ای

+

اقدامات امنیتی

+

جنگ نرم

+

عملیات روانی

+

جنگ شناختی

+

نفوذ

هدف از ترکیب این ابزارها آن است که آثار آن‌ها یکدیگر را تقویت کنند.

مثال تحلیلی

فرض کنیم فشار اقتصادی افزایش یابد. اگر هم‌زمان در فضای رسانه‌ای، این فشار به‌عنوان نشانه «بن‌بست کامل» معرفی شود و پیام‌های ترس و ناامیدی نیز تقویت گردد، اثر روانی و اجتماعی فشار اقتصادی ممکن است افزایش یابد.

پس در جنگ ترکیبی، اثر نهایی صرفاً حاصل جمع ابزارها نیست؛ بلکه تعامل میان آن‌ها اهمیت دارد.

۶. چرا جنگ شناختی اهمیت یافته است؟

در جنگ سخت، هدف اصلی می‌تواند سرزمین و تجهیزات باشد.

در فشار اقتصادی، منابع و ظرفیت اقتصادی هدف قرار می‌گیرد.

در جنگ نرم، ارزش‌ها و نگرش‌ها در معرض اثرگذاری قرار می‌گیرند.

اما در جنگ شناختی، تلاش می‌شود نحوه دیدن، تفسیر کردن و تصمیم گرفتن انسان تحت تأثیر قرار گیرد.

در این چارچوب، هدف می‌تواند این باشد که مخاطب:

- یک واقعیت را متفاوت از گذشته تفسیر کند؛
- میان واقعیت و روایت تمایز نگذارد؛
- درباره یک مسئله دچار خطای محاسباتی شود؛
- نسبت به آینده دچار یأس شود؛
- اعتماد خود به منابع معتبر را از دست بدهد؛
- بدون بررسی کافی، یک خبر یا روایت را باز نشر کند؛
- در اثر فشار هیجانی، تصمیم شتاب‌زده بگیرد.

زنجیره ساده جنگ شناختی

اطلاعات



تفسیر اطلاعات



شکل‌گیری ادراک



ایجاد نگرش



تغییر محاسبه



تصمیم و رفتار

بازگشت

بنابراین، دفاع شناختی صرفاً به معنای «مخالفت با یک روایت» نیست؛ بلکه به معنای تقویت توانایی جامعه برای تشخیص، بررسی، مقایسه و تصمیم‌گیری آگاهانه است.

۷. داده و فناوری؛ میدان جدید اثرگذاری

گسترش شبکه‌های اجتماعی و فناوری‌های دیجیتال، میدان تقابل را تغییر داده است.

در گذشته، تولید و انتشار پیام بیشتر در اختیار رسانه‌های بزرگ بود؛ اما امروز هر فرد می‌تواند تولیدکننده و بازنشرکننده محتوا باشد.

این وضعیت دو پیامد هم‌زمان دارد:

فرصت

- دسترسی سریع‌تر به اطلاعات؛
- امکان شنیدن صداهای متنوع؛
- امکان تولید روایت مستقل؛
- افزایش مشارکت عمومی.

تهدید

- انتشار سریع شایعات؛
- اطلاعات نادرست و گمراه‌کننده؛
- برش‌دادن و خارج کردن محتوا از زمینه؛
- استفاده از تصاویر و ویدئوهای جعلی؛
- ایجاد اتاق‌های پژواک؛
- تحریک هیجانات جمعی؛
- دشوار شدن تشخیص منبع اصلی اطلاعات.

ازاین‌رو، سواد رسانه‌ای و سواد داده‌ای بخشی از توانمندی ملی در عصر جدید محسوب می‌شود.

۸. نفوذ؛ اثرگذاری از درون

یکی دیگر از ابزارهای مورد بحث در این چارچوب، «نفوذ» است.

نفوذ را نباید با هر نوع ارتباط، تعامل یا مذاکره خارجی یکی دانست. در این درس، منظور از نفوذ، تلاش هدفمند برای اثرگذاری پنهان یا جهت‌دهنده بر افراد، شبکه‌ها، فرایندهای تصمیم‌سازی یا تصمیم‌گیری است.

برای تحلیل نفوذ باید سه سؤال پرسید:

۱. چه کسی تلاش می‌کند اثر بگذارد؟
۲. از چه مسیری این اثرگذاری انجام می‌شود؟
۳. هدف نهایی از این اثرگذاری چیست؟

این نگاه از افتادن در دام دو خطا جلوگیری می‌کند:

- ساده‌انگاری و نادیده گرفتن تهدیدهای واقعی؛
- نسبت دادن هر ارتباط یا اختلاف داخلی به «نفوذ» بدون شواهد کافی.

اصل تحلیلی

مقابله با نفوذ نیازمند شواهد، تحلیل و تقویت شفافیت و سلامت فرایندهای تصمیم‌گیری است؛ نه بدگمانی عمومی.

۹. رابطه قدرت راهبردی ایران و ابزارهای تقابل

در درس نهم، قدرت راهبردی ایران حاصل ترکیب چند مؤلفه معرفی شد:

جغرافیا + ظرفیت ملی + هویت تمدنی + گفتمان + کنشگری

در این درس می‌توان دید که چرا تقابل با ایران نیز چندلایه شده است.

هرچه یک کشور از ظرفیت‌های متنوع‌تری برخوردار باشد، مقابله با آن صرفاً از یک مسیر امکان‌پذیر نیست.

مؤلفه قدرت ایران	حوزه احتمالی تقابل
موقعیت ژئوپلیتیکی	فشار سیاسی و امنیتی منطقه‌ای
ظرفیت اقتصادی	تحریم و محدودسازی اقتصادی
توان علمی و فناوری	محدودیت فناوری و فشار علمی
توان دفاعی	بازدارندگی و فشار امنیتی
هویت و فرهنگ	جنگ نرم و فرهنگی

انسجام اجتماعی	عملیات روانی و شکاف‌افکنی
نقش منطقه‌ای	فشار دیپلماتیک و ائتلاف‌سازی
قدرت روایت و افکار عمومی	عملیات رسانه‌ای و شناختی

نتیجه:

گسترده‌ی ابزارهای تقابل را می‌توان تا حدی بازتاب گسترده‌ی میدان‌های قدرت ملی دانست.

بنابراین، پاسخ به تهدید نیز نمی‌تواند صرفاً نظامی باشد؛ بلکه باید جامع و چندلایه باشد.

۱۰. پاسخ جامعه چیست؟

شناخت ابزارهای تقابل زمانی ارزشمند است که به افزایش توان پاسخ‌گویی منجر شود.

پاسخ مؤثر را می‌توان در چند سطح تعریف کرد:

عرصه	راهکار تقویت تاب‌آوری
اقتصادی	افزایش بهره‌وری، تنوع اقتصادی و کاهش آسیب‌پذیری
علمی و فناوری	توسعه دانش و کاهش وابستگی‌های راهبردی
دفاعی و امنیتی	حفظ آمادگی و بازدارندگی
رسانه‌ای	تقویت رسانه‌های حرفه‌ای و معتبر
شناختی	افزایش قدرت تحلیل و تشخیص
فرهنگی	تقویت هویت و تولید محتوای باکیفیت
اجتماعی	افزایش اعتماد، گفت‌وگو و سرمایه اجتماعی
سیاسی	افزایش شفافیت، پاسخ‌گویی و مشارکت

نکته مهم:

مصونیت در برابر جنگ شناختی فقط با توصیه به «اعتماد نکردن به دشمن» ایجاد نمی‌شود؛ بلکه نیازمند رسانه حرفه‌ای، اطلاع‌رسانی شفاف، پاسخ سریع به شایعات، آموزش تفکر انتقادی و افزایش اعتماد عمومی است.

۱۱. الگوی ساده تحلیل یک عملیات رسانه‌ای یا شناختی

برای اینکه فراگیر بتواند آموخته‌های درس را در زندگی روزمره به کار گیرد، می‌توان از این الگوی شش‌سؤالی استفاده کرد:

۱. منبع چیست؟

چه فرد، رسانه یا حساب کاربری این محتوا را منتشر کرده است؟

۲. ادعا چیست؟

دقیقاً چه چیزی ادعا شده است؟

۳. شواهد چیست؟

آیا برای ادعا سند، داده یا منبع معتبر ارائه شده است؟

۴. احساس غالب چیست؟

آیا محتوا تلاش می‌کند ترس، خشم، یأس یا هیجان شدید ایجاد کند؟

۵. چه چیزی حذف شده است؟

آیا بخشی از زمینه یا اطلاعات مهم ارائه نشده است؟

۶. هدف احتمالی چیست؟

آگاهی‌بخشی، اقناع، سرگرمی، تبلیغ، فروش، تحریک هیجانی یا اثرگذاری سیاسی؟

قاعده طلایی:

هرچه یک پیام هیجانی تر و فوری تر باشد، نیاز به بررسی بیشتر دارد؛ نه پذیرش سریع تر.

فعالیت یادگیری

فعالیت ۱. یک نمونه از یک خبر، پست یا ویدئوی منتشرشده در فضای مجازی انتخاب کنید و با الگوی شش‌سؤالی بخش ۱۱ آن را تحلیل کنید.

فعالیت ۲. تفاوت میان «جنگ نرم»، «عملیات روانی» و «جنگ شناختی» را در یک جدول سه‌ستونه بنویسید.

فعالیت ۳. یک سناریوی فرضی طراحی کنید که در آن فشار اقتصادی، عملیات رسانه‌ای و جنگ شناختی به‌صورت هم‌زمان عمل کنند. توضیح دهید این ابزارها چگونه می‌توانند اثر یکدیگر را تقویت کنند.

فعالیت ۴. سه راهکار برای افزایش تاب‌آوری شناختی دانش‌آموزان یا دانشجویان در برابر اخبار جعلی و روایت‌های گمراه‌کننده پیشنهاد دهید.

خودارزیابی

- (۱) تفاوت میان جنگ سخت، جنگ نیمه‌سخت و جنگ نرم چیست؟
- (۲) چرا جنگ ترکیبی را نمی‌توان به یک ابزار خاص محدود کرد؟
- (۳) تفاوت «عملیات رسانه‌ای»، «عملیات روانی» و «جنگ شناختی» چیست؟
- (۴) چرا در جنگ شناختی، ادراک و تصمیم‌گیری اهمیت پیدا می‌کند؟
- (۵) چرا هر خبر منفی را نمی‌توان عملیات شناختی دانست؟
- (۶) نفوذ چه تفاوتی با ارتباط و تعامل عادی دارد؟
- (۷) چرا پاسخ به تهدیدهای جدید باید علاوه بر حوزه دفاعی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای نیز باشد؟
- (۸) چگونه می‌توان بدون گرفتار شدن در «دشمن‌پنداری»، تهدیدهای واقعی را شناسایی کرد؟

جمع‌بندی درس

تقابل با جمهوری اسلامی ایران، در چارچوب این مجموعه، صرفاً به جنگ نظامی محدود نمی‌شود؛ بلکه مجموعه‌ای از ابزارهای سیاسی، اقتصادی، امنیتی، رسانه‌ای، فرهنگی، روانی و شناختی را دربرمی‌گیرد.

تحول فناوری و ارتباطات باعث شده است که ذهن، ادراک، اطلاعات و فرایند تصمیم‌گیری به یکی از میدان‌های مهم رقابت تبدیل شوند. در این شرایط، مفهوم جنگ ترکیبی اهمیت پیدا می‌کند؛ زیرا ابزارهای مختلف می‌توانند هم‌زمان و در تعامل با یکدیگر به کار گرفته شوند.

با این حال، شناخت تهدید نباید به بدگمانی عمومی یا نسبت دادن هر مشکل به دشمن منجر شود. تحلیل مستند، بررسی شواهد، تفکر انتقادی، سواد رسانه‌ای، شفافیت و تقویت سرمایه اجتماعی از مهم‌ترین الزامات مواجهه عقلانی با عملیات اثرگذاری هستند.

از این منظر، قدرت ملی فقط در تجهیزات نظامی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه اقتصاد، علم، فناوری، فرهنگ، انسجام اجتماعی، اعتماد عمومی، رسانه و قدرت تحلیل جامعه نیز بخشی از ظرفیت ملی برای مقابله با تهدیدهای ترکیبی‌اند.

پیام‌های کلیدی

🌈 تقابل معاصر چندلایه است و به جنگ نظامی محدود نمی‌شود.

- ✚ ابزارهای سیاسی، اقتصادی، امنیتی، رسانه‌ای، فرهنگی و شناختی می‌توانند هم‌زمان به کار گرفته شوند.
- ✚ جنگ ترکیبی به معنای ترکیب و هماهنگی چند ابزار برای افزایش اثرگذاری است.
- ✚ جنگ نرم، عملیات روانی و جنگ شناختی مفاهیم مرتبط اما یکسان نیستند.
- ✚ جنگ شناختی بیش از هر چیز بر ادراک، تفسیر، محاسبه و تصمیم‌گیری اثر می‌گذارد.
- ✚ فضای مجازی، داده و فناوری‌های نوین، میدان‌های جدیدی برای اثرگذاری ایجاد کرده‌اند.
- ✚ مقابله با عملیات شناختی، بیش از هر چیز به سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و دسترسی به اطلاعات معتبر نیاز دارد.
- ✚ مقابله با تهدیدهای ترکیبی، نیازمند تقویت هم‌زمان اقتصاد، علم، امنیت، فرهنگ، رسانه و سرمایه اجتماعی است.
- ✚ دشمن‌شناسی نباید به دشمن‌پنداری تبدیل شود؛ تحلیل تهدید باید بر شواهد و استدلال استوار باشد.

ارتباط با درس بعد

درس دهم نشان داد که تقابل با جمهوری اسلامی ایران تنها در میدان نظامی رخ نمی‌دهد و بخشی مهم از آن در رسانه، فرهنگ، اقتصاد، اطلاعات و ذهن انسان‌ها جریان دارد.

پس پرسش بعدی این است:

جامعه و فرد چگونه می‌توانند در برابر این حجم از اطلاعات، روایت‌ها و عملیات اثرگذاری، قدرت تشخیص، تاب‌آوری و کنشگری آگاهانه خود را افزایش دهند؟

این پرسش، زمینه ورود به درس یازدهم: «جنگ شناختی؛ نبرد بر سر ادراک» خواهد بود.

برای امروز

هر فرد در فضای رسانه‌ای امروز، هم مخاطب است و هم می‌تواند تولیدکننده و بازنشرکننده پیام باشد. بنابراین، دفاع شناختی از یک جامعه فقط وظیفه نهادهای رسمی نیست. هر فرد می‌تواند با چند رفتار ساده، در افزایش تاب‌آوری جامعه نقش داشته باشد:

مکتب پیش از بازنشر ← بررسی منبع ← جست‌وجوی شواهد ← مقایسه روایت‌ها ← تشخیص واقعیت از تفسیر ← تصمیم آگاهانه

در میدان جدید تقابل، قدرت تشخیص و مسئولیت‌پذیری رسانه‌ای هر فرد، بخشی از قدرت ملی جامعه است.

درس یازدهم) جنگ شناختی چگونه عمل می‌کند؟

از تغییر باور تا تغییر ادراک، تصمیم و رفتار

ارتباط با درس قبل

درس دهم نشان داد که تقابل با جمهوری اسلامی ایران تنها در میدان نظامی رخ نمی‌دهد، بلکه مجموعه‌ای از ابزارهای سیاسی، اقتصادی، امنیتی، رسانه‌ای، فرهنگی و شناختی را دربرمی‌گیرد. در میان این ابزارها، جنگ شناختی بر یکی از بنیادی‌ترین عرصه‌های قدرت انسان، یعنی ذهن، ادراک، قضاوت و تصمیم‌گیری، تمرکز دارد.

درس یازدهم یک گام عمیق‌تر برمی‌دارد و به جای پرداختن صرف به ابزارها، سازوکار اثرگذاری شناختی را بررسی می‌کند: چگونه یک پیام یا روایت می‌تواند بر ادراک اثر بگذارد، احساس و محاسبه فرد را تغییر دهد و در نهایت بر تصمیم و رفتار او اثرگذار شود؟

سؤال محوری:

جنگ شناختی چگونه با اثرگذاری بر اطلاعات، ادراک، احساس، محاسبه و تصمیم انسان می‌تواند رفتار فردی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد و چگونه می‌توان در برابر آن قدرت تحلیل و مصونیت شناختی ایجاد کرد؟

اهداف درس:

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. مفهوم جنگ شناختی و ویژگی‌های اصلی آن را توضیح دهد.
۲. تفاوت جنگ سخت، جنگ نرم، عملیات روانی و جنگ شناختی را از نظر میدان، ابزار و هدف بیان کند.
۳. زنجیره اثرگذاری شناختی را از اطلاعات و روایت تا ادراک، احساس، محاسبه، تصمیم و رفتار تحلیل کند.
۴. توضیح دهد که چرا تغییر ادراک می‌تواند به تغییر تصمیم و رفتار منجر شود.
۵. برخی شیوه‌های رایج اثرگذاری شناختی، مانند قاب‌بندی، برجسته‌سازی، تکرار، تحریک عاطفی و انتشار اطلاعات ناقص را شناسایی کند.
۶. راهکارهای عملی برای راستی‌آزمایی، تفکر نقادانه و افزایش مصونیت شناختی را در زندگی روزمره به کار گیرد.

۱. جنگ شناختی چیست؟

جنگ شناختی را می‌توان نوعی تقابل برای اثرگذاری هدفمند بر فرایندهای شناختی انسان دانست؛ فرایندهایی مانند توجه، ادراک، حافظه، قضاوت، ارزیابی، تصمیم‌گیری و شکل‌گیری نگرش.

در این نوع تقابل، مسئله فقط این نیست که «چه اطلاعاتی» به مخاطب داده می‌شود؛ بلکه مهم است که مخاطب چگونه اطلاعات را ببیند، تفسیر کند و بر اساس آن تصمیم بگیرد.

بنابراین، میدان اصلی جنگ شناختی، ذهن و فرایندهای تصمیم‌گیری انسان است.

اصل گفتمانی:

در تقابل شناختی، هدف فقط تغییر یک خبر یا نظر نیست؛ بلکه می‌تواند تغییر شیوه دیدن، تفسیر کردن، قضاوت کردن و تصمیم گرفتن باشد.

مثال ساده

فرض کنیم درباره یک رویداد، ده خبر مختلف وجود دارد، اما یک رسانه فقط دو بخش خاص از آن را بارها برجسته می‌کند و سایر بخش‌ها را نادیده می‌گیرد. ممکن است مخاطب بدون دریافت یک دروغ آشکار، تصویری ناقص از واقعیت پیدا کند.

بنابراین، اطلاعات نادرست تنها ابزار اثرگذاری نیست؛ انتخاب، حذف، برجسته‌سازی و نحوه قاب‌بندی اطلاعات نیز می‌تواند بر ادراک اثر بگذارد.

۲. تفاوت جنگ سخت، جنگ نرم، عملیات روانی و جنگ شناختی

این مفاهیم به یک معنا نیستند، هرچند در برخی موقعیت‌ها می‌توانند با یکدیگر هم‌پوشانی داشته باشند.

نوع تقابل	میدان اصلی	ابزارهای غالب	هدف غالب	افق اثرگذاری
جنگ سخت	سرزمین، نیرو و تجهیزات	عملیات نظامی و تسلیحات	تضعیف یا شکست توان نظامی	عمدتاً کوتاه‌مدت
جنگ نرم	فرهنگ، ارزش‌ها و هویت	فرهنگ، آموزش، هنر و رسانه	تغییر نگرش و الگوهای فرهنگی	عمدتاً بلندمدت
عملیات روانی	احساس و روحیه	پیام، تصویر، خبر و تبلیغات	ایجاد ترس، امید، یأس یا انگیزه	کوتاه‌مدت تا میان‌مدت

جنگ شناختی	ادراک، قضاوت، محاسبه و تصمیم	داده، روایت، رسانه و فناوری	اثرگذاری بر نحوه فهم و تصمیم‌گیری	کوتاه‌مدت تا بلندمدت
------------	------------------------------	-----------------------------	-----------------------------------	----------------------

یک نکته مهم:

نباید جنگ شناختی را کاملاً جدا از جنگ نرم یا عملیات روانی تصور کرد. در عمل، این حوزه‌ها می‌توانند هم‌افزا باشند.

برای مثال، یک فرایند بلندمدت فرهنگی ممکن است نگرش خاصی ایجاد کند؛ سپس یک عملیات رسانه‌ای با تحریک احساسات، همان نگرش را در یک موقعیت مشخص فعال کند و در نهایت بر تصمیم فرد اثر بگذارد.

۳. چرا ذهن و ادراک به میدان مهمی تبدیل شده است؟

انسان بر اساس برداشتی که از واقعیت دارد تصمیم می‌گیرد، نه صرفاً بر اساس خود واقعیت.

به زبان ساده:

واقعیت ← اطلاعات دریافتی ← تفسیر و ادراک ← ارزیابی ← تصمیم ← رفتار

از این رو، اگر بتوان بر نحوه دریافت و تفسیر اطلاعات اثر گذاشت، احتمال اثرگذاری بر تصمیم و رفتار نیز افزایش می‌یابد.

فضای رسانه‌ای و دیجیتال این مسئله را پیچیده‌تر کرده است؛ زیرا مخاطب روزانه با حجم بسیار زیادی از خبر، تصویر، ویدئو، نظر، تحلیل و محتوای تولیدشده توسط کاربران مواجه است.

در چنین محیطی، فرد ممکن است با مسئله‌هایی مانند موارد زیر روبه‌رو شود:

- اطلاعات ناقص؛
- خبر جعلی؛
- تیتراژ همراه‌کننده؛
- تصویر یا ویدئوی خارج از زمینه؛
- انتخاب گزینشی داده‌ها؛
- تکرار یک ادعا؛
- تحریک احساسات؛
- ایجاد دوگانه‌های کاذب؛

- استفاده از حساب‌های جعلی یا هماهنگ؛
- الگوریتم‌هایی که محتوای مشابه را بیشتر به کاربر نشان می‌دهند.

بنابراین، سواد رسانه‌ای و تفکر نقادانه، بخشی از دفاع شناختی جامعه محسوب می‌شود.

۴. مبانی اثرگذاری شناختی

جنگ شناختی از شناخت سازوکارهای ذهن انسان بهره می‌گیرد. برخی از حوزه‌های علمی که برای فهم این فرایند اهمیت دارند عبارت‌اند از:

حوزه	موضوع مرتبط
علوم شناختی	توجه، ادراک، حافظه، یادگیری و تصمیم‌گیری
روان‌شناسی	هیجان، انگیزه، نگرش و رفتار
جامعه‌شناسی	رفتار جمعی، اعتماد اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی
مطالعات ارتباطات	رسانه، پیام، مخاطب و شکل‌گیری افکار عمومی
مطالعات فرهنگی	ارزش‌ها، هنجارها و هویت
علوم داده و فناوری	الگوریتم‌ها، شبکه‌ها و انتشار اطلاعات

نکته مهم این است که استفاده از این دانش‌ها لزوماً به معنای «جنگ» نیست؛ بسیاری از همین دانش‌ها در آموزش، تبلیغات تجاری، سلامت عمومی، ارتباطات و سیاست‌گذاری نیز استفاده می‌شوند. آنچه یک فرایند را به تقابل شناختی نزدیک می‌کند، هدف، سازمان‌یافتگی و نحوه استفاده از این ابزارها برای اثرگذاری بر ادراک و تصمیم است.

۵. جنگ شناختی چگونه عمل می‌کند؟

یکی از مهم‌ترین مدل‌های تحلیلی این درس، زنجیره زیر است:

اطلاعات و روایت



ادراک



احساس



محاسبه و ارزیابی



تصمیم



رفتار

بازگشت

این زنجیره به این معنا نیست که همیشه همه مراحل به یک شکل و با ترتیب کاملاً ثابت رخ می‌دهند؛ بلکه یک مدل آموزشی برای فهم مسیر احتمالی اثرگذاری است.

مرحله اول: اطلاعات و روایت

مخاطب با یک خبر، تصویر، ویدئو، تحلیل یا روایت مواجه می‌شود.

در این مرحله، عواملی مانند انتخاب موضوع، منبع، تیترو، تصویر، ترتیب ارائه مطالب و میزان تکرار اهمیت دارند.

مرحله دوم: ادراک

مخاطب بر اساس اطلاعات دریافته، تفسیری از واقعیت شکل می‌دهد.

دو نفر ممکن است یک رویداد واحد را ببینند، اما به دلیل تفاوت در اطلاعات، تجربه، پیش‌فرض‌ها و منابع خبری، برداشت‌های متفاوتی داشته باشند.

مرحله سوم: احساس

ادراک می‌تواند احساساتی مانند:

- ترس؛
- خشم؛
- امید؛

- ناامیدی؛
- اعتماد؛
- بی‌اعتمادی؛
- احساس تهدید؛ یجاد یا تقویت کند.

مرحله چهارم: محاسبه و ارزیابی

فرد بر اساس اطلاعات و احساسات خود، وضعیت را ارزیابی می‌کند:

«چه اتفاقی افتاده است؟»

«چه چیزی به نفع من است؟»

«چه اقدامی فایده یا هزینه بیشتری دارد؟»

مرحله پنجم: تصمیم

فرد از میان گزینه‌های مختلف، یک مسیر را انتخاب می‌کند.

مرحله ششم: رفتار

تصمیم در عمل آشکار می‌شود؛ برای مثال:

- مشارکت یا عدم مشارکت؛
- پذیرش یا رد یک ادعا؛
- بازنشر یا عدم بازنشر محتوا؛
- اعتماد یا بی‌اعتمادی؛
- اقدام یا انفعال.

نکته کلیدی:

رفتار معمولاً آخرین حلقه زنجیره است.

به همین دلیل، اگر هدف افزایش مصونیت شناختی باشد، نباید فقط هنگام مشاهده رفتار نادرست واکنش نشان داد؛ بلکه باید در مراحل اولیه، یعنی دریافت اطلاعات، ارزیابی منبع و شکل‌گیری ادراک نیز مداخله کرد.

۶. تکنیک‌های رایج اثرگذاری شناختی

برای افزایش قدرت تحلیل، مخاطب باید با برخی روش‌های رایج اثرگذاری آشنا باشد:

۱. قاب‌بندی

یک واقعیت واحد می‌تواند با چارچوب‌های متفاوت ارائه شود و هر چارچوب بر برداشت مخاطب اثر بگذارد.

۲. برجسته‌سازی

برخی عناصر یک رویداد بیش از سایر عناصر دیده و تکرار می‌شوند.

۳. حذف زمینه

اطلاعات درست ممکن است بدون زمینه لازم ارائه شود و در نتیجه برداشت نادرستی ایجاد کند.

۴. تکرار

تکرار یک گزاره می‌تواند باعث افزایش آشنایی مخاطب با آن شود؛ اما آشنا بودن یک ادعا، به معنای درست بودن آن نیست.

۵. تحریک عاطفی

محتوا می‌تواند با تحریک ترس، خشم، نفرت یا هیجان، فرصت تحلیل آرام را کاهش دهد.

۶. دوگانه‌سازی کاذب

یک مسئله پیچیده ممکن است به دو گزینه محدود شود؛ در حالی که در واقعیت، گزینه‌های بیشتری وجود دارد.

۷. استفاده از منبع یا چهره ظاهراً معتبر

گاهی یک ادعا با نسبت دادن آن به فرد یا نهادی معتبر، بدون بررسی اصل منبع، قابل اعتماد جلوه داده می‌شود.

۸. انتشار اطلاعات نادرست یا گمراه‌کننده

اطلاعات نادرست می‌تواند مستقیماً واقعیت را تحریف کند؛ اما حتی اطلاعات درست نیز اگر ناقص، خارج از زمینه یا گزینشی ارائه شود، می‌تواند برداشت گمراه‌کننده ایجاد کند.

۷. هدف نهایی اثرگذاری شناختی چیست؟

هدف نهایی لزوماً تغییر یک عقیده مشخص نیست؛ بلکه می‌تواند اثرگذاری بر شیوه ادراک، قضاوت، محاسبه و تصمیم‌گیری باشد.

در یک مدل ساده، می‌توان این تغییرات را چنین نشان داد:

وضعیت مطلوب برای فرد یا جامعه	پیامد اثرگذاری مخرب
تحلیل	واکنش عجولانه
امید واقع‌بینانه	ناامیدی
اعتماد مبتنی بر شواهد	بی‌اعتمادی بی‌دلیل
گفت‌وگو	قطبی‌شدن
تصمیم مستقل	تصمیم تحت تأثیر فشار اطلاعاتی
بررسی منبع	پذیرش سریع
ارزیابی چندجانبه	قضاوت تک‌بعدی

نکته مهم آن است که هدف تحلیل رسانه‌ای، بی‌اعتمادشدن به همه منابع نیست؛ بلکه افزایش اعتمادِ سنجیده و مبتنی بر شواهد است.

۸. چرا جنگ شناختی می‌تواند اثرگذار باشد؟

جنگ شناختی و عملیات اثرگذاری اطلاعاتی، در صورت سازمان‌یافتگی و استفاده گسترده از فناوری، می‌توانند ویژگی‌هایی داشته باشند که مقابله با آنها را دشوار می‌کند:

- مرز جغرافیایی مشخصی ندارند؛
- سرعت انتشار پیام بسیار بالاست؛
- یک محتوا می‌تواند به سرعت بازنشر شود؛
- محتوای عاطفی معمولاً توجه بیشتری جلب می‌کند؛
- تشخیص منبع اصلی بعضی محتواها دشوار است؛
- فناوری و الگوریتم می‌توانند دامنه انتشار را افزایش دهند؛
- مخاطب ممکن است از تأثیرگذاری بر خود آگاه نباشد.

با این حال، نباید هر محتوای مخالف، خبر ناخوشایند یا تحلیل متفاوت را «جنگ شناختی» تلقی کرد.

معیار مهم:

نقد، اختلاف نظر و خبر نادرست یکی نیستند و هیچ کدام لزوماً جنگ شناختی محسوب نمی شوند.

تحلیل دقیق نیازمند بررسی منبع، شواهد، هدف، الگوی انتشار، زمینه و میزان سازمان یافتگی است.

۹. مصونیت شناختی چگونه ایجاد می شود؟

مصونیت شناختی به معنای مصونیت مطلق از خطا نیست؛ بلکه به معنای افزایش توان فرد و جامعه برای تشخیص، ارزیابی و مدیریت اثرات اطلاعاتی و شناختی است.

برای تقویت این توانایی می توان از چند اصل ساده استفاده کرد:

اصل اول: مکث کن

هر محتوای هیجان انگیزی را فوراً بازنشر یا باور نکن.

اصل دوم: منبع را بررسی کن

چه کسی این مطلب را منتشر کرده است؟ منبع اصلی چیست؟

اصل سوم: تیتراژ را با متن مقایسه کن

آیا محتوای اصلی همان چیزی را می گوید که تیتراژ القا می کند؟

اصل چهارم: منبع دوم پیدا کن

آیا منابع مستقل و معتبر نیز همین ادعا را تأیید می کنند؟

اصل پنجم: تاریخ و زمینه را بررسی کن

ممکن است یک تصویر یا خبر واقعی باشد، اما مربوط به زمان یا مکان دیگری باشد.

اصل ششم: احساس خود را بشناس

اگر یک محتوا در لحظه احساس بسیار شدید ایجاد کرد، بهتر است پیش از تصمیم‌گیری مکث بیشتری داشته باشیم.

اصل هفتم: میان واقعیت و تفسیر تفاوت بگذار

«چه اتفاقی افتاده؟» با «این اتفاق چه معنایی دارد؟» دو پرسش متفاوت‌اند.

اصل هشتم: احتمال خطای خود را بپذیر

تفکر نقادانه فقط نقد دیگران نیست؛ توانایی بازبینی قضاوت خود نیز هست.

۱۰. یک الگوی عملی برای راستی‌آزمایی

پیش از پذیرفتن یا بازنشر یک ادعا، این شش پرسش را مطرح کنیم:

چه کسی؟

منبع اصلی کیست؟

چه می‌گوید؟

ادعای دقیق چیست؟

بر چه اساسی؟

شواهد ادعا چیست؟

چه زمانی؟

محتوا مربوط به چه زمان و شرایطی است؟

منابع دیگر چه می‌گویند؟

آیا منابع مستقل آن را تأیید می‌کنند؟

چه احساسی در من ایجاد می‌کند؟

آیا احساس شدید باعث شده پیش از بررسی، قضاوت کنم؟

فرمول ساده

مکث ← منبع ← شواهد ← زمینه ← مقایسه ← تصمیم

۱۱. یک مثال آموزشی

فرض کنیم در شبکه اجتماعی ویدئویی منتشر می‌شود و همراه آن نوشته شده است:

«این ویدئو نشان می‌دهد که وضعیت کشور کاملاً بحرانی شده است.»

برای تحلیل شناختی نباید بلافاصله نتیجه بگیریم.

ابتدا باید بپرسیم:

۱. ویدئو واقعاً مربوط به چه زمانی و مکانی است؟
۲. آیا ویدئو کامل است یا بخشی از آن جدا شده؟
۳. چه کسی آن را منتشر کرده؟
۴. آیا رسانه‌ها و منابع مستقل نیز همین موضوع را تأیید کرده‌اند؟
۵. آیا متن همراه ویدئو واقعیت را گزارش می‌کند یا تفسیر شخصی ارائه می‌دهد؟
۶. چه احساسی در مخاطب ایجاد می‌شود؟
۷. آیا این احساس ممکن است بر قضاوت او اثر بگذارد؟

این مثال نشان می‌دهد که مصونیت شناختی به معنای رد کردن محتوا نیست؛ به معنای بررسی آن پیش از پذیرش است.

۱۲. نقشه مفهومی درس

مسیر احتمالی اثرگذاری

اطلاعات و روایت



توجه و دریافت



ادراک و تفسیر



احساس



محاسبه و ارزیابی



تصمیم

↓
رفتار

مسیر مصونیت شناختی

مکث

↓

بررسی منبع

↓

راستی آزمایی

↓

بررسی زمینه

↓

مقایسه منابع

↓

تحلیل نقادانه

↓

تصمیم آگاهانه

فعالیت‌های یادگیری

فعالیت ۱: تحلیل یک محتوای رسانه‌ای

یک خبر، تصویر، ویدئو یا پست شبکه اجتماعی را انتخاب کنید و مراحل زیر را در آن بررسی کنید:

اطلاعات ← ادراک ← احساس ← محاسبه ← تصمیم ← رفتار

توجه کنید که کدام مرحله بیشترین اثر را بر برداشت شما داشته است.

فعالیت ۲: مقایسه دو روایت

یک رویداد واحد را در دو رسانه یا دو منبع مختلف بررسی کنید.

- چه اطلاعاتی در هر دو مشترک است؟
- چه اطلاعاتی برجسته یا حذف شده است؟
- تیترها چه تفاوتی دارند؟
- آیا قاب‌بندی متفاوت، برداشت متفاوتی ایجاد می‌کند؟

فعالیت ۳: تشخیص خطای رسانه‌ای

یک نمونه از موارد زیر پیدا کنید:

- تیتراژ همراه کننده؛
- تصویر خارج از زمینه؛
- دوگانه‌سازی کاذب؛
- استناد بدون منبع؛
- تکرار یک ادعا بدون ارائه شواهد.

سپس توضیح دهید چگونه می‌توان آن را راستی‌آزمایی کرد.

فعالیت ۴: تمرین «مکت شناختی»

در طول یک هفته، هرگاه محتوایی احساس شدید در شما ایجاد کرد، پیش از بازنشر یا قضاوت، سه پرسش مطرح کنید:

۱. منبع چیست؟
۲. شواهد چیست؟
۳. آیا منابع مستقل دیگری آن را تأیید می‌کنند؟

نتیجه را در کلاس به بحث بگذارید.

خودارزیابی

- (۱) جنگ شناختی چیست و چه تفاوتی با جنگ سخت دارد؟
- (۲) تفاوت جنگ نرم و جنگ شناختی در چیست؟
- (۳) چرا اطلاعات به‌تنهایی تعیین‌کننده رفتار انسان نیست و «ادراک» نقش واسطه‌ای دارد؟
- (۴) زنجیره اطلاعات ← ادراک ← احساس ← محاسبه ← تصمیم ← رفتار را با یک مثال توضیح دهید.
- (۵) قاب‌بندی و برجسته‌سازی چگونه می‌توانند بر برداشت مخاطب اثر بگذارند؟
- (۶) چرا نباید هر خبر مخالف یا هر تحلیل متفاوت را جنگ شناختی تلقی کرد؟
- (۷) چرا بررسی منبع و زمینه پیش از بازنشر یک محتوا اهمیت دارد؟
- (۸) مصونیت شناختی چه تفاوتی با بی‌اعتمادی به رسانه‌ها دارد؟
- (۹) چرا احساسات شدید می‌توانند ضرورت بررسی اطلاعات را افزایش دهند؟
- (۱۰) سه راهکار عملی برای افزایش قدرت تحلیل رسانه‌ای خود بیان کنید.

جمع‌بندی درس:

جنگ شناختی، نوعی تقابل برای اثرگذاری بر فرایندهای شناختی انسان، از جمله توجه، ادراک، قضاوت، محاسبه، تصمیم و رفتار است. در این فرایند، هدف فقط انتقال اطلاعات نیست؛ بلکه نحوه دیده‌شدن و تفسیر واقعیت نیز اهمیت پیدا می‌کند.

مدل آموزشی این درس، مسیر اثرگذاری را در قالب زنجیره:

اطلاعات و روایت ← ادراک ← احساس ← محاسبه ← تصمیم ← رفتار توضیح می‌دهد.

از این‌رو، مقابله با اثرگذاری شناختی صرفاً با پاسخ‌دادن به رفتار نهایی امکان‌پذیر نیست؛ بلکه باید از مراحل اولیه، یعنی برر سی اطلاعات، شناخت منبع، ارزیابی شواهد، توجه به زمینه و تفکیک واقعیت از تفسیر آغاز شود.

مصونیت شناختی به معنای رد همه رسانه‌ها یا بی‌اعتمادی به همه اخبار نیست؛ بلکه به معنای اعتماد سنجیده، تفکر نقادانه، راستی‌آزمایی و توانایی تصمیم‌گیری مستقل بر اساس شواهد است.

پیام‌های کلیدی:

- ✚ جنگ شناختی بر ذهن، ادراک، قضاوت و تصمیم انسان تمرکز دارد.
- ✚ اطلاعات به‌تنهایی رفتار را تعیین نمی‌کند؛ ادراک و تفسیر فرد نقش واسطه‌ای مهم دارند.
- ✚ زنجیره اثرگذاری را می‌توان به‌صورت اطلاعات ← ادراک ← احساس ← محاسبه ← تصمیم ← رفتار توضیح داد.
- ✚ جنگ شناختی، جنگ نرم و عملیات روانی مفاهیمی متفاوت اما در برخی موارد هم‌افزا هستند.
- ✚ قاب‌بندی، برجسته‌سازی، حذف زمینه، تکرار و تحریک عاطفی از شیوه‌های مهم اثرگذاری بر برداشت مخاطب‌اند.
- ✚ هر محتوای مخالف یا هر خبر نادرست را نباید بدون بررسی «جنگ شناختی» نامید.
- ✚ مصونیت شناختی با مکث، بررسی منبع، راستی‌آزمایی، مقایسه منابع و تفکر نقادانه تقویت می‌شود.
- ✚ هدف از سواد رسانه‌ای، بی‌اعتمادی به همه منابع نیست؛ بلکه اعتماد آگاهانه و مبتنی بر شواهد است.

برای امروز

هر فرد در فضای رسانه‌ای امروز، همواره در معرض حجم زیادی از اطلاعات و روایت‌ها قرار دارد. بنابراین، یکی از مهم‌ترین مهارت‌های زندگی معاصر، توانایی تشخیص واقعیت از تفسیر، خبر از نظر، داده از ادعا و منبع معتبر از منبع نامعتبر است.

در چنین فضایی، فرد آگاه کسی نیست که هیچ پیامی را نپذیرد؛ بلکه کسی است که پیش از باور، بررسی می‌کند؛ پیش از قضاوت، زمینه را می‌بیند؛ و پیش از بازنشر، منبع و شواهد را می‌سنجد.

مصونیت شناختی از همین رفتارهای ساده آغاز می‌شود.

ارتباط با درس بعد

شناخت سازوکار جنگ شناختی، این پرسش را به وجود می‌آورد که فرد و جامعه چگونه می‌توانند در برابر اثرگذاری‌های شناختی، تاب‌آوری خود را افزایش دهند؟

درس دوازدهم می‌تواند از همین نقطه آغاز شود و به‌صورت عملی به موضوعاتی مانند سواد رسانه‌ای، راستی‌آزمایی، تفکر نقادانه، مدیریت هیجان، تاب‌آوری اجتماعی و راه‌های تقویت مصونیت شناختی بپردازد.

درس دوازدهم) عملیات روانی و مدیریت ادراک

مهندسی افکار عمومی در میدان جنگ شناختی

ارتباط با درس قبل

درس یازدهم نشان داد که جنگ شناختی، با هدف اثرگذاری بر ذهن و ادراک انسان، از زنجیره‌ای به هم پیوسته شامل «اطلاعات و روایت ← ادراک ← احساس ← محاسبه ← تصمیم ← رفتار» بهره می‌گیرد.

درس دوازدهم یک گام جلوتر می‌رود و می‌پرسد: این اثرگذاری چگونه در عمل انجام می‌شود و عملیات روانی و مدیریت ادراک چگونه می‌توانند بر افکار عمومی، قضاوت‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی اثر بگذارند؟

سؤال محوری:

اگر جنگ شناختی ذهن و ادراک انسان را هدف قرار می‌دهد، این هدف چگونه محقق می‌شود و عملیات روانی و مدیریت ادراک چگونه افکار عمومی را جهت‌دهی می‌کنند؟

اهداف درس:

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. مفهوم افکار عمومی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن را توضیح دهد.
۲. تفاوت «عملیات روانی» و «مدیریت ادراک» را بیان کند.
۳. مهم‌ترین روش‌های عملیات روانی و مدیریت ادراک را با مثال توضیح دهد.
۴. هدف‌های اصلی مهندسی افکار عمومی را تبیین کند.
۵. رابطه میان روایت، احساس، قضاوت و رفتار اجتماعی را تحلیل کند.
۶. راهکارهای عملی افزایش مصونیت شناختی را در زندگی روزمره به کار گیرد.

۱. افکار عمومی چیست؟

افکار عمومی مجموعه‌ای از برداشت‌ها، قضاوت‌ها، احساسات و باورهایی است که بخش قابل توجهی از افراد جامعه درباره یک موضوع، رویداد یا مسئله پیدا می‌کنند.

افکار عمومی صرفاً محصول دریافت اطلاعات نیست؛ بلکه از ترکیب عوامل مختلفی شکل می‌گیرد، از جمله:

- اطلاعات و اخبار؛
- تجربه‌های فردی و اجتماعی؛
- فرهنگ و ارزش‌ها؛
- باورها و پیش‌فرض‌ها؛
- احساسات و هیجانات؛
- گفت‌وگوهای اجتماعی؛
- روایت‌هایی که از سوی رسانه‌ها و شبکه‌های ارتباطی ارائه می‌شوند.

بنابراین، دو نفر ممکن است با یک رویداد یکسان مواجه شوند، اما به دلیل تفاوت در اطلاعات، تجربه، پیش‌فرض‌ها و روایت‌هایی که دریافت کرده‌اند، برداشت‌های متفاوتی از آن داشته باشند.

اصل کلیدی:

در میدان جنگ شناختی، نحوه ادراک و تفسیر یک واقعیت می‌تواند بر تصمیم و رفتار انسان اثر تعیین‌کننده داشته باشد.

از این رو، رقابت تنها بر سر «اطلاعات» نیست؛ بلکه بر سر نحوه ارائه، تفسیر و معنادهی به اطلاعات نیز هست.

۲. عملیات روانی و مدیریت ادراک چیست؟

عملیات روانی و مدیریت ادراک به یک معنا نیستند، هرچند در بسیاری از موقعیت‌ها در کنار یکدیگر عمل می‌کنند.

مفهوم	تعریف	هدف اصلی	شیوه اثرگذاری
عملیات روانی	مجموعه اقدامات برنامه‌ریزی‌شده برای اثرگذاری بر احساسات، نگرش‌ها و رفتار مخاطب	تغییر احساس، انگیزه و آمادگی رفتاری	ایجاد یا تشدید ترس، امید، خشم، ناامیدی یا بی‌اعتمادی
مدیریت ادراک	جهت‌دهی به برداشت مخاطب از یک رویداد یا واقعیت	تغییر تفسیر و قضاوت	گزینش، برجسته‌سازی، چارچوب‌بندی و ترتیب‌دهی اطلاعات

یک تمایز مهم:

مدیریت ادراک لزوماً به معنای دروغ‌گویی مستقیم نیست. ممکن است اطلاعات واقعی باشند، اما:

- تنها بخشی از واقعیت برجسته شود؛
- بخشی دیگر کمتر دیده شود؛
- ترتیب ارائه اطلاعات تغییر کند؛
- یک رویداد در چارچوب خاصی تفسیر شود؛
- یا یک مسئله با بار عاطفی خاصی به مخاطب ارائه شود.

در این حالت، مخاطب ممکن است بر اساس تصویری ناقص یا جهت‌دار از واقعیت، قضاوت و تصمیم‌گیری کند.

مثال ساده

فرض کنید درباره یک رویداد، ده واقعیت قابل توجه وجود داشته باشد، اما رسانه فقط دو مورد منفی را به‌صورت مداوم برجسته کند. ممکن است مخاطب بدون دریافت هیچ «دروغ آشکاری»، تصویری بسیار متفاوت از کل واقعیت پیدا کند.

۳. افکار عمومی چگونه شکل می‌گیرد؟

شکل‌گیری افکار عمومی را می‌توان در یک فرایند پیوسته مشاهده کرد:

رویداد ← انتشار اطلاعات و روایت ← تحلیل و تفسیر ← واکنش احساسی ← گفت‌وگوی اجتماعی ← قضاوت عمومی ← رفتار اجتماعی

هر مرحله می‌تواند بر مرحله بعدی اثر بگذارد.

برای مثال، اگر یک رویداد ابتدا با روایتی خاص منتشر شود، همان روایت می‌تواند بر احساس مخاطب اثر بگذارد. احساس ایجاد شده نیز ممکن است نحوه ارزیابی اطلاعات بعدی را تغییر دهد و در نهایت به قضاوت یا رفتار اجتماعی خاصی منجر شود.

نکته کلیدی:

در فضای رسانه‌ای، **روایت نخست** اهمیت زیادی دارد؛ زیرا می‌تواند چارچوب اولیه‌ای ایجاد کند که اطلاعات بعدی درون آن تفسیر شوند.

البته روایت نخست الزاماً روایت درست یا کامل نیست. بنابراین، یکی از مهارت‌های مهم مخاطب، توانایی توقف، بررسی و راستی‌آزمایی پیش از پذیرش روایت اولیه است.

۴. روش‌های عملیات روانی و مدیریت ادراک

روش‌های اثرگذاری بر افکار عمومی متنوع‌اند و معمولاً به‌صورت ترکیبی به کار گرفته می‌شوند.

روش	کارکرد	مثال کاربردی
روایت‌سازی	ارائه تفسیر خاص از یک رویداد	پوشش یک رویداد از یک زاویه و نادیده گرفتن زوایای دیگر
برجسته‌سازی	پررنگ کردن برخی موضوعات و کم‌رنگ کردن موضوعات دیگر	تکرار مداوم یک خبر منفی و کاهش توجه به سایر ابعاد موضوع
چارچوب‌بندی	تعیین زاویه نگاه مخاطب به یک مسئله	توصیف یک اقدام واحد با واژه‌هایی متفاوت و ایجاد برداشت‌های متفاوت
تکرار هدفمند	تثبیت یک پیام از طریق تکرار مداوم	تکرار یک ادعا تا آشنا و پذیرفتنی به نظر برسد
شایعه‌سازی	ایجاد ابهام، تردید و بی‌اعتمادی	انتشار اطلاعات تأییدنشده در شبکه‌های اجتماعی
القای ناامیدی	کاهش امید و احساس توانمندی اجتماعی	تأکید مداوم بر شکست‌ها و بی‌نتیجه‌بودن تلاش‌ها
دوگانه‌سازی کاذب	محدود کردن انتخاب‌ها به دو گزینه غیرواقعی	«یا این گزینه را بپذیر یا با پیامد فاجعه‌بار روبه‌رو شو»
بهره‌گیری از هیجان	کاهش فرصت تحلیل عقلانی و ایجاد واکنش فوری	استفاده از تصاویر یا عبارات تکان‌دهنده برای تحریک خشم یا ترس

نکته مهم:

هیچ‌یک از این روش‌ها الزاماً به‌تنهایی عمل نمی‌کنند. ممکن است یک پیام هم‌زمان:

برجسته‌سازی + تکرار + چارچوب‌بندی + تحریک هیجان را به کار گیرد.

۵. برجسته‌سازی با دروغ‌پردازی چه تفاوتی دارد؟

این دو مفهوم نباید با یکدیگر یکسان گرفته شوند.

دروغ‌پردازی یعنی ارائه یک ادعای خلاف واقع به‌عنوان واقعیت.

اما برجسته‌سازی می‌تواند حتی با استفاده از اطلاعات درست اتفاق بیفتد؛ یعنی یک بخش از واقعیت آن‌قدر تکرار و برجسته شود که سایر بخش‌ها به حاشیه بروند.

بنابراین، برای تحلیل یک پیام رسانه‌ای نباید فقط پرسید: «آیا این جمله درست است؟»

بلکه باید پرسید:

- چه اطلاعاتی ارائه شده است؟
- چه اطلاعاتی ارائه نشده است؟
- چرا این بخش برجسته شده است؟
- چه چارچوبی برای تفسیر موضوع انتخاب شده است؟
- آیا تصویر ارائه‌شده، همه واقعیت را نشان می‌دهد یا تنها بخشی از آن را؟

این نوع پرسش‌ها به تقویت تفکر نقادانه کمک می‌کند.

۶. هدف‌های اصلی مهندسی افکار عمومی

هدف اثرگذاری شناختی صرفاً این نیست که یک فرد، یک خبر یا یک نظر خاص را بپذیرد. در سطح گسترده‌تر، تلاش می‌شود در اولویت‌ها، معیارهای قضاوت، احساسات و رفتارهای اجتماعی تغییر ایجاد شود.

هدف	توضیح
تغییر اولویت‌های ذهنی	توجه جامعه از مسائل اصلی به موضوعات فرعی یا حاشیه‌ای منتقل شود
تغییر معیارهای قضاوت	ملاک ارزیابی درست و نادرست یا موفقیت و شکست تغییر کند
کاهش اعتماد عمومی	اعتماد افراد به نهادها، گروه‌ها یا حتی یکدیگر کاهش یابد
کاهش امید اجتماعی	این تصور ایجاد شود که اصلاح یا تغییر ممکن نیست
تضعیف انسجام اجتماعی	اختلاف‌ها و شکاف‌های اجتماعی تشدید شوند
تغییر محاسبات	ارزیابی افراد از هزینه، فایده، امکان و پیامد تصمیم‌ها تغییر کند

هدایت رفتار جمعی	رفتار افراد و گروه‌ها در مسیری خاص قرار گیرد، بدون آنکه الزام مستقیم وجود داشته باشد
------------------	--

زنجیره اثرگذاری

روایت و اطلاعات



ادراک



احساس



محاسبه و قضاوت



تصمیم



رفتار فردی و اجتماعی

بازگشت

بنابراین، تغییر رفتار معمولاً آخرین حلقه فرایند است؛ پیش از آن، لایه‌های ادراکی، عاطفی و محاسباتی تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

۷. چرا هیجان در عملیات روانی اهمیت دارد؟

هیجان بخش طبیعی تصمیم‌گیری انسان است؛ اما هیجان شدید و ناگهانی می‌تواند فرصت بررسی و تحلیل را کاهش دهد.

احساساتی مانند:

- ترس؛
- خشم؛
- ناامیدی؛
- اضطراب؛
- هیجان شدید؛
- بی‌اعتمادی؛

ممکن است باعث شوند فرد پیش از بررسی کامل اطلاعات، واکنش نشان دهد.

به همین دلیل، یکی از اصول مهم در مواجهه با پیام‌های حساس این است:

هر چه یک پیام بیشتر تلاش کند مخاطب را به واکنش فوری وادار کند، ضرورت بررسی و راستی‌آزمایی آن بیشتر است.

این اصل به معنای نادیده گرفتن احساسات نیست؛ بلکه به معنای ایجاد فاصله‌ای کوتاه میان دریافت پیام و تصمیم‌گیری است.

۸. چگونه در برابر عملیات روانی مصون بمانیم؟

مصونیت شناختی به معنای بی‌اثر شدن کامل پیام‌های رسانه‌ای نیست؛ بلکه به معنای افزایش توانایی فرد برای تشخیص، بررسی، تحلیل و تصمیم‌گیری آگاهانه است.

راهکار	اقدام عملی
راستی‌آزمایی	پیش از پذیرش یا بازنشر، منبع و صحت ادعا را بررسی کنید
استفاده از منابع متنوع	یک موضوع مهم را از چند منبع و زاویه مختلف بررسی کنید
پرهیز از قضاوت شتاب‌زده	در شرایط هیجانی، تصمیم فوری نگیرید
تفکیک خبر از تحلیل	میان «چه اتفاقی افتاده؟» و «این اتفاق چه معنایی دارد؟» تفاوت بگذارید
توجه به زمینه	یک جمله یا تصویر را جدا از زمینه کامل آن قضاوت نکنید
بررسی منبع	ببینید پیام از چه منبعی، با چه سابقه‌ای و با چه هدفی منتشر شده است
تشخیص هیجان	بررسی کنید پیام چه احساسی در شما ایجاد می‌کند و آیا همین احساس ممکن است بر قضاوت شما اثر بگذارد
تفکر نقادانه	پرسید: چه چیزی گفته شده؟ چه چیزی حذف شده؟ چه فرضی در پس این روایت وجود دارد؟
مسئولیت در بازنشر	محتوایی را که صحت آن روشن نیست، بدون بررسی منتشر نکنید

قاعده کاربردی سه مرحله‌ای:

پیش از بازنشر یک محتوای حساس: توقف ← بررسی ← تصمیم

یعنی:

۱. توقف: بلافاصله واکنش نشان نده.
۲. بررسی: منبع، تاریخ، زمینه و شواهد را بررسی کن.
۳. تصمیم: سپس درباره پذیرش، رد یا بازنشر محتوا تصمیم بگیر.

۹. یک الگوی ساده برای تحلیل پیام رسانه‌ای

برای اینکه مخاطب بتواند در زندگی روزمره یک پیام را تحلیل کند، می‌توان از این پرسش‌ها استفاده کرد:

پنج پرسش طلایی

۱. چه کسی این پیام را منتشر کرده است؟
۲. چه چیزی گفته شده و چه چیزی گفته نشده است؟
۳. چگونه این موضوع چارچوب‌بندی و روایت شده است؟
۴. چه احساسی تلاش می‌شود در من ایجاد شود؟
۵. چه رفتاری ممکن است این پیام از من بخواهد؟

این پرسش‌ها کمک می‌کنند فرد از یک «مصرف‌کننده منفعل محتوا» به یک مخاطب تحلیل‌گر و مسئول تبدیل شود.

۱۰. نقشه مفهومی درس

رویداد



اطلاعات و روایت



روایت‌سازی / برجسته‌سازی / چارچوب‌بندی / تکرار



ادراک



احساس



محاسبه و قضاوت



تصمیم



رفتار فردی و اجتماعی

نقطه مداخله آگاهانه

راستی آزمایی + تفکر نقادانه + کنترل هیجان + بررسی منابع

این مهارت‌ها می‌توانند پیش از تبدیل یک روایت به قضاوت و رفتار، امکان بازنگری و تصمیم‌گیری آگاهانه را افزایش دهند.

فعالیت یادگیری

فعالیت ۱: تحلیل یک پیام رسانه‌ای

یک خبر، تصویر، ویدئو یا پست رسانه‌ای را انتخاب کنید و مشخص کنید:

- چه روایتی ارائه شده است؟
- چه چیزی برجسته شده است؟
- چه چیزی کمتر دیده می‌شود؟
- از چه چارچوبی برای بیان موضوع استفاده شده است؟
- چه احساسی در مخاطب ایجاد می‌شود؟
- این پیام ممکن است چه نوع تصمیم یا رفتاری ایجاد کند؟

فعالیت ۲: برجسته‌سازی یا دروغ؟

تفاوت «برجسته‌سازی» و «دروغ‌پردازی» را با یک مثال توضیح دهید و نشان دهید چگونه ممکن است یک پیام، بدون بیان دروغ مستقیم، تصویری ناقص از واقعیت ایجاد کند.

فعالیت ۳: دوگانه‌سازی کاذب

یک نمونه از یک پیام یا موقعیت فرضی ارائه دهید که در آن مخاطب میان دو گزینه محدود و غیرواقعی قرار داده می‌شود. توضیح دهید چه گزینه‌های دیگری ممکن است وجود داشته باشد.

فعالیت ۴: تمرین پنج پرسش

یک محتوای منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی را انتخاب کنید و با استفاده از «پنج پرسش طلایی» آن را تحلیل کنید.

خودارزیابی

- ۱) افکار عمومی چگونه شکل می‌گیرد؟
- ۲) تفاوت اصلی «عملیات روانی» و «مدیریت ادراک» چیست؟
- ۳) چرا مدیریت ادراک لزوماً به معنای بیان دروغ نیست؟
- ۴) برجسته‌سازی چگونه می‌تواند بر برداشت مخاطب از یک رویداد اثر بگذارد؟
- ۵) چرا «روایت نخست» در شکل‌گیری برداشت اولیه اهمیت دارد؟
- ۶) هیجان چه نقشی در تصمیم‌گیری و عملیات روانی دارد؟
- ۷) چرا راستی‌آزمایی باید پیش از بازنشر اطلاعات انجام شود؟
- ۸) کدام مرحله از زنجیره «روایت ← ادراک ← احساس ← محاسبه ← تصمیم ← رفتار» برای شما نیازمند توجه بیشتری است؟ چرا؟

جمع‌بندی درس:

افکار عمومی تحت تأثیر مجموعه‌ای از اطلاعات، تجربه‌ها، باورها، احساسات و روایت‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. در میدان جنگ شناختی، تلاش برای اثرگذاری بر افکار عمومی می‌تواند از طریق عملیات روانی و مدیریت ادراک انجام شود.

عملیات روانی بیشتر بر احساسات، نگرش‌ها و انگیزه‌های مخاطب تمرکز دارد؛ در حالی که مدیریت ادراک بر نحوه برداشت و تفسیر مخاطب از واقعیت تأکید می‌کند. ابزارهایی مانند روایت‌سازی، برجسته‌سازی، چارچوب‌بندی، تکرار، شایعه، القای ناامیدی، دوگانه‌سازی کاذب و تحریک هیجانات می‌توانند در این فرایند به صورت ترکیبی به کار گرفته شوند.

هدف نهایی، صرفاً تغییر یک نظر نیست؛ بلکه می‌تواند تغییر ادراک، احساس، محاسبه، تصمیم و در نهایت رفتار فردی و اجتماعی باشد.

در برابر این فرایند، مصونیت شناختی به معنای قطع ارتباط با رسانه‌ها نیست؛ بلکه به معنای افزایش توانایی تشخیص، راستی‌آزمایی، تفکر نقادانه، کنترل هیجان و مسئولیت‌پذیری در دریافت و بازنشر اطلاعات است.

پیام‌های کلیدی:

- ✚ افکار عمومی از تعامل اطلاعات، روایت‌ها، تجربه‌ها، باورها و احساسات شکل می‌گیرد.
- ✚ عملیات روانی و مدیریت ادراک دو مفهوم مرتبط اما متمایزند.

- ✚ عملیات روانی بیشتر بر احساسات، نگرش‌ها و رفتار اثر می‌گذارد؛ مدیریت ادراک بر نحوه تفسیر و قضاوت درباره واقعیت تمرکز دارد.
- ✚ مدیریت ادراک لزوماً با دروغ همراه نیست و می‌تواند از طریق گزینش، برجسته‌سازی، حذف، تکرار و چارچوب‌بندی انجام شود.
- ✚ رقابت رسانه‌ای تنها بر سر انتشار اطلاعات نیست؛ بلکه بر سر نحوه روایت و معنادهی به اطلاعات نیز هست.
- ✚ تحریک هیجانات می‌تواند فرصت تحلیل و تصمیم‌گیری سنجیده را کاهش دهد.
- ✚ راستی‌آزمایی، استفاده از منابع متنوع، تفکر نقادانه و مسئولیت‌پذیری در بازنشر، از مهم‌ترین مؤلفه‌های مصونیت شناختی هستند.
- ✚ شناخت سازوکار عملیات روانی، به معنای بی‌اعتمادی به همه رسانه‌ها نیست؛ بلکه به معنای اعتماد سنجیده و مبتنی بر بررسی است.

برای امروز

امروزه هر فرد هم‌زمان دریافت‌کننده، تحلیل‌کننده، بازنشرکننده و گاهی تولیدکننده پیام است. به همین دلیل، مسئولیت مقابله با روایت‌های نادرست یا گمراه‌کننده تنها بر عهده رسانه‌ها و نهادهای رسمی نیست.

در مواجهه با یک خبر یا محتوای حساس، بهتر است پیش از واکنش از خود بپرسیم:

- آیا این خبر را از منبع اصلی دریافت کرده‌ام؟
- آیا اطلاعات دیگری برای بررسی آن وجود دارد؟
- آیا پیام تلاش می‌کند احساس خاصی در من ایجاد کند؟
- آیا میان خبر و تفسیر آن تفاوت گذاشته شده است؟
- آیا اطلاعات مهمی از زمینه رویداد حذف شده است؟
- آیا برای بازنشر این محتوا شواهد کافی دارم؟

در فضای رسانه‌ای، آرامش در لحظه بحران، برر سی پیش از بازنشر و توانایی تفکیک واقعیت از تفسیر از مهم‌ترین مهارت‌های شهروندی و عوامل افزایش تاب‌آوری شناختی و اجتماعی است.

ارتباط با درس بعد

درس دوازدهم نشان داد که جنگ شناختی برای اثرگذاری بر جامعه، تنها به تولید پیام اکتفا نمی‌کند؛ بلکه از سازوکارهایی مانند عملیات روانی، مدیریت ادراک، روایت‌سازی و تحریک هیجانات بهره می‌گیرد.

اکنون پرسش بعدی این است:

اگر ذهن و ادراک انسان یکی از میدان‌های اصلی تقابل است، چگونه می‌توان قدرت تحلیل، سواد رسانه‌ای، تاب‌آوری اجتماعی و مصونیت شناختی را در سطح فرد و جامعه تقویت کرد؟

درس سیزدهم) عرصه‌ها و سطوح مقاومت

از شناخت میدان تا مسئولیت‌پذیری و کنش مؤثر

جایگاه درس در زنجیره آموزشی

در درس‌های پیشین، مفهوم مقاومت، ضرورت آن، مبانی و زمینه‌های شکل‌گیری آن بررسی شد. اکنون پرسش اصلی این است:

مقاومت در کجا، در چه حوزه‌هایی و با چه مسئولیتی باید خود را نشان دهد؟

مقاومت زمانی از یک مفهوم ذهنی به یک واقعیت اجتماعی تبدیل می‌شود که فرد و جامعه بتوانند تهدید را بشناسند، سطح اثرگذاری خود را تشخیص دهند، عرصه مسئولیت خود را پیدا کنند و متناسب با آن اقدام کنند.

این درس مقدمه‌ای برای دو درس بعدی است:

درس	محور اصلی	پرسش محوری
۱۳	سطوح و عرصه‌های مقاومت	مقاومت کجا و در چه حوزه‌هایی معنا پیدا می‌کند؟
۱۴	تحقق مقاومت	چگونه مقاومت از باور و شناخت به قدرت و رفتار پایدار تبدیل می‌شود؟
۱۵	راهبری مقاومت	چگونه این حرکت هدایت، هماهنگ و راهبری می‌شود؟
۱۶	افق آینده مقاومت	این حرکت در نهایت به سوی چه آینده‌ای جهت می‌گیرد؟

سؤال محوری درس:

مقاومت در چه سطوح و عرصه‌هایی تحقق پیدا می‌کند و من در هر یک از این عرصه‌ها چه مسئولیتی دارم؟

اهداف یادگیری:

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. مفهوم مقاومت را از واکنش مقطعی به یک رویکرد آگاهانه و مسئولانه تفکیک کند.
۲. پنج سطح مقاومت را توضیح دهد.
۳. تفاوت «سطح مقاومت» و «عرصه مقاومت» را تشخیص دهد.
۴. عرصه‌های اصلی مقاومت نرم، نیمه‌سخت و سخت را توضیح دهد.
۵. برای هر عرصه، مسئله اصلی، اقدام مناسب و شاخص تحقق را بیان کند.
۶. جایگاه و مسئولیت خود را در عرصه‌های مختلف مقاومت شناسایی کند.
۷. یک مسئله واقعی محیط زندگی یا مأموریت خود را به یک اقدام قابل سنجش تبدیل کند.

۱. مقاومت چیست؟

مقاومت را نباید صرفاً به معنای ایستادگی نظامی یا واکنش در برابر حمله دانست. مقاومت، در معنای گسترده، **توان حفظ هویت، منافع، استقلال و اهداف اساسی در برابر فشار، تهدید، تحمیل و انحراف** و تلاش مسئولانه برای عبور از آن‌هاست.

بنابراین مقاومت سه ویژگی اساسی دارد:

ویژگی	توضیح
آگاهانه	بر شناخت مسئله، تهدید و شرایط استوار است.
مسئولانه	فرد یا مجموعه، متناسب با جایگاه خود وظیفه‌ای را می‌پذیرد.
هدفمند	برای حفظ ارزش‌ها، منافع و اهداف مشروع و دستیابی به نتیجه مطلوب انجام می‌شود.

نکته کلیدی

مقاومت الزاماً به معنای تقابل در همه شرایط نیست. گاهی مقاومت، ایستادگی است؛ گاهی پیشگیری؛ گاهی افزایش تاب‌آوری؛ گاهی اصلاح و حل مسئله و گاهی دفاع فعال.

پس: **مقاومت یعنی انتخاب آگاهانه بهترین اقدام برای حفظ و تقویت توان ایستادگی و پیشرفت در برابر فشار و تهدید.**

۲. سطوح مقاومت؛ مقاومت در چه مقیاسی رخ می‌دهد؟

مقاومت از انسان آغاز می‌شود، اما در انسان متوقف نمی‌ماند. می‌تواند از سطح فرد به خانواده، جامعه، سازمان و کشور گسترش یابد.

سطح	مسئله اصلی	نمونه مسئولیت
-----	------------	---------------

فرد	حفظ ایمان، هویت، سلامت فکری و توانمندی	خودسازی، یادگیری، مسئولیت‌پذیری و آمادگی
خانواده	حفظ انسجام و تربیت نسل توانمند	گفت‌وگو، تربیت، مدیریت رسانه و تقویت همدلی
جامعه	حفظ اعتماد، انسجام و سرمایه اجتماعی	مشارکت، خدمت، همکاری و مقابله با شایعه
سازمان	حفظ مأموریت، کارآمدی و آمادگی	نظم، آموزش، کار تیمی، نوآوری و انتقال تجربه
کشور	حفظ استقلال، امنیت، منافع و توان ملی	افزایش تاب‌آوری، قدرت ملی، پیشرفت و آمادگی دفاعی

اصل مهم

هیچ‌یک از این سطوح جدا از دیگری نیست.

فرد توانمند ← خانواده سالم ← جامعه منسجم ← سازمان کارآمد ← کشور تاب‌آور

و برعکس، آسیب در هر سطح می‌تواند بر سطوح دیگر اثر بگذارد.

۳. سطح و عرصه مقاومت چه تفاوتی دارند؟

این دو مفهوم باید از یکدیگر تفکیک شوند.

مفهوم	سؤال اصلی	مثال
سطح مقاومت	مقاومت در چه مقیاسی رخ می‌دهد؟	فرد، خانواده، جامعه، سازمان، کشور
عرصه مقاومت	مقاومت در چه حوزه‌ای باید تحقق پیدا کند؟	اعتقادی، شناختی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و...
لایه مقاومت	مواجهه با تهدید از چه جنس است؟	نرم، نیمه‌سخت، سخت

بنابراین ممکن است یک فرد، در سطح فردی، هم‌زمان در عرصه‌های اعتقادی، شناختی، فرهنگی و رسانه‌ای مسئولیت داشته باشد؛ در حالی که یک سازمان، همین عرصه‌ها را در سطحی گسترده‌تر دنبال می‌کند.

۴. عرصه‌های مقاومت؛ مقاومت در چه حوزه‌هایی تحقق می‌یابد؟

عرصه‌ها نشان می‌دهند مقاومت در چه حوزه‌ای باید به عمل تبدیل شود.

الگوی جامع عرصه‌های مقاومت

لایه	عرصه مقاومت	مسئله محوری	جهت‌گیری و اقدام مناسب	نشانه تحقق
نرم	اعتقادی و هویتی	حفظ ایمان، هویت و انگیزه	معرفت‌افزایی، عبادت، خودسازی، تقویت هویت و عمل صالح	ثبات اعتقادی و اخلاقی در شرایط فشار
نرم	شناختی	تشخیص واقعیت از تحریف و عملیات روانی	تفکر نقاد، مطالعه، تحلیل، راستی‌آزمایی و بصیرت‌افزایی	تصمیم‌گیری آگاهانه و کاهش اثرپذیری از تحریف
نرم	فرهنگی	حفظ و تقویت ارزش‌ها و سبک زندگی	آموزش، الگوسازی، تربیت و تولید فرهنگی مسئولانه	هویت‌مندی و پایداری فرهنگی
نرم	رسانه‌ای و روایی	مواجهه با شایعه و روایت‌های تحریف‌شده	سواد رسانه‌ای، تشخیص منبع، روایت‌گری مسئولانه و تولید محتوای صحیح	کاهش اثر شایعه و افزایش قدرت تشخیص
نیمه‌سخت	اجتماعی	حفظ انسجام و اعتماد عمومی	مشارکت، همدلی، خدمت‌رسانی و شبکه‌سازی	افزایش اعتماد و سرمایه اجتماعی
نیمه‌سخت	اقتصادی	کاهش آسیب‌پذیری و افزایش تاب‌آوری	بهره‌وری، مصرف مسئولانه، کار و تولید و کاهش وابستگی	افزایش تاب‌آوری اقتصادی
نیمه‌سخت	سازمانی و مدیریتی	حفظ کارآمدی و استمرار مأموریت	نظم، آموزش، آمادگی، مدیریت صحیح، نوآوری و کار تیمی	استمرار مأموریت و افزایش اثربخشی
سخت	امنیتی	پیشگیری از تهدید، نفوذ و آسیب	هوشیاری، رعایت ضوابط، حفاظت اطلاعات و گزارش‌دهی مسئولانه	کاهش آسیب‌پذیری امنیتی
سخت	دفاعی و نظامی	حفاظت از کشور و مقابله با تهدیدات مسلحانه	آمادگی دفاعی، آموزش، انضباط، بازدارندگی و اجرای مأموریت در چارچوب قانون	حفظ آمادگی و توان پاسخ مؤثر به تهدید

نکته آموزشی: این عرصه‌ها جدا از یکدیگر نیستند؛ بلکه یک شبکه به هم پیوسته تشکیل می‌دهند.

برای مثال:

ضعف اعتقادی و هویتی



کاهش انگیزه و پایداری



آسیب‌پذیری شناختی و فرهنگی



کاهش انسجام اجتماعی



کاهش تاب‌آوری سازمانی و اقتصادی



افزایش آسیب‌پذیری امنیتی و دفاعی

در مقابل، تقویت هر عرصه می‌تواند به تقویت عرصه‌های دیگر نیز کمک کند.

۵. عرصه اعتقادی و هویتی

مقاومت بدون پشتوانه هویتی و معنایی، در برابر فشارهای طولانی‌مدت آسیب‌پذیر می‌شود.

در این عرصه، مسئله اصلی این است: چه چیزی به انسان انگیزه می‌دهد که در شرایط دشوار، اصول و مسئولیت خود را رها نکند؟

اقدام‌های اصلی:

- معرفت‌افزایی؛
- ارتباط مستمر با قرآن و معارف دینی؛
- تقویت اخلاص و تقوا؛
- خودارزیابی اخلاقی؛
- تقویت هویت دینی، ملی و سازمانی؛
- تبدیل باور به رفتار.

شاخص: ثبات در باور، اخلاق و رفتار هنگام فشار و دشواری.

۶. عرصه شناختی

در بسیاری از موقعیت‌ها، نخستین میدان درگیری، ذهن و ادراک انسان است.

در این عرصه، فرد باید بتواند میان:

واقعیت ← خبر ← تحلیل ← شایعه ← روایت هدفمند تفاوت بگذارد.

هدف	اقدام
افزایش عمق شناخت	مطالعه مستمر
کاهش خطای ادراکی	مقایسه منابع
تشخیص خبر نادرست	راستی آزمایی
شناسایی مغالطه و تحریف	تفکر نقاد
فهم پشتوانه روایت‌ها	تحلیل زمینه و منافع
جلوگیری از تصمیم عجولانه	پرهیز از واکنش هیجانی

شاخص: توانایی تصمیم‌گیری آگاهانه در شرایط ابهام و فشار اطلاعاتی.

۷. عرصه فرهنگی و رسانه‌ای

فرهنگ، ارزش‌ها و سبک زندگی بر نوع انتخاب‌ها و رفتارهای جامعه اثر می‌گذارند. رسانه نیز یکی از مهم‌ترین ابزارهای شکل‌دهی به ادراک عمومی است.

بنابراین مقاومت فرهنگی و رسانه‌ای فقط به معنای مقابله با محتوای نامطلوب نیست؛ بلکه شامل **تولید، ترویج و تقویت محتوای درست و سازنده** نیز می‌شود.

مسئولیت	حوزه
مدیریت مصرف رسانه‌ای و تربیت رسانه‌ای	خانواده
انتخاب آگاهانه محتوا	فرد
آموزش و ارتقای سواد رسانه‌ای	سازمان
مقابله مسئولانه با شایعه و تحریف	جامعه
روایت‌گری صحیح و تولید محتوای مفید	فضای مجازی

شاخص: افزایش قدرت تشخیص، هویت‌مندی و کاهش اثرپذیری از روایت‌های نادرست.

۸. عرصه اجتماعی

جامعه‌ای که از اعتماد، مشارکت و همکاری برخوردار است، در برابر فشارها تاب‌آوری بیشتری دارد.

در این عرصه، مقاومت با رفتارهایی مانند:

همدلی + مشارکت + خدمت + مسئولیت‌پذیری + همکاری تقویت می‌شود.

نمونه‌های عملی

- کمک به حل مسائل دیگران؛
- مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی؛
- تقویت روحیه همکاری؛
- پرهیز از دامن‌زدن به شایعات و اختلافات؛
- احترام به تفاوت‌ها و گفت‌وگوی سازنده؛
- تقویت اعتماد و سرمایه اجتماعی.

شاخص: افزایش همکاری، اعتماد و توان جامعه برای عبور از بحران.

۹. عرصه اقتصادی

تاب‌آوری اقتصادی به معنای بی‌نیازی مطلق نیست؛ بلکه به معنای کاهش آسیب‌پذیری، افزایش بهره‌وری و توان ادامه فعالیت در شرایط فشار است.

در سطح فردی و خانوادگی:

- مصرف مسئولانه؛
- مدیریت منابع؛
- افزایش مهارت و بهره‌وری؛
- پرهیز از اسراف.

در سطح سازمانی و ملی:

- افزایش بهره‌وری؛
- تولید و کارآفرینی؛
- حمایت از تولید؛
- کاهش وابستگی‌های آسیب‌زا؛
- استفاده صحیح از منابع.

شاخص: توان ادامه فعالیت و حفظ کارآمدی اقتصادی در شرایط دشوار.

۱۰. عرصه سازمانی و مدیریتی

سازمان مقاوم سازمانی نیست که فقط در شرایط عادی خوب کار کند؛ بلکه سازمانی است که در شرایط فشار نیز بتواند مأموریت خود را حفظ و با شرایط جدید سازگار شود.

مؤلفه	کارکرد
نظم و انضباط	کاهش خطا و اتلاف
آموزش	افزایش توان نیرو
آمادگی	کاهش غافلگیری
کار تیمی	استفاده از ظرفیت جمعی
نوآوری	حل مسائل جدید
انتقال تجربه	جلوگیری از تکرار خطا
مدیریت صحیح	حفظ جهت و اولویت‌ها

شاخص: استمرار مأموریت و افزایش اثربخشی سازمان.

۱۱. عرصه امنیتی و دفاعی

در لایه سخت مقاومت، هدف اصلی حفظ امنیت، پیشگیری از تهدید و دفاع از کشور و مردم است.

عرصه امنیتی

تمرکز بر پیشگیری و کاهش آسیب‌پذیری است:

- هوشیاری؛
- رعایت ضوابط؛
- حفاظت اطلاعات؛
- توجه به نشانه‌های تهدید؛
- گزارش‌دهی مسئولانه؛
- تقویت فرهنگ امنیتی.

عرصه دفاعی و نظامی

تمرکز بر آمادگی برای دفاع و مقابله با تهدیدات مسلحانه است:

- آموزش؛
- آمادگی؛
- انضباط؛

- شناخت مأموریت؛
- حفظ توان دفاعی؛
- بازدارندگی؛
- اجرای مسئولانه مأموریت در چارچوب قانون.

شاخص: کاهش آسیب پذیری، حفظ آمادگی و توان پاسخ مؤثر به تهدید.

۱۲. از شناخت عرصه تا تشخیص مسئولیت

شناخت عرصه‌ها زمانی ارزشمند است که فرد بتواند جایگاه خود را در آن‌ها پیدا کند.

برای این کار، پنج سؤال ساده مطرح می‌شود:

پرسش	هدف
چه تهدید یا مسئله‌ای وجود دارد؟	شناخت مسئله
این مسئله به کدام سطح مربوط است؟	تعیین مقیاس
در کدام عرصه قرار می‌گیرد؟	تعیین حوزه مسئولیت
من چه نقشی می‌توانم ایفا کنم؟	تشخیص مسئولیت
چه اقدام مشخصی از من برمی‌آید؟	تبدیل شناخت به عمل

بنابراین:

مسئله ← سطح ← عرصه ← مسئولیت ← اقدام

این زنجیره، نقطه اتصال شناخت مقاومت با عمل مسئولانه است.

۱۳. نقشه عملی مقاومت

برای اینکه مفهوم مقاومت از یک بحث نظری به رفتار تبدیل شود، می‌توان از این الگوی ساده استفاده کرد:

شناخت مسئله



تشخیص سطح و عرصه



تعیین مسئولیت خود



انتخاب هدف مشخص



تعیین اقدام قابل اجرا



اجرای مسئولانه



ارزیابی نتیجه



اصلاح و اقدام بعدی

مثال؛ فرض کنید در محیط کاری، انتشار اخبار تأیید نشده موجب نگرانی نیروها شده است:

مرحله	نمونه
شناخت مسئله	انتشار خبر تأیید نشده
تعیین سطح	سازمانی - اجتماعی
تعیین عرصه	شناختی و رسانه‌ای
تشخیص مسئولیت	جلوگیری از باز نشر و بررسی منبع
اقدام	راستی‌آزمایی و اطلاع‌رسانی صحیح
ارزیابی	کاهش باز نشر و افزایش اطمینان
اقدام بعدی	آموزش کوتاه سواد رسانه‌ای

این مثال نشان می‌دهد مقاومت الزاماً با یک اقدام بزرگ آغاز نمی‌شود؛ گاهی یک رفتار درست و مسئولانه در یک موقعیت روزمره، بخشی از مقاومت است.

۱۴. نقش فرد در عرصه‌های مقاومت

هر فرد لازم نیست در همه عرصه‌ها نقش یکسان داشته باشد. مهم آن است که عرصه مسئولیت خود را بشناسد و در همان حوزه مؤثر باشد.

جایگاه	نمونه مسئولیت
فرد و خانواده	خودسازی، تربیت، مدیریت رسانه و مصرف مسئولانه
دانشجو و جوان	یادگیری، مهارت‌آموزی، تولید علمی و مسئولیت اجتماعی
کارمند	سلامت اداری، نظم، بهره‌وری و خدمت
مربی	تربیت، پاسخ به شبهات و الگوسازی
فرمانده و مدیر	کارآمدی، تربیت نیرو، تصمیم‌گیری و انسجام

نیروی عملیاتی و رزمنده	آمادگی، انضباط، مهارت و اجرای مأموریت
فعال فرهنگی و رسانه‌ای	تولید محتوای صحیح و تقویت سواد رسانه‌ای
شهروند	مشارکت، خدمت، قانون‌مداری و تقویت اعتماد اجتماعی

۱۵. موانع عمومی مقاومت

برخی موانع می‌توانند چندین عرصه را هم‌زمان تضعیف کنند.

مانع	عرصه‌های تحت تأثیر	راهکار عمومی
غفلت و سستی	اعتقادی، فرهنگی	خودارزیابی و تقویت معرفت
ناآگاهی	شناختی، رسانه‌ای	مطالعه و آموزش
هیجان‌زدگی	شناختی، اجتماعی	توقف، بررسی و راستی‌آزمایی
شایعه و تحریف	شناختی، رسانه‌ای، اجتماعی	بررسی منبع و پرهیز از بازنشر
فردگرایی	اجتماعی، سازمانی	کار تیمی و مشارکت
بی‌انضباطی	سازمانی، دفاعی	نظم و تمرین
راحت‌طلبی	فردی، سازمانی	مسئولیت‌پذیری و افزایش آمادگی
ناامیدی	اعتقادی، اجتماعی	واقع‌بینی، امید و اقدام
ضعف مهارت	سازمانی، اقتصادی، دفاعی	آموزش و تمرین مستمر
اختلاف و بی‌اعتمادی	اجتماعی، سازمانی	گفت‌وگو، همکاری و حل مسئله

۱۶. شاخص‌های مقاومت

مقاومت زمانی قابل ارزیابی است که نشانه‌های آن در رفتار و عملکرد دیده شود.

مؤلفه	نشانه قابل مشاهده
ایمان و هویت	ثبات در اصول در شرایط فشار
بصیرت	تشخیص خبر، شایعه و روایت تحریف‌شده
مسئولیت‌پذیری	اقدام بدون انتظار برای نظارت دائمی
آمادگی	توان ادامه فعالیت در شرایط دشوار
انسجام	همکاری مؤثر با دیگران
تاب‌آوری	حفظ عملکرد در بحران
کارآمدی	حل مسئله با منابع موجود
سواد رسانه‌ای	پرهیز از بازنشر مطالب تأییدنشده
امنیت‌پذیری	رعایت ضوابط و توجه به آسیب‌پذیری‌ها

۱۷. فعالیت یادگیری

فعالیت اول: شناسایی عرصه

یک مسئله واقعی در محیط زندگی، خانواده یا مأموریت خود انتخاب کنید و مشخص کنید:

۱. مسئله چیست؟
۲. در کدام سطح قرار دارد؟
۳. به کدام عرصه مربوط است؟
۴. مسئولیت شما در برابر آن چیست؟
۵. چه اقدام مشخصی می‌توانید انجام دهید؟

فعالیت دوم: تحلیل یک موقعیت

یک نمونه از شایعه، تحریف یا مسئله اجتماعی را انتخاب کنید و مشخص کنید:

مسئله ← عرصه ← تهدید ← مسئولیت ← اقدام

فعالیت سوم: اولویت‌بندی

از میان عرصه‌های مقاومت، دو عرصه‌ای را که در محیط مأموریتی شما اهمیت بیشتری دارند انتخاب کنید و علت انتخاب خود را توضیح دهید.

۱۸. خودارزیابی

به هر سؤال از ۱ تا ۵ امتیاز دهید:

سؤال	امتیاز ۱ تا ۵
در شرایط فشار، بر اصول خود پایدار می‌مانم.	
پیش از پذیرش یا انتشار خبر، آن را بررسی می‌کنم.	
در برابر مسائل اجتماعی بی‌تفاوت نیستم.	
در کار گروهی مسئولیت خود را انجام می‌دهم.	
برای افزایش دانش و مهارت خود برنامه دارم.	
در شرایط دشوار، توان ادامه مأموریت را حفظ می‌کنم.	

	ضوابط و ملاحظات امنیتی را جدی می‌گیرم.
	برای افزایش بهره‌وری و کاهش اتلاف تلاش می‌کنم.

پرسش نهایی: کدام عرصه بیشترین نیاز را به تقویت دارد و برای اصلاح آن چه اقدام مشخصی می‌توانم انجام دهم؟

۱۹. برنامه اقدام فردی

سطح	عرصه اولویت‌دار	وضعیت فعلی	هدف	اقدام مشخص	زمان ارزیابی
فردی					
خانواده					
اجتماعی					
سازمانی					
کشور					

۲۰. نقشه مفهومی درس

مقاومت



شناخت مسئله و تهدید



تشخیص سطح مقاومت

فرد ← خانواده ← جامعه ← سازمان ← کشور



تشخیص عرصه مقاومت

اعتقادی و هویتی

شناختی

فرهنگی

رسانه‌ای و روایی
اجتماعی
اقتصادی
سازمانی و مدیریتی
امنیتی
دفاعی و نظامی



تشخیص مسئولیت



اقدام متناسب



ارزیابی نتیجه



افزایش تاب‌آوری و توان مقاومت

جمع‌بندی درس:

مقاومت یک رفتار تک‌بعدی و محدود به میدان نظامی نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها و رفتارهای به‌هم‌پیوسته است که از فرد آغاز می‌شود و می‌تواند در خانواده، جامعه، سازمان و کشور گسترش یابد.

برای فهم دقیق‌تر مقاومت باید سه مفهوم را از یکدیگر تفکیک کرد:

سطح مقاومت = در چه مقیاسی؟

عرصه مقاومت = در چه حوزه‌ای؟

لایه مقاومت = با چه نوع مواجهه‌ای؟

مقاومت در عرصه‌های اعتقادی و هویتی، شناختی، فرهنگی، رسانه‌ای، اجتماعی، اقتصادی، سازمانی، امنیتی و دفاعی نمود پیدا می‌کند و در هر عرصه، اقدام و شاخص خاص خود را دارد.

از این منظر، مقاومت فقط «ایستادن در برابر تهدید» نیست؛ بلکه افزایش توان فرد و جامعه برای حفظ اصول، حل مسئله، ادامه مأموریت و کاهش آسیب‌پذیری است.

بنابراین، پرسش اصلی برای هر فرد این نیست که:

«دیگران برای مقاومت چه می‌کنند؟» بلکه باید پرسید:

«در سطح و عرصه مسئولیت من، اکنون چه کاری از من ساخته است؟»

این پرسش، حلقه اتصال شناخت مقاومت به مسئولیت‌پذیری است و زمینه را برای درس چهاردهم، یعنی الگوی تحقق مقاومت فراهم می‌کند.

پیام‌های کلیدی درس

- ✚ مقاومت از فرد آغاز می‌شود، اما در فرد متوقف نمی‌ماند.
- ✚ سطح مقاومت با عرصه مقاومت تفاوت دارد.
- ✚ مقاومت فقط نظامی نیست؛ اعتقادی، شناختی، فرهنگی، رسانه‌ای، اجتماعی، اقتصادی، سازمانی، امنیتی و دفاعی نیز هست.
- ✚ عرصه‌های مقاومت به یکدیگر وابسته‌اند و ضعف یک عرصه می‌تواند عرصه‌های دیگر را آسیب‌پذیر کند.
- ✚ هر فرد باید سطح، عرصه و مسئولیت خود را بشناسد.
- ✚ مقاومت زمانی قابل سنجش است که در رفتار، عملکرد و نتیجه مشاهده شود.
- ✚ شناخت زمانی ارزشمند است که به مسئولیت و اقدام درست منجر شود.

جمله پایانی درس:

مقاومت از جایی آغاز می‌شود که انسان مسئله را می‌شناسد، مسئولیت خود را می‌پذیرد و برای انجام آن، یک اقدام درست و قابل سنجش انجام می‌دهد.

درس چهاردهم) الگوی جامع تحقق مقاومت

از باور تا کنش، سازماندهی و قدرت سازی

جایگاه درس در زنجیره آموزشی

در درس سیزدهم، مقاومت از منظر میدان عمل و مسئولیت فردی و جمعی بررسی شد و روشن گردید که مقاومت از انسان آغاز می شود و در خانواده، جامعه، سازمان و کشور گسترش می یابد.

اکنون پرسش این درس، پرسش دیگری است:

چگونه می توان مقاومت را از یک باور و انگیزه درونی، به یک فرایند پایدار، منسجم و قدرت آفرین تبدیل کرد؟

بنابراین درس چهاردهم به جای تکرار «کجا و در چه سطحی مقاومت کنیم»، بر این موضوع تمرکز دارد که مقاومت چگونه ساخته، تقویت، سازماندهی و پایدار می شود.

سؤال محوری:

چگونه می توان ایمان و باور به مقاومت را به بصیرت، خودسازی، کنش مؤثر، سازماندهی و در نهایت قدرت پایدار تبدیل کرد؟

اهداف درس:

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. مفهوم «تحقق مقاومت» را به عنوان یک فرایند مستمر توضیح دهد.
۲. مراحل تبدیل باور به قدرت را تشریح کند.
۳. شش اصل تحقق مقاومت را با مصادیق محیط زندگی و مأموریت خود تطبیق دهد.
۴. مهم ترین موانع تحقق مقاومت را شناسایی و برای آنها راهکار ارائه کند.
۵. نقش فردی و سازمانی خود را در فرایند تحقق مقاومت مشخص کند.
۶. برای تقویت یکی از مؤلفه های مقاومت در محیط مأموریتی خود برنامه عملی ارائه دهد.

۱. از «باور مقاومت» تا «تحقق مقاومت»

داشتن باور، شرط آغاز مقاومت است؛ اما به‌تنهایی برای تحقق آن کافی نیست.

ممکن است فردی به ارزش‌های مورد قبول خود باور داشته باشد، اما اگر این باور به شناخت درست، خودسازی، اقدام، همکاری و تولید توانمندی منجر نشود، اثر پایدار اجتماعی و سازمانی ایجاد نخواهد کرد.

از این رو می‌توان فرایند تحقق مقاومت را چنین خلاصه کرد:

ایمان ← بصیرت ← خودسازی ← کنشگری ← سازماندهی ← قدرت‌سازی

این زنجیره نشان می‌دهد که هر مرحله، زمینه مرحله بعدی را فراهم می‌کند.

مرحله	پرسش اساسی	خروجی مورد انتظار
ایمان	برای چه چیزی ایستادگی می‌کنم؟	معنا و انگیزه
بصیرت	در چه شرایطی و چگونه باید عمل کنم؟	تشخیص و انتخاب درست
خودسازی	آیا خودم برای عمل آماده‌ام؟	شخصیت و توانمندی
کنشگری	وظیفه من در میدان چیست؟	اقدام مسئولانه
سازماندهی	چگونه توان فردی را به توان جمعی تبدیل کنیم؟	هم‌افزایی
قدرت‌سازی	حاصل این تلاش چگونه پایدار می‌شود؟	توان دفاع، پیشرفت و حل مسئله

نتیجه: مقاومت زمانی به قدرت تبدیل می‌شود که باور، مسیر مشخص و اقدام مستمر پیدا کند.

۲. اصل اول: ایمان؛ معنابخش مقاومت

ایمان، نقطه آغاز است؛ زیرا به مقاومت معنا، انگیزه و جهت اخلاقی می‌دهد.

ایمان مورد نظر در این درس صرفاً یک احساس درونی نیست؛ بلکه باید در رفتار، مسئولیت‌پذیری و انتخاب‌های فردی و اجتماعی آشکار شود.

مؤلفه	نمود عملی	آسیب یا مانع
معرفت	شناخت مبانی دینی و ارزشی	سطحی‌نگری
اخلاص	انجام مسئولیت بدون منفعت‌طلبی شخصی	خودنمایی
توکل	حفظ اعتماد و آرامش در دشواری‌ها	ترس و اضطراب
تقوا	رعایت حدود اخلاقی و شرعی	توجیه‌گری
امید	نگاه فعال به آینده	یأس و فرسودگی

نکته کلیدی:

ایمان بدون عمل، به شعار تبدیل می‌شود و عمل بدون ایمان ممکن است جهت و پایداری خود را از دست بدهد.

۳. اصل دوم: بصیرت؛ جهت‌دهنده مقاومت

در میدان‌های پیچیده، صرفاً داشتن انگیزه کافی نیست. فرد باید بتواند واقعیت را از روایت، خبر را از شایعه و مسئله واقعی را از برداشت‌های هیجانی تشخیص دهد.

بصیرت یعنی توانایی شناخت درست شرایط، تشخیص اولویت‌ها و انتخاب اقدام متناسب.

مؤلفه بصیرت	اقدام پیشنهادی
مطالعه	پیگیری مستمر موضوعات مرتبط با مأموریت
تحلیل	بررسی علت‌ها، پیامدها و ارتباط مسائل
راستی‌آزمایی	بررسی منبع و صحت اخبار
سواد رسانه‌ای	شناخت شیوه‌های اقناع و عملیات روانی
مشورت	استفاده از تجربه افراد صاحب‌نظر
پرهیز از شتاب‌زدگی	فاصله گرفتن از تصمیم‌گیری صرفاً هیجانی

نتیجه:

بصیرت، فاصله میان «واکنش» و «اقدام درست» است.

فرد بصیر الزاماً کسی نیست که همه پاسخ‌ها را بداند؛ بلکه کسی است که می‌داند چه چیزی را باید بررسی کند، از چه منبعی استفاده کند و پیش از تصمیم چه پرسش‌هایی بپرسد.

۴. اصل سوم: خودسازی؛ تبدیل باور به ظرفیت

اگر ایمان «چرایی» مقاومت را روشن می‌کند و بصیرت «چگونگی» آن را نشان می‌دهد، خودسازی ظرفیت لازم برای عمل را ایجاد می‌کند.

خودسازی در اینجا مجموعه‌ای از ویژگی‌های اخلاقی، روانی، علمی، جسمی و حرفه‌ای است.

مؤلفه	نتیجه مورد انتظار
تقوا و اخلاص	سلامت انگیزه و رفتار

نظم و انضباط	قابلیت اعتماد
مسئولیت‌پذیری	انجام وظیفه بدون نیاز به نظارت دائمی
صبر و استقامت	تداوم در شرایط دشوار
شجاعت	تصمیم و اقدام مسئولانه
دانش و مهارت	افزایش کیفیت عملکرد
آمادگی جسمی و روانی	حفظ کارآمدی در فشار و بحران

اصل کاربردی:

سازمان قوی، از افراد توانمند و قابل اعتماد ساخته می‌شود.

بنابراین خودسازی یک امر کاملاً شخصی نیست؛ هر مقدار که فرد در دانش، اخلاق، انضباط و مهارت رشد کند، بخشی از ظرفیت سازمان نیز افزایش می‌یابد.

۵. اصل چهارم: کنشگری؛ تبدیل ظرفیت به عمل

مقاومت هنگامی تحقق می‌یابد که فرد از «دانستن» و «خواستن» عبور کرده و وارد مرحله «انجام دادن» شود.

کنشگری به معنای فعالیت هیجانی یا اقدام بدون محاسبه نیست؛ بلکه اقدام آگاهانه، مسئولانه، متناسب با مأموریت و در چارچوب قانون و اخلاق است.

الگوی کنشگری مؤثر

مسئله‌شناسی ← تعیین هدف ← انتخاب اقدام ← اجرا ← ارزیابی ← اصلاح

مرحله	پرسش
مسئله‌شناسی	مشکل واقعی چیست؟
هدف‌گذاری	چه تغییری باید ایجاد شود؟
اقدام	چه کاری از من ساخته است؟
اجرا	چگونه آن را عملی کنم؟
ارزیابی	چه نتیجه‌ای حاصل شد؟
اصلاح	چه چیزی باید بهتر شود؟

موانع رایج کنشگری

مانع	پیامد
بی تفاوتی	از دست رفتن فرصت اقدام
ترس	عقب نشینی از مسئولیت
مسئولیت گریزی	انتقال وظیفه به دیگران
کمال گرایی افراطی	آغاز نکردن کار
فرد گرایی	کاهش اثرگذاری
فعالیت بدون هدف	اتلاف انرژی

کنشگری مطلوب، نه انفعال است و نه هیجان؛ اقدام هدفمند و قابل ارزیابی است.

۶. اصل پنجم: سازماندهی؛ تبدیل توان فردی به قدرت جمعی

توان فردی، هر قدر ارزشمند باشد، بدون هماهنگی و تقسیم کار نمی تواند پاسخ گوی مسائل پیچیده باشد.

سازماندهی یعنی تبدیل ظرفیت های پراکنده به یک توان هماهنگ و هدفمند.

الزام سازماندهی	معنای عملی
هدف مشترک	همه بدانند برای چه کاری تلاش می کنند
تقسیم کار	هر فرد مسئولیت مشخص داشته باشد
شایسته گزینی	استفاده از افراد متناسب با توانایی آنان
تربیت نیرو	جایگزین سازی و استمرار سازمان
انتقال تجربه	جلوگیری از تکرار خطاها
هماهنگی	جلوگیری از موازی کاری
ارتباط مؤثر	انتقال سریع و دقیق اطلاعات
ارزیابی	سنجش نتیجه و اصلاح عملکرد

آسیب های سازماندهی ضعیف

جزیره ای عمل کردن ← موازی کاری ← اتلاف منابع ← کاهش اعتماد ← افت کارآمدی

اصل مهم:

سازماندهی موفق به معنای افزایش تشکیلات نیست؛ بلکه به معنای افزایش هماهنگی، تقسیم درست مسئولیت و استفاده بهتر از ظرفیت موجود است.

۷. اصل ششم: قدرت‌سازی؛ خروجی نهایی فرایند مقاومت

اگر مقاومت فقط برای دفع تهدید باشد، با پایان تهدید ممکن است فرسوده شود؛ اما اگر به تولید توانمندی منجر شود، به یک ظرفیت پایدار تبدیل خواهد شد.

از این منظر، قدرت فقط قدرت نظامی نیست.

حوزه قدرت	نمونه شاخص
اعتقادی	ایمان، هویت، انگیزه و اعتماد
انسانی	نیروی مؤمن، متخصص و مسئولیت‌پذیر
علمی و فناوریانه	دانش، پژوهش و نوآوری
فرهنگی	آموزش، هنر، ادبیات و هویت
اقتصادی	تولید، بهره‌وری و کاهش وابستگی
اجتماعی	اعتماد، مشارکت و انسجام
رسانه‌ای	توان تولید و انتقال روایت صحیح
دفاعی و امنیتی	آمادگی، بازدارندگی و حفاظت
مدیریتی و سازمانی	کارآمدی، تصمیم‌گیری و حل مسئله

معیار اصلی:

هر اقدامی که توان جامعه و سازمان را برای حفظ ارزش‌ها، حل مسائل، مقابله با تهدیدها و پیشبرد اهداف افزایش دهد، بخشی از قدرت‌سازی است.

۸. پیوستگی شش اصل

شش اصل تحقق مقاومت را نباید شش موضوع جدا از هم دانست.

رابطه آن‌ها چنین است:

✓ ایمان، انگیزه می‌دهد؛

بصیرت، جهت می‌دهد؛

خودسازی، ظرفیت می‌سازد؛

کنشگری، ظرفیت را فعال می‌کند؛

سازماندهی، توان فردی را هم‌افزا می‌کند؛
و قدرت‌سازی، نتیجه را پایدار می‌سازد.

اگر این مؤلفه ضعیف باشد	پیامد احتمالی
ایمان	فرسایش انگیزه و معنا
بصیرت	اقدام نادرست یا هیجانی
خودسازی	ضعف توان اجرای مسئولیت
کنشگری	تبدیل باور به انفعال
سازماندهی	پراکندگی و اتلاف ظرفیت
قدرت‌سازی	ناپایداری و وابستگی

۹. موانع تحقق مقاومت

موانع تحقق مقاومت را می‌توان در چهار دسته اصلی جمع‌بندی کرد:

دسته	موانع نمونه	راهکار محوری
درونی	غفلت، سستی، راحت‌طلبی، ناامیدی	خودسازی و انضباط
شناختی	جهل، شایعه، تحریف، تحلیل سطحی	مطالعه و راستی‌آزمایی
اجتماعی	فردگرایی، اختلاف، بی‌اعتمادی	گفت‌وگو و کار جمعی
سازمانی	موازی‌کاری، ضعف هماهنگی، ضعف مهارتی	آموزش، تقسیم کار و ارزیابی

یک قاعده مهم: مقاومت فقط با شناخت دشمن تقویت نمی‌شود؛ با اصلاح ضعف‌های درونی نیز تقویت می‌شود.

۱۰. نقش افراد در تحقق مقاومت

در این درس، نقش‌ها از منظر «فرایند تحقق» بررسی می‌شوند، نه صرفاً عنوان سازمانی.

نقش	سهم اصلی در تحقق مقاومت
پاسدار	الگوی تعهد، آمادگی، مسئولیت و خدمت
فرمانده	ایجاد جهت، سازماندهی، تربیت نیرو و افزایش کارآمدی
رزمنده	آمادگی، اجرای مسئولیت و حفظ توان مأموریتی
مربی و هدایتگر	انتقال دانش، تربیت انسان و تقویت بصیرت
مدیر	فراهم کردن زمینه رشد، هماهنگی و اصلاح فرایندها

هر فرد	تبدیل مسئولیت شخصی به اقدام مؤثر
--------	----------------------------------

اصل مشترک:

هر نقش زمانی در تحقق مقاومت مؤثر است که از مسئولیت‌پذیری، شایستگی، کارآمدی و روحیه خدمت برخوردار باشد.

۱۱. شاخص‌های قابل مشاهده تحقق مقاومت

برای اینکه مقاومت صرفاً یک مفهوم ذهنی باقی نماند، باید بتوان تحقق آن را سنجید.

مؤلفه	شاخص قابل مشاهده
ایمان	پایداری اخلاقی و معنوی در شرایط دشوار
بصیرت	تصمیم‌گیری مبتنی بر اطلاعات معتبر و تحلیل
خودسازی	نظم، مسئولیت‌پذیری و ارتقای مهارت
کنشگری	اقدام به موقع و حل مسئله
سازماندهی	همکاری مؤثر و کاهش موازی‌کاری
قدرت‌سازی	افزایش توان علمی، انسانی، سازمانی و دفاعی
امید	حفظ انگیزه و توان ادامه مأموریت
کارآمدی	تحقق نتیجه با استفاده مناسب از منابع

مقاومت زمانی از سطح شعار عبور کرده است که آثار آن در رفتار، عملکرد و نتیجه قابل مشاهده باشد.

۱۲. از مقاومت فردی تا قدرت پایدار

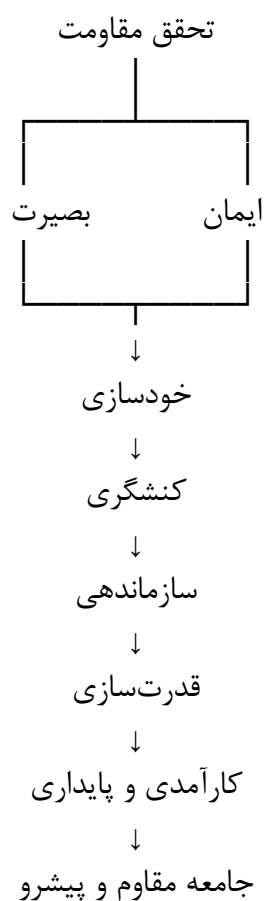
درس سیزدهم، دامنه و عرصه‌های مقاومت را مشخص کرد؛ این درس، سازوکار تحقق آن را توضیح می‌دهد.

بنابراین می‌توان رابطه دو درس را چنین خلاصه کرد:

درس سیزدهم	درس چهاردهم
مقاومت در کجا تحقق می‌یابد؟	مقاومت چگونه تحقق می‌یابد؟
خود، خانواده، جامعه، سازمان، کشور	ایمان، بصیرت، خودسازی، کنشگری، سازماندهی، قدرت‌سازی
تعیین میدان مسئولیت	تعیین فرایند اقدام
«کجا و در چه عرصه‌ای؟»	«چگونه و با چه سازوکاری؟»

این تفکیک، از تکرار محتوای دو درس جلوگیری می‌کند.

۱۳. نقشه مفهومی درس



۱۴. فعالیتهای یادگیری

فعالیت اول: تشخیص نقطه ضعف

از میان شش اصل تحقق مقاومت، یک اصل را که در محیط زندگی یا مأموریت شما نیازمند تقویت بیشتری است انتخاب کنید و به سه پرسش پاسخ دهید:

۱. وضعیت فعلی چیست؟
۲. مهم‌ترین مانع چیست؟
۳. یک اقدام قابل انجام برای بهبود آن چیست؟

فعالیت دوم: تبدیل باور به عمل

یک باور یا ارزش مهم را انتخاب کنید و مسیر زیر را برای آن تکمیل نمایید:

باور ← شناخت لازم ← مهارت مورد نیاز ← اقدام مشخص ← نتیجه مورد انتظار

فعالیت سوم: از فرد به جمع

یک نمونه از کاری را که به صورت فردی انجام می‌دهید انتخاب کنید و توضیح دهید چگونه می‌توان با تقسیم کار، همکاری یا انتقال تجربه اثر آن را افزایش داد.

۱۵. خودارزیابی

به هر مورد از ۱ تا ۵ امتیاز دهید:

سؤال	امتیاز ۱ تا ۵
در باورها و ارزش‌های خود ثبات دارم.	
برای تصمیم‌های مهم، اطلاعات را بررسی و تحلیل می‌کنم.	
برای ارتقای دانش و مهارت خود برنامه دارم.	
در برابر مسائل، به جای انتظار، اقدام مسئولانه می‌کنم.	
در کار جمعی، روحیه همکاری و تقسیم مسئولیت دارم.	
از تجربه دیگران برای اصلاح عملکرد خود استفاده می‌کنم.	
فعالیت‌های من به افزایش توان و کارآمدی محیط کار کمک می‌کند.	

پرسش پایانی:

بیشترین فاصله میان «آنچه می‌دانم» و «آنچه انجام می‌دهم» در کدام زمینه است؟

۱۶. برنامه اقدام فردی

فراگیر پس از مطالعه درس، یکی از مؤلفه‌های شش‌گانه را برای بهبود انتخاب و برنامه خود را تکمیل کند:

اصل	وضعیت فعلی	هدف	اقدام مشخص	زمان‌بندی	شاخص موفقیت
ایمان					
بصیرت					
خودسازی					
کنشگری					

					سازماندهی
					قدرت سازی

جمع بندی درس:

مقاومت زمانی به یک نیروی پایدار تبدیل می شود که از مرحله باور فراتر رفته و به یک فرایند منسجم و قابل سنجش تبدیل شود.

این فرایند از ایمان آغاز می شود؛ ایمان به انسان معنا و انگیزه می دهد. سپس بصیرت مسیر درست را مشخص می کند. خودسازی ظرفیت لازم برای عمل را ایجاد می کند. با کنشگری این ظرفیت وارد میدان می شود. سازماندهی توان های پراکنده را به قدرت جمعی تبدیل می کند و در نهایت قدرت سازی حاصل این حرکت را پایدار و قابل استمرار می سازد.

بنابراین: مقاومت تحقق یافته، باوری است که به رفتار، رفتاری که به همکاری، و همکاری ای که به قدرت پایدار تبدیل شده است.

پیام های کلیدی:

- ✚ مقاومت با باور آغاز می شود، اما با باور به پایان نمی رسد.
- ✚ ایمان، معنا می دهد؛ بصیرت، جهت می دهد؛ خودسازی، ظرفیت می سازد.
- ✚ کنشگری، فاصله میان «دانستن» و «عمل کردن» را از میان می برد.
- ✚ سازماندهی، توان فردی را به توان جمعی تبدیل می کند.
- ✚ قدرت سازی، معیار مهم پایداری و استمرار مقاومت است.
- ✚ قدرت فقط نظامی نیست؛ انسانی، علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، رسانه ای و سازمانی نیز هست.
- ✚ مهم ترین نشانه تحقق مقاومت، تغییر قابل مشاهده در رفتار، عملکرد و توان حل مسئله است.
- ✚ مقاومت مؤثر، نه واکنش هیجانی و نه شعار، بلکه فرایندی آگاهانه، مسئولانه، منظم و نتیجه محور است.

پیوند با درس پانزدهم

درس چهاردهم به این پرسش پاسخ داد:

مقاومت چگونه از باور به قدرت تبدیل می‌شود؟

اما تحقق این فرایند به هدایت، هماهنگی و تصمیم‌گیری نیاز دارد.

از این‌رو درس پانزدهم یک گام جلوتر می‌رود و به این پرسش می‌پردازد:

چه کسی، با چه ویژگی‌هایی و بر اساس چه اصولی، این فرایند را راهبری می‌کند؟

در نتیجه، مسیر آموزشی دو درس چنین خواهد بود:

تحقق مقاومت ← راهبری مقاومت ← افق آینده مقاومت

برای امروز

امروز لازم نیست برای «مقاومت» یک اقدام بزرگ و مبهم تعریف کنیم.

یک نقطه را انتخاب کنید:

باور خود را عمیق‌تر کنم،

شناخت خود را دقیق‌تر کنم،

یک مهارت را ارتقا دهم،

یک مسئولیت را بهتر انجام دهم،

با دیگران مؤثرتر همکاری کنم،

یا یک توانمندی پایدار برای خود و مجموعه ایجاد کنم.

زیرا مقاومت پایدار از اقدام‌های کوچک، مستمر و مسئولانه ساخته می‌شود.

درس پانزدهم) راهبری مقاومت

از هدایت نیروها تا ساختن مسیر آینده

جایگاه درس در زنجیره آموزشی

دو درس پیشین، دو پرسش اساسی را پاسخ دادند:

درس	محور	پرسش اصلی
درس سیزدهم	عرصه‌ها و سطوح مقاومت	چگونه شناخت میدان و مسئولیت‌پذیری به کنش مؤثر تبدیل می‌شود؟
درس چهاردهم	الگوی تحقق مقاومت	مقاومت چگونه از باور به کنش و قدرت تبدیل می‌شود؟
درس پانزدهم	راهبری مقاومت	چگونه این ظرفیت‌ها جهت می‌گیرند، هماهنگ می‌شوند و استمرار می‌یابند؟
درس شانزدهم	افق آینده مقاومت	این حرکت در نهایت به کدام آینده می‌رسد؟

بنابراین، موضوع این درس نه تکرار مبانی مقاومت و نه بیان دوباره شیوه‌های کنشگری است؛ بلکه تمرکز آن بر هدایت، تصمیم‌گیری، هماهنگی، تربیت نیرو، مدیریت بحران و حفظ جهت حرکت است.

سؤال محوری:

مقاومت هنگامی که به میدان عمل و قدرت تبدیل شد، چگونه باید هدایت شود تا از پراکندگی، فرسایش، انحراف و توقف مصون بماند و در مسیر هدف استمرار پیدا کند؟

اهداف درس:

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. مفهوم «راهبری مقاومت» و تفاوت آن با مدیریت روزمره را توضیح دهد.
۲. عناصر اصلی راهبری مقاومت را شناسایی و در یک چارچوب منسجم بیان کند.
۳. نقش رهبری، فرمانده، مربی، مدیر و نیروی عملیاتی را در راهبری مقاومت تفکیک کند.
۴. الزامات تصمیم‌گیری و مدیریت بحران در شرایط پیچیده را توضیح دهد.

۵. نقش مردم و سرمایه اجتماعی را در پایداری مقاومت تبیین کند.
۶. عوامل فرسایش و انحراف راهبری را شناسایی و برای آن‌ها راهکار ارائه کند.
۷. برای بهبود راهبری در محیط مأموریتی خود یک اقدام عملی طراحی کند.

۱. راهبری مقاومت چیست؟

مقاومت بدون راهبری، ممکن است به مجموعه‌ای از تلاش‌های پراکنده تبدیل شود. راهبری مقاومت یعنی تبدیل ظرفیت‌های انسانی و سازمانی به حرکت هماهنگ، هدفمند و پایدار در جهت یک مقصد روشن.

راهبری با مدیریت روزمره تفاوت دارد:

مدیریت	راهبری
بیشتر بر اجرای امور متمرکز دارد	بر جهت حرکت و آینده تمرکز دارد
مسئله‌محور است	مسئله و مقصد را هم‌زمان می‌بیند
بر کنترل فرایند تأکید دارد	بر هدایت انسان‌ها و فرایندها تأکید دارد
بیشتر به «چگونه انجام دهیم؟» می‌پردازد	علاوه بر «چگونه»، به «چرا» و «به کجا» نیز پاسخ می‌دهد
بیشتر ناظر بر امروز است	امروز را در پیوند با آینده می‌بیند

پس راهبری مقاومت یعنی: مقصدشناسی + جهت‌دهی + تصمیم‌گیری + سازمان‌دهی + تربیت نیرو + حفظ انسجام + مدیریت تغییر و بحران.

۲. الگوی جامع راهبری مقاومت

راهبری را می‌توان در هفت کارکرد اصلی خلاصه کرد:

کارکرد	پرسش راهبری	خروجی مورد انتظار
۱. مقصدشناسی	به کجا می‌خواهیم برسیم؟	هدف و افق روشن
۲. میدان‌شناسی	در چه شرایطی حرکت می‌کنیم؟	شناخت فرصت‌ها، تهدیدها و محدودیت‌ها
۳. جهت‌دهی	اولویت اصلی چیست؟	تمرکز و جلوگیری از پراکندگی
۴. تصمیم‌گیری	در شرایط موجود چه باید کرد؟	انتخاب به‌موقع و مسئولانه
۵. سازمان‌دهی	چه کسی، چه کاری را انجام دهد؟	تقسیم کار و هماهنگی
۶. تربیت و جانشین‌پروری	چه کسانی باید ادامه‌دهنده مسیر باشند؟	سرمایه انسانی پایدار

۷. ارزیابی و اصلاح	آیا مسیر درست است؟	یادگیری، اصلاح و استمرار
--------------------	--------------------	--------------------------

بنابراین:

افق روشن ← شناخت میدان ← تعیین اولویت ← تصمیم ← هماهنگی ← تربیت نیرو ←
ارزیابی و اصلاح ← بازگشت

این زنجیره، هسته راهبری مقاومت است.

۳. ویژگی‌های راهبر مؤثر

راهبری مقاومت پیش از آنکه به ابزار وابسته باشد، به شخصیت و شایستگی راهبر وابسته است.

شایستگی	توضیح	نشانه عملی
ایمان و پابندی ارزشی	داشتن مبنای روشن برای تصمیم‌ها	تغییر نکردن اصول در فشارها
بصیرت	فهم درست شرایط و تشخیص اولویت‌ها	تصمیم نگرفتن بر اساس شایعه
دوراندیشی	دیدن پیامدهای بلندمدت تصمیم	فدای آینده نکردن برای نتیجه کوتاه‌مدت
شجاعت	توان تصمیم‌گیری در شرایط دشوار	فرار نکردن از مسئولیت تصمیم
عقلانیت	استفاده از داده، تجربه و مشورت	پرهیز از تصمیم هیجانی
عدالت	رعایت حق و شایستگی در تقسیم مسئولیت	تبعیض نکردن در ارزیابی نیروها
مردم‌شناسی	شناخت نیازها و ظرفیت‌های جامعه	فاصله نگرفتن از واقعیت مردم
امیدآفرینی	حفظ انگیزه در دشواری‌ها	تبدیل بحران به فرصت یادگیری
پاسخ‌گویی	پذیرش مسئولیت نتایج	فراکشی نکردن شکست‌ها
یادگیرندگی	اصلاح تصمیم بر اساس تجربه	تکرار نکردن خطاهای گذشته

نکته: راهبر موفق کسی نیست که هرگز اشتباه نمی‌کند؛ کسی است که خطا را می‌بیند، مسئولیت آن را می‌پذیرد و مسیر را اصلاح می‌کند.

۴. راهبری؛ از «دستور دادن» تا «جهت دادن»

یکی از آسیب‌های مهم در فهم راهبری، تقلیل آن به صدور دستور است.

راهبری مؤثر چهار مرحله دارد:

تبیین ← اقناع ← سازمان دهی ← پیگیری

مرحله	وظیفه راهبر
تبیین	روشن کردن هدف، ضرورت و اولویت
اقناع	ایجاد فهم مشترک و پاسخ به ابهام‌ها
سازمان دهی	مشخص کردن نقش‌ها، مسئولیت‌ها و منابع
پیگیری	ارزیابی اجرا و اصلاح مسیر

در این الگو، نیروی انسانی صرفاً «مجری دستور» نیست؛ بلکه عضوی مسئول، آگاه و دارای نقش در تحقق هدف مشترک است.

۵. تصمیم‌گیری در میدان مقاومت

شرایط مقاومت معمولاً با ابهام، فشار، محدودیت منابع و تغییر سریع شرایط همراه است. بنابراین راهبری نیازمند تصمیم‌گیری صحیح است.

الگوی تصمیم‌گیری

مرحله	سؤال
شناخت مسئله	مسئله واقعی چیست؟
جمع‌آوری اطلاعات	چه داده‌هایی در اختیار داریم؟
راستی‌آزمایی	کدام اطلاعات قابل اعتماد است؟
تعیین اولویت	مهم‌ترین مسئله کدام است؟
بررسی گزینه‌ها	چه راه‌هایی پیش رو داریم؟
سنجش پیامد	پیامد کوتاه‌مدت و بلندمدت هر گزینه چیست؟
تصمیم	بهترین گزینه در شرایط موجود چیست؟
اجرا	چه کسی و با چه منابعی اجرا می‌کند؟
ارزیابی	نتیجه چه بود و چه چیزی باید اصلاح شود؟

اصل کلیدی:

تصمیم خوب الزاماً تصمیمی نیست که همه پیامدهای آن را از پیش بدانیم؛ تصمیم خوب، تصمیمی است که بر شناخت کافی، مشورت، سنجش پیامد و پذیرش مسئولیت استوار باشد.

۶. راهبری در شرایط بحران

بحران، زمان آزمون واقعی راهبری است. در شرایط عادی ممکن است ضعف‌های مدیریتی پنهان بماند؛ اما بحران، سرعت تصمیم‌گیری، انسجام و اعتماد را آشکار می‌کند.

نیاز بحران	رفتار راهبر
حفظ آرامش	جلوگیری از انتقال اضطراب به مجموعه
تشخیص مسئله	تفکیک مسئله اصلی از مسائل فرعی
اولویت‌بندی	تمرکز منابع بر امور حیاتی
ارتباط	اطلاع‌رسانی روشن، دقیق و به‌موقع
تقسیم مسئولیت	جلوگیری از تمرکز همه امور در یک نفر
استفاده از تخصص	بهره‌گیری از افراد توانمند
انعطاف	اصلاح روش در صورت تغییر شرایط
حفظ امید	ارائه تصویر واقع‌بینانه و امیدوارکننده
بازگشت به وضعیت عادی	مستندسازی تجربه و اصلاح فرایندها

راهبری بحران یعنی تبدیل «آشفته‌گی» به «اولویت»، «ترس» به «اقدام» و «تجربه» به «یادگیری سازمانی».

۷. سرمایه اجتماعی؛ پشتوانه راهبری مقاومت

هیچ حرکت پایداری فقط با ساختار سازمانی پیش نمی‌رود. اعتماد مردم، همکاری اجتماعی و احساس تعلق، سرمایه‌ای اساسی برای استمرار هر حرکت جمعی است.

سرمایه اجتماعی	راه تقویت
اعتماد	صداقت و عمل به وعده‌ها
مشارکت	فراهم کردن زمینه نقش‌آفرینی مردم
همبستگی	کاهش عوامل تفرقه و گفت‌وگوی سازنده
احساس تعلق	پیوند دادن افراد با هدف مشترک
مسئولیت‌پذیری	تبدیل مخاطب به مشارکت‌کننده
پاسخ‌گویی	شنیدن نقدها و توضیح درباره تصمیم‌ها

از این منظر، مردم صرفاً مخاطب مقاومت نیستند؛ یکی از پایه‌های پایداری آن هستند.

۸. نقش ارتباطات و روایت در راهبری

هر حرکت اجتماعی علاوه بر «عمل»، نیازمند «تبیین» است. اگر یک مجموعه نتواند هدف، عملکرد و دستاوردهای خود را به درستی توضیح دهد، فضای روایت به دیگران واگذار می‌شود.

راهبری ارتباطی بر چهار اصل استوار است:

اصل	توضیح
صداقت	پرهیز از بزرگ‌نمایی و اطلاعات نادرست
شفافیت	توضیح آنچه قابل توضیح است
سرعت	جلوگیری از شکل‌گیری خلأ اطلاعاتی
اقتناع	استفاده از منطق، شواهد و گفت‌وگو

بنابراین، روایت صحیح جایگزین واقعیت نیست؛ بلکه باید واقعیت را دقیق، قابل فهم و مسئولانه منتقل کند.

۹. تربیت نیرو و جانشین‌پروری

یکی از تفاوت‌های راهبری پایدار با مدیریت کوتاه‌مدت این است که راهبر فقط به عملکرد امروز خود نمی‌اندیشد؛ بلکه به این سؤال پاسخ می‌دهد:

اگر من فردا در این جایگاه نباشم، چه کسی و با چه شایستگی‌ای مسیر را ادامه خواهد داد؟

اقدام	هدف
شناسایی استعدادها	کشف ظرفیت‌های انسانی
واگذاری مسئولیت	تجربه‌اندوزی و رشد
آموزش مستمر	ارتقای دانش و مهارت
انتقال تجربه	جلوگیری از تکرار خطا
مربی‌گری	رشد فردی و حرفه‌ای
ارزیابی	شناخت نقاط قوت و ضعف
ایجاد فرصت	آماده‌سازی نیرو برای مسئولیت‌های بزرگ‌تر

جانشین‌پروری، ذخیره‌سازی نیروی انسانی نیست؛ ساختن نسلی است که بتواند در شرایط جدید، با حفظ اصول، راه‌حل‌های جدید پیدا کند.

۱۰. کار تیمی و هماهنگی؛ شرط تبدیل ظرفیت به قدرت

یکی از آسیب‌های حرکت‌های جمعی، جزیره‌ای شدن فعالیت‌هاست.

پیامد	آسیب
اتلاف منابع	موازی‌کاری
تصمیم‌های ناهماهنگ	ارتباط ضعیف
وابستگی مجموعه به افراد	فردمحوری
کاهش کیفیت تصمیم	پنهان کردن اطلاعات
تضعیف هدف مشترک	رقابت ناسالم
آشفته‌گی مسئولیت‌ها	نبود تقسیم کار

راهکار اصلی، هم‌افزایی سازمانی است:

هدف مشترک + نقش روشن + ارتباط مؤثر + اعتماد + پاسخ‌گویی = هماهنگی پایدار

۱۱. اخلاق راهبری

قدرت اگر از اخلاق جدا شود، می‌تواند از هدف اصلی خود فاصله بگیرد. از این رو، راهبری مقاومت باید هم‌زمان کارآمد و اخلاق‌مدار باشد.

مصدق	اصل اخلاقی
حفظ حقوق و اعتماد مجموعه	امانت‌داری
ارزیابی افراد بر اساس شایستگی	عدالت
انتقال واقعیت بدون تحریف	صداقت
پرهیز از تحقیر نیروها	حفظ کرامت
شنیدن نظر مخالف	پرهیز از خودکامگی
پذیرفتن پیامد تصمیم	مسئولیت‌پذیری
حرکت در چارچوب مقررات	رعایت قانون
صیانت از اطلاعات ضروری	حفظ اسرار

قدرت راهبری زمانی پایدار است که اعتماد را تولید کند؛ و اعتماد بدون اخلاق پایدار نمی‌ماند.

۱۲. آسیب‌شناسی راهبری مقاومت

راهبری ممکن است از درون با آسیب‌هایی مواجه شود. شناخت این آسیب‌ها بخشی از خود راهبری است.

آسیب	نشانه	راه اصلاح
شخص محوری	وابستگی بیش از حد به یک فرد	تیم سازی و جانشین پروری
تصمیم هیجانی	واکنش سریع بدون تحلیل	مشورت و ارزیابی پیامد
محافظه کاری افراطی	ترس از تصمیم	تقویت شجاعت و مسئولیت پذیری
جزمیت	نپذیرفتن اصلاح	نقدپذیری و یادگیری
بی اعتمادی	کنترل افراطی نیروها	تفویض مسئولیت
فاصله از مردم	تصمیم گیری بدون شناخت واقعیت جامعه	ارتباط مستمر با مردم
فرسودگی	کاهش انگیزه و کیفیت کار	بازسازی توان و توجه به سرمایه انسانی
شعارزدگی	فاصله میان ادعا و عملکرد	سنجش با شاخص های واقعی
روزمرگی	غلبه امور فوری بر اهداف اصلی	بازگشت به اولویت و چشم انداز

۱۳. مدل پنج گانه راهبری

برای جمع بندی می توان راهبری مقاومت را در پنج سطح دید:

سطح	پرسش اصلی	وظیفه راهبری
۱. خود	آیا راهبر خود را مدیریت می کند؟	انضباط، کنترل هیجان، یادگیری
۲. فرد و نیرو	چگونه افراد رشد می کنند؟	اعتماد، تربیت و مسئولیت دهی
۳. تیم و سازمان	چگونه ظرفیت ها هماهنگ می شوند؟	تقسیم کار و هم افزایی
۴. جامعه	چگونه اعتماد و مشارکت ایجاد می شود؟	ارتباط، خدمت و پاسخ گویی
۵. آینده	مسیر در بلندمدت به کجا می رود؟	چشم انداز، جانشین پروری و استمرار

این پنج سطح به هم پیوسته اند:

خودراهبری ← راهبری افراد ← راهبری سازمان ← راهبری اجتماعی ← راهبری آینده

۱۴. نقش های اصلی در راهبری مقاومت

در این درس، نقش ها بر اساس «وظیفه راهبری» از یکدیگر متمایز می شوند:

نقش	مأموریت اصلی	مهم ترین مسئولیت
-----	--------------	------------------

رهبری	تعیین جهت کلان	تبیین افق و جهت کلی حرکت
فرمانده	تبدیل جهت به برنامه	سازمان‌دهی، تصمیم‌گیری و هدایت نیرو
مدیر	اجرای منظم برنامه	هماهنگی منابع و پیگیری
مربی	ساختن انسان	تربیت، رشد و انتقال تجربه
رزمنده/نیروی عملیاتی	تحقق مأموریت	اجرای مسئولانه و بازخورد دادن
مردم	پشتوانه اجتماعی	مشارکت، مطالبه‌گری و همکاری

نکته: این نقش‌ها رقیب یکدیگر نیستند؛ مکمل یکدیگرند. راهبری موفق زمانی شکل می‌گیرد که میان آن‌ها ارتباط و هماهنگی وجود داشته باشد.

۱۵. شاخص‌های راهبری موفق

برای جلوگیری از شعارى شدن بحث، راهبرى باید با شاخص‌های قابل مشاهده ارزیابی شود:

شاخص	نشانه تحقق
وضوح جهت	افراد می‌دانند هدف اصلی چیست
هماهنگی	فعالیت‌ها در یک جهت قرار دارند
تصمیم‌گیری	تصمیم‌ها به‌موقع و مبتنی بر اطلاعات‌اند
اعتماد	افراد مسئولیت می‌پذیرند
تربیت نیرو	افراد جدید توان پذیرش مسئولیت پیدا می‌کنند
تاب‌آوری	مجموعه در بحران مأموریت خود را حفظ می‌کند
یادگیری	خطاها به تجربه تبدیل می‌شوند
پاسخ‌گویی	مسئولیت نتایج پذیرفته می‌شود
سرمایه اجتماعی	اعتماد و مشارکت مردم تقویت می‌شود
استمرار	حرکت وابسته به یک فرد یا یک مقطع نیست

۱۶. نقشه مفهومی درس

مقصد و افق روشن



شناخت میدان



تعیین اولویت و تصمیم‌گیری



سازمان‌دهی و هماهنگی



تربیت و جانشین‌پروری



مدیریت بحران و تغییر



حفظ اعتماد و سرمایه اجتماعی



ارزیابی، یادگیری و اصلاح



راهبری پایدار مقاومت



فعالیت یادگیری

فعالیت اول: تحلیل یک موقعیت

یک موقعیت واقعی در محیط مأموریتی خود انتخاب کنید که در آن هماهنگی یا تصمیم‌گیری با دشواری مواجه بوده است.

جدول زیر را تکمیل کنید:

موضوع	پاسخ
مسئله چه بود؟	
تصمیم چگونه گرفته شد؟	
چه اطلاعاتی کم بود؟	
چه کسانی باید در تصمیم مشارکت می‌کردند؟	
مهم‌ترین نقطه قابل اصلاح چه بود؟	

فعالیت دوم: جانشین‌پروری

فردی را که در محیط کاری شما ظرفیت رشد و پذیرش مسئولیت دارد، مشخص کنید و بنویسید:

چه مهارت یا تجربه‌ای باید به او منتقل شود تا بتواند مسئولیت بیشتری بر عهده بگیرد؟

فعالیت سوم: بحران

فرض کنید یک بحران ناگهانی موجب اختلال در روند عادی مأموریت شده است. در سه گام بنویسید:

۱. نخستین اولویت شما چیست؟
۲. چه اطلاعاتی برای تصمیم نیاز دارید؟
۳. چگونه مسئولیت‌ها را میان اعضای تیم تقسیم می‌کنید؟

خودارزیابی

به هر عبارت از ۱ تا ۵ امتیاز دهید:

عبارت	امتیاز ۱ تا ۵
پیش از تصمیم‌گیری، مسئله را دقیق تعریف می‌کنم.	
در شرایط فشار، از تصمیم‌های هیجانی پرهیز می‌کنم.	
نظر افراد متخصص را می‌شنوم.	
می‌توانم هدف را برای دیگران روشن توضیح دهم.	
مسئولیت را متناسب با توان افراد واگذار می‌کنم.	
از نیروهای توانمند برای آینده مجموعه تربیت می‌کنم.	
از نقد سازنده استقبال می‌کنم.	
در بحران، اولویت‌ها را از امور فرعی جدا می‌کنم.	
پس از پایان کار، عملکرد و تصمیم‌ها را ارزیابی می‌کنم.	
در تصمیم‌ها، منافع فردی را بر هدف جمعی مقدم نمی‌کنم.	

پرسش پایانی خودارزیابی:

مهم‌ترین نقطه قوت من در راهبری چیست و کدام ویژگی را باید در ماه آینده تقویت کنم؟

برنامه اقدام فردی

حوزه راهبری	وضعیت فعلی	هدف	اقدام مشخص	زمان‌بندی
تصمیم‌گیری				
ارتباط و اقناع				
کار تیمی				
تربیت نیرو				

				مدیریت بحران
				نقدپذیری و یادگیری

جمع‌بندی درس:

راهبری مقاومت، هدایت یک حرکت انسانی و اجتماعی در مسیر هدفی روشن و در شرایط متغیر است. راهبر، صرفاً دستوردهنده نیست؛ بلکه باید بتواند مقصد را تبیین کند، میدان را بشناسد، اولویت‌ها را تعیین کند، تصمیم بگیرد، نیروها را هماهنگ کند، اعتماد ایجاد کند، نسل بعد را تربیت نماید و در شرایط بحران مسیر را حفظ و اصلاح کند.

از این منظر، راهبری موفق بر یک فرمول ساده اما عمیق استوار است:

افق روشن + شناخت میدان + تصمیم درست + سازمان‌دهی + تربیت نیرو + اعتماد + یادگیری =
راهبری پایدار

راهبری زمانی موفق است که حرکت به یک فرد وابسته نماند، در بحران فرو نریزد، از تجربه‌ها بیاموزد و بتواند نسل بعدی راهبران و نیروهای توانمند را تربیت کند.

پیام‌های کلیدی

- ✚ راهبری، فقط مدیریت امور روزمره نیست؛ تعیین جهت و ساختن آینده است.
- ✚ راهبری موفق، میان آرمان و عمل، میان انسان و سازمان و میان امروز و آینده پیوند ایجاد می‌کند.
- ✚ تصمیم‌گیری صحیح به شناخت، مشورت، اولویت‌بندی و پذیرش مسئولیت نیاز دارد.
- ✚ در بحران، آرامش، اولویت‌بندی، ارتباط و انعطاف از ارکان اصلی راهبری هستند.
- ✚ اعتماد مردم و سرمایه اجتماعی، پشتوانه مهم پایداری هر حرکت جمعی است.
- ✚ جانشین‌پروری، شرط استمرار راهبری و جلوگیری از وابستگی به افراد است.
- ✚ اخلاق، قانون‌مداری و پاسخ‌گویی، قدرت راهبری را پایدار می‌کنند.
- ✚ راهبری موفق، خطا را پنهان نمی‌کند؛ آن را به تجربه و اصلاح تبدیل می‌کند.
- ✚ هدف نهایی راهبری، فقط حفظ وضع موجود نیست؛ بلکه حفظ جهت، ارتقای کارآمدی و آماده‌سازی مسیر آینده است.

ارتباط با درس شانزدهم

درس پانزدهم به این پرسش پاسخ داد:

«مقاومت چگونه باید هدایت شود تا استمرار پیدا کند؟»

پاسخ آن، در مفاهیمی مانند افق‌گذاری، تصمیم‌گیری، سازمان‌دهی، تربیت نیرو، مدیریت بحران، سرمایه اجتماعی، اخلاق و جانشین‌پروری خلاصه شد.

اما یک پرسش اساسی همچنان باقی می‌ماند:

این حرکت هدایت‌شده در نهایت رو به کدام آینده دارد؟

درس شانزدهم به همین پرسش می‌پردازد و افق آینده مقاومت، ولایت‌مداری، آرمان‌های انقلاب اسلامی، مسئولیت نسل امروز، مهدویت، زمینه‌سازی ظهور و تمدن نوین اسلامی را بررسی می‌کند.

برای امروز

راهبری از جایگاه رسمی آغاز نمی‌شود؛ از مسئولیت‌پذیری آغاز می‌شود.

امروز از خود بپرسیم:

آیا در محیط خود فقط مجری شرایط موجود هستم، یا می‌توانم در جهت‌دهی، اصلاح، تربیت نیرو، حل مسئله و ساختن آینده نیز سهمی داشته باشم؟

یک اقدام کوچک انتخاب کنید:

یک مسئله را دقیق‌تر ببینم، یک تصمیم را عاقلانه‌تر بگیرم، یک نفر را برای مسئولیت آینده تربیت کنم و یک فرایند را بهتر از گذشته تحویل دهم.

این‌گونه راهبری از یک مفهوم نظری به رفتار روزمره و قابل مشاهده تبدیل می‌شود.

درس شانزدهم) افق آینده مقاومت

ولایت‌مداری، زمینه‌سازی ظهور و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی

جایگاه درس در زنجیره آموزشی

درس شانزدهم، حلقه پایانی مجموعه آموزشی «چرا باید ایستاد؟» است. در درس‌های پیشین، مسیر مقاومت از شناخت مبانی و ضرورت آن، تا شناخت میدان، دشمن، ابزارهای تقابل، کنشگری، تحقق و راهبری دنبال شد. اکنون پرسش اصلی این است که:

این حرکت به کدام افق می‌رسد و نسل امروز چه سهمی در ساختن این آینده دارد؟

بنابراین، این درس بیش از آنکه به «چگونگی مقاومت» بپردازد، به چرایی ادامه مسیر، مقصد حرکت و مسئولیت انسان امروز در برابر آینده می‌پردازد.

سؤال محوری

مقاومتی که با ایمان آغاز شده، در میدان عمل تحقق یافته و با راهبری ادامه پیدا کرده است، در نهایت رو به کدام آینده دارد و من امروز چه سهمی در ساختن آن آینده دارم؟

اهداف درس

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. مفهوم «افق آینده مقاومت» را تبیین کند.
۲. جایگاه ولایت‌مداری را در جهت‌دهی و انسجام حرکت مقاومت توضیح دهد.
۳. آرمان‌های انقلاب اسلامی را به‌عنوان جهت‌های کلان حرکت جمعی توضیح دهد.
۴. رابطه میان مسئولیت امروز و امید به آینده مهدوی را تبیین کند.
۵. زمینه‌سازی ظهور را از انتظار انفعالی تفکیک کند.
۶. نقش خود را در ساختن جامعه‌ای عادل، کارآمد، مقتدر و امیدوار تشخیص دهد.
۷. میان مسئولیت فردی، سازمانی و اجتماعی خود و افق تمدنی ارتباط برقرار کند.
۸. یک برنامه عملی برای ایفای سهم خود در ساختن این آینده ارائه دهد.

۱. افق آینده مقاومت؛ از حفظ وضع موجود تا ساختن آینده

در درس‌های پیشین روشن شد که مقاومت فقط واکنش به تهدید نیست. مقاومت، هنگامی معنا و استمرار پیدا می‌کند که هدف و افق داشته باشد.

اگر مقاومت فقط برای حفظ وضع موجود باشد، در برابر فرسایش، تغییر شرایط و گذر زمان آسیب‌پذیر خواهد شد. اما اگر مقاومت با یک آینده مطلوب پیوند بخورد، سختی‌های امروز در چارچوبی معنادار قرار می‌گیرند.

مسیر کلی حرکت

خودسازی ← جامعه‌سازی ← کارآمدی ← عدالت‌خواهی ← تمدن‌سازی ← زمینه‌سازی ظهور

بنابراین، افق آینده مقاومت را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد:

مقاومت، صرفاً ایستادن در برابر آنچه نباید باشد نیست؛ تلاش مستمر برای ساختن آن چیزی است که باید باشد.

۲. ولایت‌مداری؛ محور جهت و انسجام

یکی از پرسش‌های اساسی هر حرکت جمعی این است که:

چه چیزی می‌تواند تلاش‌های پراکنده را در یک جهت مشترک قرار دهد؟

در چارچوب این مجموعه، ولایت‌مداری یکی از عناصر اصلی پاسخ به این پرسش است.

ولایت‌مداری در اینجا به معنای پیروی آگاهانه و مسئولانه از رهبری دینی و سیاسی جامعه اسلامی است؛ پیروی‌ای که با شناخت، بصیرت، مسئولیت‌پذیری و فهم مسیر همراه باشد.

ابعاد ولایت‌مداری

بُعد	معنا	نمود عملی
اعتقادی	باور به ضرورت هدایت الهی در مسیر حق	پیوند ارزش‌ها با تصمیم و عمل
بصیرتی	شناخت جهت‌گیری‌های کلان	تحلیل درست شرایط و پرهیز از برداشت‌های سطحی
اجتماعی	ایجاد همگرایی	ترجیح هدف مشترک بر اختلافات فرعی
عملی	تبدیل شناخت به رفتار	مسئولیت‌پذیری و عمل در چارچوب وظیفه

اخلاقی	حفظ انصاف و تقوا	پرهیز از افراط، تهمت و برخوردهای غیرمسئولانه
--------	------------------	--

چرا ولایت‌مداری در این الگو اهمیت دارد؟

مسئله	نقش ولایت‌مداری
پراکندگی	ایجاد جهت مشترک
اختلاف در اولویت‌ها	تعیین چارچوب کلان حرکت
فشار و بحران	حفظ جهت و آرامش
تغییر نسل‌ها	انتقال اصول و جهت‌گیری
تغییر شرایط	جلوگیری از گم کردن مقصد

ولایت‌مداری، زمانی به یک عنصر سازنده تبدیل می‌شود که با بصیرت، مسئولیت‌پذیری، اخلاق و فهم درست از شرایط همراه باشد.

۳. آرمان‌های انقلاب اسلامی؛ مقصدهای کلان حرکت

مقاومت بدون هدف، ممکن است به صرف ایستادگی تبدیل شود؛ اما آرمان، به آن جهت و معنا می‌دهد.

در این مجموعه، آرمان‌های انقلاب اسلامی را می‌توان در قالب زیر خلاصه کرد:

آرمان	معنای عملی
استقلال	حفظ حق تصمیم‌گیری و جلوگیری از وابستگی تحمیلی
آزادی و مردم‌سالاری دینی	مشارکت مسئولانه مردم در سرنوشت جامعه
عدالت	کاهش تبعیض و فراهم کردن فرصت‌های عادلانه
عزت ملی	حفظ کرامت و شأن جامعه در روابط داخلی و خارجی
امنیت	حفاظت از جان، مال، هویت و آرامش جامعه
پیشرفت	افزایش توان علمی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی
خدمت به مردم	حل مسائل واقعی و ارتقای کیفیت زندگی
مقابله با سلطه و ظلم	ایستادگی در برابر سلطه‌گری و بی‌عدالتی
حرکت تمدنی	ساخت جامعه‌ای الگو بر پایه ایمان، عدالت، علم و کرامت

نکته مهم

آرمان زمانی از شعار فاصله می‌گیرد که به شاخص عملکرد تبدیل شود.

برای مثال:

عدالت ← رفتار عادلانه در محیط کار

پیشرفت ← یادگیری و ارتقای تخصص

خدمت ← حل واقعی مسئله مردم

استقلال ← افزایش توان و کاهش وابستگی

عزت ← حفظ کرامت خود و دیگران

۴. مسئولیت نسل امروز؛ آرمان‌گرایی همراه با کارآمدی

نسل امروز وارث یک مسیر تاریخی است؛ اما صرفاً وارث نیست، بلکه مسئول ادامه و اصلاح آن نیز هست.

استمرار یک آرمان با تکرار گذشته امکان‌پذیر نیست؛ بلکه به کارآمدی در زمان حال و امید به آینده نیاز دارد.

مسئولیت‌های اصلی نسل امروز

مسئولیت	حوزه
حفظ ایمان، هویت و اصول	ارزش‌ها
افزایش توان علمی و تخصصی	دانش
حل مسائل واقعی جامعه	کارآمدی
تولید، بهره‌وری و کاهش وابستگی	اقتصاد
تقویت هویت، امید و مسئولیت‌پذیری	فرهنگ
افزایش اعتماد، مشارکت و همبستگی	جامعه
آماده‌سازی نسل آینده	تربیت
ارتقای بهره‌وری، نظم و پاسخ‌گویی	سازمان

فرمول استمرار

حفظ اصول + اصلاح روش‌ها + افزایش کارآمدی + تربیت نسل آینده = استمرار حرکت

پس حفظ آرمان‌ها به معنای حفظ همه روش‌های گذشته نیست؛ اصول باید پایدار بمانند و روش‌ها متناسب با شرایط اصلاح شوند.

۵. مهدویت؛ افق امید و آینده‌نگری

یکی از پایه‌های مهم اندیشه مهدوی، باور به غلبه نهایی حق و عدالت است.

در این نگاه، تاریخ بشر صرفاً مجموعه‌ای از شکست‌ها و پیروزی‌های پراکنده نیست؛ بلکه آینده‌ای روشن برای حاکمیت عدالت و کرامت انسانی متصور است.

مسیر کلی را می‌توان چنین بیان کرد:

مقاومت در برابر ظلم ← صبر و پایداری ← تلاش و مسئولیت ← امید به نصرت الهی ← غلبه حق و عدالت

در اندیشه شیعه، افق نهایی این مسیر با ظهور حضرت ولی عصر (عج) پیوند می‌خورد.

یک نکته اساسی

انتظار برای آینده روشن نباید بهانه‌ای برای انفعال امروز باشد.

برعکس، امید حقیقی باید انسان را برای انجام وظیفه آماده‌تر کند.

برداشت نادرست	برداشت سازنده
آینده روشن است، پس کاری لازم نیست	آینده روشن، انگیزه بیشتری برای مسئولیت ایجاد می‌کند
انتظار یعنی فقط دعا کردن	انتظار با خودسازی و عمل مسئولانه همراه است
ظهور، مسئله‌ای صرفاً آینده‌محور است	باور به آینده، کیفیت رفتار امروز را تغییر می‌دهد
مشکلات امروز نشانه شکست مسیر است	دشواری، بخشی از آزمون و مسئولیت انسان است

۶. زمینه‌سازی ظهور؛ انتظار از حالت ذهنی تا عمل

زمینه‌سازی ظهور را نمی‌توان به یک اقدام یا رفتار خاص محدود کرد. در این چارچوب، زمینه‌سازی یعنی ساختن انسان و جامعه‌ای که با ارزش‌های توحیدی، عدالت، کرامت و مسئولیت‌پذیری سازگار باشد.

لایه‌های زمینه‌سازی

سطح	زمینه‌سازی عملی
فردی	تقوا، خودسازی، صداقت، مسئولیت‌پذیری
خانوادگی	تربیت اخلاقی و دینی، ایجاد امید و گفت‌وگو
اجتماعی	خدمت، عدالت‌خواهی، مشارکت و کاهش آسیب‌های اجتماعی
سازمانی	کارآمدی، تخصص، نظم، نوآوری و پاسخ‌گویی
فرهنگی	مقابله با یأس، تحریف و دروغ؛ تقویت امید و بصیرت
علمی	تولید دانش و حل مسائل جامعه
اقتصادی	تولید، بهره‌وری، اشتغال و تقویت توان ملی
تمدنی	مشارکت در ساخت جامعه‌ای عادل، مقتدر و اخلاق‌مدار

بنابراین:

زمینه‌سازی ظهور از اصلاح خود آغاز می‌شود، اما در خود متوقف نمی‌ماند؛ به خانواده، جامعه، سازمان و ساختن آینده گسترش می‌یابد.

۷. جامعه اسلامی؛ حلقه میان مقاومت و تمدن

افق تمدنی بدون جامعه‌ای کارآمد، عادل و اخلاق‌مدار قابل تحقق نیست.

از این رو، مسیر حرکت را می‌توان چنین دید:

انسان صالح ← خانواده سالم ← جامعه مسئول ← نظام کارآمد ← تمدن اسلامی

جامعه مطلوب در این نگاه باید چند ویژگی را هم‌زمان داشته باشد:

ویژگی	معنای عملی
ایمان	پیوند زندگی اجتماعی با ارزش‌های توحیدی
عدالت	کاهش تبعیض و رعایت حقوق
علم	توجه به دانش و تخصص
پیشرفت	حرکت مستمر و حل مسئله
اخلاق	رعایت کرامت انسان
امنیت	ایجاد محیط امن برای زندگی و رشد
مشارکت	نقش‌آفرینی مردم
کارآمدی	توان حل مسائل واقعی

۸. تمدن نوین اسلامی؛ افق بلندمدت حرکت

تمدن‌سازی صرفاً به معنای افزایش قدرت مادی نیست. در چارچوب این درس، تمدن مطلوب باید بتواند میان ایمان، علم، عدالت، پیشرفت، اخلاق و قدرت توازن برقرار کند.

ویژگی‌های تمدن مطلوب

مؤلفه	چشم‌انداز
ایمان و معنویت	انسان در کنار پیشرفت مادی، از معنا و اخلاق برخوردار باشد
علم و فناوری	علم در خدمت حل مسائل و پیشرفت جامعه قرار گیرد
عدالت	قدرت و ثروت به ابزار تبعیض تبدیل نشوند
اقتصاد	تولید و رفاه با استقلال و عدالت همراه شود
فرهنگ	هویت و خلاقیت فرهنگی تقویت شود
سیاست	مشارکت و مسئولیت عمومی افزایش یابد
امنیت	امنیت در خدمت آرامش و رشد انسان باشد
کرامت انسانی	انسان ابزار قدرت نباشد

بنابراین تمدن‌سازی یعنی:

قدرت + عدالت + علم + اخلاق + معنویت + کرامت انسان

۹. نقش‌های مختلف در ساختن آینده

افق آینده فقط با یک گروه یا یک نهاد ساخته نمی‌شود. هر بخش از جامعه سهم خود را دارد.

نقش	مسئولیت در ساختن آینده
فرمانده	تربیت نیروی آینده، ارتقای کارآمدی و نگاه بلندمدت
پاسدار	پاسداری از ارزش‌ها، امنیت، هویت و منافع عمومی در چارچوب مأموریت
رزمنده	حفظ آمادگی، مسئولیت‌پذیری و انجام دقیق مأموریت
مربی	تربیت انسان مؤمن، آگاه، امیدوار و توانمند
کارمند و مدیر	افزایش بهره‌وری، پاسخ‌گویی و حل مسئله
معلم و استاد	تربیت علمی و اخلاقی نسل آینده
خانواده	تربیت انسان مسئول و امیدوار
جوان	یادگیری، نوآوری، مشارکت و ساختن آینده

مردم	مشارکت اجتماعی، مطالبه‌گری مسئولانه و خدمت
------	--

نکته محوری:

آینده بزرگ، از مسئولیت‌های کوچک و روزمره ساخته می‌شود.

۱۰. موانع تحقق افق آینده

فاصله میان آرمان و واقعیت، صرفاً با شعار از بین نمی‌رود. باید موانع را شناخت و برای آن‌ها راهکار داشت.

مانع	پیامد	راهکار
یأس	کاهش انگیزه و مشارکت	امید مبتنی بر واقعیت و شناخت پیشرفت‌ها
بی‌اعتمادی	کاهش سرمایه اجتماعی	صداقت، پاسخ‌گویی و گفت‌وگو
تحریف	تغییر برداشت از آرمان‌ها	مطالعه، آموزش و تحلیل
سطحی‌نگری	تصمیم‌های شتاب‌زده	افزایش معرفت و تفکر
انتظار انفعالی	فاصله گرفتن از مسئولیت	تعریف عملی انتظار
ضعف کارآمدی	فاصله آرمان و واقعیت	تخصص، برنامه‌ریزی و ارزیابی
فردگرایی	کاهش توان جمعی	کار تیمی و مشارکت
فرسودگی	کاهش انگیزه و کیفیت	توجه به سرمایه انسانی و امید
شکاف نسلی	دشواری انتقال ارزش‌ها	گفت‌وگوی واقعی میان نسل‌ها

۱۱. امید؛ موتور حرکت به سوی آینده

امید در این درس به معنای نادیده گرفتن مشکلات نیست.

امید واقع‌بینانه یعنی: دیدن مشکل + شناخت ظرفیت + باور به امکان اصلاح + اقدام برای تغییر

امید کاذب	امید مسئولانه
مشکل وجود ندارد	مشکل را می‌بینم
همه چیز خودبه‌خود حل می‌شود	برای حل مسئله اقدام می‌کنم
فقط بر گذشته تکیه می‌کنم	از گذشته برای ساختن آینده استفاده می‌کنم
انتظار نتیجه بدون تلاش	تلاش همراه با اعتماد به آینده

پس:

امید بدون عمل = خوش‌بینی

عمل بدون امید = فرسودگی

امید همراه با عمل = حرکت پایدار

۱۲. از آرمان تا اقدام

یکی از مهم‌ترین آسیب‌ها، فاصله میان آرمان و رفتار روزمره است. برای جلوگیری از این فاصله باید هر آرمان به یک اقدام قابل مشاهده تبدیل شود.

آرمان	پرسش عملی	نمونه اقدام
عدالت	من در جایگاه خود چگونه عادلانه رفتار کنم؟	رعایت انصاف در تقسیم مسئولیت
استقلال	چه توانمندی‌ای باید در خود یا مجموعه افزایش دهم؟	ارتقای تخصص
پیشرفت	چه مسئله‌ای را می‌توانم بهتر حل کنم؟	یادگیری یک مهارت جدید
خدمت	چه مشکلی از مردم یا همکاران را می‌توانم حل کنم؟	حل یک مسئله واقعی
عزت	چگونه کرامت دیگران را حفظ کنم؟	رفتار محترمانه و مسئولانه
مشارکت	در چه عرصه‌ای باید فعال‌تر باشم؟	حضور مسئولانه در فعالیت اجتماعی
امید	چگونه از یأس جلوگیری کنم؟	بیان واقعیت همراه با راه‌حل
تمدن‌سازی	چه چیزی از خود برای نسل آینده باقی می‌گذارم؟	تربیت یک نیروی توانمند

۱۳. نقشه جامع افق آینده مقاومت

می‌توان کل درس را در این زنجیره خلاصه کرد:

ایمان و هویت



ولایت‌مداری و جهت‌یابی



حفظ آرمان‌ها



مسئولیت‌پذیری نسل امروز



خودسازی و جامعه‌سازی



عدالت، پیشرفت و کارآمدی



تمدن سازی



امید و زمینه سازی ظهور



این زنجیره نشان می دهد که «آینده» از «امروز» جدا نیست.

فعالیت های یادگیری

فعالیت اول: سهم من در آینده

یکی از مسئولیت های خود را انتخاب کنید و جدول زیر را تکمیل نمایید:

پرسش	پاسخ
مسئولیت فعلی من چیست؟	
کدام آرمان با مسئولیت من ارتباط بیشتری دارد؟	
وضعیت فعلی چگونه است؟	
چه تغییری باید ایجاد شود؟	
اولین اقدام من چیست؟	

فعالیت دوم: انتظار فعال

یک نمونه از «انتظار انفعالی» و یک نمونه از «انتظار مسئولانه و فعال» بنویسید و تفاوت آن ها را توضیح دهید.

فعالیت سوم: گفت و گوی نسلی

با یک فرد از نسل جوان تر گفت و گو کنید و درباره این پرسش صحبت کنید:

چگونه می توان هم به آینده امیدوار بود و هم مسئولیت مشکلات امروز را پذیرفت؟

نتیجه گفت و گو را در پنج سطر ثبت کنید.

خودارزیابی

به هر پرسش پاسخ کوتاه و صادقانه دهید:

۱. آیا من افق آینده را فقط یک مفهوم کلی می‌دانم یا برای آن اقدام مشخص دارم؟
۲. آیا ولایت‌مداری من با شناخت و مسئولیت‌پذیری همراه است؟
۳. کدام آرمان انقلاب اسلامی در مسئولیت فعلی من بیشتر قابل تحقق است؟
۴. آیا امید به آینده، مرا به تلاش بیشتر سوق می‌دهد؟
۵. آیا در خانواده یا محیط کار، برای تربیت نسل آینده نقشی ایفا می‌کنم؟
۶. آیا انتظار من از آینده، به مسئولیت‌پذیری امروز من منجر شده است؟
۷. اگر بخواهم فقط یک اقدام برای ساختن آینده بهتر انجام دهم، آن اقدام چیست؟

برنامه اقدام فردی

حوزه	وضعیت فعلی	هدف	اقدام مشخص	زمان‌بندی
خودسازی و تقوا				
ولایت‌مداری و بصیرت				
خدمت به مردم				
ارتقای تخصص				
تربیت نسل آینده				
عدالت‌خواهی و مسئولیت اجتماعی				
امیدآفرینی				

جمع‌بندی درس

افق آینده مقاومت، صرفاً ادامه یک مبارزه در برابر تهدیدها نیست؛ بلکه حرکت از وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب است.

در این نگاه، ولایت‌مداری به حرکت جهت می‌دهد، آرمان‌های انقلاب اسلامی مقصدهای کلان را مشخص می‌کنند، مسئولیت نسل امروز استمرار مسیر را تضمین می‌کند، مهدویت افق امیدبخش آینده را ترسیم می‌نماید و زمینه‌سازی ظهور، این امید را به مسئولیت عملی تبدیل می‌کند.

مسیر کلی چنین است:

انسان‌سازی ← جامعه‌سازی ← کارآمدی ← عدالت و پیشرفت ← تمدن‌سازی ← زمینه‌سازی ظهور

از این رو، آینده از امروز جدا نیست. هر رفتار مسئولانه، هر خدمت، هر دانش‌آموزی که تربیت می‌شود، هر مسئله‌ای که با تخصص حل می‌شود، هر بی‌عدالتی که با روش صحیح برای اصلاح آن تلاش می‌شود و هر امیدی که بر پایه واقعیت در جامعه ایجاد می‌گردد، می‌تواند بخشی از این مسیر باشد.

پیام‌های کلیدی پایانی

- ✚ مقاومت بدون افق، ممکن است به ایستادگی صرف تبدیل شود؛ افق به مقاومت جهت می‌دهد.
- ✚ ولایت‌مداری، در این چارچوب، عنصر جهت‌دهی و انسجام حرکت است و باید با بصیرت و مسئولیت‌پذیری همراه باشد.
- ✚ آرمان‌ها زمانی زنده‌اند که از شعار به شاخص و از رفتار تبدیل شوند.
- ✚ استمرار انقلاب، نیازمند حفظ اصول و هم‌زمان اصلاح روش‌ها و افزایش کارآمدی است.
- ✚ مهدویت، افق امید به پیروزی نهایی حق و عدالت است.
- ✚ انتظار حقیقی، با مسئولیت‌پذیری، خودسازی و تلاش برای اصلاح جامعه همراه است.
- ✚ زمینه‌سازی ظهور از انسان آغاز می‌شود و به خانواده، جامعه، سازمان و تمدن گسترش می‌یابد.
- ✚ تمدن‌سازی بدون علم، عدالت، اخلاق، کارآمدی و کرامت انسان تحقق نمی‌یابد.
- ✚ آینده را فقط مدیران و فرماندهان نمی‌سازند؛ هر انسان مسئول، سهمی در ساختن آن دارد.
- ✚ امید حقیقی، نه انکار مشکلات است و نه انفعال در برابر آن‌ها؛ امید یعنی دیدن مسئله و حرکت برای اصلاح آن.

ارتباط با کل مجموعه

این درس، حلقه پایانی مجموعه است.

مسیر مجموعه چنین طی شد:

چرا باید مقاومت کرد؟



شناخت مبانی و ضرورت مقاومت



شناخت دشمن و میدان تقابل



شناخت ابزارها و شیوه‌های اثرگذاری



کنشگری فردی و جمعی



تحقق مقاومت



راهبری مقاومت



افق آینده مقاومت



بنابراین، پاسخ نهایی مجموعه فقط این نیست که:

«چرا باید ایستاد؟»

بلکه پرسش نهایی به این تبدیل می‌شود:

«برای چه آینده‌ای باید ایستاد و سهم من در ساختن آن آینده چیست؟»

سخن پایانی

مقاومت، اگر از ایمان آغاز شود، با بصیرت جهت بگیرد، در عمل و مسئولیت اجتماعی تحقق یابد و با راهبری صحیح استمرار پیدا کند، می‌تواند از یک واکنش مقطعی فراتر رود و به حرکتی برای ساختن آینده تبدیل شود.

در این افق، انتظار به معنای نشستن نیست؛ آماده‌شدن و آماده‌کردن است.

زمینه‌سازی ظهور، فقط سخن گفتن از آینده نیست؛ ساختن انسانی شایسته، خانواده‌ای سالم، جامعه‌ای عادل، سازمانی کارآمد و تمدنی برخوردار از علم، اخلاق، عدالت و کرامت انسانی است.

از این منظر، پرسش پایانی مجموعه یک پرسش شخصی است:

اگر آینده‌ای عادلانه، مقتدر، معنوی و انسانی را می‌خواهم، امروز برای ساختن آن چه کاری از من ساخته است؟

و پاسخ، باید از یک تصمیم کوچک اما واقعی آغاز شود:

امروز یک گام در خودسازی، یک گام در خدمت، یک گام در یادگیری و یک گام در ساختن آینده بردارم.

راهنمای رسمی مطالعه و پاسخ‌گویی به آزمون جامع کتاب «چرا باید مقاومت کرد؟»

(به همراه نمونه سوالات)

با توجه به ماهیت آموزشی و معرفتی کتاب «چرا باید مقاومت کرد؟» و با هدف سنجش میزان فهم، تعمیق، تحلیل و توانایی به کارگیری مفاهیم آن در موقعیت‌های جدید، آزمون حاضر به صورت کتاب‌باز (Open Book) طراحی شده است.

کتاب‌باز بودن این آزمون به این معنا نیست که پاسخ سوالات با جست‌وجوی سریع یک کلمه، عبارت یا جمله در فایل الکترونیکی کتاب به دست آید؛ بلکه برعکس، ساختار سوالات به گونه‌ای تنظیم شده است که فراگیر ابتدا باید محتوای کتاب را عمیقاً مطالعه و منظومه مفهومی آن را درک کرده باشد و سپس در هنگام آزمون، برای بررسی، تطبیق و اطمینان از استدلال خود به متن کتاب مراجعه کند.

از این رو، ملاک اصلی موفقیت در این آزمون، حفظ عبارات کتاب نیست؛ بلکه توانایی فهم رابطه میان مفاهیم، تشخیص علت و معلول، مقایسه دیدگاه‌ها، تحلیل موقعیت‌های جدید و انتخاب گزینه‌ای است که بیشترین انطباق را با منطق کلی کتاب دارد.

۱. مبنای طراحی آزمون

سوالات بر اساس محتوای کتاب و با رویکرد استنباطی، تحلیلی، تلفیقی و مسئله‌محور طراحی شده‌اند. در طراحی سؤال‌ها تلاش شده است:

- همه ۱۶ درس مورد توجه قرار گیرد؛
- بخشی از سوالات میان چند درس ارتباط برقرار کند؛
- پاسخ مستقیم در قالب یک جمله مشخص در متن قابل استخراج نباشد؛
- فراگیر ناگزیر به ترکیب چند مفهوم برای رسیدن به پاسخ شود؛
- گزینه‌های انحرافی تا حد امکان نزدیک، منطقی و قابل تأمل باشند؛
- تمایز میان گزینه‌ها بر اساس دقت مفهومی و توجه به قیود و روابط موجود در کتاب شکل گیرد؛
- برخی سوالات، یک موقعیت فرضی یا مسئله جدید ایجاد کنند تا توانایی انتقال آموخته‌های کتاب سنجیده شود.

بنابراین، آزمون حاضر بیش از آنکه حافظه فراگیر را ارزیابی کند، عمق مطالعه، کیفیت فهم، قدرت استدلال و میزان تسلط بر منظومه فکری کتاب را مورد سنجش قرار می‌دهد.

۲. چگونه کتاب الکترونیکی را مطالعه کنید؟

برای کسب آمادگی مطلوب، توصیه می‌شود کتاب را صرفاً با هدف پاسخ دادن به سؤال‌های احتمالی مطالعه نکنید؛ بلکه آن را به صورت یک منظومه پیوسته و مرتبط مطالعه نمایید.

در مطالعه هر درس، ابتدا محتوای آن را به طور کامل بخوانید و سپس به پرسش‌های زیر توجه کنید:

الف) مسئله اصلی درس چیست؟

مشخص کنید نویسنده در این درس دقیقاً به دنبال پاسخ به چه مسئله‌ای است و چرا این بحث در ساختار کلی کتاب ضرورت پیدا کرده است.

ب) مفاهیم کلیدی درس کدام‌اند؟

مفاهیم اصلی را شناسایی کنید؛ اما به حفظ تعریف آنها اکتفا نکنید. بررسی کنید هر مفهوم چه نقشی در استدلال نویسنده دارد.

ج) ارتباط این درس با درس‌های دیگر چیست؟

پس از مطالعه هر درس، از خود بپرسید:

این بحث چه چیزی را از درس قبلی دریافت می‌کند و چه زمینه‌ای برای درس بعدی فراهم می‌سازد؟

این بخش بسیار مهم است؛ زیرا در آزمون، برخی پاسخ‌ها تنها با کنار هم گذاشتن مطالب چند درس قابل تشخیص هستند.

د) علت، پیامد و راه حل را از یکدیگر تفکیک کنید.

برای هر بحث مشخص کنید:

علت چیست؟ ← مسئله چیست؟ ← چه پیامدی ایجاد می‌شود؟ ← راهکار چیست؟ ← چه شرایط یا محدودیتی برای آن وجود دارد؟

این روش مطالعه، فراگیر را از حفظ گزاره‌ها به سمت فهم روابط میان آنها هدایت می‌کند.

ه) به قیدها و تفاوت‌های ظریف توجه کنید.

در آزمون‌های سطح بالا، معمولاً تفاوت میان پاسخ درست و نادرست در یک نکته ظریف است؛ مانند:

- «همیشه» در برابر «در شرایط خاص»
- «کافی است» در برابر «لازم است»
- «علت» در برابر «یکی از عوامل»
- «هدف» در برابر «ابزار»
- «مقاومت» در برابر «واکنش»
- «شناخت» در برابر «اقدام»
- «ظرفیت» در برابر «قدرت بالفعل»

بنابراین، هنگام مطالعه، به قیود، استثناها، شرایط، رابطه‌ها و تفاوت مفاهیم نزدیک توجه ویژه داشته باشید.

۳. روش پیشنهادی مطالعه برای آزمون کتاب‌باز

پیشنهاد می‌شود مطالعه در سه مرحله انجام شود:

مرحله اول: مطالعه کامل

ابتدا کل کتاب را بدون تمرکز افراطی بر سؤال و آزمون مطالعه کنید تا ساختار کلی و مسیر استدلال کتاب در ذهن شما شکل گیرد.

مرحله دوم: مطالعه تحلیلی

در مطالعه دوم، برای هر درس یک خلاصه بسیار کوتاه تهیه کنید و در کنار آن بنویسید:

مفهوم اصلی | علت | پیامد | راهکار | ارتباط با سایر درس‌ها

در این مرحله، ارتباط میان درس‌ها را نیز مشخص کنید.

مرحله سوم: مرور سریع پیش از آزمون

در مرور نهایی، به جای خواندن دوباره تمام مطالب، به فهرست مطالب، تیترها، مفاهیم کلیدی، ارتباط درس‌ها، مثال‌ها، جمع‌بندی‌ها و نکاتی که قبلاً برای خود یادداشت کرده‌اید مراجعه کنید.

هدف این است که در زمان آزمون بدانید پاسخ احتمالی در کدام بخش و در چه چارچوب مفهومی قرار دارد؛ نه اینکه برای هر سؤال مجبور به جست‌وجوی طولانی در فایل شوید.

۴. شیوه استفاده از کتاب در زمان آزمون

این آزمون کتاب‌باز است؛ بنابراین استفاده از نسخه الکترونیکی کتاب در زمان پاسخ‌گویی مجاز است.

با این حال، توصیه می‌شود برای هر سؤال این ترتیب را رعایت کنید:

۱. ابتدا سؤال را کامل بخوانید.

۲. مسئله و مفهوم اصلی سؤال را تشخیص دهید.

۳. بدون مراجعه فوری به کتاب، گزینه‌های محتمل را تحلیل کنید.

۴. گزینه‌ها را با منطق کلی کتاب مقایسه کنید.

۵. در صورت تردید، به بخش مرتبط کتاب مراجعه و استدلال خود را راستی‌آزمایی کنید.

۶. در نهایت گزینه‌ای را انتخاب کنید که با مجموعه مفاهیم و قیود کتاب بیشترین انطباق را دارد.

به عبارت دیگر، کتاب در این آزمون ابزار بررسی و استناد است، نه جایگزین مطالعه.

چنانچه فراگیر کتاب را قبلاً به‌خوبی مطالعه نکرده باشد، جست‌وجوی کلمات در فایل الکترونیکی الزاماً او را به پاسخ صحیح نمی‌رساند؛ زیرا بسیاری از سؤالات بر اساس ترکیب مفاهیم و استنباط از چند بخش کتاب طراحی شده‌اند.

۵. معیار دقیق نمره‌دهی

آزمون شامل ۴۰ سؤال چهارگزینه‌ای است.

نمره کل: ۱۰۰

ارزش هر سؤال: ۵/۲ نمره

وضعیت پاسخ	نمره
پاسخ صحیح	۵/۲ نمره
پاسخ غلط	۰ نمره
سؤال بدون پاسخ	۰ نمره
بیش از یک گزینه	۰ نمره
نمره منفی	ندارد

بنابراین:

نمره نهایی = تعداد پاسخ‌های صحیح $\times ۵/۲$

برای مثال، فراگیری که به ۳۶ سؤال پاسخ صحیح داده باشد:

$$۳۶ \times ۵/۲ = ۹۰ \text{ نمره}$$

۶. تفسیر پیشنهادی نمرات

نمره	سطح ارزیابی	تفسیر
۹۰ تا ۱۰۰	ممتاز / تسلط نخبگانی	فهم عمیق و توانایی تلفیق و استدلال بر اساس کل کتاب
۸۰ تا ۸۹	بسیار خوب	تسلط مناسب بر مفاهیم و توانایی تحلیل اغلب مسائل
۷۰ تا ۷۹	خوب	فهم مطلوب، با ضعف نسبی در تلفیق چند مفهوم یا چند درس
۶۰ تا ۶۹	قابل قبول	آشنایی و فهم پایه‌ای، اما نیازمند تعمیق مطالعه
کمتر از ۶۰	نیازمند مطالعه مجدد	تسلط کافی بر محتوای تحلیلی و ارتباط میان مباحث حاصل نشده است

این سطوح صرفاً برای تفسیر میزان تسلط علمی پیشنهاد می‌شوند و در صورت وجود ضوابط رسمی دوره، ملاک قبولی نهایی مطابق مقررات آموزشی مربوط اعمال خواهد شد.

۷. نکته پایانی برای فراگیران

در این آزمون، هدف آن نیست که فراگیر صرفاً بتواند بگوید «کتاب چه گفته است؟»؛ بلکه انتظار می‌رود بتواند تشخیص دهد:

چرا این مطلب گفته شده است؟
با کدام مباحث دیگر ارتباط دارد؟
چه نتیجه‌ای از آن به دست می‌آید؟
در یک موقعیت جدید چگونه باید آن را به کار برد؟
و کدام گزینه با منظومه فکری کتاب سازگاری کامل‌تری دارد؟

از این‌رو، بهترین روش آمادگی برای آزمون عبارت است از:

مطالعه کامل ← فهم مفاهیم ← ارتباط دادن درس‌ها ← توجه به قیود و تفاوت‌ها ← تحلیل
مثال‌ها و موقعیت‌ها ← مرور هدفمند ← استفاده هوشمندانه از کتاب در آزمون.

امید است این شیوه مطالعه و ارزیابی، علاوه بر سنجش میزان تسلط فراگیران بر محتوای کتاب، زمینه
تعمیق معرفت، افزایش بصیرت، تقویت قدرت تحلیل و تبدیل دانش به نگرش و رفتار مسئولانه و
جهادی را فراهم سازد.

سوالات آزمون جامع «چرا باید مقاومت کرد؟»

۴۰ سؤال چهار گزینه‌ای استنباطی، تحلیلی و تلفیقی

سطح: استاد، هیئت علمی و فراگیران ممتاز

دستور: در هر سؤال فقط یک گزینه از نظر منظومه فکری کتاب کامل‌تر و دقیق‌تر است.

بخش اول – مبانی، قدرت، هزینه و سنت‌های الهی

مبنای این بخش، پیوند میان «حق و قدرت»، «عاملیت و استقلال»، «هزینه‌های آشکار و پنهان» و «سنت‌های الهی» است. کتاب تصریح می‌کند که مقاومت نه بی‌هزینه است و نه پافشاری بی‌محاسبه؛ بلکه باید با حق، تناسب، محاسبه و افزایش قدرت پیوند داشته باشد.

۱. کشوری برای کاهش فشار خارجی، بخشی از توان راهبردی خود را واگذار می‌کند. فشار در کوتاه‌مدت کاهش می‌یابد، اما در سال‌های بعد قدرت چانه‌زنی و استقلال تصمیم‌گیری آن نیز کاهش پیدا می‌کند. کدام تحلیل دقیق‌تر است؟

- الف) چون فشار کوتاه‌مدت کاهش یافته، راهبرد موفق بوده است.
- ب) چون هر امتیازدهی سازش است، تصمیم الزاماً باطل است.
- ج) باید هزینه آشکار کوتاه‌مدت را در کنار هزینه پنهان بلندمدت و اثر آن بر عاملیت، قدرت و امنیت ارزیابی کرد.
- د) کاهش قدرت چانه‌زنی اهمیت ندارد، زیرا امنیت خارجی مهم‌تر از استقلال است.

۲. دو جامعه هر دو ادعای «مقاومت» دارند. جامعه اول در برابر فشار ایستادگی می‌کند، اما برای حفظ این ایستادگی به تهدید و رفتار نامتناسب متوسل می‌شود. جامعه دوم روش خود را با نوع تهدید متناسب می‌کند و مرزهای اخلاقی را حفظ می‌کند. بر اساس درس اول و سوم، کدام نتیجه صحیح‌تر است؟

- الف) جامعه دوم به مفهوم مقاومت اصیل نزدیک‌تر است، زیرا مقاومت باید هم حق‌محور و هم عقلانی و متناسب باشد.
- ب) جامعه اول مقاوم‌تر است، زیرا شدت واکنش معیار اصلی مقاومت است.
- ج) هر دو یکسان‌اند، زیرا نتیجه مهم‌تر از روش است.
- د) جامعه دوم سازشکار است، زیرا از شدت واکنش کاسته است.

۳. اگر «حق» جهت مقاومت و «قدرت» امکان تحقق و دفاع از آن باشد، کدام وضعیت بیشترین انحراف را از منظومه کتاب نشان می‌دهد؟

الف) قدرتی که در خدمت عدالت و استقلال قرار گیرد.

ب) حقی که برای دفاع از خود قدرت می‌سازد.

ج) مقاومتی که هم مشروعیت هدف و هم تناسب روش را محاسبه کند.

د) قدرتی که بدون معیار حق و عدالت، صرفاً به افزایش توان تحمیل اراده خود بپردازد.

۴. فردی می‌گوید: «چون سنت نصرت الهی وجود دارد، اگر در یک حرکت حق طلبانه شکست خوردیم، باید نتیجه بگیریم که وعده الهی تحقق نیافته است.» کدام نقد دقیق‌تر است؟

الف) سنت نصرت فقط در مسائل فردی کاربرد دارد.

ب) این برداشت، نصرت را با پیروزی فوری یکی می‌کند؛ در حالی که کتاب آن را با ایمان، عمل، استقامت و تحقق تدریجی نتیجه پیوند می‌دهد.

ج) شکست هرگز در مسیر حق رخ نمی‌دهد.

د) نصرت الهی کاملاً مستقل از رفتار انسان‌هاست.

۵. اگر یک جریان باطل در مقطعی از تاریخ قدرت و رفاه بیشتری به دست آورد، کدام تحلیل با درس چهارم سازگارتر است؟

الف) موفقیت ظاهری باطل، دلیل حقانیت آن است.

ب) چون باطل قدرت دارد، باید راهبرد مقاومت کنار گذاشته شود.

ج) نتیجه مقطعی را نباید با فرجام نهایی یکی دانست؛ ممکن است فرصت یافتن باطل در چارچوب امهال و استدراج فهم شود.

د) هر قدرت مادی الزاماً نشانه رضایت الهی است.

۶. یک مدیر در شرایط بحران می‌گوید: «برای اینکه صبور باشیم، فعلاً هیچ تصمیمی نگیریم.» با توجه به درس چهارم و پنجم، کدام پاسخ دقیق‌تر است؟

الف) درست است؛ صبر یعنی توقف تصمیم‌گیری.

ب) درست است؛ هر اقدام در شرایط ابتلاء خلاف صبر است.

ج) نادرست است؛ صبر فقط تحمل فشار است.

د) نادرست است؛ صبر قرآنی حفظ جهت، استمرار در عمل، کنترل هیجان و ادامه حرکت در مسیر حق است.

۷. کدام گزینه، رابطه عمیق‌تر میان درس سوم و چهارم را نشان می‌دهد؟

الف) درس سوم «چرا مقاومت از نظر راهبردی می‌تواند عقلانی باشد» و درس چهارم «چرا استمرار در این مسیر را نباید با نتیجه فوری سنجید» توضیح می‌دهد.

- (ب) درس سوم کاملاً اقتصادی است و درس چهارم کاملاً عبادی.
- (ج) درس چهارم جایگزین تحلیل هزینه و فایده می‌شود.
- (د) سنت‌های الهی، نیاز به محاسبه ظرفیت و هزینه را از بین می‌برند.
۸. در یک جامعه، فشار خارجی موجب می‌شود افراد مدعی ایمان از یکدیگر جدا شوند و میزان واقعی تعهد آنان آشکار شود. این وضعیت را چگونه باید فهم کرد؟
- (الف) صرفاً شکست اجتماعی است.
- (ب) می‌تواند با سنت غربال و تمیز صفوف در شرایط ابتلاء قابل تحلیل باشد.
- (ج) نشان می‌دهد فشار همیشه جبهه حق را نابود می‌کند.
- (د) نشان می‌دهد ایمان واقعی نیازی به آزمون ندارد.
۹. اگر بخواهیم الگوی پیامبران را با سنت‌های الهی پیوند دهیم، کدام گزینه از همه دقیق‌تر است؟
- (الف) سیره پیامبران نشان می‌دهد سنت‌های الهی فقط نظری‌اند.
- (ب) سنت‌های الهی، جایگزین عمل پیامبران شده‌اند.
- (ج) پیامبران فقط نمونه‌ای از مقاومت نظامی‌اند.
- (د) سیره پیامبران نشان می‌دهد ابتلاء، صبر، غربال، عمل، سازماندهی و جامعه‌سازی چگونه می‌توانند در میدان واقعی تحقق یابند.
- ۱۰.

کدام گزینه، کامل‌ترین زنجیره مباحث پنج درس نخست را بازسازی می‌کند؟

- (الف) حق و ارزش ← شناخت تهدید ← اراده و تناسب ← قدرت و محاسبه ← صبر و استقامت ← عمل و جامعه‌سازی
- (ب) قدرت ← مذاکره ← سازش ← امنیت ← پیروزی فوری
- (ج) ایمان ← حذف تعامل ← قدرت نظامی ← پیروزی
- (د) تهدید ← واکنش ← هزینه ← مذاکره ← پایان بحران

بخش دوم – دشمن‌شناسی، صهیونیسم، تقابل و قدرت راهبردی ایران

در این قسمت، نکته کلیدی این است که کتاب میان بازیگر، هدف، راهبرد و ابزار تفکیک می‌کند و قدرت راهبردی ایران را حاصل هم‌افزایی جغرافیا، ظرفیت ملی، هویت، گفتمان و کنشگری می‌داند.

۱۱. تحلیلگری می‌گوید: «هر فشار خارجی علیه ایران نشان‌دهنده موفقیت کامل ایران است.» بر اساس درس هشتم، مهم‌ترین اشکال این تحلیل چیست؟

الف) فشار خارجی همیشه نشان‌دهنده شکست است.

ب) فشار را باید بر اساس علت، هدف، میزان اثرگذاری و پاسخ مناسب تحلیل کرد؛ نه اینکه خود فشار را به‌تنهایی نشانه موفقیت یا شکست بدانیم.

ج) فشار خارجی اصلاً قابل تحلیل نیست.

د) فشار فقط زمانی معنا دارد که نظامی باشد.

۱۲. چرا کتاب در تحلیل دشمن‌شناسی، تفکیک «بازیگر» ← «هدف» ← «راهبرد» ← «ابزار» را ضروری می‌داند؟

الف) زیرا هر ابزار الزاماً یک دشمن مستقل است.

ب) زیرا هدف و ابزار همیشه یکسان‌اند.

ج) زیرا ممکن است یک اقدام مقطعی با هدف نهایی اشتباه گرفته شود و در نتیجه تحلیل راهبردی مخدوش گردد.

د) زیرا ابزارها از اهداف مهم‌ترند.

۱۳. فرض کنید کشوری موقعیت جغرافیایی بسیار ممتاز، منابع فراوان و جمعیت زیادی دارد؛ اما این ظرفیت‌ها را به‌دلیل ضعف سیاستگذاری و فقدان کنشگری مؤثر نمی‌تواند به اثرگذاری پایدار تبدیل کند. طبق درس نهم، این کشور:

الف) ظرفیت‌های مهم دارد، اما لزوماً قدرت راهبردی بالفعل ندارد.

ب) حتماً قدرت راهبردی است، زیرا جغرافیا تعیین‌کننده نهایی است.

ج) هیچ ظرفیت ژئوپلیتیکی ندارد.

د) فقط با داشتن قدرت نظامی می‌تواند از ظرفیت خود استفاده کند.

۱۴. اگر در یک تحلیل، «حمایت ایران از فلسطین» تنها علت تقابل ایران با رژیم صهیونیستی معرفی شود، کدام اصلاح لازم است؟

الف) فلسطین هیچ نقشی ندارد.

ب) مسئله فقط اقتصادی است.

ج) علت اصلی صرفاً جغرافیای ایران است.

د) فلسطین یکی از عوامل مهم است، اما باید در کنار استقلال، هویت انقلابی، نقش منطقه‌ای و ظرفیت قدرت ایران تحلیل شود.

۱۵. کدام وضعیت بهتر نشان می‌دهد که «ژئوپلیتیک مقاومت» با ژئوپلیتیک صرفاً سرزمینی تفاوت دارد؟

الف) افزایش وسعت مرزهای یک کشور.

ب) اثرگذاری شبکه‌ای از ملت‌ها، دولت‌ها و جریان‌های همسو، علاوه بر موقعیت جغرافیایی رسمی.

ج) افزایش منابع طبیعی.

د) افزایش تعداد پایگاه‌های نظامی.

۱۶. اگر «جغرافیا = زمینه»، «ظرفیت ملی = توان»، «هویت و تمدن = عمق»، «گفتمان = جهت» و «کنشگری = اثرگذاری» باشد، کدام نتیجه منطقی‌تر است؟

الف) هر کدام به تنهایی قدرت راهبردی ایجاد می‌کنند.

ب) گفتمان بدون ظرفیت مادی کافی است.

ج) قدرت راهبردی محصول هم‌افزایی این مؤلفه‌هاست، نه جمع مکانیکی یکی از آنها.

د) جغرافیا تنها مؤلفه‌ای است که باید حفظ شود.

۱۷. یک کشور از نظر ظرفیت دفاعی قوی است، اما در علم، اقتصاد، فرهنگ، اعتماد اجتماعی و فناوری ضعف دارد. بر اساس کتاب، کدام تحلیل دقیق‌تر است؟

الف) چون قدرت دفاعی دارد، سایر ابعاد اهمیت ندارند.

ب) قدرت دفاعی همان قدرت راهبردی است.

ج) ضعف سایر ابعاد فقط مسئله داخلی است و بر مقاومت اثر ندارد.

د) قدرت پایدار نیازمند تقویت هماهنگی مؤلفه‌های متعدد قدرت ملی است.

۱۸. کدام گزینه دقیق‌تر نشان می‌دهد که چرا درس هشتم به درس نهم منتهی می‌شود؟

الف) چون علل تقابل را می‌توان با میزان و نوع ظرفیت‌های ایران و تبدیل آنها به اثرگذاری راهبردی بهتر فهم کرد.

ب) چون قدرت راهبردی ایران علت یگانه همه اختلافات سیاسی است.

ج) چون ژئوپلیتیک جایگزین هویت می‌شود.

د) چون قدرت نظامی تمام علل تقابل را توضیح می‌دهد.

۱۹. اگر یک تحلیلگر «ظرفیت» را با «قدرت بالفعل» یکی بداند، کدام نکته کتاب را از دست داده است؟

الف) ظرفیت هیچ نقشی در قدرت ندارد.

ب) قدرت فقط به جغرافیا وابسته است.

ج) میان داشتن امکانات و توان سازمان‌یافته برای تبدیل آنها به اثرگذاری تفاوت وجود دارد.

د) قدرت راهبردی صرفاً یک مفهوم ذهنی است.

۲۰. کدام گزینه از نظر کتاب، بهترین ترکیب «دشمن‌شناسی» و «خودشناسی» است؟

- الف) شناخت تهدید بدون توجه به ضعف‌های داخلی.
- ب) شناخت اهداف و ابزارهای فشار، همزمان با شناسایی آسیب‌پذیری‌های داخلی و تقویت ظرفیت‌هایی که پاسخ مناسب را ممکن می‌کنند.
- ج) تمرکز صرف بر نقاط ضعف دشمن.
- د) تمرکز بر مشکلات داخلی و حذف تحلیل خارجی.

بخش سوم – جنگ ترکیبی، شناختی و عملیات روانی

کتاب جنگ شناختی را در زنجیره اطلاعات و روایت ← ادراک ← احساس ← محاسبه ← تصمیم ← رفتار تحلیل می‌کند و تأکید دارد که اطلاعات درست نیز اگر گزینشی، خارج از زمینه یا قاب‌بندی‌شده ارائه شود، می‌تواند برداشت گمراه‌کننده ایجاد کند.

۲۱. رسانه‌ای گزارشی کاملاً واقعی منتشر می‌کند، اما فقط دو بخش منفی یک رویداد را بارها برجسته کرده و سایر ابعاد آن را حذف می‌کند. کدام تحلیل دقیق‌تر است؟

- الف) چون اطلاعات واقعی است، اثرگذاری شناختی منتفی است.
- ب) این فقط تبلیغات تجاری است.
- ج) چون دروغی گفته نشده، هیچ تحریفی رخ نداده است.
- د) حتی اطلاعات درست، در صورت حذف زمینه و برجسته‌سازی گزینشی، می‌تواند ادراک ناقص و جهت‌دار ایجاد کند.

۲۲. اگر یک پیام ابتدا احساس ترس ایجاد کند و سپس فرد را به این محاسبه برساند که «هیچ راهی برای مقاومت وجود ندارد»، مهم‌ترین نقطه مداخله شناختی کدام است؟

- الف) فقط جلوگیری از رفتار نهایی.
- ب) بررسی اطلاعات و روایت پیش از تثبیت ادراک و احساس و سپس اصلاح محاسبه.
- ج) حذف کامل احساسات فرد.
- د) پاسخ نظامی به پیام.

۲۳. چرا کتاب تأکید می‌کند که «هر خبر مخالف یا ناخوشایند، جنگ شناختی نیست»؟

- الف) زیرا تشخیص جنگ شناختی نیازمند بررسی هدف، سازمان‌یافتگی، منبع، شواهد، الگوی انتشار و زمینه است.
- ب) زیرا جنگ شناختی فقط با اخبار مثبت انجام می‌شود.

(ج) زیرا خبر نادرست همیشه بی‌اثر است.

(د) زیرا رسانه‌ها هیچ نقشی در جنگ شناختی ندارند.

۲۴. یک پیام اجتماعی می‌گوید: «یا باید همین تصمیم را بپذیرید یا کشور نابود خواهد شد.» بدون ارائه گزینه‌های دیگر. این پیام بیش از همه مصداق کدام روش است؟

الف) برجسته‌سازی

ب) تکرار

ج) دوگانه‌سازی کاذب

د) حذف کامل اطلاعات

۲۵. فردی برای مقابله با جنگ شناختی تصمیم می‌گیرد به هیچ رسانه‌ای اعتماد نکند. طبق کتاب، این راهکار:

الف) بهترین شکل مصونیت شناختی است.

ب) فقط در زمان بحران مناسب است.

ج) باعث حذف اثر همه عملیات شناختی می‌شود.

د) با هدف سواد رسانه‌ای ناسازگار است، زیرا هدف «اعتماد سنجیده و مبتنی بر شواهد» است، نه بی‌اعتمادی مطلق.

۲۶. کدام سناریو بهترین نمونه «جنگ ترکیبی» در منطق کتاب است؟

الف) فقط یک حمله نظامی کوتاه‌مدت.

ب) فشار اقتصادی که همزمان با روایت‌سازی رسانه‌ای، عملیات روانی و فشار سیاسی، محاسبات جامعه هدف را تغییر می‌دهد.

ج) یک اختلاف دیپلماتیک ساده.

د) انتشار یک خبر نادرست بدون هیچ ارتباطی با ابزارهای دیگر.

۲۷. اگر هدف نهایی یک عملیات اثرگذاری، تغییر رفتار باشد، چرا حمله مستقیم به رفتار آخرین حلقه کافی نیست؟

الف) چون رفتار محصول زنجیره‌ای از اطلاعات، ادراک، احساس، محاسبه و تصمیم است و مداخله در مراحل اولیه می‌تواند مسیر را تغییر دهد.

ب) چون رفتار هیچ ارتباطی با ادراک ندارد.

ج) چون فقط احساس تعیین‌کننده رفتار است.

د) چون تصمیم همیشه مستقل از اطلاعات است.

۲۸. یک فرد قبل از بازنشر یک ویدئوی هیجان‌انگیز، منبع، تاریخ، زمینه، منابع مستقل و تفاوت واقعیت با تفسیر را بررسی می‌کند. این رفتار بیش از همه نشان‌دهنده چیست؟

الف) بی‌اعتمادی به رسانه‌ها

ب) حذف هیجان از زندگی اجتماعی

ج) مصونیت شناختی مبتنی بر راستی‌آزمایی و تصمیم مستقل

د) انفعال رسانه‌ای

۲۹. دو رسانه درباره یک رویداد واحد گزارش می‌دهند. هر دو از اطلاعات واقعی استفاده می‌کنند، اما یکی شکست‌ها را برجسته و دیگری موفقیت‌ها را برجسته می‌کند. مهم‌ترین پرسش تحلیلی چیست؟

الف) کدام رسانه تعداد مخاطب بیشتری دارد؟

ب) کدام روایت احساسی‌تر است؟

ج) کدام رسانه سریع‌تر خبر را منتشر کرده است؟

د) چه چیزی در هر روایت برجسته، حذف، قاب‌بندی و به چه معنایی تفسیر شده است؟

۳۰. چرا در درس دوازدهم، «روایت نخست» اهمیت ویژه دارد؟

الف) چون می‌تواند چارچوب اولیه‌ای بسازد که اطلاعات بعدی درون آن تفسیر شوند، هرچند روایت نخست الزاماً کامل یا درست نیست.

ب) چون نخستین روایت همیشه حقیقت دارد.

ج) چون روایت‌های بعدی دیگر هیچ اثری ندارند.

د) چون مخاطب نمی‌تواند روایت اول را اصلاح کند.

بخش چهارم – از شناخت تا کنش، راهبری و افق تمدنی

درس‌های ۱۳ تا ۱۶ صریحاً مسیر را از شناخت مسئله و مسئولیت ← ایمان و بصیرت ←

خودسازی ← کنشگری ← سازماندهی ← قدرت‌سازی ← راهبری ← افق آینده می‌برند.

۳۱. فردی در یک محیط کاری از یک شایعه آسیب‌زا مطلع می‌شود. آن را تشخیص می‌دهد، اما می‌گوید:

«من که مدیر نیستم؛ بنابراین مسئولیتی ندارم.» بر اساس درس سیزدهم، کدام حلقه شکسته شده است؟

الف) تشخیص سطح

ب) تشخیص عرصه

ج) تبدیل شناخت مسئله به مسئولیت و اقدام متناسب

د) قدرت دفاعی

۳۲. اگر فردی ایمان قوی، انگیزه بالا و اطلاعات فراوان داشته باشد، اما به دلیل فقدان نظم، مهارت و آمادگی نتواند وظیفه خود را به درستی انجام دهد، کدام تحلیل دقیق تر است؟

- الف) چون ایمان کافی است، عملکرد اهمیت ندارد.
- ب) حلقه خودسازی ضعیف است؛ ایمان و بصیرت بدون ساختن ظرفیت عملی به تحقق پایدار مقاومت نمی‌انجامند.
- ج) مشکل فقط سازماندهی است.
- د) مشکل فقط دشمن‌شناسی است.

۳۳. کدام وضعیت بهترین نمونه «کنشگری» در معنای دقیق کتاب است؟

- الف) فرد مسئله را می‌شناسد، هدف تعیین می‌کند، اقدام متناسب انجام می‌دهد، نتیجه را می‌سنجد و در صورت نیاز اصلاح می‌کند.
- ب) فرد برای نشان دادن انقلابی‌گری، بدون تحلیل فوراً اقدام می‌کند.
- ج) فرد منتظر دستور می‌ماند تا هیچ خطایی نکند.
- د) فرد آن قدر برای اجرای کامل برنامه صبر می‌کند که اقدام آغاز نمی‌شود.

۳۴. یک سازمان نیروهای متخصص فراوانی دارد، اما هر واحد جزیره‌ای عمل می‌کند، وظایف تکراری انجام می‌شود و تجربه‌ها منتقل نمی‌شوند. طبق درس چهاردهم، کدام حلقه بیش از همه آسیب دیده است؟

- الف) ایمان
- ب) بصیرت
- ج) خودسازی
- د) سازماندهی

۳۵. چرا کتاب «قدرت‌سازی» را نتیجه نهایی فرایند تحقق مقاومت می‌داند؟

- الف) چون قدرت فقط نظامی است.
- ب) چون قدرت‌سازی به معنای افزایش تشکیلات اداری است.
- ج) چون مقاومت زمانی پایدار می‌شود که ایمان و اقدام و همکاری به توان علمی، انسانی، اقتصادی، اجتماعی، رسانه‌ای، مدیریتی و دفاعی تبدیل شود.
- د) چون قدرت جایگزین ایمان می‌شود.

۳۶. کدام گزینه تفاوت دقیق درس سیزدهم و چهاردهم را نشان می‌دهد؟

الف) سیزدهم بیشتر می‌پرسد «مقاومت در کجا، در چه سطح و عرصه‌ای و با چه مسئولیتی؟»؛ چهاردهم می‌پرسد «چگونه این مقاومت از ایمان به قدرت پایدار تبدیل شود؟»
ب) هر دو دقیقاً درباره یک موضوع‌اند.

ج) سیزدهم درباره مقاومت نظامی و چهاردهم درباره مقاومت فرهنگی است.

د) چهاردهم مسئولیت فردی را نفی می‌کند.

۳۷. مدیری صرفاً تلاش می‌کند امور روزمره سازمان را بدون خطا اجرا کند، اما درباره مقصد، آینده، تربیت نیرو و جهت حرکت سازمان تصمیمی ندارد. طبق درس پانزدهم، مشکل اصلی چیست؟

الف) مدیریت او بیش از حد مردمی است.

ب) مدیریت را با راهبری یکی گرفته و عنصر مقصدشناسی، جهت‌دهی و آینده‌نگری را از دست داده است.

ج) چون امور روزمره را انجام می‌دهد، راهبری کامل است.

د) راهبری فقط در شرایط جنگ نظامی لازم است.

۳۸. اگر یک فرمانده برای افزایش سرعت تصمیم‌گیری، مشارکت مردم و سرمایه اجتماعی را حذف کند، کدام اصل راهبری مقاومت بیشتر آسیب می‌بیند؟

الف) انضباط

ب) آمادگی

ج) تصمیم‌گیری

د) مردم‌پایه بودن و حفظ سرمایه اجتماعی

۳۹. فردی می‌گوید: «انتظار برای آینده مطلوب یعنی فعلاً کاری نکنیم؛ وقتی شرایط ظهور فراهم شد، اقدام خواهیم کرد.» کدام گزینه دقیق‌ترین نقد بر اساس درس شانزدهم است؟

الف) انتظار فقط یک مفهوم تاریخی است.

ب) آینده هیچ ارتباطی با عملکرد امروز ندارد.

ج) انتظار حقیقی با خودسازی، مسئولیت‌پذیری، جامعه‌سازی، عدالت‌خواهی و تلاش برای اصلاح امروز همراه است.

د) انتظار یعنی صرفاً افزایش امید روانی.

۴۰ - سؤال جامع نهایی

اگر کل کتاب را یک زنجیره واحد معرفتی - راهبردی - عملیاتی - تمدنی بدانیم، کدام گزینه دقیق‌ترین بازسازی آن است؟

- الف) ایمان ← دشمن‌شناسی ← قدرت نظامی ← مقابله ← پایان تهدید
- ب) شناخت ضرورت و مبانی مقاومت ← فهم قدرت و هزینه‌ها ← شناخت سنت‌های الهی و الگوهای پیامبران ← دشمن‌شناسی و شناخت میدان ← قدرت‌سازی و مقابله چندبعدی ← جنگ شناختی و مصونیت ← مسئولیت و کنشگری ← تحقق و سازماندهی مقاومت ← راهبری ← جامعه‌سازی، عدالت، پیشرفت و تمدن‌سازی
- ج) شناخت دشمن ← مذاکره ← کاهش هزینه ← حفظ وضع موجود ← انتظار آینده
- د) مقاومت فردی ← قدرت نظامی ← بازدارندگی ← مذاکره ← توسعه اقتصادی